

پهراقتصاد

کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال چهارم ● شماره ۹ ● بهار ۱۴۰۰ ● ۱۴۴ صفحه ● ۳۵ هزار تومان



بهره‌وری و توسعه در گروه خرد جمعی

با مطالبی دربارهٔ سیاست‌گذاری، تولید، بازرگانی، خدمات و جامعه

«محسن جلال پور»
فعال و تحلیلگر مسائل اقتصادی کرمان
**کرمان؛ یکی از استان‌های موفق
تاریخ تجارت کشور**

دکتر «حسین مهربانی»
معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان
**پیشرفت اقتصادی با همدلی
مبتنی بر دانش، عمل و انصاف**

دکتر «مجتبی لشکرپلویی» مدرس مدعو دانشگاه صنعتی شریف
و رئیس هیئت مدیره مدیریت سرمایه دایموند
**توسعه در ایران؛
از چرایی منفی تا چگونگی مثبت**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● عکاس: ابوذر احمدی زاده - ایرنا/ وامق آباد، کوهپایه، کرمان ●

روایت

امام علی (علیه السلام):

شاوژ قَبْلَ أَنْ تُعَزِّمَ وَ فَكَّرْ قَبْلَ أَنْ تُقَدِّمَ.

قبل از آن که تصمیم بگیری مشورت کن و

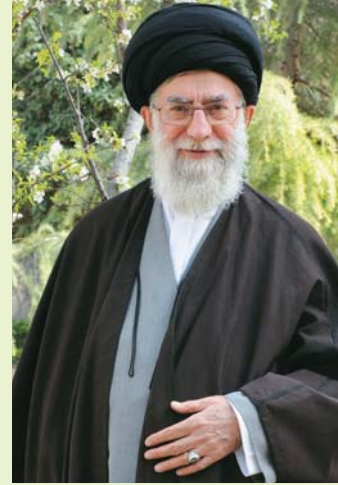
پیش از آن که به کاری اقدام کنی اندیشه نما.

(فهرست غرر، ص ۱۸۳)

از بیانات رهبر معظم انقلاب در اولین روز سال ۱۴۰۰:

سال «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها»

یک نکته‌ی دیگری که در باب اقتصاد کشور خوب است عرض بکنیم، این است که رفع مشکلات احتیاج به همراهی مردم دارد؛ همدلی مردم. هر کاری که مردم وارد شدند قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این‌جور بوده؛ در همه‌ی اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده. من می‌خواهم عرض بکنم در مسئله‌ی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای تولید، خود مردم می‌توانند نقش ایفا کنند؛ چه آن‌هایی که سرمایه دارند و این سرمایه را در راه مثلاً بعضی از دادوستدها و سوداگری‌های بی‌مورد مصرف می‌کنند می‌توانند این‌ها را در راه تولید مصرف کنند،



چه کسانی که می‌خواهند کمک کنند به دیگران؛ مثل این کمک مؤمنانه‌ای که برای قضیه‌ی کرونا انجام گرفت که همه‌ی مردم وارد شدند، در قضیه‌ی تولید [هم] می‌توانند کسانی که توانایی دارند، برای یک نفر، دو نفر، ده نفر اشتغال ایجاد کنند و کمک کنند به اشتغال آن‌ها.

البته این [کار]، سازمان‌دهی مردمی لازم دارد؛ خیلی‌ها هستند می‌خواهند کمک کنند، نمی‌دانند چه جور باید کمک کنند. خبریه‌های مردمی، نهادهای انقلابی، امنای مساجدی که در این زمینه فعالند مثل بعضی جاهای دیگر، بایستی این‌ها را برنامه‌ریزی کنند تا هر کسی بداند که با یک سرمایه‌ی کم چطور می‌شود به تولید کشور کمک کرد؛ یعنی همه خیال نکنند که بایستی میلیاردری سرمایه داشته باشند تا بتوانند در تولید وارد بشوند؛ نه، با سرمایه‌های کم هم گاهی می‌توان به تولید کشور کمک کرد. گاهی یک خانواده‌ی روستایی را مثلاً فرض کنید با چند رأس دام می‌شود زنده کرد، احیا کرد، خودکفا کرد؛ یک خانواده‌ی شهری را مثلاً فرض کنید با یک دستگاه بافندگی یا خیاطی یا امثال این‌ها می‌توان اصلاً خودکفا کرد؛ از این کارها فراوان می‌توان کرد که هم کمک به مردم و مبارزه‌ی با فقر است و هم کمک به تولید است.



فصل‌نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سال چهارم | شماره نهم | بهار ۱۴۰۰ | صفحه ۱۴۴

سپهر اقتصاد

با نوشتارها و گفتارهایی از: مجتبی لشکر بلوکی / حسین مهربانی بشرآبادی / بتول علیزاده / حسین یزدانی / محمدرضا وحیدی / مریم رنجبر / سیدمحمدعلی گلابزاده / فاطمه مهربانی / محسن فرزنان / حمیدرضا صالحی / علی عباسلو / مهدی حسینی‌نژاد / هرمزد نقوی / پیمان نامور / مرتضی عرب / علی اسماعیلی / عبدالرضا تحسینی / محسن جلالپور / سمیه نقوی / حسین وحیدی / یوسف جعفری / عبدالرضا قراری / امیر نقدی‌نسب / مریم سلاجقه / نجمه نظری / سوده مقصدی / عبدالحسین دانشوری‌نسب / مرتضی دزه‌پور تالی	صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / رییس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده / سردبیر و ویراستار: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده / طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / چاپ و صحافی: هم‌مپن فارس / نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴ / www.otagh-bazargani.com / پیامک: ۱۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / sepehr@kccim.ir /
«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.	برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴

سیاست گذاری

۰۶ | مقاله‌ای از دکتر مجتبی لشکرلوکی؛ اندیشه توسعه در ایران؛ از چرایی منفی تا چگونگی مثبت

۱۱ | گفت‌وگو با دکتر «حسین مهرابی بشرآبادی» معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان؛ پیشرفت اقتصادی کشور با همدلی مبتنی بر دانش، عمل و انصاف

۱۸ | گزارشی از بتول علیزاده و حسین یزدانی؛ در مسیر بهره‌وری

۲۳ | مقاله‌ای از محمدرضا وحیدی و مریم رنجیر؛ مروری بر وضعیت مهاجرت سرمایه انسانی متخصص کشور

۳۵ | مقاله‌ای از گروه تحلیلی داویرا؛ فرار سرمایه، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و رشد سپرده‌های بانکی در استان کرمان

۳۸ | یادداشتی از سیدمحمدعلی گلابزاده؛ مالیات؛ با طعم شکیبایی در روزگار کرونایی

۴۰ | گزارشی از فاطمه مهرابی؛ شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان در سال ۱۳۹۹

تولید

۴۸ | مقاله‌ای از محسن فرزاد؛ چشم‌انداز توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در جهت مقابله با بحران تغییرات اقلیمی جهان

۵۲ | گفت‌وگو با «حمیدرضا صالحی» رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران؛ توسعه تجدیدپذیرها و امنیت اقتصادی

۵۷ | گفت‌وگو با «علی عباسلو»؛ نایب‌رئیس اول اتاق کرمان و مدیرعامل شرکت جهان فولاد سیرجان؛ کسب بازار جهانی؛ راه‌کار خروج از رکود اقتصادی

۶۱ | گفت‌وگو با «مهدی حسینی‌نژاد» رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان؛ پیوند واحدهای کوچک و بنگاه‌های بزرگ

۶۴ | گفت‌وگو با دکتر «هرمزد نقوی» رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان؛ بهره‌وری کشاورزی با نگاه هوشمند به اقلیم و منابع

۶۹ | گفت‌وگو با دکتر «پیمان نامور» معاون پژوهش، فناوری و انتقال یافته‌ها مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی جنوب استان کرمان؛ چالش‌ها و فرصت‌ها در کشاورزی جنوب استان کرمان

۷۴ | مقاله‌ای از مرتضی عرب؛ چالش شوری آب‌وخاک و تأثیر آن بر کاهش درآمد کشاورزان

۷۸ | گفت‌وگو با «علی اسماعیلی» مدیرعامل شرکت پنگان الکترونیک، تولیدکننده تجهیزات ابزار دقیق؛ تمرکز بر تقویت داشته‌ها و نقاط قوت

بازرگانی و خدمات

۸۲ | مقاله‌ای از عبدالرضا تحسینی؛ تجارت بین‌المللی؛ چالش‌ها و راهکارها

۸۶ | گفت‌وگو با «محسن جلالپور» فعال و تحلیلگر مسائل اقتصادی؛ کرمان، یکی از استان‌های موفق تاریخ تجارت کشور

۹۱ | مقاله‌ای از دکتر سمیه نقوی؛ مدیریت زنجیره تأمین محصولات کشاورزی جنوب استان کرمان

۹۴ | مقاله‌ای از دکتر حسین وحیدی؛ پسماند؛ منبعی جدید در خلق ثروت

۹۸ | گفت‌وگو با «یوسف جعفری» رئیس اتاق اصناف استان کرمان؛ دور تسلسل افزایش هزینه‌ها و گرانی

۱۰۱ | مقاله‌ای از عبدالرضا قراری؛ اقتصاد فرهنگ و هنر در کرمان

۱۰۵ | مقاله‌ای از امیر نقدی‌نسب؛ نقش مؤثر دارایی‌های فکری در اقتصاد

جامعه

۱۱۰ | مقاله‌ای از دکتر مریم سلاجقه؛ نگاهی بر روند تغییرات بارش، دما و خشکسالی در استان کرمان

۱۱۵ | گفت‌وگو با «نجمه نظری»؛ معاون فنی اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان؛ در ذات، تقابلی بین رفع موانع تولید و حفظ محیط‌زیست وجود ندارد

۱۲۱ | مقاله‌ای از دکتر سوده مقصودی؛ سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی

۱۲۵ | مقاله‌ای از دکتر عبدالحسین دانشوری نسب؛ حاشیه‌نشینی در کرمان؛ دلایل، پیامدها و استراتژی‌های خروج از بحران

۱۳۱ | مقاله‌ای از دکتر مرتضی ذره‌پرور تالی؛ جستاری در بازده نظام آموزشی ایران؛ مزایا، معایب و راهکارهای برون‌رفت از تنگناها

رویدادها

۱۳۵ | مروری بر گزیده اخبار اتاق کرمان

فرا تر از شعار

◆ **سید مهدی طیب زاده**

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



فعل مسئولان اجرایی مربوط می‌شود. این در حالی است که می‌بایست مسئولیت مدنی دستگاه دولتی در صدور بخشنامه‌ها در دیوان عدالت اداری بررسی شود و همه مدیران در قبال کار خود مسئولیت‌پذیر باشند. از سوی دیگر ضعف کارکردها و فقدان شفافیت نهادها از دیگر موانعی است که حداقل اثر مخربی که برجای می‌گذارد ایجاد رقابت غیرمنصفانه شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی با بخش خصوصی است.

سوم، کاهش نوسانات بازار ناشی از عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و حذف ابلاغ‌های خلق‌الساعه مدیران: درحالی‌که ظرفیت ماده ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار دولت را مکلف به نظرخواهی از تشکل‌های بخش خصوصی در تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها و رویه‌ها کرده است، راهکاری که ضمن جلوگیری از غافل‌گیری بخش خصوصی، همچنین تعدیل برخی تصمیم‌های یک‌طرفه و متداخل با منافع بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. واقعیت این است که در شرایطی که هر روز و هر لحظه فعالان بخش خصوصی با بحران‌ها و تهدیدهای خارجی مواجه می‌شوند غافلگیری‌های داخلی می‌تواند آخرین بارقه امید تولید را به نابودی بکشد. اما در سرفصل پشتیبانی‌ها از تقویت بهره‌وری و ارتقای رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و توسعه زیرساخت‌ها به‌خصوص در حوزه صادرات می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین موضوعات نام برد. اصلاح سیاست‌گذاری‌ها در راستای فراهم‌سازی بستر اصلاح مکانیزم تأمین مواد اولیه، کاهش هزینه‌های تأمین مالی، بهبود تکنولوژی تولید، پرورش نیروی کار مهارتی و همچنین ارتقای کیفیت محصولات، توسعه تولیدات با ارزش افزوده بالا در این محور از اهمیت و اولویت برخوردارند. در زمینه حمایت از صادرات، جداسازی درآمدهای نفتی از بودجه، تقویت روابط بین‌الملل، حمایت از تشکیل شرکت‌های مدیریت صادرات حرفه‌ای، بازاریابی و بازاریابی صادراتی، ایجاد پایگاه‌های صادراتی در کشورهای هدف، کاهش نرخ تسهیلات صادراتی در حد کشورهای رقیب، ارائه آموزش‌ها و اختصاص مشوق‌های هدفمند برای فعالان این حوزه حائز اهمیت هستند. همچنین در حوزه زیرساخت می‌توان توسعه شهرک‌های صنعتی و ایجاد و توسعه حمل‌ونقل ریلی را از اهم اولویت‌ها برشمرد.

در پایان آنچه مسلم است، تقریباً راه‌کارها مشخص است، اما اجرایی شدن اثربخش این راهکارها تنها عزم و اراده جدی مدیران با ذهن‌های توسعه‌یافته را می‌طلبد که کمر همت بر حمایت از رونق و جهش تولید می‌بندند و آن را مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیری و اقدامات خود قرار می‌دهند. ◆◆

بیش از یک دهه است که مقام معظم رهبری، محوریت نام‌گذاری سال‌ها را اقتصادی انتخاب می‌کنند و این موضوع نشان دهنده اهمیت موضوع اقتصاد، معیشت مردم، تولید و ضرورت خودکفایی پیرامون سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. در همین راستا، سال ۱۴۰۰ به سال «تولید، مانع‌زدایی‌ها و پشتیبانی‌ها» نام‌گذاری شد که در این رابطه چند نکته اساسی وجود دارد: اول این‌که از دید بخش خصوصی مانع‌زدایی به‌نوعی بزرگ‌ترین پشتیبانی محسوب می‌شود به‌طوری‌که بارها این جمله را از زبان فعالان بخش خصوصی می‌شنویم که دولت اگر هیچ کاری نکند و مانع هم ایجاد نکند ما دیگر نیازی به حمایت نداریم! دوم، این‌که بزرگ‌ترین مانع برای تولید، موانع فرهنگی هستند و باید ذهن‌ها به سمت مانع زدایی در مسیر تولید هدایت شود و فرهنگ توسعه‌گرا و مولد بر جامعه به‌طور ویژه بر فضای تصمیم‌سازی‌های دولتی حاکم شود و سوم؛ تحقق این مهم، جز از مسیر تعیین اولویت‌ها، تمرکز تصمیم‌گیری‌ها و بسیج امکانات و هدایت منابع برای ریل‌گذاری، مدیریت و نظارت بر حسن اجرای اولویت‌ها محقق نخواهد شد. در این رابطه نیم‌نگاهی به تجربه کشورهای پیشرو و بومی‌سازی الگوهای موفق، می‌تواند از طریق کاهش سعی و خطاها، سرعت و اثربخشی حرکت را به‌شدت افزایش دهد.

در سرفصل مانع‌زدایی‌ها در چند محور می‌توان موضوعات را معرفی و اولویت‌بندی کرد: اول رفع موانع قانونی؛ اصلاح و بازنگری قوانین حاکم بر فضای کسب‌وکار به‌طور خاص بانک، کار و مالیات ارزش افزوده با هدف ایجاد ضمانت‌های اجرایی قانونی، تقویت رقابت‌پذیری فعالان بخش خصوصی، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و همچنین حذف بخشنامه‌ها و مقررات تک‌بعدی و مقطعی. دوم، نظارت بر اجرای اثربخش قانون: گزارش دیوان محاسبات کشور از ارزیابی عملکرد هفت قانون تسهیل تولید، بسیار تأمل‌برانگیز است. در بازه ۱۰ ساله اخیر از مجموع ۸۷ فقره مقررات مصوب حامی تولید، تنها ۳۷ فقره در زمان مقرر قانونی ابلاغ شده که ۳۴ درصد اهداف قانون‌گذار را برآورده ساخته است. در ریشه‌یابی علت‌ها، ۸۹٫۷ درصد علت اصلی غیر اثربخشی به ضعف در اجرا و ترک

سیاست‌گذاری

اندیشه توسعه در ایران؛ از چرایی منفی تا چگونگی مثبت/ گفت‌وگو با دکتر «حسین مهربانی بشرآبادی» معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان؛ پیشرفت اقتصادی کشور با همدلی مبتنی بر دانش، عمل و انصاف/ در مسیر بهره‌وری/ مروری بر وضعیت مهاجرت سرمایه انسانی متخصص کشور/ فرار سرمایه، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و رشد سپرده‌های بانکی در استان کرمان/ مالیات؛ با طعم شکست‌ناپذیری در روزگار کرونایی/ شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان در سال ۱۳۹۹



اندیشه توسعه در ایران؛ از چرایی منفی تا چگونگی مثبت



عقب افتاده است؟» هر کسی بر اساس فهم خود این سؤال را مطرح می‌کند، اما جان‌مایه همه سؤالات این است که چرا ایران به آن جایگاهی که برخی کشورهای توسعه‌یافته رسیده‌اند، نرسیده است؟ چرا وقتی صحبت از ایران می‌شود از ملت و مردمان خوبی یاد می‌شود و می‌گویند «هنر نزد ایرانیان است و بس» و این‌گونه نقل‌ها، اما ایران هنوز جایگاه خود را به دست نیاورده است؟ در واقع هدف پاسخ به این پرسش است، پرسشی که روح و جان هر ایرانی را آزرده می‌کند. قطعاً هر کسی که در حوزه توسعه قصد مطالعه و کاوش داشته باشد، گذری بر کوی آقای دکتر مرحوم حسین

♦ دکتر مجتبی لشکرلوکی

مدرس مدعو دانشگاه صنعتی شریف، رئیس هیئت‌مدیره مدیریت سرمایه دایموند

موسسه مطالعات دین و اقتصاد با همکاری انجمن دانش‌آموختگان اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی به مناسبت هجدهمین سالگرد درگذشت دکتر حسین عظیمی، همایش سالانه مرزهای دانش اقتصاد توسعه تحت عنوان «اندیشه توسعه و برنامه‌ریزی در ایران» را در بزرگداشت اندیشه‌ها و مجاهدت‌های علمی این استاد، برگزار می‌کند. با توجه به اینکه سال ۱۴۰۰ سال تصمیم‌گیری درباره برنامه میان‌مدت هفتم توسعه است، این همایش به صورت تخصصی به واکاوی این مسئله اختصاص پیدا کرد. در اینجا متن یکی از سخنرانی‌های این همایش؛ سخنرانی دکتر مجتبی لشکرلوکی تحت عنوان «اندیشه توسعه ایران از چرایی منفی تا چگونگی مثبت» که در واقع یک مرور و چند استنتاج از دیدگاه‌های اندیشه‌ورزان و تلاشگران توسعه در ایران است، آورده شده است.

همواره این سؤال پرسیده می‌شود: «چرا ایران پیشرفت نمی‌کند؟»، «چرا ایران توسعه پیدا نمی‌کند؟» «چرا ایران

گفتگوی منتج به اجماع نزدیک به صفر

۴. سنت گفت‌وگویی منتج به اجماع در ایران کمتر از میزان انتظار است. کم مشاهده می‌شود که افراد مرجع توسعه در ایران نظرات دیگر افراد مرجع را نقد، بررسی، تأیید، تصحیح، تکمیل و با نظرات خود ترکیب کنند. انگار هرکدام از اندیشمندان توسعه در غار تنهایی خود راجع به توسعه کار می‌کند، فارغ از اینکه در ذهن بقیه متخصصان چه می‌گذرد. البته نه این‌که چنین چیزی اصلاً وجود نداشته باشد، اما از آنچه که مورد انتظار است بسیار کمتر است؛ به عنوان مثال کاری که دکتر رنانی انجام می‌دهد و روایت‌های افراد مختلف در خصوص توسعه را به صورت مستند جمع‌آوری می‌کند، بسیار ارزشمند است، اما نادر است. آنچه در مورد خلیقات ایرانی می‌گویند که اهل گفتگو و هم‌شنوی نیستند، ظاهراً در خود نخبگان توسعه نیز وجود دارد.

نسبت پایین کنشگران مرزی

۵. نسبت کنشگران مرزی به پژوهشگران دانشگاهی و آکادمیک کمتر از یک است و ما کمتر افرادی را می‌بینیم که به نوعی هم دستی بر قلم دارند و هم در اجرا، هم دغدغه‌های فکری و نظری و هم مشغولیات اجرایی دارند. به اعتقاد بنده هر چه این نسبت بیشتر شود درک ما از توسعه بیشتر می‌شود و حرف ما در مورد توسعه، زمینی‌تر و عملیاتی‌تر خواهد شد. دکتر حسین عظیمی مصداق کامل و جذابی از یک کنشگر مرزی است؛ فردی که هم تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی در این حوزه دارد و هم در حوزه اجرا کار کرده است. به همین دلیل مطالب و نظرات ایشان کاملاً راهگشا و تأثیرگذار است. ایشان در مورد توسعه در ایران معتقد بودند: «ما هنوز بذری را که ایجادکننده آن درخت است، نیافته‌ایم. بعد هم نمی‌دانیم که حتی اگر بذر را یافتیم و کاشتیم، چگونه باید به آن آب، هوا و آفتاب رساند تا این درخت رشد کند، این‌گونه است که تلاش می‌کنیم که از طریق شبیه‌سازی، ظواهر آن «درخت» را به دست آوریم.» بد نیست از میان ده اندیشمند به خلاصه ای از دیدگاه آقای دکتر حسین عظیمی بپردازیم.

نمونه‌ای از تحلیل شماتیک ده اندیشمند توسعه

در کنکاشی که برای پاسخگویی به دلایل توسعه نیافتگی ایران انجام شده، سعی کردم، دیدگاه‌های هر شخصی که مورد بررسی قرار می‌گیرد با رویکرد تحلیل تماتیک به یک منظومه روابط علت و معلولی تبدیل شود.

با توجه به برداشت شخصی از نظام فکری دکتر عظیمی؛ ایشان معتقدند که ما در کشور ریشه توسعه را ندیده‌ایم و عشق به میوه داریم. به عبارتی یک نگاه دوگانه وجود دارد؛ عشق به میوه و نفرت و نادانی نسبت به ریشه توسعه و این

عظیمی یکی از اندیشمندان حوزه توسعه خواهد داشت. من اندیشه‌های ایشان و ۹ اندیشمند دیگر حوزه توسعه را بررسی کردم و به یک روایت شخصی به عنوان دلایل توسعه نیافتگی رسیده‌ام، منتهی در این مطلب، نمی‌خواهم روایت سه لایه توسعه نیافتگی ایران که نام خلاصه اش می‌شود رستا، را توضیح دهم بلکه می‌خواهم یافته‌های دیگری را توضیح دهم که در فرآیند این کنکاش به آن رسیده‌ام. نکاتی در مسیر فرآیند بررسی دلایل عدم توسعه نیافتگی متوجه شده‌ام و دوست دارم با شما به اشتراک بگذارم.

پنج نکته کلیدی از برداشت‌های شخصی در فضای فکری و گفتمانی توسعه در ایران در شرایط فعلی وجود دارد که به شرح زیر هستند:

غلبه چرایی منفی بر چگونگی مثبت

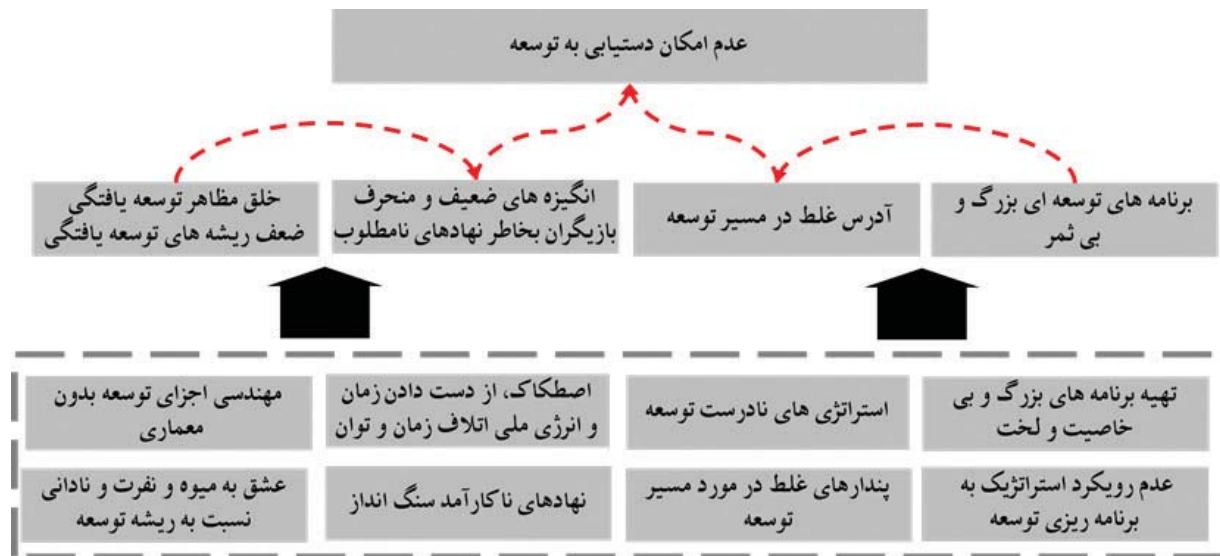
۱. در کشور ما هر زمان صحبت از چیستی منفی و چرایی منفی توسعه می‌شود؛ یعنی هر زمان صحبت از ضعف‌ها، کاستی‌ها، مشکلات، دلایل عقب‌ماندگی، دلایل عدم پیشرفت و عدم توسعه نیافتگی می‌شود، ادبیات، به عبارتی سخنرانی‌ها، مطالب و کتاب‌های بیشتری داریم، اما زمانی که صحبت از چگونگی مثبت می‌کنیم، صحبت از اینکه از اینجا به بعد چه باید کرد؟ و چه می‌توان کرد؟ به شدت مطالب، چگالی ادبیات و محتوایی که در فضای گفتمانی توسعه ایران وجود دارد، اُفت می‌کند؛ بنابراین انگار بار چرایی منفی کاملاً مسلط بر چگونگی مثبت است.

سهم نزدیک به صفر بانوان در نظریه پردازی توسعه

۲. متأسفانه و با کمال تعجب سهم زنان در تولید ادبیات و گفتمان راهبردی توسعه در سطح ملی، تقریباً نزدیک به صفر است؛ یعنی آن‌قدر که در کشور ما اندیشمند و گفتمان پرداز در حوزه توسعه در مردان وجود دارد، در بانوان دیده نمی‌شود.

نبود نظریه یا روایت منسجم

۳. کاملاً مشخص است که دغدغه در مورد توسعه ایران زیاد است. حتی اگر کسی نخواهد در مورد توسعه ایران صحبت کند، آن‌قدر چرایی و چگونگی توسعه روح ایرانی را آزار می‌دهد که در سخنرانی‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها و کتاب‌ها موضوعات به سمت توسعه کشیده می‌شوند، اما به صورت منسجم، وجود یک نظریه و یک روایت منسجم در مورد چرایی منفی و چگونگی مثبت توسعه نادر است! برای مثال آقای کاتوزیان علاوه بر تألیف کتاب، یک نظریه با عنوان «استبداد ایران در ۱۴ بند» خلاصه کرده و به صورت منسجم ارائه داده است، ولی در نوشته‌ها و سخنرانی‌های سایر اساتید، این موضوع دیده نشده یا این‌که هنوز فرصت نکرده‌اند به یک روایت منسجم در مورد توسعه نیافتگی ایران و چرایی و چگونگی آن برسند.



نمونه‌ای از تحلیل شماتیک ده اندیشمند توسعه

توسعه، آدرس غلط در مسیر توسعه داده می‌شود و در نهایت با وجود برنامه‌های توسعه بزرگ و بی‌ثمر که شاید بیشتر از هر کشور دیگری اسناد و برنامه‌ریزی توسعه در اینجا وجود دارد و هر پنج سال یک‌بار زمان و انرژی زیادی در تدوین برنامه‌های توسعه گذاشته می‌شود، اما بی‌ثمر؛ به این خاطر که نتوانسته‌ایم نکات اصلی و تأثیرگذار را پیدا و روی آن‌ها متمرکز شویم؛ بنابراین چهار فاکتور بالا موجب می‌شوند که دستیابی به توسعه در کشور ما دشوار شود.

نگاهی به نتایج مدل رستا: سه لایه توسعه نیافتگی ایران

آنچه من به آن رسیده‌ام این است که چرا در کشور امکان حرکت سریع در مسیر توسعه وجود ندارد و در نتیجه عقب افتاده‌ایم؟ جواب می‌دهم: ما در کشور، نظام حکمرانی معلول داریم، به عبارتی ما ظرفیت پایینی در حکمرانی داشته و نمی‌توانیم مسائل را در کشور حل کنیم؛ به عنوان مثال مسئله اشتغال سال‌های سال است که به عنوان یک مشکل در کشور باقی مانده و وجود دارد یا مسئله تورم علی‌رغم اینکه در بسیاری از کشورها در طول پنج دهه گذشته حل و تمام شده است، اما نظام حکمرانی ما نتوانسته آن را حل کند و امروز که ما داریم صحبت می‌کنیم، مجموع اشتغال و تورم، دو مسئله حل نشده باعث شده که ما در شاخص فلاکت، جزو ده کشور برتر دنیا هستیم. منظور از نظام حکمرانی، دولت به تنهایی نیست، بلکه ترکیبی از حکومت، جامعه مدنی و شهروندان است. چرا این نظام در کشور ما معلول و ناتوان از حل مسائل کشور است؟ ناشی از سه پارامتر است:

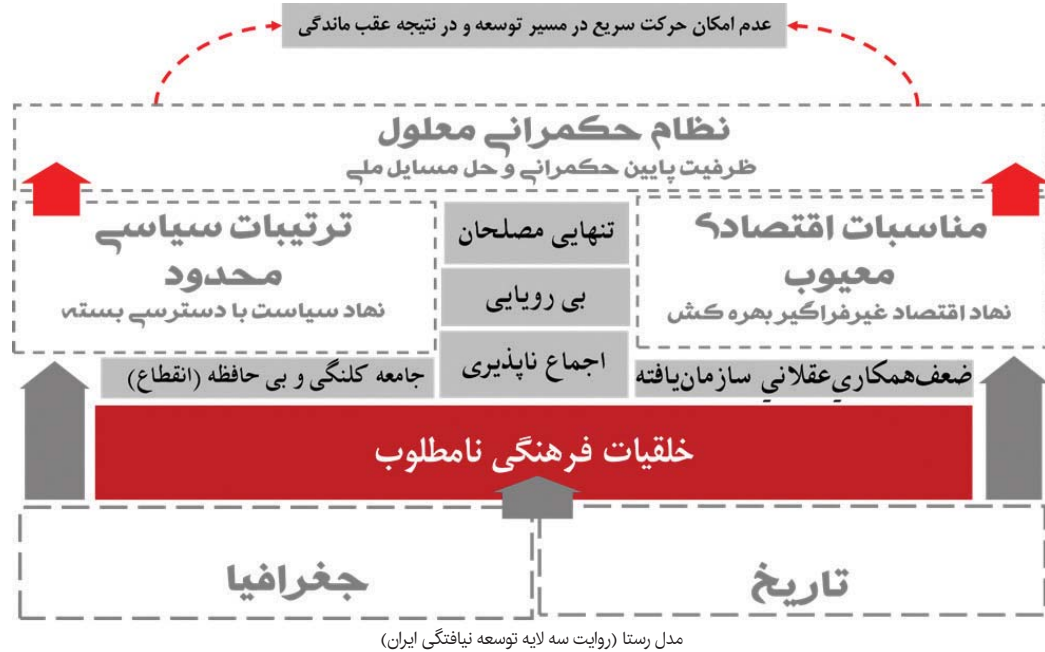
۱. ترتیبات سیاسی محدود،

نوع نگاه موجب شده است که اجزای توسعه بدون معماری خلق شوند. از طرفی یکی از موانع اصلی که در پیش روی توسعه وجود دارد خود نهاد دولت است. در واقع نهادهای ناکارآمد سنگ‌انداز موجب ایجاد اصطکاک و از دست دادن زمان و انرژی در سطح ملی می‌شوند. همچنین وجود پندارهای غلط در مورد مسیر توسعه، موجب خواهد شد که استراتژی‌های نادرست توسعه پیاده شود. مهم‌تر از آن عدم رویکرد استراتژیک به برنامه‌ریزی توسعه، منجر به تهیه برنامه‌های بزرگ و بی‌خاصیت و لخت می‌شود. وقتی راجع به همه‌چیز صحبت می‌شود؛ یعنی هیچ‌چیز مهم نیست و وقتی گفته می‌شود همه‌چیز مهم است، یعنی هیچ‌چیز مهم نیست. دکتر عظیمی به خوبی تشخیص داده بودند که برنامه‌های توسعه در ایران راجع به همه‌چیز است، جامعیت دارند و اولویت‌ها در آن‌ها مشخص نیست. او به شدت روی هسته‌های تحول بخش تاکید داشت و تا زمانی که خودش حضور داشت سعی کرد این اتفاق بیفتد و بعد از آن با وجود خیل عظیمی از شاگردان که می‌توانستند تأثیرگذار باشند دو برنامه توسعه، تدوین و اجرایی شد، اما این ایده عملیاتی نشد و هر زمان این برنامه‌ها ورق می‌خورد، این سؤال پیش می‌آید که آیا امکان دارد در طول پنج سال این‌قدر برنامه بدون اولویت، بدون اهم و مهم انجام داد؟!

عدم وجود چنین دیدگاه‌هایی در کشور موجب می‌شود که اول اینکه در کشور با وجود مظاهر توسعه‌یافتگی، در ریشه‌های توسعه‌یافتگی ضعیف باشیم. دوم وجود نهادهای ناکارآمد موجب ایجاد انگیزه‌های ضعیف و منحرف بازیگران در این عرصه می‌شوند. سوم به دلیل نبود استراتژی درست

مادر کشور ریشه توسعه را ندیده‌ایم و عشق به میوه داریم. به عبارتی یک نگاه دوگانه وجود دارد؛ عشق به میوه و نفرت و نادانی نسبت به ریشه توسعه و این نوع نگاه موجب شده است که اجزای توسعه بدون معماری خلق شوند. از طرفی یکی از موانع اصلی که در پیش روی توسعه وجود دارد خود نهاد دولت است. در واقع نهادهای ناکارآمد سنگ‌انداز موجب ایجاد اصطکاک و از دست دادن زمان و انرژی در سطح ملی می‌شوند.

- در طول تاریخ
- دو خطا داشتیم،
- حکومت‌گری
- روشنفکر ستیز
- و روشنفکری
- دولت ستیز.
- اگر بخواهیم
- مشروعیت قدرت
- و حاکمیت را
- زیر سؤال ببریم
- به راحتی پس‌زده
- می‌شویم و کاری
- هم نمی‌توانیم
- انجام دهیم.
- ما باید سنت
- روشنفکری را
- تغییر دهیم.
- به اعتقاد بنده
- در حال حاضر
- جهان، جهان
- شبکه‌ای است
- و به همین دلیل
- مفهوم حکمرانی
- شبکه‌ای پیش
- رواست؛ یعنی
- وجود شبکه‌ای
- از تعاملات
- غیررسمی و
- غیرالزامی
- بین حکومت؛
- یعنی سه قوه
- (قضاییه،
- مجریه و مقننه) و
- نهادهای صنفی،
- مدنی، حرفه‌ای،
- سیاسی،
- شهروندان،
- شرکت‌ها و
- حتی مؤسسات
- بین‌المللی.



اقتصادی معیوب و ترتیبات سیاسی محدود؛ یک مورد را مثال می‌زنم؛ وقتی به تاریخ ایران نگاه می‌کنیم و می‌بینیم که سراسر جنگ و غارت بوده است و این سراسر جنگ و ناامنی منجر به این شده که در طول بیش از هزار سال یک احساس ناامنی و بی‌فردایی در ایرانیان ریشه دوانده است و در کوتاه‌مدت هم از بین نمی‌رود. وقتی نهاد مالکیت به خاطر اتفاقاتی که در طول تاریخ افتاده وجود ندارد و نهاد حمایت از حقوق مالکیت وجود ندارد، مناسبات اقتصادی معیوب شکل می‌گیرد و در نهایت تأثیر خود را می‌گذارد، اما نکته جالبی که در ادامه وضعیت‌گفتمان توسعه در ایران باید اشاره کنم، ضمن احترام به همه کسانی که در حوزه توسعه فعال هستند، این است که برخی از مؤلفه‌هایی که در سطح ملی در بخش خلقیات نامطلوب است در جامعه نخبگان توسعه اندیش ما نیز کامیاب‌تر دیده می‌شود، از جمله ناتوانی در گفت‌وگو، اجماع ناپذیری، ضعف در همکاری سازمان‌یافته، تنهایی مصلحان و بی‌رویایی؛ به عبارتی برداشت من این است که نخبگان توسعه اندیشه ایرانی، همان مشکلات همان دغدغه‌ها و مواردی را دارند که کل کشور با آن روبرو هستند و متناسب با این آسیب‌پذیری با تأکید بر احترام به همه بزرگواران این حوزه، فکر می‌کنم این نقد می‌تواند مطرح باشد.

پنج تجویز راهبردی

در انتهای مطلب پنج پیشنهاد مشخص و شفاف دارم؛ ۱. آغاز از خرده اجماع؛ شاید نتوان و بعید است که در پنج

۲. مناسبات اقتصادی معیوب،

۳. خلقیات فرهنگی نامطلوب.

یعنی از یک‌طرف با یک نهاد سیاست با دسترسی بسته و از یک‌طرف با یک نهاد اقتصادی غیر فراگیر بهره‌کش و از طرف دیگر با خلقیات فرهنگی نامطلوب که در جان و روان ایرانیان وجود دارد، روبرو هستیم. وجود این عوامل باعث شده‌اند که در کشور با تنهایی مصلحان، بی‌رویایی اجتماعی، اجماع ناپذیری و جامعه کلنگی و بی‌حافظه (انقطاع) همراه با ضعف همکاری عقلانی سازمان‌یافته روبرو باشیم. (تصویر مدل رستا را در بالا می‌بینید).

در کتاب‌های مختلف بیش از ۱۰۰ نوع خلقیات منفی برای ایرانیان نسبت داده شده است که من با این تعداد و کیفیت کاملاً مخالفم و شاید بخشی از آن را بشود به ایرانیان نسبت داد و آن هم بپذیریم که خلقیات چیزی نیست که پایدار باشند بلکه حاصل تعامل و تراکنش با همان نهادها هستند و دو مؤلفه دیگری که بعداً خواهم گفت؛ بنابراین من با این موضوع که هر چیز منفی را به ایرانیان نسبت می‌دهند هم‌داستان نیستم. برخی از مؤلفه‌های نامطلوب فرهنگی در ایرانیان است از جمله: احساس عدم امنیت، تفکر قبیله‌ای و عشیره‌ای، رویکرد غارتی، بی‌اعتمادی و کوتاه بودن شعاع اعتماد و بالا بودن فاصله قدرت که شواهد آماری نیز در مورد آن‌ها وجود دارد.

بر ما و شما دورانی گذشته و تاریخ و جغرافیای ما به‌گونه‌ای بوده که منجر شده به خلقیات فرهنگی نامطلوب، مناسبات

معمولاً فرض

می‌شود که

توسعه یا از

مسیر دموکراسی

(مردم‌سالاری) یا

از مسیر بروکراسی

(دیوان‌سالاری

و دولت‌سازی)

محقق می‌شود.

من فکر می‌کنم

اکنون و در

موقعیت فعلی هر

دو مسیر در ایران

نمی‌خواهم بگویم

مسدود است، ولی

صعب‌العبور است

و امیدوار نیستم؛

نه به این‌که ما

بتوانیم از طریق

تقویت بروکراسی و

دولت‌سازی موفق

باشیم و نه از مسیر

مردم‌سالاری به

توسعه دست

پیدا کنیم، اما من

پیشنهاد راه سوم

را دارم (در کتاب

استراتژی توسعه

ایران آورده‌ام) که

از آن به استراتژی

توکراسی

(شبکه‌سازی) نام

می‌برم. در این

استراتژی، ائتلاف

نامتقارن اتفاق

می‌افتد.

سال آینده بین اندیشمندان توسعه در ایران شاهد اجماع حداکثری روی رویکردهای کلان باشیم، اما برخی اجماع‌های مقطعی - موردی امکان‌پذیر است و می‌توان به آن امید داشت؛ به عنوان مثال بخش اعظمی از جامعه توسعه اندیش ما با ایده «هسته‌های تحول بخش» دکتر عظیمی هم آشنا و هم موافق هستند، ولی نمی‌دانم چرا در زمانی که برنامه‌های توسعه تدوین می‌شود، صدای واحدی از این جمع بر نمی‌آید که منجر به یک تغییری در برنامه توسعه شود.

۲. تبدیل رخداد به ابررخداد: فرض کنید که در طول یک سال در فروردین‌ماه یک هواپیما سقوط کند، در شهریورماه یک هواپیما دچار نقص فنی شود و در اسفندماه یک هواپیما نتواند پرواز کند و در فروردگاه زمین‌گیر شود، همه این اتفاقات در زمان‌های مختلف رخ داده‌اند، لذا هر کدام یک رخداد است، اما اگر در فروردین‌ماه همه این اتفاقات در فاصله کمتر از پنج روز حالا به هر واسطه‌ای، اتفاق و یا شانس به وقوع بپیوندند. یک رخداد تبدیل به ابررخداد می‌شود. حال وقتی در کشور یک نفر در مورد موضوعی سخنرانی می‌کند، مطلب می‌نویسد و یا اظهار نظر می‌کند این یک رخداد است و خیلی زود تمام و فراموش می‌شود، اما وقتی ۲۰ نفر در طول ماه همان موضوع را بازنشر می‌کنند، تحلیل می‌کنند، تأیید می‌کنند و حتی نقد می‌کنند، می‌شود یک ابررخداد، یک جریان رسانه‌ای؛ بنابراین اگر در کشور افراد صاحب‌نظری مانند دکتر زیباکلام، دکتر سریع‌القلم، دکتر مومنی و افراد دیگر یک نکته را می‌گویند، سخنرانی می‌کنند به نظر من یک رخداد است، اما اگر در همان مقطع ۲۰ نفر راجع به همان مطلب موضوع را بازنشر کنند، تحلیل کنند و حتی نقد کنند تبدیل به یک ابررخداد می‌شود؛ و این نیاز در توسعه کشور به شدت احساس می‌شود؛ به عبارتی ما در ایران با یک تک‌تیرانداز به توسعه نخواهیم رسید.

۳. تشکل‌یابی و شبکه‌سازی توسعه خواهان؛ اگر بخواهیم از خرده اجماع شروع کرده و به اجماع کلان برسیم و اینکه رخدادها و آن تک‌تیراندازها در عرصه توسعه تبدیل به یک ابر رخداد و ارتش منسجم شوند و انرژی‌ها تجمیع شود باید سراغ تشکل‌یابی و شبکه‌سازی توسعه برویم. امکان ندارد ما به صورت فردی تلاش کنیم و مؤثر باشیم. باید تشکل‌های توسعه خواه در ایران تشکیل و تذکره‌های اثرگذار در حوزه توسعه به‌وسیله آنان داده شود. این‌که من نوعی به عنوان یک نفر بخواهم نقدی به دولت و حکومت وارد کنم کار به جایی نمی‌رسد و صدای من شنیده نخواهد شد؛ بنابراین باید به سمت تشکل‌ها و ایجاد شبکه حرکت کنیم.

۴. ائتلاف نامتقارن غیررسمی با بخش‌هایی از حکومت؛ ما در طول تاریخ دو خطا داشتیم، حکومت‌گری روشن‌فکر ستیز

و روشن‌فکر دولت ستیز. اگر بخواهیم مشروعیت قدرت و حاکمیت را زیر سؤال ببریم به‌راحتی پس‌زده می‌شویم و کاری هم نمی‌توانیم انجام دهیم. ما باید سنت روشن‌فکر را تغییر دهیم. به اعتقاد بنده در حال حاضر جهان، جهان شبکه‌ای است و به همین دلیل مفهوم حکمرانی شبکه‌ای پیش رو است؛ یعنی وجود شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی و غیرالزامی بین حکومت؛ یعنی سه قوه (قضاییه، مجریه و مقننه) و نهادهای صنفی، مدنی، حرفه‌ای، سیاسی، شهروندان، شرکت‌ها و حتی مؤسسات بین‌المللی. همان‌طور که آقای دکتر عظیمی به عنوان یک کنشگر مرزی رفت و در دل دولت حاکمیت کرد، جامعه توسعه خواهان باید این آمادگی را داشته باشند که به صورت داوطلبانه رسمی یا غیررسمی در حکومت حضور پیدا کنند.

معمولاً فرض می‌شود که توسعه یا از مسیر دموکراسی (مردم‌سالاری) یا از مسیر بروکراسی (دیوان‌سالاری و دولت‌سازی) محقق می‌شود. من فکر می‌کنم اکنون و در موقعیت فعلی هر دو مسیر در ایران نمی‌خواهم بگویم مسدود است، ولی صعب‌العبور است و امیدوار نیستم؛ نه به این‌که ما بتوانیم از طریق تقویت بروکراسی و دولت‌سازی موفق باشیم و نه از مسیر مردم‌سالاری به توسعه دست پیدا کنیم، اما من پیشنهاد راه سوم را دارم (در کتاب استراتژی توسعه ایران آورده‌ام) که از آن به استراتژی توکراسی (شبکه‌سازی) نام می‌برم. در این استراتژی، ائتلاف نامتقارن اتفاق می‌افتد. ممکن است دولت، جامعه مدنی از جمله تشکل‌های توسعه را پس بزند، ولی آن‌قدر تلاش صورت می‌گیرد تا با بخش‌هایی از حکومت این ائتلاف شکل بگیرد تا به‌وسیله آن اندکی درجه عقلانیت را در تصمیمات بالاتر ببریم و بخشی از مسائل ملی که بین جامعه مدنی (توسعه خواهان) و حکومت مشترک است را حل نماییم.

در مجموع چیزی که بنده از کنکاش‌های شخصی یاد گرفته‌ام؛ این است که توسعه چنینس هنرمندانه ده‌ها ایده، صدها قطعه، هزاران دستاورد کوچک در کنار یکدیگر است و هیچ‌کدام از ما به تنهایی نمی‌تواند مسیر توسعه ایران را باز کند، تشکل‌یابی و توکراسی می‌تواند کمک کند که بخشی از قفل توسعه را باز کنیم.

تمام نکاتی که به اجمال در مورد آن صحبت کرده‌ام از جمله بررسی ده نظریه اندیشمندان توسعه در حوزه دلایل عقب ماندگی و توسعه نیافتگی و بیست اندیشمند در حوزه استراتژی‌های توسعه، مدل رستا (روایت سه لایه توسعه نیافتگی ایران)، در کتاب استراتژی توسعه در ایران آمده است و قابلیت داللود در کانال تلگرامی به آدرس @Dr_Lashkarbolouki به صورت رایگان برای عموم میسر است. ♦♦



گفت‌وگو با دکتر «حسین مهرابی بشرآبادی» معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان

پیشرفت اقتصادی کشور با همدلی مبتنی بر دانش، عمل و انصاف

استان کرمان با حدود شش میلیارد تن ذخایر قطعی شده دارای ۴۲ ماده معدنی رتبه اول در استخراج مواد معدنی در کشور را دارد. چهار فرودگاه (فرودگاه کرمان بین‌المللی است)، ۱۲ هزار کیلومترمربع بزرگراه، حدود ۱۴۰۰ کیلومترمربع راه اصلی و ۵۶ کیلومتر آزادراه، زیرساخت‌های مهم حمل‌ونقل استان را تشکیل می‌دهد. استان کرمان به‌عنوان محور ترانزیت شرق، جنوب و جنوب شرق کشور محسوب می‌شود. سه منطقه ویژه اقتصادی و بیش از ۴۰ شهرک و ناحیه صنعتی در استان وجود دارد، صنایع خودروسازی، صنایع جنبی مس، زغال شویی، واگن‌سازی، سیمان، لاستیک و روغن نباتی از جمله صنایع مستقر در این استان است. استان کرمان علی‌رغم برخورداری از محدودیت منابع آب، رتبه‌های برتر (۵-۱) تولید محصولات کشاورزی در کشور را دارد که نمونه‌های بارز آن خرما، پسته، گیاهان گلخانه‌ای، محصولات جالیزی، کنجد، ذرت دانه‌ای، زعفران، سیب‌زمینی، گردو و مرکبات است. هفت اثر ثبت جهانی و بیش از ۶۰۰ اثر ملی در کرمان وجود دارد. با محاسبه بر اساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۹، سالانه بالغ بر ۳۰ - ۲۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری و ایجاد ۴۰ هزار فرصت شغلی در استان کرمان صورت می‌گیرد. میزان رشد جمعیت در استان کرمان بیشتر از متوسط کشوری بوده و یکی از مسائلی که ممکن است در استان کرمان آزاددهنده باشد، مسئله افزایش بی‌رویه مهاجرت از روستاها به شهرهاست و مسئله مهم دیگر این‌که فکر می‌کنم در چند سال آینده استان با کمبود نیروی کار جوان و ماهر روبرو خواهد شد.

دکتر حسین مهرابی معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری در کرمان و عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان در ادامه گفت‌وگو با ما می‌گوید: سیاست‌های سرمایه‌گذاری باید به سمتی حرکت کند که با کاهش ریسک و افزایش سود توأمان باشد و امنیت سرمایه‌گذاری را تضمین نماید و ضمن برشمردن موانع راه سرمایه‌گذاری در استان بر لزوم شناسایی مزیت‌ها بویژه مزیت‌های رقابتی و پویا که می‌تواند در بهبود و دوام سرمایه‌گذاری و اشتغالی که ایجاد می‌شود توجه دهد. او اعتقاد دارد یکی از مقولاتی که در کشور در مورد آن بسیار شتاب‌زده برخورد می‌شود بحث بهره‌وری است که ناشی از عدم درک و فهم مشترک از این واژه بین گروه‌های مختلف ذینفع است. به‌طور متوسط رشد بهره‌وری در کشور در ۴۰ سال گذشته به یک درصد هم نرسیده است. وی بر این باور است که توسعه استان با یک نقشه راه علمی و بلندمدت، فارغ از مسایل سیاسی و برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای می‌تواند موجب پیشرفت شود. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

♦♦ ظرفیت‌های واقعی توسعه استان کرمان کدامند؟

دارای ۴۲ ماده معدنی است که مهم‌ترین آن‌ها مس، آهن، زغال‌سنگ، تیتانیوم و کرومیت است و رتبه اول در کشور در استخراج مواد معدنی را دارد. همچنین با دارا بودن مواد معدنی مانند آهن، مس و ... با تولید کنسانتره، گندله سنگ‌آهن، آهن اسفنجی، شمش و فولاد و مس کاتد به بهشت معادن معروف است. شرکت‌های بزرگی مانند گل‌گهر، مس سرچشمه، گهر زمین و ... فعالیت‌های چشمگیری در این زمینه دارند.

استان کرمان به لحاظ زیرساخت‌های حمل‌ونقل، دارای یک فرودگاه بین‌المللی در مرکز استان و چهار فرودگاه داخلی

استان کرمان با مساحتی بالغ بر ۱۸۰ هزار کیلومترمربع، بیش از ۱۱ درصد مساحت کشور را تشکیل می‌دهد و با جمعیتی بالغ بر سه میلیون و دویست هزار نفر، با رتبه نهم در ردیف پرجمعیت‌ترین استان‌های کشور قرار دارد. رتبه استان از لحاظ تولید ارزش افزوده در قیاس سایر استان‌ها در فواصل نه تا یازده است. در مورد ظرفیت‌های واقعی توسعه استان باید به چند مورد اشاره کرد که بخشی از آن‌ها مربوط به ظرفیت‌های زیرساختی استان است. در این ارتباط می‌توان گفت استان کرمان دارای ظرفیت‌هایی است که جزو استان‌های شاخص و با ظرفیت محسوب می‌شود. ابتدا باید به ظرفیت وجود معادن در استان اشاره کرد که با حدود شش میلیارد تن ذخائر قطعی شناسایی شده

وجود فرصت‌ها و تهدیدهایی که بری آن‌ها به وجود آمده، رشد قابل‌توجهی داشته است. صنایع مس شهید باهنر، کارخانه زغال شویی، گک سازی، واگن سازی، سه کارخانه سیمان، صنایع لاستیک بارز و دو کارخانه روغن نباتی و بسیاری شرکت‌های بزرگ دیگر در استان وجود دارد. از لحاظ ظرفیت‌های کشاورزی علی‌رغم این‌که محدودیت آب به عنوان یک عامل اصلی محدودکننده در توسعه کشاورزی محسوب می‌گردد و باید روی بهره‌وری آن کار شود و از هدررفت آب در رانده‌های پایین آبیاری جلوگیری گردد، با این وجود مساحت نسبتاً خوب و خاک‌های مناسبی در بخش‌های مختلف از استان وجود دارد. بیش از ۱۳۰ گونه گیاه زراعی، باغی و دارویی در استان کرمان قابلیت پرورش و تولید محصولات باارزشی را دارند که نمونه‌های بارز آن مربوط به تولید پسته و خرما است که رتبه‌های برتر را در کشور و حتی جهان، به خود اختصاص داده است. در حوزه گیاهان گلخانه‌ای، رتبه دوم در سطح زیر کشت و رتبه سوم تولید و در تولید محصولات جالیزی رتبه اول، تولید کنجد رتبه اول، تولید ذرت دانه‌ای رتبه دوم، تولید زعفران رتبه پنجم، تولید سیب‌زمینی رتبه چهارم را داراست و در تولید گردو و مرکبات نیز به همین شکل حائز رتبه‌های بالا می‌باشد. استان کرمان در زمینه تولید گمرک و

در شهرهای سیرجان، رفسنجان، بم و جیرفت است. چهار گمرک تجهیز شده در شهرستان‌های کرمان، سیرجان، بم، رفسنجان و سرویس ارزیابی گمرک جیرفت فعال است. از لحاظ ترانزیتی به عنوان محور شرق و جنوب و جنوب شرق کشور محسوب می‌شود و از دو هزار کیلومترمربع بزرگراه، حدود هزار و چهارصد کیلومترمربع راه اصلی و ۵۶ کیلومتر آزادراه برخوردار است. از نظر زیرساخت‌های جاده‌ای رتبه دوم در کشور را داراست از لحاظ خطوط ریلی و واگن سازی نیز وضعیت نسبتاً خوبی دارا می‌باشد. از لحاظ دسترسی به بنادر جنوبی وضعیت بسیار خوبی دارد و در مسیر خط لوله گاز صلح قرار گرفته و بستر مناسبی جهت ارتباط با پتروشیمی‌ها در استان کرمان فراهم است. استان کرمان دارای سه منطقه ویژه اقتصادی فعال در شهرستان‌های سیرجان، ارگ جدید بم و رفسنجان است و منطقه ویژه اقتصادی جازموریان نیز در دست احداث می‌باشد. بیش از ۴۰ شهرک و ناحیه صنعتی در استان وجود دارد. در مورد صنایع بزرگ از جمله صنایع خودروسازی، بزرگ‌ترین خودروسازی‌های خصوصی کشور از جمله کرمان خودرو، مدیران خودرو، رایین خودرو، خودروسازان بم، ریگان خودرو، آرمان موتور و کارمانیا در استان کرمان مستقر هستند. صنایع مرتبط با فرآوری آهن و مس در چند سال اخیر با



مسیرهای ورودی به شهر کرمان در شهرستان‌های انار، راور، زرنند، بم و جیرفت توجه کنیم، متوجه می‌شویم همگی آن‌ها موقعیت منطقه‌ای خوبی را برای استان فراهم می‌کنند. با محاسبه بر اساس قیمت‌های ثابت در سال ۱۳۹۹، سالانه بالغ بر ۲۰ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در استان صورت می‌گیرد و اگر متوسط هر شغلی در بخش‌های مختلف حدود ۷۰۰ میلیون تومان در نظر بگیریم، این عدد می‌تواند نزدیک به ۴۰ هزار فرصت شغلی را برای استان ایجاد کند و نرخ بیکاری را حتی به عدد یک‌رقمی برساند، البته شرایط ناشی از کرونا مقداری وضعیت را در حوزه گردشگری و خدمات وابسته به آن سخت کرده است و ما امیدوار هستیم که در دوره پسا کرونا با برخی گشایش‌های بین‌المللی در اقتصاد کشور بتوان از این ظرفیت‌ها به صورت ویژه و کاراتری استفاده کرد و از موقعیت منطقه‌ای بسیار مناسب بهره جست. البته ذکر این نکته ضروری است و نباید فراموش کنیم که این موقعیت در کنار یک سری مشکلات از جمله محدودیت‌های منابع آب وجود دارد و باید بسترهای ایجاد شده به سمت فعالیت‌های صنایعی حرکت کند که به آب کمتری نیاز دارند و می‌توانند از فرصت‌های بدون آب، بهره بیشتری ببرند.

آرتمیا نیز رتبه اول کشور را داراست. از نظر مکانیزاسیون در بخش کشاورزی، استان تقریباً پیشرفت‌های خوبی داشته و از کمتر از یک اسب بخار در هکتار در سال ۹۲ به بیش از یک و نیم اسب بخار در هکتار رسیده است. در مورد آثار باستانی، هفت اثر ثبت جهانی و بیش از ۶۰۰ اثر ثبت ملی را دارد که نمونه‌های بارز آن ارگ تاریخی بم، روستای صخره‌ای میمند، باغ شاهزاده ماهان، کویر لوت، قنات چوپار، قنات‌های بم، مجموعه حمام گنجعلیخان، مسجد جامع، گنبد جبلیه و مشتاقیه، قلعه اردشیر و... در استان کرمان وجود دارد؛ بنابراین جهت بهره‌برداری و بهره‌مندی از این ظرفیت‌ها لازم است برنامه‌ریزی‌های خاص و مدونی انجام شود، بویژه در بخش گردشگری که تاکنون آن طور که باید و شاید ظرفیت‌های موجود در این بخش شکوفا نشده است.

◆ تأثیر موقعیت منطقه‌ای استان کرمان در پیشرفت آن را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

در مورد تأثیر موقعیت منطقه‌ای با توجه به مطالب ذکر شده در سؤال قبل، استان کرمان از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جایگاه خوبی قرار دارد از جمله شهرستان سیرجان که یک شاهراه است همچنین اگر به محورهای



◆ شما در مورد رابطه پهنه سرزمینی و شاخص‌های

جمعیتی استان کرمان و پیشرفت آن چه تحلیلی دارید؟

میزان رشد جمعیت در استان کرمان بیش از متوسط کشوری بوده است. جمعیت در هر جایی متشکل از سه پارامتر نرخ زاد و ولد، نرخ مرگ‌ومیر و نرخ خالص مهاجرت (میزان مهاجرت مهاجرین وارد شده منهای میزان مهاجرین خارج شده) است. یکی از مسائلی که ممکن است در استان کرمان آزردهنده باشد، مسئله افزایش بی‌رویه مهاجرت از روستاها به شهرها و خالی شدن روستاها از سکنه است، البته این موضوع می‌تواند هم جنبه‌های مثبت و هم منفی داشته باشد؛ از این نظر که جمعیت مهاجر می‌توانند با کسب یک‌سری مهارت‌ها و آموزش‌ها کمک‌کننده به بخش خدمات (ساختمان و ...)، صنعت، حتی تولید دانش فنی و نوآوری در شهر باشد، از آن طرف منجر به حاشیه‌نشینی شود و جمعیت مهاجر نتوانند در شهر شغل مناسبی را پیدا کنند؛ بنابراین سیاست‌های جمعیتی و مهاجرتی باید با دقت تنظیم شود که در اینجا ممکن است فرصت پرداختن به آن‌ها نباشد، اما اگر بخواهیم مختصر صحبت کنیم، باید ببینیم بهره‌وری نیروی کار با مهاجرت چقدر افزایش پیدا می‌کند؛ وجود نیروی کار خارجی به‌خصوص نیروی کار افغانه در کشور بخشی از فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار داده و خیلی از جوانان ما امروز حاضر به انجام کارهای فیزیکی نیستند و این مسئله باید از لحاظ فرهنگی مورد واکاوی و توجه قرار گیرد که تحت عنوان فرهنگ کار و مسائل مرتبط با آن که بسیار پیچیده است؛ لذا من فکر می‌کنم در استان کرمان در چند سال آینده با کمبود نیروی کار جوان و ماهر روبه‌رو خواهیم شد. یکی از راهکارها در این زمینه رشد جمعیت است، البته رشد جمعیت و تقاضا برای بچه‌دار شدن در خانواده‌ها معمولاً هم تابعی از مسائل فرهنگی، اجتماعی، اعتقادات مذهبی و غیره است و هم تابعی از مسائل اقتصادی و هزینه‌های نگهداری و آموزش و تربیت فرزندان نیز می‌باشد که هر کدام تأثیر به‌سزایی در نرخ زاد و ولد که مهم‌ترین متغیر مؤثر بر جمعیت است، دارد و با یک وقفه حدود ۲۰ ساله می‌تواند تأثیر خاص خود را بر عرضه نیروی کار و جمعیت فعال در اقتصاد بگذارد که در این مقوله فرصت پرداختن به آن نیست.

◆ استان کرمان در برنامه ششم توسعه اقتصادی و

اجتماعی کجا بوده و به کجا رسیده است؟

معمولاً برنامه‌ها اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت دارند و ارزیابی کردن آن‌ها بلافاصله پس از اتمام برنامه، شاید

خیلی جالب نباشد. در حقیقت با توجه به عدم اجرای برنامه هفتم توسعه از سال ۱۴۰۰، عملاً در حال حاضر در کشور تمديد برنامه ششم را خواهیم داشت؛ لذا به زبان دیگر می‌توان گفت که برنامه ششم هنوز ادامه دارد (اگر چه از لحاظ سالی، سال آن تمام شده باشد)، ولی در مجموع از لحاظ پیشبرد این برنامه در استان کرمان علی‌رغم وجود مسائل و مشکلاتی که در ادامه اشاره می‌شود و ضمن این‌که آمار و شاخص‌های رسمی هنوز منتشر نشده‌اند، به نظر می‌رسد در زمینه رشد اقتصادی، نسبت به متوسط کشور وضعیت بهتری وجود دارد؛ برای مثال در موضوع صنعت خودروسازی که در برنامه ششم بویژه از سال ۱۳۹۷ به بعد دچار رکود جدی شده است، اما اگر بتوان مشکلات عدم تأمین مواد اولیه لازم که در اثر تحریم به وجود آمد و مسائل مربوط به کاهش ارتباطات خارجی و تبادل ارز را حل کرد، این امر هم در ایجاد اشتغال و هم ایجاد ارزش افزوده مؤثر عمل خواهد کرد. مسئله سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیز به نوبه خود آسیب‌های جدی به اقتصاد استان وارد کرد که عدم وجود آن می‌توانست رتبه استان را بالاتر نگه دارد. آمار تولید خودرو در استان کرمان نشان می‌دهد که این آمار از بیش از ۸۰ هزار خودرو در سال ۱۳۹۷ به کمتر از ۲۰ هزار عدد در سال ۱۳۹۹ رسید که ناشی از تحریم‌ها و موارد مربوط به آن بود، اما در طی اجرای برنامه ششم در بحث تولید مس استان وضعیت خوبی را تجربه کرده و میزان تولید به طور متوسط از ۲۵۰ هزار تن به ۳۴۰ هزار تن در سال رسیده است. همچنین در مورد تولید کسانتره آهن علی‌رغم تحریم‌هایی که وجود داشت از حدود سه میلیون تن در سال به بالغ بر ۲۰ میلیون تن تولید در سال رسیده، میزان استخراج معادن در استان از کمتر از ۵۰ میلیون تن به بیش از ۱۰۰ میلیون تن در سال رسیده، میزان تولید گندله به سه برابر تولید اولیه رسیده و آهن اسفنجی رشد خوبی را تجربه کرده است. از موارد مهمی که در برنامه ششم در بخش کشاورزی اتفاق افتاد می‌توان به استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار و آبیاری نوین اشاره کرد که از حدود ۹۰ هزار هکتار به بیش از ۱۶۰ هزار در هکتار رسیده و سطح زیر کشت گلخانه‌ها نیز از حدود ۱۵۰۰ هکتار به بیش از ۲۵۰۰ هکتار در سال رسیده‌اند. در زمینه تولید دانه‌های روغنی، رشد سه برابری تجربه شده است.

در این برنامه در بخش گردشگری، آثار ثبت شده به ۸۰ مورد افزایش پیدا کرده‌اند و در مورد آثار ثبت جهانی نیز یک مورد افزایش داشتیم. در مورد بوم‌گردی‌ها نیز



با محاسبه بر

اساس قیمت‌های

ثابت در سال

۱۳۹۹، سالانه

بالغ بر ۲۰ تا ۳۰

هزار میلیارد تومان

سرمایه‌گذاری در

استان صورت

می‌گیرد و اگر

متوسط هر شغلی

در بخش‌های

مختلف حدود

۷۰۰ میلیون تومان

در نظر بگیریم،

این عدد می‌تواند

نزدیک به ۴۰ هزار

فرصت شغلی را

برای استان ایجاد

کند و نرخ بیکاری

را حتی به عدد

یک‌رقمی برساند،

تحول خوبی در طول این برنامه انجام شده است و تعداد واحدهای بوم‌گردی از ۱۰ واحد به بیش از ۳۰۰ واحد بوم‌گردی افزایش پیدا کرده‌اند. در زمینه تولید انرژی در طول برنامه ششم میزان تولید انرژی از ۲۵۰۰ به ۳۸۰۰ مگاوات افزایش پیدا کرده که بیشتر آن مربوط به تولید انرژی از نیروگاه‌های سیکل ترکیبی بوده است و در زمینه انرژی تجدیدپذیر خورشیدی حرکت‌هایی شروع شده و امیدوار هستیم این حرکت‌ها ادامه پیدا کند.

◆ ارزیابی شما از سیاست‌های سرمایه‌گذاری استان چیست؟

در مورد سرمایه‌گذاری در هر اقتصاد در ابتدا باید یک خط فاصله بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کشیده شود؛ در واقع پس‌انداز، نوعی به تأخیر انداختن مصرف و تلاش برای حفظ ارزش واقعی دارایی‌ها برای آینده است و یک نرخ در اقتصاد دارد که مردم دارایی خود را پس‌انداز می‌کنند که این پس‌انداز ممکن است در بانک‌ها در عوض دریافت کارمزد، در قبالت خرید یک کالایی که شخص فکر می‌کند ارزش دارایی واقعی او حفظ می‌شود از جمله خرید طلا، زمین و مسکن یا از طریق سرمایه‌گذاری در بورس صورت گیرد؛ به عبارتی پس‌اندازکنندگان به دنبال این هستند که آن میزان از دارایی خود را که در حال حاضر مصرف نمی‌کنند موقوف به سال بعد یا نسل بعد کنند که بخشی از این ایده به این موضوع برمی‌گردد که نگران آینده هستند که در آینده نتوانند درآمد کسب کنند و هزینه‌هایی از جمله ازدواج فرزندان، هزینه‌های دوران پیری و نگهداری و غیره را تجربه کنند. در واقع پس‌انداز یک موضوع پیچیده در اقتصاد است و به رفتار اقتصادی مردم جامعه برمی‌گردد. مردم هستند که تصمیم می‌گیرند از چه روش‌هایی برای پس‌انداز استفاده کنند تا ارزش دارایی‌هایشان به نحوی حفظ و نگهداری شود.

اما سرمایه‌گذاری عبارت است از خرید کالاهای سرمایه‌ای که قابلیت تولید مجدد دارند، از جمله ماشین‌آلات، ساختمان، مزرعه، گاوداری، زمین و غیره. سرمایه‌گذاران به دنبال کسب سود هستند که این کسب سود توأم با ریسک است؛ به عبارتی سرمایه‌گذاری‌هایی که ریسک بیشتری دارند انتظار سود بیشتری نیز خواهند داشت و بالعکس. یکی از پارامترهایی که بسیار بر سرمایه‌گذاری تأثیر دارد ثبات است؛ ثبات در نرخ ارز، قیمت‌ها، دستمزدها، نرخ بهره و مسائل دیگری که می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری در اقتصاد را کاهش دهد. در اقتصاد استان بسیاری از ثبات‌هایی که ذکر شد به سطح کشور

برمی‌گردد و از دست استان خارج است که بتواند در مورد آن‌ها تصمیم بگیرد؛ به عبارتی نااطمینانی از قیمت نهاده‌ها و قیمت محصولات در آینده و خیلی از مسائل دیگر دست‌به‌دست هم داده و این مشکلات را ایجاد می‌کند. در نتیجه اگر بی‌ثباتی و ناامنی در اقتصاد افزایش داشته باشد، سرمایه‌گذاران بیشتر به سمت پناهگاه‌های امن‌تری مثل سکه، ارز، زمین، مسکن و اصطلاحاً «کنز» می‌روند، اما اگر ثبات اقتصادی وجود داشته باشد و پیش‌بینی‌های مناسبی از آینده در زمینه‌های مختلف از جمله قیمت نهاده‌ها و محصولات، دستمزدها، نرخ بهره و تکنولوژی صورت گیرد، می‌تواند به افزایش سرمایه‌گذاری در تمام حوزه‌های اقتصاد کمک کند. از طرفی ثبات اقتصادی تا حد زیادی به ثبات سیاسی و مسائل مانند دیپلماسی خارجی، تحریم و غیره بستگی دارد. در داخل نیز صدور بخشنامه‌های لحظه‌ای، شبانه، خلق‌الساعه و قوانین نوسانی نیز می‌تواند روی ایجاد ثبات اثرگذار باشد. به همین دلیل لازم است سیاست‌های سرمایه‌گذاری عمدتاً به سمت کاهش ریسک و مخاطرات و در واقع امنیت سرمایه‌گذاری حرکت کنند؛ بنابراین سیاست‌های سرمایه‌گذاری باید به سمتی حرکت کند که با کاهش ریسک و افزایش سود، توأمان باشد و امنیت سرمایه‌گذاری را تضمین نماید، البته کاهش ریسک به پارامترهای دیگری بستگی دارد، اما اصلی‌ترین آن ایجاد ثبات است.

به طور کلی علاوه بر مواردی که ذکر شد، از موانع دیگر سد راه سرمایه‌گذاری در استان می‌توان به استعلامات، واگذاری زمین، مسائل مربوط به محیط‌زیست، قوانین مربوط به تأمین اجتماعی و کار، تسهیلات و غیره اشاره کرد که برداشتن هر کدام می‌تواند در راستای سرمایه‌گذاری کمک‌کننده باشد. شناسایی مزیت‌ها بویژه مزیت‌های رقابتی و پویا می‌تواند در بهبود و دوام سرمایه‌گذاری و اشتغالی که ایجاد می‌شود، تأثیرگذار باشد.

در استان بیشتر دنبال این موضوع هستیم که یک‌فاز صفر از پروژه‌ها را تهیه کنیم. با ایجاد پنجره واحد الکترونیکی سرمایه‌گذاران را در اخذ مجوزها کمک نموده و زمان و تعدد فرآیندها را کاهش دهیم. در مجموع یک سرمایه‌گذار به جای این‌که وقت و انرژی خود را صرف دوندگی در ادارات و دستگاه‌ها کند با یک پنجره واحد روبرو باشد که در یک برنامه زمان‌بندی منظم، مشخص و شفاف پاسخ خود را بگیرد و بتواند سرمایه‌گذاری را انجام دهد.

در استان بیشتر

دنبال این

موضوع هستیم

که یک‌فاز صفر از

پروژه‌ها را تهیه

کنیم. با ایجاد

پنجره واحد

الکترونیکی

سرمایه‌گذاران را

در اخذ مجوزها

کمک نموده و

زمان و تعدد

فرآیندها را کاهش

دهیم. در مجموع

یک سرمایه‌گذار

به جای این‌که

وقت و انرژی خود

را صرف دوندگی

در ادارات و

دستگاه‌ها کند با

یک پنجره واحد

روبرو باشد که

در یک برنامه

زمان‌بندی منظم،

مشخص و شفاف

پاسخ خود را

بگیرد و بتواند

سرمایه‌گذاری را

انجام دهد.

♦♦ آیا سیاست‌هایی که استان کرمان تدبیر کرده است به واقعیت پیوسته است؟

در مجموع علاوه بر مواردی که در سؤال قبل ذکر شد، می‌توان گفت که یک فضای کلی در کشور وجود دارد که به ثبات سیاسی و به تبع آن ثبات اقتصادی و آن نااطمینانی‌هایی که در حوزه مواد اولیه، قیمت‌ها و مسائل دیگر که وجود دارد برمی‌گردد و یک فضای دیگر در داخل استان وجود دارد که به تسهیل در صدور مجوزها و راهنمایی برای سرمایه‌گذاران و انجام مطالعات علمی برای شناسایی مزیت‌ها و بخش‌های پیش‌برنده مربوط می‌شود که همه این‌ها مسائلی هستند که می‌تواند در حوزه سرمایه‌گذاری کمک‌کننده باشد.

♦♦ دولت تا چه اندازه در بهبود بهره‌وری ساختار خود و در کل بهره‌وری اقتصاد موفق بوده است؟

بهره‌وری موضوع بسیار پیچیده‌ای است و شاید نتوان به این راحتی توضیح داد که بهره‌وری به چه شکل افزایش پیدا می‌کند. اصولاً رشد اقتصادی از دو منبع اتفاق می‌افتد: یک منبع آن استفاده از نهاده‌ها و یا منابع بیشتر است از جمله آب، زمین، سرمایه، نیروی کار که آن را در کلمه‌ای به نام «منابع» خلاصه می‌کنیم. در نتیجه برای تولید بیشتر به منابع نیاز داریم هر کدام از این‌ها مجدد شامل موارد دیگر می‌شوند؛ برای مثال سرمایه خود شامل سرمایه فیزیکی، انسانی، اجتماعی و غیره می‌شود و نیروی کار شامل نیروی کار ساده، ماهر، زنان و زمین نیز کیفیت‌ها و کاربری‌های مختلف از جمله مسکن، کشاورزی، صنایع، معادن و غیره را شامل می‌شود.

منبع دیگر رشد اقتصادی بهره‌وری است به عبارتی بهره‌وری یعنی استفاده از همان منابع ردیف اول با این هدف که بازدهی و خروجی بیشتری دریافت شود. بهره‌وری به صورت ساده عبارت از نسبت خروجی به ورودی است و با شاخص‌های خاص اندازه‌گیری می‌شود. دیدگاه‌ها و روش‌های مختلفی برای بهره‌وری وجود دارد؛ برای مثال بهره‌وری از دیدگاه اقتصاددان با بهره‌وری از دیدگاه مدیران و سیاست‌گذاران متفاوت است. بهره‌وری انواع مختلفی دارد؛ بهره‌وری جزء، بهره‌وری کل، بهره‌وری اجتماعی و ... لذا به اعتقاد بنده یکی از مقولاتی که در کشور در مورد آن بسیار شتاب‌زده برخورد می‌شود بحث بهره‌وری است که ناشی از آن است که درک و فهم مشترک از این واژه در بین گروه‌های مختلف ذینفع ایجاد نشده است و البته تلاش‌های زیادی هم از طریق سازمان ملی بهره‌وری و دستگاه‌های متولی انجام شده است، اما به طور متوسط

در ۴۰ سال گذشته رشد بهره‌وری در کشور ما به یک درصد هم نرسیده است.

در مورد بهره‌وری در استان نیز وضعیت خیلی خوبی وجود ندارد، از جمله بهره‌وری انواع عوامل تولید (آب، زمین، نیروی کار و غیره) که بهره‌وری جزئی هستند، درحالی‌که در برنامه‌های توسعه گفته شده است که یک‌سوم رشد از طریق بهره‌وری و دو سوم آن از طریق منابع صورت گیرد؛ برای مثال برای رشد اقتصادی ۸ درصد باید حدود ۲،۷ درصد از طریق بهره‌وری و ۵،۴ درصد از طریق رشد سرمایه‌گذاری و سایر منابع صورت گیرد، اما در اقتصاد معمولاً مقوله بهره‌وری خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با ذکر این نکته که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته سهم رشد اقتصادی از طریق بهره‌وری، بیشتر از رشد اقتصادی از طریق منابع است؛ به اصطلاح می‌گویند رشد منابع محور است یا رشد بهره‌وری محور است. از طرف دیگر بهره‌وری از دو جز کارایی و اثربخشی تشکیل شده که انتظار بر این است کارایی نسبت به اثربخشی سهم عمده‌تری را در بهره‌وری داشته باشد که مقولات مربوط به این موضوع را نمی‌توان در این فرصت کم بیان کرد.

با توجه به مشکلاتی که در برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، معادن، خاک و غیره انجام شده است و البته هنوز هم ذخایر خوبی به غیر از آب در بخش‌های دیگر وجود دارد، اگر بخواهیم به یک رشد پایدار بلندمدت برسیم باید به سمت بهره‌وری بلندمدت حرکت کنیم و چاره‌ای جز این نیز وجود ندارد. در سیاست‌های کلان کشور از جمله برنامه‌های توسعه، برنامه دستگاه‌ها و برنامه‌های کلان استانی این مقوله دیده شده است، اما رسیدن به آن در عمل در ابتدا نیازمند یک سری تفکرات جدی در مفهوم بهره‌وری (پیدا کردن مفاهیم اندازه‌گیری بهره‌وری) است، دوم شناسایی شاخص‌هایی است که به کمک آن بهره‌وری به صورت دقیق اندازه‌گیری می‌شود و سوم پیدا کردن راهکارهایی که با استفاده از آن‌ها بتوان بهره‌وری را افزایش داد، می‌باشد. بهره‌وری با شعار دادن، نوشتن، توصیه‌های اخلاقی افزایش پیدا نمی‌کند، بلکه افزایش بهره‌وری نیازمند تغییر تکنولوژی، دیدگاه و روش است و ریشه در خیلی از مسائل جزئی‌تر دارد؛ برای مثال وقتی که در اقتصاد، یارانه انرژی، یارانه اعتبارات و یارانه‌های دیگر پرداخت می‌شود جهت‌دهی به بهره‌وری منحرف می‌شود. زمانی که یارانه انرژی پرداخت می‌شود هیچ‌کدام از بنگاه‌ها در راستای بهره‌وری انرژی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند چون برای آن‌ها صرفه اقتصادی ندارد؛ به عبارتی وقتی که انرژی ارزان قیمت مثل برق، گاز و غیره در اختیار بنگاه قرار

اصولاً رشد اقتصادی از دو منبع اتفاق می‌افتد: یک منبع آن استفاده از نهاده‌ها و یا منابع بیشتر است از جمله آب، زمین، سرمایه، نیروی کار که آن را در کلمه‌ای به نام «منابع» خلاصه می‌کنیم. در نتیجه برای تولید بیشتر به منابع نیاز داریم هر کدام از این‌ها مجدد شامل موارد دیگر می‌شوند. منبع دیگر رشد اقتصادی بهره‌وری است به عبارتی بهره‌وری یعنی استفاده از همان منابع ردیف اول با این هدف که بازدهی و خروجی بیشتری دریافت شود.

دولت‌ها و حکومت‌ها بد عمل کرده‌اند، بلکه اولویت‌های بالاتر از این مسئله وجود داشته که دولت برای حفظ نظام و ارزش‌های نظام لازم بوده و انجام داده است.

◆ استان کرمان در اندیشه توسعه، از چه محورهایی باید عبور کند؟

پاسخ به این‌که کدام محورها استان را به توسعه می‌رساند، بسیار سخت است و نمی‌شود یک جواب قانع‌کننده به آن داد. در زمینه معدن، صنایع معدنی و تکمیل زنجیره‌های معدنی، ظرفیت خوبی در استان وجود دارد که می‌تواند محور مناسبی برای توسعه باشد؛ اما در استان تمام تلاشی که صورت می‌گیرد و ثروت‌های خدادادی را از چند صد متر از زیر خاک استخراج کرده و آن‌ها به مراحل رسانده می‌شوند که در حال حاضر شاهد هستیم، اما مهم از این مرحله به بعد است که از طریق تکمیل این زنجیره ارزش، باعث ایجاد ارزش افزوده شویم. محور بعدی استفاده از ظرفیت گردشگری استان است که اگر بتوانیم با الهام از استان‌های یزد، اصفهان و فارس گردشگری را گسترش داده و گردشگران را به استان کرمان بیاوریم و به اصطلاح مثلث گردشگری را تبدیل به مربع گردشگری کرده و زیرساخت‌های جدیدی برای جاذبه‌های گردشگری ایجاد و دسترسی‌های بهتری را ایجاد کنیم. در حوزه کشاورزی اگر نقطه عطف را بحث بهره‌وری آب قرار دهیم و استفاده از آن را به صورت کاراتر در برنامه قرار دهیم با این پیش فرض که فرصت‌های هوا و اقلیم و در کنار آن دانشگاه‌های خوبی در استان موجود است می‌توان گفت استفاده از ظرفیت‌های استان به صورت مکمل و در کنار آن بخش خدمات (خدمات فنی، دانش، پژوهش، R&D) می‌تواند به توسعه استان کمک کند، اما به اعتقاد بنده توجه به مسائل دانش‌بنیان به عنوان مرکز (هسته) اصلی در همه بخش‌ها ضروری است، باید نگاه عالمانه، مدبرانه، دانش‌بنیانی و نوآورانه به همه بخش‌های اقتصاد به عنوان محور اصلی قرار گرفته با این شرط که از سیاسی‌کاری دوری شده و در کنار آن یک همدلی و وحدت ملی به وجود آمده تا از این طریق برای مثال ارتباط صنعت و دانشگاه به مفهوم کاربردی سود ساز برای صنعت باشد. در واقع توسعه استان با یک نقشه راه علمی و بلندمدت فارغ از مسائل سیاسی و فارغ از برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد و موجب پیشرفت شود. همدلی مبتنی بر دانش، تحقیق، عمل و انصاف واژه‌ای است که من روی آن تأکید دارم که در جهت پیشرفت اقتصاد کشور و استان کرمان بسیار تأثیر دارد. ◆◆

می‌گیرد، بنگاه برای ارتقاء بهره‌وری این منبع تلاش و برنامه‌ریزی نمی‌کند. در حوزه اعتبارات نیز به همین شکل می‌باشد. در مجموع هر نوع پرداخت یارانه، جهت تکنولوژی در راستای بهره‌وری را منحرف و بهره‌وری را کاهش می‌دهد؛ لذا یکی از مسائلی که می‌تواند اثر جدی در جهت‌دهی به بهره‌وری منابع داشته باشد قیمت‌ها و بویژه قیمت‌های نسبی عوامل تولید و محصولات و مشابه آن‌ها هستند. جهت افزایش بهره‌وری باید به مفاهیمی همچون دانش، دانش‌بنیانی، نوآوری، خلاقیت و کاهش مداخله دولت در قیمت‌ها، توجه به بخش خصوصی، استفاده از بنگاه‌های خلاق و نوآور و پیش‌تاز از این زمینه و استفاده از تجربیات سایر کشورها توجه بسیار جدی داشته باشیم و بهره‌وری چیزی نیست که یک شبه در اقتصاد بتواند انقلاب ایجاد کند و افزایش بهره‌وری با مسائل خیلی جزئی و حرکت‌های خیلی انفرادی شروع می‌شود به عبارتی هر کس باید از خودش شروع کند.

در استان کرمان بخش‌های کشاورزی، صنعتی، معدنی و خدمات نیاز به تحول جدی در حوزه بهره‌وری دارند که این مهم اتفاق نخواهد افتاد، مگر این‌که ما درک صحیحی از بهره‌وری داشته و به صورت عددی در مورد این شاخص صحبت کنیم و از کلی‌گویی بپرهیزیم و راه‌کارهای جزئی عملیاتی و میدانی پیدا کرده و نهایتاً در عمل یک نقشه راه مشخص برای حرکت از یک وضعیت به وضعیت بهره‌ورتر و کاراتر در اقتصاد را طراحی و دنبال کنیم. از نظر سیاست‌های کلان باید سعی کرد آن‌هایی که مسیر بهره‌وری را منحرف و خارج می‌کند را کنار گذاشت. تحقیقات، دانش و تکنولوژی از مسیر اصلی آن و با جهت‌دهی‌های قیمتی اقتصاد ما را در مسیر رقابت جهانی بلندمدت سوق می‌دهند. در مورد این‌که دولت تا چه اندازه در بهره‌وری موفق بوده شاید نتوان نمره داد به عبارتی برای قضاوت باید ملاحظات اجتماعی، سیاسی، ارزشی، مذهبی و اسلامی نیز در نظر گرفته شود در برخی از برهه‌ها دولت نیازمند است که جهت کاهش نابرابری‌ها، امنیت غذایی، توجه به اقشار کم‌درآمد جامعه، حفظ ارزش‌ها و مسائلی مثل جنگ، تحریم‌ها که مسائل ارزشی انقلاب اسلامی هستند هزینه‌هایی را پرداخت کند که ممکن است ضروری، لازم و واجب باشند، اما به لحاظ اقتصادی مسیر بهره‌وری را منحرف کنند؛ لذا این اهم و مهم کردن‌ها در حوزه ما نیست که درست یا غلط بودن آن را تشخیص دهیم، شاید دولت خیلی در زمینه افزایش بهره‌وری موفق نبوده است و دلیل اصلی آن ریشه در انحرافات قیمتی در قیمت انرژی، آب و مسائل دیگر دارد، اما این به این مفهوم نیست که

در استان کرمان

بخش‌های

کشاورزی،

صنعتی، معدنی

و خدمات نیاز به

تحول جدی در

حوزه بهره‌وری

دارند که این مهم

اتفاق نخواهد

افتاد، مگر این‌که

ما درک صحیحی

از بهره‌وری داشته

و به صورت

عددی در مورد

این شاخص

صحبت کنیم

و از کلی‌گویی

بپرهیزیم و

راه‌کارهای جزئی

عملیاتی و میدانی

پیدا کرده و نهایتاً

در عمل یک

نقشه راه مشخص

برای حرکت از

یک وضعیت به

وضعیت بهره‌ورتر

و کاراتر در اقتصاد

را طراحی و دنبال

کنیم.

در مسیر اقتصاد کلان



♦ حسین یزدانی

کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان



♦ بتول علیزاده

کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان

برنامه‌ریزی شد. اشاعه فرهنگ بهره‌وری و توجه بیش‌ازپیش به موضوع بهره‌وری در تمامی سطوح دولتی و خصوصی، تلاش برای ورود این مهم به بطن سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های استان، تشویق بنگاه‌ها برای اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل وضعیت خود از منظر بهره‌وری، شناسایی و تجلیل از بنگاه‌های بهره‌ور و نهایتاً ایجاد بستر انتقال تجربه در پروژه‌های ارتقای بهره‌وری از دیگر اهدافی است که برای برگزاری این جشنواره مدنظر قرار دارد.

دومین جشنواره بهره‌وری و رقابت‌پذیری استان کرمان روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ به دلیل شرایط خاص حاصل از شیوع ویروس کرونا به صورت مجازی و با محدود مدعوین حضوری برگزار شد که شامل چند بخش اصلی بود. در ابتدای جلسه مهندس طبیب زاده رییس اتاق بازرگانی کرمان، جایگاه استان را در میزان درآمد شهری و روستایی با وجود منابع خدادادی فراوان، نامناسب دانست و ابراز تأسف کرد که در زمینه مصرف آب با وجود جغرافیای کویری، کرمان رتبه دوم مصرف آب بعد از خوزستان را دارد. به بیان ایشان در شرایطی که ورودی ۴۰ میلیون تن ماده معدنی، شش و نیم میلیارد مترمکعب آب، ۱۴۰ هزار نفر نیروی انسانی تحصیل کرده به اقتصاد کرمان بوده، تولید ناخالص داخلی ۱۰۳ هزار میلیارد تومان نشان از بهره‌وری پایین اقتصاد استان دارد و ضریب اشتغال در حوزه‌های مختلف بویژه گردشگری استان با وجود ظرفیت‌های بالا، بسیار پایین است، برگزاری چنین

یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های دنیا برای رشد و شکوفایی اقتصادی، ارتقا و افزایش بهره‌وری است؛ اما متأسفانه در کشور ما توسعه اقتصادی همواره از راه افزایش سرمایه‌گذاری‌ها اتفاق افتاده است و علی‌رغم هدف‌گذاری‌هایی که در سطح ملی و در قالب برنامه‌های پنج ساله توسعه از برنامه چهارم تاکنون تعریف شده بود، هیچ‌گاه و در هیچ مقطع زمانی دستیابی به اهداف بهره‌وری محقق نشده است. بررسی وضعیت کشورهای عضو سازمان بهره‌وری آسیایی (APO) در یک بازه ۱۵ ساله نشان می‌دهد که میانگین رشد اقتصادی کشورهای عضو حدوداً چهار واحد درصد و سهم بهره‌وری از رشد اقتصادی آن‌ها حدود ۴۲ درصد است، اما سهم بهره‌وری از رشد اقتصادی در ایران در دوره زمانی مشابه تنها در حدود هفت درصد بوده است. اگر سهم ۲/۸ درصدی در نظر گرفته شده برای بهره‌وری از رشد اقتصادی استان در برنامه ششم محقق می‌گشت، ۶۰/۴ هزار میلیارد تومان صرفه‌جویی در سرمایه‌گذاری را شاهد بودیم؛ اما به نظر می‌رسد حلقه مفقوده‌ای در این بین وجود دارد که مانع از تحقق بهره‌وری است. درک این ضرورت و اولویت انکارناپذیر باعث شده سال‌ها کلیدواژه بهره‌وری، دغدغه اتاق بازرگانی کرمان باشد و به شیوه‌های مختلف: فرهنگ‌سازی، آموزش، ایجاد انگیزه و پروژه‌های اجرایی در این مسیر گامی هر چند کوچک بردارد. در همین راستا جشنواره سالیانه بهره‌وری و رقابت‌پذیری استان کرمان با هدف ایجاد نهضت بهره‌وری در استان طراحی و



ایشان بنگاه اقتصادی بابت به‌کارگیری عوامل تولید هزینه پرداخت می‌کند و بابت فروش محصول درآمد کسب می‌کند. طبیعتاً هرچه درآمد نسبت به هزینه بالاتر باشد، بنگاه از سودآوری بیشتر برخوردار خواهد بود. به معنی آن‌که هرچه بهره‌وری بیشتر شود، بنگاه نیز سودآورتر خواهد شد. پس از اینجا است که متوجه نظام انگیزشی می‌شویم که بنگاه‌های اقتصادی را برای دستیابی به بهره‌وری بالاتر فعال می‌کند. در نتیجه این بنگاه اقتصادی است که تصمیم می‌گیرد که نهاده‌های تولید یا منابع را چطور استفاده کند و این تصمیم تابع سیگنال‌هایی است که تولیدکننده دریافت می‌کند و فعالیت تولیدی او را با دو رویکرد روبرو می‌کند. آیا استفاده بهینه‌تر از عوامل تولید و به عبارت بهتر از منابع، سود بیشتری برای او خواهد داشت یا استفاده حداکثری از منابع؟ در کشور ما که شاهد هستیم نحوه به‌کارگیری عوامل تولید در اقتصاد، نهنتها به درجاتی متفاوت از مقادیر بهینه بلکه دقیقاً به‌صورت متضاد با ترکیب بهینه است و طبیعتاً جواب واحد تولیدی به دو رویکرد پیش رو، مورد دوم است که نتیجه‌ای جز ضایع شدن منابع کشور در پی نخواهد داشت و جالب‌تر این‌که مقصر این اتفاق، تولیدکننده نیست بلکه این یک واکنش طبیعی در مقابل علامت‌هایی هست که دریافت کرده است. در نتیجه رفتار ضد بهره‌ورانه تولیدکننده در ایران با توجه به وجود انرژی ارزان و نیروی کار فراوان کاملاً طبیعی است. همین موضوع باعث شده که نهنتها به مشکل کم‌آبی توجه نشده

جشنواره‌هایی می‌تواند نهضت جدی برای ارتقای بهره‌وری در استان ایجاد نماید، موضوعی که همکاری و همراهی همه ابعاد سیاسی، مدیریت، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی استان را می‌طلبد.

نکته جذاب جشنواره امسال بزرگداشت یاد و خاطره یک چهره کارآفرین نیکوکار تاریخ معاصر استان حاج علی‌اکبر صنعتی معروف به حاج اکبر بود. مردی که در میان دهها چهره برجسته پرورده دامن دارالامان که هر کدامشان به تنهایی مفخر یک جامعه به شمار می‌روند، جان‌مایه همه ارزش‌های عاطفی، اقتصادی، تولیدی و اجتماعی بود. حاج اکبر صنعتی از یک‌سو شجره مهربانی‌هایش سایه‌سار کودکان یتیم بود و از طرفی گسترش صنعت را زمینه‌ساز تداوم حیات این دیار کویری می‌دانست و هر روز تولید تازه‌ای عرضه می‌کرد. هم کارآفرین بود و هم اعتقاد داشت کمک بدون دریافت خدمت خباتتی بزرگ به شمار می‌رود؛ نکاتی که برای هر کدامشان دهها نمونه سراغ داریم. در ادامه مروری مختصر بر بخش‌های مختلف و آنچه در دومین جشنواره گذشت خواهیم داشت.

بخش اول: فجاج بهره‌وری

دکتر نیلی اقتصاددان و عضو هیئت‌علمی دانشگاه صنعتی شریف، بازیگری که بهره‌وری توسط آن رقم می‌خورد را واحد تولیدی یا به عبارت دقیق‌تر، بنگاه اقتصادی نامید. به گفته

- ▼ **دکتر نیلی تأکید کرد که کلید ضعف یا فاجعه بهره‌وری در اقتصاد ایران به کیفیت سیاست‌گذاری مربوط می‌شود. اگر بخواهیم اصلاح بهره‌وری را در پیش بگیریم، نقطه شروع تغییرات سیاست‌گذاری است که نتیجه آن در رفتار واحدهای تولیدی انعکاس پیدا خواهد کرد. بهره‌وری از بطن تصمیمات خرد اقتصادی روی سرمایه و نیروی کار متولد می‌شود.**

امکانات در بخش‌های حاکمیتی و تشکل‌های بخش خصوصی برای افزایش بهره‌وری به دنبال تحقق این چشم‌انداز می‌باشد. برخورداری از حمایت‌های حکومتی در سطح سه قوه و بهره‌مندی از ظرفیت تشکل‌های بخش خصوصی مانند خانه صمت، خانه کشاورز، اتاق تعاون، اتاق اصناف و ... از نقاط قوت ساختار پیشنهادی یاد شده است؛ هر چند انسجام لازم در تشکل‌ها و فرهنگ کار تیمی و تشکل‌گرایی ضعیف است و باید در این زمینه اقدامات اساسی انجام گیرد. از سوی دیگر اگر چه قوانین متعارض و بروکراسی پیچیده در نظام دیوان‌سالاری ایران، دلسردی نسبت به تولید، گرایش عمومی به ارائه خدمات و فعالیت‌های زودبازده، مشکلات جدی در تأمین منابع مالی بنگاه‌ها و مواجهه با بحران‌های بزرگی مثل بحران کمبود آب، موفقیت اجرای ساختار پیشنهادی را با تهدید مواجه می‌کنند، اما به دلیل وجود شرایط حاد اقتصادی کشور و به تبع آن استان، تمایل به انسجام و همراهی فعالان اقتصادی بیشتر شده و شدت تحریم‌ها نگاه به ظرفیت‌های درونی و اتکا به خویش‌نشان در زنجیره‌های متفاوت ارزش را تقویت کرده است. تمرکز فعالیت‌های ستادی، تشکل‌گرایی و وحدت تشکلی در فعالیت‌های اجرایی، حضور فعال اعضا در تشکل‌ها، استفاده از مشاوران خبره برای رسیدن به بهترین تصمیمات، تخصص‌گرایی، تشویق و توسعه برنامه‌گرایی، توجه به بهینه‌سازی و حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود، گذار از آموزش سنتی به آموزش آکادمیک، قانون‌گرایی و ترجیح منافع ملی از اصول اصلی این ستاد معرفی شد.

بخش سوم: ارائه تجربه کار در کانادا، رویکرد و سیاست‌گذاری دولت و رشد بهره‌وری

دکتر مرتضی ظهرابی مشاور ارشد بهبود سیستم‌های خدمات عمومی و صنعت که سال‌هاست در کشور کانادا مشغول فعالیت است با توجه به تجربیات کاری سال‌های قبل در

بلکه حرکت‌ها هم در جهت ائتلاف بیش از پیش منابع آبی موجود است؛ مثال دیگر اتفاقی است که در ناوگان حمل‌ونقل افتاده است، هرچند فرسوده بودن خودرو باعث افزایش مصرف سوخت و هزینه‌های جانبی است و باید به سمت جایگزین کردن آن با خودروهای سالم حرکت کنیم، اما در یک اقدام متضاد بهره‌وری چون هزینه حامل‌های انرژی بسیار پایین است ادامه استفاده از خودرو فرسوده با مصرف سوخت بالا، صرفه اقتصادی بیشتری نسبت به تعویض خودرو و نوسازی ناوگان دارد؛ بنابراین اگر سیگنال‌ها و علامت‌هایی که به واحد تولیدی داده می‌شود به گونه‌ای باشد که بگوید منابع و نهادهای تولیدی زیاد و ارزان است، طبعاً بیشتر از آن‌ها استفاده خواهد کرد و وقتی محصول تولیدی برای سیاست‌گذار آن قدر اهمیت داشته باشد که به هر شکل ممکن از جمله در اختیار قرار دادن نهادهای ارزان، سعی در پایین نگه‌داشتن قیمت شود، نتیجه فاجعه بهره‌وری است؛ یعنی استفاده حداکثری از منابع و تولید محصولی با کیفیت حداقلی. در پایان این بخش دکتر نیلی تأکید کرد که کلید ضعف یا فاجعه بهره‌وری در اقتصاد ایران به کیفیت سیاست‌گذاری مربوط می‌شود. اگر بخواهیم اصلاح بهره‌وری را در پیش بگیریم، نقطه شروع تغییرات سیاست‌گذاری است که نتیجه آن در رفتار واحدهای تولیدی انعکاس پیدا خواهد کرد. وقتی تنظیم‌گری بازارها به معنای محافظت از علامت‌دهی قیمت‌ها به‌درستی انجام می‌شود، بهره‌وری از بطن تصمیمات خرد اقتصادی روی سرمایه و نیروی کار متولد می‌شود.

بخش دوم: ساختار پیشنهادی ارتقای بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی استان

در ادامه ساختاری تحت عنوان ستاد بهره‌وری با تکیه بر ظرفیت نهادهای بخش خصوصی پیشنهاد شد. در چشم‌انداز ساختار پیشنهادی، استان کرمان به عنوان الگوی ملی تحقق بهره‌وری معرفی شده است و از طریق هماهنگ‌سازی تمامی



ایران و شناخت کافی از استان کرمان، معتقد است که اگر قرار باشد در کشور اتفاقی در زمینه بهره‌وری بیفتد، کرمان به واسطه دارا بودن استعدادها و تجربیات و مشاهدات موفق‌تری باشد. آقای ظهراهی براساس تجربیات و مشاهدات خود از کشور کانادا برای تحقق توسعه پایدار، سه محور اصلی را نام برد: ۱- مردم (شامل کارکنان، مشتریان و مانند این‌ها)، ۲- محیط‌زیست و ۳- سودآوری که مهم‌ترین بحث برای نگاه‌های اقتصادی محسوب می‌شود. از دیدگاه وی این سه مورد در کنار هم معنا پیدا می‌کند و هرکدام به صورت مجزا متولی خاص خود را دارد، اما در این بین صاحبان و مدیران نگاه‌های اقتصادی با اولویت قرار دادن محور سودآوری (برای سهامداران بنگاه خود) ضمن همراهی با متولیان، تعادل بین این سه محور را برقرار می‌کنند.

در ادامه و با تمرکز بیشتر بر موضوع ارتقاء بهره‌وری و ذکر راهکار حل مشکلات، او این‌طور ادامه داد که همه ما با تکنولوژی روبرو هستیم که دائماً در حال تغییر است و رقبا هر روز قوی‌تر از قبل می‌شوند و این امکان همیشه وجود دارد که رقیب جدیدی وارد بازار شود و یک کسب‌وکار را از صحنه رقابت خارج کند. از سوی دیگر قوانین و مقررات جدید که بر اساس شرایط مختلف و خاص وضع می‌شوند و همه‌چیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. شیوع بیماری کرونا، نمونه بارزی از این شرایط خاص است. در نتیجه در چنین شرایطی برای نگاه‌های اقتصادی چهار راهکار و سیاست عملیاتی وجود دارد که می‌توانند بنا به موقعیت از هر یک از این راهکارها یا مجموعه‌ای از آن‌ها استفاده کنند (شامل دو راهکار سنتی و رایج در همه کشورها و دو راهکار جدید و نوظهور در کشورهای پیشرو).

راهکارهای سنتی رایج در تمام کشورها:

۱) تحقیق و توسعه (R&D)

۲) استفاده از تکنولوژی‌های بروز و ارزان‌تر

راهکارهای جدید و نوظهور در کشورهای پیشرو:

۳) خرید راه‌حل

در این روش شرکت‌هایی که می‌توانند برای مسئله طرح شده راه‌حل ارائه دهند، اعلام آمادگی می‌کنند. در دور اول از بین کسانی که راه‌حل‌های بهتری ارائه کرده‌اند، چند شرکت انتخاب می‌شود تا در دور بعدی با طرح‌کننده مسئله وارد مذاکره شوند و نهایتاً از بین آن‌ها، شرکت‌هایی که راه‌حلی با ضمانت اجرایی بیشتری دارند، انتخاب می‌شوند. نکته این‌که ارائه‌دهندگان، راه‌حل‌های موفقیت خود را تضمین می‌کنند و در صورت عدم موفقیت پاسخگو خواهند بود.

۴) استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان

شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها می‌توانند راه‌های

خلاقانه و نوآورانه برای حل مشکلات فراهم آورند. راه‌حلی که می‌تواند با هزینه‌های کم مشکلات بزرگ را برطرف کند. تقویت ارتباط میان بنگاه‌های اقتصادی و استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان به جز رفع نیاز بهره‌ورانه بنگاه‌ها و تقویت استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان موجود، باعث ظرفیت‌سازی و ظهور شرکت‌های نوآورانه جدید در زمینه نیازهای شناسایی شده خواهد شد.

از نظر دکتر ظهراهی ظرفیت‌های موجود در استان کرمان به آسانی می‌تواند برای حل مشکلات کافی باشد و تنها نیازمند محرک‌هایی است که این ظرفیت‌ها را وارد صحنه کند. دانشگاه می‌تواند مرکز آموزش و رشد جوانان باشد، اما متأسفانه عموماً دانشگاه درگیر بلایی است که آن را زمین‌گیر می‌کند، بلایی به نام عدم ارتباط مؤثر بین دانشگاه و صنعت (بنگاه‌های اقتصادی). در نتیجه باید مراکز رشد و تربیت پتانسیل‌های موجود استان وجود داشته باشد که بتواند ارتباط قوی‌تری با صنعت برقرار نماید.

بخش چهارم: پندل مدیران استان

در پندل مدیران دولتی استان مدیران ارشد سازمان‌های صمت استان، جهاد کشاورزی شمال و جنوب استان و شرکت شهرک‌های صنعتی حضور یافتند و متأسفانه غائب این بخش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بود.

مهم‌ترین سؤالات پیرامون ریشه‌یابی چگونگی و چرایی عدم توفیق استان در کسب جایگاه شایسته در زمینه بهره‌وری چه در حوزه صنعت و چه کشاورزی به تفکیک بخش شمال و جنوب استان، راهکارهای افزایش بهره‌وری در حوزه‌های مختلف، به‌طور خاص بهره‌وری آب، انرژی، نیروی کار و نقش تخصیص نادرست یارانه‌ها در ایجاد شرایط غیربهره‌ور و کاهش رقابت‌پذیری صنایع مطرح شد، اما در پاسخ مدیران استان به سؤالات، چند عنصر اساسی به چشم می‌خورد:

«تفاوت ادبیات، ساختار فکری و دیدگاه‌های متفاوت از موضوع بهره‌وری»، «تشریح وضعیت به جای بیان نسخه درمان»، «سیاست‌گذاری‌های غیرمنسجم و بعضاً غیرمراستما با بهره‌وری» و «اثربخشی پایین برنامه‌ها، حمایت‌ها و مشوق‌ها»؛ به عبارت بهتر ویژگی‌های موضوع بهره‌وری به‌گونه‌ای باعث می‌شود هر فرد تعریف خاص خود را از موضوع داشته باشد و از ظن خود یار بهره‌وری باشد؛ به تعداد مصداق‌ها راهکار بهینه‌سازی و افزایش بهره‌وری وجود داشته باشد و به سختی به اعداد کمی قابل‌ردیابی مبدل شود. در نتیجه عموماً بهره‌وری به مفهوم انتزاعی و تشریفاتی مبدل می‌شود، کمتر در اولویت برنامه‌های اجرایی و عملیاتی و ملاک عمل تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌گیرد و به ندرت ابزار

از نظر دکتر

ظهراهی

ظرفیت‌های

موجود در استان

کرمان به آسانی

می‌تواند برای

حل مشکلات

کافی باشد و

تنها نیازمند

محرک‌هایی است

که این ظرفیت‌ها

را وارد صحنه

کند. دانشگاه

می‌تواند مرکز

آموزش و رشد

جوانان باشد، اما

متأسفانه عموماً

دانشگاه درگیر

بلایی است که آن

را زمین‌گیر می‌کند،

بلایی به نام عدم

ارتباط مؤثر بین

دانشگاه و صنعت

(بنگاه‌های

اقتصادی).

در نتیجه باید

مراکز برای

رشد و تربیت

پتانسیل‌های

موجود استان

وجود داشته

باشد که بتواند

ارتباط قوی‌تری

با صنعت برقرار

نماید.

در مباحث خرد مدیریت، بنگاه اقتصادی مهم‌ترین رکن در استفاده بهره‌ورانه از منابع را ایفا می‌کند و از این باب رقابت‌پذیری خود را ارتقا می‌بخشد و در مباحث کلان حاکمیت و در رأس آن دولت از طریق سیاست‌گذاری‌های درست می‌تواند افزایش بهره‌وری در کشور را مدیریت نماید، اما نکته اصلی هم‌راستایی این دو رکن از طریق درک استراتژی هزینه-فایده حاکم بر بخش خصوصی است. سیاست‌های نادرست، قیمت‌گذاری‌های دستوری به ظاهر حمایتی دولت و اختصاص غیر بهینه و غیرهدفمند یارانه‌ها قطعاً سیگنال‌هایی را فعال می‌کند که لزوماً هم‌راستا با بهره‌وری نیستند. در حالی که در دنیا بهره‌وری از تعریف مرسوم فراتر رفته و به «تولید منهای ضایعات صفر» رسیده است، ما هنوز در زیرساختی‌ترین گام این مسیر درمانده‌ایم و چه بسا سیاست‌گذاری‌های نادرست، کشور را به مسیر معکوس بهره‌وری سوق می‌دهد.

بخش پایانی: تقدیر

پایان‌بخش دومین جشنواره بهره‌وری و رقابت‌پذیری استان، تقدیر و تشکر از مدیران و کارشناسان بود که متعهدانه، با انگیزه و اخلاص و صد البته با ذهن حل مسئله در اجرای پروژه پنجره واحد الکترونیکی استان در تلاش هستند؛ پروژه‌ای که به عنوان یک پروژه ارتقای بهره‌وری فرایندهای اداری، می‌تواند اقدام مؤثری در بهبود فضای کسب‌وکار استان باشد.

سخن آخر

شکی نیست که اگر بخواهیم به توسعه اقتصادی برسیم لاجرم باید به سمت اقتصاد بهره‌ور حرکت کنیم. کلیدواژه تولید و اقتصاد بهره‌ور در اسناد بالادستی، در سخنان مسئولان بلندمرتبه کشور مدام تأکید شده، اما تعبیر اگر نگوییم اشتباه، به صورت ناقص در اذهان وجود دارد. گاهی فکر می‌کنیم بهره‌وری به معنای تولید بیشتر است؛ یعنی هر بنگاهی که تولیدات آن بیشتر باشد بهره‌ورتر است. گاهی اوقات به اشتباه تصور می‌کنیم اگر بهره‌ور باشیم، می‌توانیم اثربخش باشیم، در حالی که اثربخشی و کارایی دو رکن اصلی بهره‌وری محسوب می‌شوند و گاهی بهره‌وری را محدود به نهاده‌ها و نیروی کار می‌دانیم. به نظر می‌رسد قبل از هر اقدامی می‌بایست ابتدا مفهوم بهره‌وری در تمام سطوح به طور خاص مدیران به معنای واقعی آن از مسیریهای فرهنگ‌سازی، آموزش، انتقال تجربه‌ها و در قالب رویدادهایی مثل جشنواره‌های سالیانه تبیین شود و در گام بعد از طریق اصلاح سیستم علامت‌دهی قیمت‌ها و ایجاد مشوق، بازیگران اصلی یعنی بنگاه‌های اقتصادی را در مسیر رشد و ارتقای بهره‌وری هدایت کنیم. ♦♦

رصد و سنجه مدون سنجش مستمر وضعیت آن در هر حوزه عملیاتی تعریف می‌گردد. به طور کلی به نظر می‌رسد اقداماتی که تاکنون در این زمینه انجام شده، به میزان زیادی به دغدغه‌مندی شخص مدیران، وابسته بوده است و در فقدان استقرار یک نظام مدون و منسجم سنجش و بهبود بهره‌وری نمی‌توان انتظار زیادی در تغییر پایدار وضعیت فعلی داشت.

بخش پنجم: پند انتقال تجربه

در این بخش پای صحبت فعالان بخش خصوصی از سه حوزه صنعت، معدن و کشاورزی نشستیم. صحبت‌ها پیرامون علت‌های بهره‌وری پایین، عوامل مخل رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، نقش مدیریت بنگاه‌ها و راهکارهای مصادیقی از دید فعالان بخش خصوصی مطرح، بحث و بررسی شد.

از دید بخش خصوصی دلایل اصلی وضع موجود، ناکارآمدی مدیریت‌ها در سطح کلان و خرد، سیاست‌های نادرست و بعضاً ایجاد کننده رانت، دولتی بودن اقتصاد و عدم اعتقاد دولت به بخش خصوصی، اختیارات محدود مدیران دولتی استانی، ضعف تکنولوژی و عدم دسترسی به فناوری‌های روز دنیا، ناآگاهی مدیران که به عدم احساس نیاز و درک درست ایشان از اولویت‌ها هم در سطح دولت و هم در سطح بنگاه‌ها منجر می‌شود، می‌باشد.



مروری بر وضعیت مهاجرت سرمایه انسانی متخصص کشور



♦ **مریم زنجیر**

کارشناس مسئول سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان



♦ **محمدرضا وحیدی**

معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان

هر کشوری است. سرمایه‌های انسانی بدون شک یکی از اصلی‌ترین دارایی‌های کشور محسوب شده و توسعه این دارایی‌ها و بکارگیری بهینه آن در توسعه، در سیاست‌های کلی و همچنین نقشه جامع علمی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. از سوی دیگر با افزایش ارتباطات انسانی بین جوامع، پدیده مهاجرت سرمایه‌های انسانی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی مطرح می‌شود که می‌توان آن را از جمله مهم‌ترین روندهای صعودی در حوزه بین‌المللی دانست (شیرخانی و پایزیدی، ۱۳۹۹). به طوری که آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد مهاجرت پدیده‌های جهانی و در حال رشد است. این پدیده به‌خصوص در بین کشورهای جهان سوم از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چراکه این کشورها در فرآیند جریان بین‌المللی سرمایه انسانی، سرمایه‌های بیشتری را از دست داده و معمولاً توسعه آن‌ها تحت تأثیر این پدیده، کند می‌شود. بر اساس دیدگاه اکثر صاحب‌نظران، سرمایه انسانی زیربنای اصلی پیشرفت علمی، فناوری و اقتصادی هر جامعه است و مدیریت اثربخش و بهره‌ور این سرمایه به یکی از دغدغه‌های خبرگان عملی و سیاست‌گذاران تبدیل شده است (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹). با توجه به اهمیت موضوع توسعه و تأثیر مهاجرت بر آن در این مقاله به مرور تعاریف سرمایه انسانی و مهاجرت و نقش آن‌ها در توسعه پرداخته می‌شود.

چکیده

توسعه هر کشور مرهون حفظ سرمایه‌های انسانی آن کشور است. امروزه مهاجرت به عنوان پدیده زیان‌بار اقتصادی مطرح می‌شود و در این بین مهاجرت افراد تحصیل‌کرده و متخصص از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به کشورهای صنعتی پیشرفته همواره آثار زیان‌بار اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی برای این کشورها به جای گذاشته است که تبعات این امر، روند توسعه را به ویژه در بین کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد. لذا شناخت دلایل مهاجرت و بررسی وضعیت موجود آن در بین تحصیل‌کردگان می‌تواند دولت را در سیاست‌گذاری مناسب جهت حفظ سرمایه انسانی کشور یاری دهد. در این مقاله به‌مرور وضعیت موجود و دلایل مهاجرت از کشور ایران پرداخته شده است.

مقدمه

توسعه را می‌توان از جمله اهداف ملی مهم در سطوح مختلف سیاسی و حتی بین‌المللی دانست. بر همین اساس است که دستیابی به توسعه هم در برنامه‌های ملی نقش پررنگی داشته و هم از سال ۲۰۰۰ میلادی به عنوان یکی از جدی‌ترین دستور کارهای سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل مطرح بوده است. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه، سرمایه انسانی

بر اساس نگرش
مدیریتی، سرمایه
انسانی، منبع
تجاری یا دارایی
است که از
ارزش بازار شکل
می‌گیرد. نگرش
اقتصاد کلان،
سرمایه انسانی را
به عنوان یکی از
فاکتورهای تولید
می‌بیند، به این
ترتیب در منابع
رشد اقتصادی،
مفهوم سرمایه
انسانی با توسعه
دانش اقتصادی
مرتبط است.

تعریف و مفهوم سرمایه انسانی

یکی از مباحث بسیار مهم در دهه اخیر جهان، بحث سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی یا به عبارتی کیفیت نیروی کار و با دانش نهادینه شده در انسان باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی کشورها می‌گردد. مهم‌ترین اختلاف بین کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای کم‌درآمد، سرمایه‌ی انسانی است. مفهوم سرمایه انسانی بیانگر این است که خصوصیات کیفی انسان نوعی سرمایه است؛ زیرا این خصوصیات می‌تواند به صورت منبع درآمدهای بیشتر و با اقلان و ارضای فراوان‌تر در آینده درآید. (صنوبری، ۱۳۸۸).

سرمایه انسانی، به زبان ساده به هر چیزی غیر از سرمایه فیزیکی از قبیل اموال، تجهیزات و سرمایه مالی گفته می‌شود و در واقع یک مفهوم اقتصادی است و از دو واژه «سرمایه» و «انسان» تشکیل شده است. سرمایه انسانی عبارت است از: ذخیره دانش، مهارت، صلاحیت و توانایی‌هایی که عمده‌آ از طریق آموزش کسب می‌گردند و بر کیفیت کار تأثیر مثبت می‌گذارند و ارزش اقتصادی آن را در بازار کار افزایش می‌دهند. بر اساس نگرش مدیریتی، سرمایه انسانی، منبع تجاری یا دارائی است که از ارزش بازار شکل می‌گیرد. نگرش اقتصاد کلان، سرمایه انسانی را به عنوان یکی از فاکتورهای تولید می‌بیند، به این ترتیب در منابع رشد اقتصادی، مفهوم سرمایه انسانی با توسعه دانش اقتصادی مرتبط است. تئوری‌های جدید رشد اقتصادی، سرمایه انسانی را به عنوان مجموع مهارت‌های کسب شده و ذاتی فردی، شخصیت می‌بخشد. آرمسترانگ سرمایه انسانی را به عنوان دانش و مهارت‌هایی که فردیت را خلق می‌کند و به کار می‌گیرد، معرفی می‌کند.

به عقیده چن «سرمایه انسانی» نمایانگر دانش ضمنی

موجود در ذهن و افکار کارکنان و منبع اساسی نوآوری و بازآفرینی یک سازمان است که به صورت ترکیبی از شایستگی‌ها، طرز تلقی‌ها و خلاقیت کارکنان تعریف می‌شود.

به عقیده کارتیگ و باسک، سرمایه انسانی از استعدادی ذاتی برخوردار است که می‌تواند هم خود را دگرگون کند و هم به دگرگونی یا تعدیل سایر نهاده‌ها منجر شود و همین ویژگی است که به پویایی همیشگی اقتصاد خواهد انجامید. سرمایه انسانی به دانش، تحصیلات، شایستگی‌های کاری و ارزیابی‌های روان‌سنجی اشاره دارد (سایت نیپنا، ۱۳۹۶).

نقش سرمایه انسانی در توسعه

بررسی تاریخ توسعه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد، سرمایه انسانی نقش مهمی در فرآیند پیشرفت آن‌ها بر عهده داشته و یقیناً جامعه صنعتی، توسعه اقتصادی و پیشرفت تکنولوژیکی خود را مرهون وجود سرمایه انسانی می‌داند. ملل در حال توسعه نیز جهت گذار از عقب‌ماندگی و رسیدن به مراحل توسعه، ناگزیر از تقبل هزینه در ایجاد سرمایه انسانی و توسعه دانش فنی به منظور مشابه‌سازی تکنولوژی وارداتی، تطبیق و ارتقای سطح افزار فنی وارداتی و سایر اجزای تکنولوژی در جوامع خود هستند بنابراین انتقال و توسعه تکنولوژی، در گرو منابع و سرمایه انسانی موردنیاز است و جوامع توسعه‌نیافته به منظور بسط فعالیت‌های اقتصادی چاره‌ای جز اهمیت به محوری کردن تولید و تشکیل سرمایه ذخایر انسانی موردنیاز خود ندارند. مهم‌ترین موضوع در تغییرات تکنولوژی این است که «ذخایر سرمایه انسانی» تعیین‌کننده‌ترین عامل در نرخ رشد اقتصادی است. ذخیره کمتر و اندک این نوع سرمایه تحقق اهداف اقتصادی را ناممکن می‌سازد. (شاه‌آبادی، پوران، ۱۳۸۷).

مجله وال استریت مقاله‌ای تحت عنوان «آموزش کلیدی به سوی اقتصاد سالم» منتشر کرد. در این مقاله، نویسندگانی چون جورج شالتز و اریک هاناشک بر روی این موضوع بحث کردند که در آینده، اقتصاد یک ملل وابسته به سرمایه انسانی است. امروزه نقش و اهمیت نیروی انسانی در فرآیند تولید و ارائه خدمات در جوامع بشری به عنوان مهم‌ترین عامل مشخص‌کننده است. با نگاهی به مراحل تمدن بشری مشخص می‌شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده به سرمایه انسانی تکامل یافته است؛ چراکه پیشرفت تکنولوژی بدون تحولات نیروی انسانی، فاقد کارایی است.



مهاجرت و تأثیر آن بر توسعه

تصور یکپارچگی اقتصاد دنیا بدون در نظر گرفتن مهاجرت به عنوان بخشی از آن دشوار است. مهاجرت بین‌المللی حرکت افراد بین مرزهای بین‌المللی است که مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عظیمی برای کشورهای مبدأ و مقصد به همراه دارد. مهاجرت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رابطه بین کشورهای در حال توسعه (کشورهای مبدأ) و توسعه‌یافته (کشورهای مقصد) در قرن ۲۱ است. برآوردها نشان می‌دهند حدود ۱۸۰ میلیون نفر در کشورهایی زندگی می‌کنند که در آن کشورها به دنیا نیامده‌اند در میان این افراد، میلیون‌ها نیروی انسانی متخصص وجود دارد که از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته مهاجرت نموده‌اند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۵). مهاجرت این افراد آثاری بر اقتصاد کشورهای مبدأ و مقصد دارد. مطالعات گسترده‌ای در زمینه اثر مهاجرت بر اقتصاد کشورهای مقصد بویژه اثر مهاجرت بر بازار نیروی کار غیرمتخصص صورت گرفته است. گرچه رابطه بین مهاجرت و توسعه در کشورهای مبدأ مورد غفلت واقع شده است، اثر مهاجرت در کشورهای مختلف متفاوت است. به‌طور کلی، دیدگاه مرسوم در زمینه اثر مهاجرت بر اقتصاد کشورهای مبدأ مبین آثار منفی این پدیده می‌باشد. اگر کشورهای مبدأ نتوانند مهارت‌های تولیدشده از طریق سیستم آموزشی خود را حفظ نمایند یا مهارت‌های موردنیاز خود را جذب کنند فقدان مغزها در بخش‌های حساس، توانایی این کشورها را در کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی می‌کاهد (رستمی، ۱۳۹۳). سیاست‌های مهاجرت در کشورهای توسعه‌یافته در جهت جذب مهاجران با بالاترین کیفیت با هدف سیاست توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه که کاهش فقر و افزایش رشد می‌باشد در تضاد است، زیرا کشورهای در حال توسعه برای مؤثر بودن سیاست‌های توسعه‌ای خود به این افراد نیازمندند و کشورهای توسعه‌یافته سیاست‌های جذب بر اساس کیفیت را در پیش گرفته‌اند (آدامز و پیچ، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، در برخی مطالعات صورت گرفته از اثر مثبت مهاجرت بر اقتصاد کشورهای مبدأ از جمله کاهش فقر صحبت می‌شود. طبق این مطالعات از بارزترین آثار مهاجرت وجوه ارسالی است که مهاجران به کشورهای خود می‌فرستند. نقش بالقوه این انتقالات این است که به طور مستقیم خانواده‌های مهاجران را منتفع می‌سازد. در سطح کلان این وجوه باعث افزایش نقدینگی، افزایش تقاضا و سرمایه‌گذاری، تحریک تولید، افزایش اشتغال و کاهش فقر می‌گردد. مهاجرت بین‌المللی و وجوه ارسالی، نابرابری جهانی را کاهش می‌دهد که این خود نشان‌دهنده توزیع

بسیاری از پژوهشگران و کارشناسان مدیریت و بهره‌وری اعتقاد دارند که دستیابی یک کشور به سطح بالایی از بهره‌وری، منوط به داشتن سازمان‌ها و بنگاه‌هایی است که به اندازه کافی توانایی رقابت‌پذیری، سودآوری مناسب و ایجاد ارزش افزوده بالا داشته باشند. برای ایجاد چنین سازمان‌هایی وجود انسان‌های بهره‌ور ضروری است. در یک دهه اخیر نیز، مدیریت سازمان‌ها تشخیص داده‌اند که در دستیابی به مزیت رقابتی پایدار و اثربخش، منابع انسانی از بالاترین اهمیت برخوردار است. در دنیایی که دانش و ارتباط با مشتریان بیش‌ازپیش اهمیت یافته است، سرمایه انسانی که نشان‌دهنده حجم دانش، مهارت‌های فنی، خلاقیت و تجربه سازمان می‌باشد، اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد و به همین نحو نیروی کار نه به عنوان دارایی‌های هزینه‌بردار بلکه به عنوان دارایی‌های مولد تلقی می‌شوند. لذا، یکی از مباحث مهم اقتصادی در دهه‌های اخیر، بحث نقش سرمایه انسانی در فرآیند رشد اقتصادی است و اهمیت آن، همواره در رشد و شکوفایی یک کشور بویژه از حوزه اقتصادی مورد عنایت و توجه افراد و گروه‌های زیادی بوده است. از این جهت امروزه، نقش و اهمیت نیروی انسانی در فرآیند ارائه خدمات در جوامع بشری به عنوان مهم‌ترین عامل شده است (سایت نیپنا ۱۳۹۶). در واقع منابع اصلی رشد اقتصادی با گذشت زمان دستخوش تغییراتی شده است. سرمایه انسانی با جهانی شدن و همچنین اشباع شدن بازار کار و با توجه به رکود اخیر در اقتصاد جهانی، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بر توسعه بیشتر سرمایه انسانی در جهت شتاب گرفتن رشد اقتصادی با تخصیص وقت لازم و تلاش تأکید می‌کنند. توسعه سرمایه بشری یکی از راه‌حل‌های اساسی برای ورود به عرصه بین‌المللی است.

تعریف مهاجرت

پدیده مهاجرت عبارت است از جابجایی مردم از مکانی به مکان دیگر به علل و عوامل مختلف. مهاجرت را به حرکت یک فرد با گروهی از افراد در امتداد مرزهای سیاسی از یک واحد جغرافیایی به واحدی دیگر برای اقامت دائم یا موقت در مکانی غیر از کشور مادر و عاملی برای تغییر وضعیت فرد مهاجر کننده است (کوتاری، ۲۰۰۲). همچنین مهاجرت را تغییر مکان اقامت معمول فرد از یک کشور به کشور دیگر تعریف می‌کنند و به عبارتی هرگونه تغییر مکانی که منجر به اقامت فرد در یک دوره زمانی شود به مهاجرت معروف است (کریتز، ۲۰۰۷).

نابرابر فرصت‌هاست (کاتانو، ۲۰۰۸).

اصطلاح (فرار مغزها) به دلیل آن باشد که هیچ کشوری تمایل ندارد نیروی کار ماهر خود را که برای پرورش آن هزینه کرده از دست دهد و هنگامی که این نیروی کار به دلایلی حاضر به زندگی در کشور خود نمی‌شود، حرکت این نیرو را به سمت فرصت‌های بهتر «فرار» قلمداد می‌کند. مهاجرت افراد تحصیل‌کرده باعث مختل شدن بازار کار شده و به تدریج باعث افزایش سهم نیروی کار غیر ماهر در نیروی کار شاغل در یک کشور و یکنواخت شدن نیروی کار می‌شود. فرار مغزها و مهاجرت تنها از دست دادن نیروی کار ماهر برای کشورهای جهان سوم نیست، بلکه این آینده و فرآیند پیشرفت یک کشور است که با خروج هر متخصص به تأخیر می‌افتد. دولت در کشورهای در حال توسعه، سالانه مبالغ هنگفتی را صرف برنامه‌های مختلف مربوط به آموزش و پرورش، آموزش عالی و انباشت دانش در نیروی انسانی کرده و در زمانی که این سرمایه‌گذاری‌ها به مرحله بازدهی می‌رسند، مهاجرت اتفاق افتاده و این سرمایه‌ها بدون کوچک‌ترین هزینه‌ای در اختیار کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرد (شهرام نیا و اسکندری، ۱۳۸۸). در کل از جمله پیامدهای کلی مهاجرت می‌توان به از بین رفتن ثروت ملی، انتقال معکوس فناوری، کاهش رشد اقتصادی و تداوم چرخه توسعه‌نیافتگی اشاره نمود (حیدری و دیگران، ۱۳۹۵).

مهاجرت در ایران

پدیده مهاجرت به خصوص در بین جوانان و تحصیل‌کردگان در ایران در طول دهه‌های گذشته یکی از موضوعات جدی و همواره داغ و پرتطرفدار در جامعه ایران بوده است؛ زیرا با در نظر داشتن ساختار هرم جمعیتی جامعه ایران که بخش مهمی از آن را جوانان تشکیل می‌دهند، این موضوع همواره کانون توجهات اساسی بوده است (معاونت علمی و فناوری رییس‌جمهور و دیگران، ۱۳۹۸).

بر اساس آخرین آمار موجود سال ۲۰۲۰ میلادی، جمعیت مهاجران جهان در سال ۲۰۱۹ میلادی بالغ بر ۲۷۲ میلیون نفر است که ۳/۵۲ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا بر اساس آخرین آمار موجود قابل استناد در سال ۲۰۱۹ میلادی، ۱/۹ میلیون نفر می‌باشد که ۲/۲۹ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا در سال ۱۹۹۰ میلادی، بالغ بر ۸۲۰ هزار نفر بوده است، در واقع در طی ۳۰ سال گذشته، جمعیت مهاجران ایرانی ۲/۳ برابر شده است. در حالی که سهم ایران از جمعیت جهان چیزی در حدود ۱/۰۷ درصد است، سهم ایران از جمعیت مهاجران جهان از

با توجه به این که در عصر جهانی شدن، اقتصاد صنعتی موج دومی به اقتصاد موج سوم یا اقتصاد دانش‌محور تغییر ماهیت داده است. در این پارادایم، اطلاعات همچون یک کالای اقتصادی در فرآیند تولید، توزیع و مصرف، جایگاه ممتازی به دست آورده است. از این رو متخصصان و نخبگان علمی و به عبارتی سرمایه انسانی (Human Capital) به عنوان یکی از عوامل کمیاب تولید، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. امروز سرمایه انسانی از ابزارهای مهم توسعه بوده و توسعه معطوف به حفظ سرمایه انسانی است؛ چراکه نیروی متخصص و ماهر هم ابزار توسعه و هم هدف توسعه محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که سطح سرمایه انسانی را در کشورهای در حال توسعه تهدید می‌کند، فرار مغزها است. فرار مغزها پدیده کهنی است که از دیرباز تاکنون به گونه‌های وسیع و چشمگیری در کشورهای جهان سوم دیده می‌شود. از این رهگذر در این کشورها صدمات جبران‌ناپذیری در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تمام ابعاد مختلف جامعه وارد می‌شود که شاید جبران آن یکی از دشوارترین کارها برای این قبیل کشورها باشد. از میان کشورهای که به دلیل در اختیار گذاشتن امکانات پژوهشی و رفاهی به صاحبان اندیشه، بیشترین نخبگان ایرانی را به خود جذب کرده‌اند، آمریکا و کانادا به ترتیب رتبه اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲). اقتصاددانان مختلفی از جمله لوکاس در سال ۱۹۸۸ در نظریه‌های رشد اقتصادی، روابط میان سرمایه انسانی، مهاجرت و رشد را به طور موشکافانه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و این متغیر را به عنوان یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده رشد بلندمدت برشمردند. ادبیات مربوط به پدیده فرار مغزها از کانادا و کشورهای اتحادیه اروپا به آمریکا نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی در جهان مطرح شد. با آغاز بازسازی خرابی‌های پس از جنگ در اروپا و احساس نیاز به متخصصین و نخبگان از سایر کشورها، فرار سرمایه انسانی (Human Capital Flight) یا فرار مغزها (Brain Drain) از کشورهای جهان سوم و ایران آغاز شد. مهاجرت و فرار مغزها را می‌توان در حقیقت تلاش نیروی کار برای رسیدن به شرایط زندگی بهتر و استفاده از توانایی علمی و تکنیکی خود دانست؛ بنابراین شاید به کار بردن اصطلاح «فرار» برای افراد توانمند مناسب نباشد، چون همان‌گونه که صاحب سرمایه فیزیکی سعی در حداکثر کردن سود ناشی از سرمایه خود می‌کند، نیروی کار نیز به طور منطقی در پی استفاده بهینه از استعدادهای ذاتی یا کسب شده خود خواهد بود؛ اما شاید رواج این

پدیده مهاجرت
به خصوص در
بین جوانان و
تحصیل‌کردگان
در ایران در طول
دهه‌های گذشته
یکی از موضوعات
جدی و همواره
داغ و پرتطرفدار در
جامعه ایران بوده
است؛ زیرا با در نظر
داشتن ساختار
هرم جمعیتی
جامعه ایران که
بخش مهمی از آن
را جوانان تشکیل
می‌دهند، این
موضوع همواره
کانون توجهات
اساسی بوده
است.

جدول ۱- جمعیت مهاجران ایرانی در مقایسه با میانگین جهانی

سال (میلادی)					جمعیت مهاجران ایرانی در مقایسه با میانگین جهانی
۲۰۱۹	۲۰۱۷	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	
۱/۹	۱/۸	۱/۴۹	۱/۱۵	-/۸۲	جمعیت مهاجران ایرانی در جهان (میلیون نفر)
۸۲/۹	۸۰/۷	۷۳/۸	۶۵/۶	۵۶/۴	کل جمعیت ایران (میلیون نفر)
۲/۲۹	۲/۲۳	۲/۰۲	۱/۷۵	۱/۴۵	سهم مهاجران ایرانی از کل جمعیت ایران (درصد)
۲۷۱/۶	۲۵۷/۷	۲۲۰/۸	۱۷۳/۶	۱۵۲/۵	جمعیت کل مهاجران در جهان (میلیون نفر)
۷۷۱۳/۵	۷۵۴۶/۹	۶۹۵۶/۸	۶۱۴۳/۵	۵۳۲۷/۲	جمعیت جهان (میلیون نفر)
۳/۵۲	۳/۴۱	۳/۱/۷۴	۲/۸۳	۲/۸۶	نسبت مهاجران به جمعیت در جهان (درصد)
۱/۰۷	۱/۰۷	۱/۰۶	۱/۰۷	۱/۰۶	سهم ایران از کل جمعیت جهان (درصد)
-/۷	-/۷	-/۶۷	-/۶۶	-/۵۴	سهم ایران از کل جمعیت مهاجران جهان (درصد)

منبع: آمار بخش امور اقتصادی اجتماعی سازمان ملل و ماتریس دوجانبه مهاجرت بانک جهانی (۲۰۲۰, world bank), (UN, ۲۰۲۰)

جدول ۲- توزیع انواع اقامت ایرانیان در اتحادیه اروپا بر اساس دلایل اقامت مجاز در سال‌های (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸)

سال (میلادی)									دلایل اقامتی
۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	
۲۱/۴۳۰	۲۰/۴۱۵	۱۸/۹۲۸	۱۷/۸۵۹	۱۷/۴۰۳	۱۶/۳۰۲	۱۹/۱۶۱	۱۲/۶۰۳	۱۱/۷۱۹	تحصیلی
۱۷/۹۲۶	۱۵/۲۸۵	۱۳/۷۲۵	۱۲/۶۷۲	۱۱/۴۱۰	۱۰/۹۸۲	۱۰/۹۹۲	۸/۰۴۹	۶/۰۲۸	کاری
۵۶۲۷۰	۵۱۲۸۵	۳۶۵۴۱	۳۳۰۸۱	۳۱۶۳۲	۲۸۲۰۳	۲۵۴۷۲	۱۹۶۵۱	۱۷۹۲۱	پناهندگی/حمایت مضاعف
۴۲/۲۹۳	۳۹/۲۶۴	۳۷/۰۵۶	۳۵/۹۱۷	۳۴/۶۴۲	۳۳/۸۲۳	۳۱/۷۹۵	۲۶/۶۴۴	۲۷/۰۸۵	خانوادگی
۳۳/۲۵۷	۳۲/۱۹۲	۲۹/۰۳۴	۲۸/۸۰۴	۲۸/۸۰۴	۲۹/۵۵۴	۲۹/۴۵۷	۲۹/۲۳۳	۳۳/۰۴۵	سایر

* توضیح: سایر موارد اقامتی شامل اقامت‌های دیپلماتیک و کنسولی و دیگر مواردی که در دسته‌های فوق قرار نمی‌گیرند.

منبع: (۲۰۲۰, EuROSTAT)

میل (تصمیم) به مهاجرت در حوزه فعالان کسب‌وکار با دانشجویان و متوسط جامعه تفاوت دارد. بر اساس نمونه پیمایش مذکور، میل (تصمیم) به مهاجرت در میان صاحبان استارت آپ و کسب‌وکارهای نوپا پایین‌تر از متوسط جامعه و در حدود ۲۷ درصد است. در حالی که میل (تصمیم) به مهاجرت در میان صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ۴۶ (SME) درصد می‌باشد. میل به بازگشت به کشور پس از مهاجرت در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، صاحبان استارت آپ و همچنین صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به ترتیب ۱۶ درصد، ۲۰ درصد و ۲۴ درصد می‌باشد (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹).

آمارهای پایگاه داده DIOC نشان می‌دهد، ایرانیان بالای ۲۵ سال در این کشورها در سال‌های مختلف بین ۴۵ تا ۵۶ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. این در حالی است که نرخ متوسط افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در کشورهای OECD در سال ۲۰۱۸ میلادی ۳۶٫۹ درصد بوده است.

اولین گروه شغلی در میان ایرانیان مهاجر در کشورهای OECD، متخصصان هستند؛ حدود ۳۰ درصد ایرانیان شاغل در این کشورها در سال ۲۰۱۵ در این گروه شغلی مشغول به فعالیت بوده‌اند. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ درصد ایرانیان در این گروه شغلی از ۲۵ درصد به ۳۰ درصد رسیده است. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹)

رقم ۰٫۵۴ درصد در سال ۱۹۹۰ میلادی به رقم ۰٫۷ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است که همچنان پایین‌تر از سهم جهانی جمعیت ایران می‌باشد. لذا با در نظر گرفتن شاخص «سهم ایران از جمعیت جهان»، «سهم ایران از جمعیت مهاجران جهان» در طول ۳۰ سال گذشته همواره زیر یک درصد بوده است و هیچ‌گاه به نزدیکی یک درصد نیز نرسیده است. بر اساس آمار قابل استناد سازمان ملل و بانک جهانی در سال ۲۰۲۰، ۱۰ کشور جهان با بیشترین جمعیت ایرانیان خارج از کشور به ترتیب عبارت‌اند از: امارات متحده عربی، آمریکا، کانادا، آلمان، انگلستان، ترکیه، سوئد، استرالیا، سرزمین‌های اشغالی (اسرائیل) و کویت. بر همین اساس آمریکای شمالی، اروپای غربی، امارات متحده عربی و استرالیا، مناطق جغرافیایی تمرکز ایرانیان در جهان هستند. طبق آخرین آمار موجود در سال ۲۰۱۸ میلادی، ایرانیان دارنده اقامت پناهندگی ساکن در اتحادیه اروپا با بیش از ۵۶ هزار نفر و بعد از آن دارندگان اقامت خانوادگی با رقمی بیش از ۴۲ هزار نفر بالاترین جمعیت را دارند. در رتبه‌های بعدی دارندگان اقامت تحصیلی با رقم ۲۱ هزار و اقامت کاری با رقم قریب به ۱۸ هزار نفر قرار دارد (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹).

بر اساس پیمایش (محدود و آنلاین) که در پائیز ۱۳۹۸ توسط رصدخانه مهاجرت ایران در میان بیش از ۱۰۰ نفر از صاحبان کسب‌وکار صورت گرفته است، مشخص گردید که

طبق آخرین آمار موجود در سال ۲۰۱۸ میلادی، ایرانیان دارنده اقامت پناهندگی ساکن در اتحادیه اروپا با بیش از ۵۶ هزار نفر و بعد از آن دارندگان اقامت خانوادگی با رقمی بیش از ۴۲ هزار نفر بالاترین جمعیت را دارند. در رتبه‌های بعدی دارندگان اقامت تحصیلی با رقم ۲۱ هزار و اقامت کاری با رقم قریب به ۱۸ هزار نفر قرار دارد (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹).

جدول ۳- میل به مهاجرت در جهان و ایران

سال میلادی			میل به مهاجرت
۲۰۱۷-۲۰۱۵	۲۰۱۶-۲۰۱۳	۲۰۱۲-۲۰۱۰	
۱۵٪	۱۴٪	۱۳٪	متوسط میل به مهاجرت در جهان
ایرانیان (۱۳۹۵)	کارآفرینان		میل به مهاجرت در ایران ۱۳۹۷-۱۳۹۸ (پس از بازگشت مجدد تحریم‌ها و نوسانات ارزی)
	SME (پاییز ۱۳۹۸)	استارت‌آپ (پاییز ۱۳۹۸)	
۲۹٫۸٪	۴۶٪	۲۷٪	میل/تصمیم به مهاجرت
-	-	-	برنامه و اقدام عملی برای مهاجرت
-	۲۴٪	۲۰٪	میل بازگشت به کشور پس از مهاجرت

جدول ۴- روند تعداد اقامت‌های (جدید) اعطا شده به ایرانیان در هر سال میلادی

سال (میلادی)										نوع اقامت	منطقه
۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰		
-	۸/۱۱۱	۷/۶۲۲	۷/۲۹۰	۵/۰۶۳	۵/۱۴۷	۶/۶۸۱	۶/۸۱۶	۵/۵۳۴	۴/۷۸۶	کوتاه/ میان‌مدت (۳-۱۱ ماه)	اتحادیه اروپا
-	۲۴/۳۲۱	۳۱/۸۱۴	۱۵/۸۲۵	۱۳/۵۰۳	۱۳/۹۶۲	۱۳/۹۳۴	۱۳/۴۳۱	۱۳/۷۸۸	۱۳/۶۷۷		
-	۵۳۹۶	۷۳۶۲	۸۸۵۷	۹۳۱۶	۸۸۸۷	۷۶۹۴	۶۸۴۱	۴۸۲۷	۴۱۸۹	موقت غیر توریستی	آمریکا
-	۱۰۱۱۶	۱۳۷۹۱	۱۳۳۹۸	۱۳۱۱۴	۱۱۶۱۵	۱۲۸۶۳	۱۴۸۲۲	۱۴۸۲۲	۱۴۸۲۲	قانونی دائم	
۱۷۳۹۰	۱۱۳۴۵	۶۹۵۰	۴۹۶۰	۳۶۲۰	-	-	-	-	-	موقت غیر مسافرتی	کانادا
۵۱۷۵	۵۵۱۰	۴۷۳۷	۶۴۸۳	۱۱۶۶۷	-	-	-	-	-	دائم	
-	۳۲۱۱۱	۱۳۱۶۲	۱۰۷۰۴	۶۳۹۳	-	-	-	-	-	مجموع اقامت‌های اعطا شده	ترکیه

منبع: (US Department of homeland security, ۲۰۲۰), (TURKSTaT, ۲۰۱۹) و (EUROSTAT, ۲۰۲۰)

نرخ بازگشت
متخصصان و
فارغ‌التحصیلان
ایرانی به
داخل کشور
از سال ۲۰۱۵
تا سال ۲۰۲۰
روند صعودی
و قابل توجهی
داشته است.

جمعیت

متخصصان

بازگشته از تراز ۱۰۰

نفر در سال ۲۰۱۵

میلادی به تراز

۱۵۰۰ نفر در سال

۲۰۲۰ رسیده

است. کشور

ایران در رتبه‌بندی

کشورهای

دانشجو فرست

به آمریکا، با در

نظر گرفتن تعداد

دانشجویان

مشغول به

تحصیل در

دانشگاه‌های برتر

آمریکا، در جایگاه

دهم قرار دارد و

کشورهای چین،

هند و کره جنوبی

در جایگاه اول تا

سوم قرار دارند.

ایرانی به داخل کشور از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۰ روند صعودی و قابل توجهی داشته است. جمعیت متخصصان بازگشته از تراز ۱۰۰ نفر در سال ۲۰۱۵ میلادی به تراز ۱۵۰۰ نفر در سال ۲۰۲۰ رسیده است. کشور ایران در رتبه‌بندی کشورهای دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های برتر آمریکا، در جایگاه دهم قرار دارد و کشورهای چین، هند و کره جنوبی در جایگاه اول تا سوم قرار دارند. چنانچه سهم دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های برتر آمریکا از کل دانشجویان خروجی ایرانی در نظر گرفته شود، کمتر از نیم درصد دانشجویان خروجی از ایران در دانشگاه‌های برتر آمریکا و جهان مشغول به تحصیل هستند که از این حیث ایران در جایگاه دهم در میان کشورهای دانشجوی فرست به آمریکا قرار دارد. در بازه ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ میلادی، سهم دانشجویان ایرانی حاضر در دانشگاه‌های برتر آمریکا و جهان از کل جمعیت دانشجویان خروجی ایران رشد بسیار ناچیزی داشته و از رقم ۰/۴۵ درصد به رقم ۰/۴۷ درصد رسیده است. در حالی که این سهم برای کشور چین با جمعیت قابل توجه دانشجویان خروجی (بیش از ۷۰۰ هزار دانشجو) رشد محسوسی از ۱/۴۸ درصد به رقم ۱/۷۱ درصد داشته که این موضوع باعث واکنش مقامات دولت آمریکا و اعمال

جایابی بین‌المللی دانشجویان ایرانی در جهان

بر اساس آمار جهانی، تعداد دانشجویان بین‌المللی در جهان از رقم ۲ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی به رقم ۵/۳۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ میلادی رسیده است. تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور هم‌راستا با افزایش کل جمعیت دانشجویان کشور و نیز افزایش جمعیت دانشجویان بین‌المللی در جهان، روند صعودی داشته و از تراز ۱۹ هزار دانشجو در سال ۲۰۰۳ میلادی به تراز ۵۳ هزار دانشجو در سال ۲۰۱۷ رسیده است. علیرغم این که تعداد دانشجویان بین‌المللی ایرانی روندی فزاینده داشته است، اما تعداد آن‌ها در سال‌های اخیر تقریباً ثابت شده و در تراز ۵۳ هزار نفر ثابت باقی مانده است. سهم دانشجویان ایرانی خارج از کشور به نسبت کل جمعیت دانشجویان کشور در طول ۱۵ سال گذشته رقمی تقریباً ثابت مانده است و نرخ حدود یک درصد را داشته است. نرخ رشد جمعیت دانشجویان ایرانی خارج از کشور در قیاس با نرخ رشد جمعیت دانشجویان بین‌المللی در جهان کندتر بوده است. به این ترتیب، سهم دانشجو فرستی ایران در کل بازار دانشجویان بین‌المللی جهان از سال ۲۰۱۲ روندی کاهشی به خود گرفته و از سهم حدود ۱/۳ درصد به حدود ۰/۹ درصد در بازار جهانی رسیده است. نرخ بازگشت متخصصان و فارغ‌التحصیلان

جدول ۵- وضعیت پناهندگان ایرانی در مقایسه با جمعیت کل پناهندگان در جهان

سال	وضعیت جهان				وضعیت ایران		
	جمعیت جهان (میلیارد نفر)	جمعیت پناهندگان جهان (میلیون نفر)	سهم پناهندگان از کل جمعیت جهان (درصد)	پناهندگان جهان به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت جهان	جمعیت ایران (میلیون نفر)	جمعیت پناهندگان ایرانی (هزار نفر)	سهم پناهندگان ایرانی از کل جمعیت ایران (%)
۲۰۰۶	۶/۵۹۳	۹/۸۷۷	۰/۱۴	۱۴۹۸	۷۰/۴ (۱۳۸۵)	۱۰۲	۰/۱۴
۲۰۱۱	۷/۰۰۳	۱۰/۴۰۴	۰/۱۴	۱۴۸۵	۷۵ (۱۳۹۰)	۷۲	۰/۰۹
۲۰۱۶	۷/۴۲۵	۱۷/۱۸۷	۰/۲۳	۲۳۱۴	۸۰ (۱۳۹۵)	۹۴	۰/۱۱
۲۰۱۸	۷/۵۹۳	۲۰/۳۵۶	۰/۲۶	۲۶۸۰	۸۳/۲ (۱۳۹۸)	۱۳۰	۰/۱۵

منبع: پایگاه داده بانک جهانی، بازیابی شده در ۷ ژوئن ۲۰۲۰، پایگاه داده UNHCR بازیابی شده در ۷ ژوئن ۲۰۲۰.

* جمعیت پناهندگان شامل پناهندگان تحت پوشش UNHCR بوده و شامل پناهندگان فلسطینی تحت حمایت UNWRA نمی‌باشد.
* منظور از جمعیت پناهندگان تعداد افرادی است که در سال مشخص در وضعیت پناهندگی بوده‌اند و به معنای ثبت پناهندگی جدید نیست. لذا آمارهای سال‌های فوق را نمی‌توان جمع بست.

استعدادهای داخلی و هم رقابت برای استعدادهای خارجی ایفا می‌کنند. به طور کلی کشورها را بر اساس دو شاخص توسعه منابع انسانی و شاخص جهانی رقابت‌پذیری برای استعدادها، می‌توان در چهار دسته کلی به شرح (نمودار ۲) قرار داد.

ایران در بین کشورهای آهسته رو قرار دارد اگرچه دارای شاخص توسعه منابع انسانی پایین است ولی از نظر رقابت‌پذیری جهانی استعدادها در سطح بالا است.

بحث و بررسی

بر اساس نتایج پیمایش (محدود) سنجش میل به مهاجرت در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی که توسط رصدخانه مهاجرت ایران در سال ۱۳۹۷ انجام شده است، نشان می‌دهد هشت عامل اصلی برای مهاجرت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی وجود دارد: نامیدی از سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها، امکان پیشرفت شغلی، نظم و قانون‌مداری جامعه، علاقه به کسب سابقه تحصیلی یا کاری در خارج از کشور، شایسته‌سالاری، امکان یافتن شغل و میل به تجربه زندگی در خارج از کشور. پیش از وقوع تحولات اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به واسطه

محدودیت برای پذیرش دانشجویان چینی در دانشگاه‌های این کشور شده است (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹). کشورها در سیاست‌گذاری و مدیریت استعدادها، دو رویکرد کلی را دنبال می‌کنند رویکرد اول به پرورش و شکوفایی استعدادها در داخل اشاره می‌کند و رویکرد دوم حالتی است که کشورها حداقل در کوتاه‌مدت و به اندازه‌ی نیاز خود توانایی پرورش استعدادها را ندارند و از طریق سیاست‌های مهاجرتی به جذب و نگه داشتن استعدادها از خارج از کشور روی می‌آورند. در اینجا برای نشان دادن رویکرد اول از رتبه شاخص توسعه منابع انسانی (HDI, ۲۰۱۹) و برای نشان دادن رویکرد دوم، یعنی وضعیت کشورها از منظر رقابت برای استعدادها، از رتبه شاخص جهانی رقابت‌پذیری برای استعدادها (GTCI, ۲۰۱۹) استفاده شده است. شاخص توسعه منابع انسانی به طور کلی نشان‌دهنده این واقعیت است که کشورها تا چه حد ظرفیت و توانایی پرورش استعدادها در داخل را دارند. همچنین شاخص جهانی رقابت‌پذیری برای استعدادها در واقع به رویکرد دوم اشاره دارد و توانایی کشورها را در رقابت برای استعدادها نشان می‌دهد. طبقه‌بندی کشورها بر اساس این دو شاخص از آن جهت حائز اهمیت می‌باشد که دانشجویان بین‌المللی و بخش آموزش عالی کشورها نقش مهمی را هم در پرورش

جدول ۶- وضعیت دانشجویان ایرانی خارج از کشور بر اساس شاخص‌های آماری مختلف

سال	تعداد دانشجویان خروجی از ایران (هزار نفر)	سهم دانشجویان خروجی از کل جمعیت دانشجویان ایران	بازگشت جمعی ایرانیان متخصص خارج از وطن	میزان جذب دانشجویان بین‌المللی در ایران (هزار نفر)	خالص چرخش نخگان در ایران	تعداد دانشجویان بین‌المللی در جهان (میلیون نفر)	رتبه دانشجویان فرستی ایران در جهان
۲۰۰۳	۱۹/۳	۰/۰۱۰	-	-	-	۲/۶	۲۹
۲۰۰۴	۲۰/۹	۰/۰۱۰	-	-	-	۲/۷	۲۸
۲۰۰۵	۲۲/۴	۰/۰۱۰	-	-	-	۲/۸	۲۶
۲۰۰۶	۲۵/۱	۰/۰۰۹	-	-	-	۲/۹	۲۲
۲۰۰۷	۲۹/۵	۰/۰۰۹	-	-	-	۳/۱	۲۰
۲۰۰۸	۳۳/۲	۰/۰۱۰	-	-	-	۳/۳	۱۸
۲۰۰۹	۳۹/۷	۰/۰۱۰	-	-	-	۳/۵	۱۵
۲۰۱۰	۴۴/۵	۰/۰۱۱	-	-	-	۳/۸	۱۲
۲۰۱۱	۵۰/۴	۰/۰۱۱	-	۴/۵	-/۴۶	۴/۰	۱۲
۲۰۱۲	۵۲/۶	۰/۰۱۲	-	۷/۸	-/۳۷	-/۲۵	۱۲
۲۰۱۳	۴۹/۵	۰/۰۱۱	-	۱۱/۲	-/۳۸	۴/۲	۱۴
۲۰۱۴	۵۰/۸	۰/۰۱۰	-	۱۴/۹	-/۳۶	۴/۵	۱۵
۲۰۱۵	۵۷/۱	۰/۰۱۲	۱۱۳	۱۸/۷	-/۳۲	۴/۸	۱۶
۲۰۱۶	۵۲/۸	۰/۰۱۳	۳۷۶	۲۱	-/۳۱	۵/۱	۱۷
۲۰۱۷	۵۲/۵	۰/۰۱۴	۸۰۶	۲۰/۶	-/۳۱	۵/۳	۲۰
۲۰۱۸	-	-	۱۰۹۷	۲۱/۶	-	۵/۲	-
۲۰۱۹	-	-	۱۴۰۲	-	-	۵/۲	-
۲۰۲۰	-	-	۱۵۶۰	-	-	-	-

منابع: (UNESCO) (آمارهای دریافتی از معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۹۹) (موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۸)

* این شاخص (جدول ۶) از تفاضل خروج دانشجویان ایرانی از مجموع دانشجویان بین‌المللی و بازگشت جمعی ایرانیان متخصص خارج از وطن در یک جمعیت ۱۰۰ هزارنفری به دست می‌آید.

به کشور ندارند. از طرف دیگر، حدود نیمی از افرادی که می‌خواهند مهاجرت کنند هنوز تصمیم قطعی برای ماندن در خارج از کشور یا بازگشت به وطنشان نگرفته‌اند. این پیمایش همچنین می‌گوید حدود ۴۰ درصد افراد بدون آگاهی از شرایط مهاجرت و اطلاعات دقیق از وضع کشور مقصد، اقدام به مهاجرت می‌کنند تفاوت زیادی بین «تمایل» افراد به مهاجرت و «اقدام» به مهاجرت وجود

بازگشت تحریم‌ها حدود ۳۰ درصد از دانشجویان تمایل به مهاجرت داشته‌اند، اما این تحولات موجب افزایش این میل تا ۶۳ درصد شده است. دیگر نتایج پیمایش رصدخانه مهاجرت ایران از میل به بازگشت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان می‌گوید: ۱۶ درصد از کسانی که میل به مهاجرت دارند، می‌خواهند دوباره برای زندگی به ایران بازگردند، در حالی که ۳۸ درصد از آنان تمایلی به بازگشت

جدول ۷- توزیع تعداد دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های برتر آمریکا

دانشگاه	رتبه در آمریکا	رتبه جهانی	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
ام آی تی	۱	۱	۳۷	۳۷	۳۸	۳۷	۳۳	۳۳
استنفورد	۲	۲	۶۴	۶۲	۶۱	۵۶	۵۳	۵۳
هاروارد	۳	۳	۱۶	۱۵	۲۳	۲۴	۲۶	۲۶
کالیفرنیا	۴	۵	۷	۱۲	۱۵	۱۳	۱۱	۱۱
شیکاگو	۵	۱۰	۱۲	۱۵	۱۷	۱۶	۱۵	۱۵
برینسون	۶	۱۳	۱۷	۱۸	۱۹	۲۳	۲۰	۲۰
کورتل	۷	۱۴	۲۰	۲۲	۲۶	۲۳	۲۲	۲۲
پنسیلوانیا	۸	۱۵	۲۳	۲۴	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
ییل	۹	۲۷	۵	۷	۶	۶	۱۳	۱۳
کلمبیا	۱۰	۱۸	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۶	۲۶
مجموع تعداد دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های برتر			۲۰۱	۲۱۲	۲۳۲	۲۲۵	۲۲۰	۲۲۰

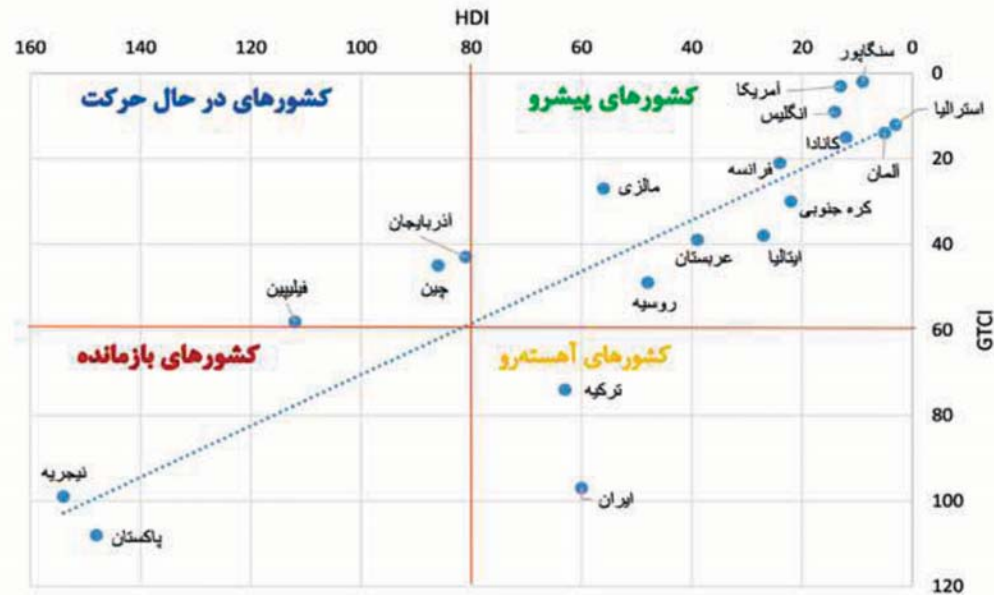
منبع: (۲۰۲۰.college factual)

جدول ۸- نسبت ایرانیان دارای اقامت تحصیلی به کل مهاجران تحصیلی در ده کشور اول اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸

نام کشور	کل مهاجران تحصیلی	مهاجران ایرانی	درصد
آلمان	۱۹۰/۰۱۸	۶/۷۵۲	۳/۶
ایتالیا	۴۴/۷۲۱	۳/۲۴۲	۷/۲
انگلستان	۴۶۷/۹۷۷	۲/۶۰۰	۰/۶
مجارستان	۲۰/۸۹۷	۲/۳۷۵	۱۱/۴
فرانسه	۱۷۲/۹۹۰	۱/۳۱۳	۰/۸
اتریش	۱۸/۸۰۰	۱/۳۰۸	۷/۰
سوئد	۱۷/۹۹۳	۱/۱۲۲	۶/۲
سوئیس	۲۴/۷۲۰	۷۲۸	۲/۹
اسپانیا	۵۵/۹۷۹	۵۰۰	۰/۹
هلند	۲۸/۳۹۸	۴۰۲	۱/۴
اتحادیه اروپا	۱/۲۳۰/۹۷۵	۲۱/۴۳۰	۱/۷

منبع: (۲۰۲۰.EUROSTAT)

هشت عامل اصلی برای مهاجرت دانشجویان فارغ‌التحصیلان ایرانی وجود دارد: ناامیدی از سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها، امکان پیشرفت شغلی، نظم و قانون‌مداری جامعه، علاقه به کسب سابقه تحصیلی یا کاری در خارج از کشور، شایسته‌سالاری، امکان یافتن شغل و میل به تجربه زندگی در خارج از کشور.



نمودار ۲: دسته‌بندی کشورها در شاخص توسعه منابع انسانی و شاخص رقابت‌پذیری (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹)

گرچه مهاجرت و خروج سرمایه انسانی در بسیاری از موارد اثر منفی بر توسعه کشورهای مبدأ دارند، اما مواردی وجود دارد که عکس این رابطه را نیز اثبات می‌کند.

این وضعیت نشان‌دهنده این مسئله است که توسعه به عنوان یک متغیر وابسته، علاوه بر خود پدیده مهاجرت، از سیاست‌های مهاجرتی و وضعیت کلی کشورهای مبدأ و مقصد نیز اثر می‌پذیرد. لذا سیاست‌گذاری صحیح کشور مبدأ می‌تواند تا حدود زیادی در زمینه مثبت سازی اثر مهاجرت بر توسعه، کارساز واقع شود.

درد. خوشبختانه ۶۰ درصد از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی علاقه زیاد و یا بسیار زیادی به ایفای نقش در جهت اصلاح و پیشرفت امور کشور دارند. در حالی که ۲۲ درصد از آن‌ها تمایل خود به ایفای نقش در جهت اصلاح کشور را کم و یا خیلی کم عنوان کرده‌اند (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹).

به هر حال آمارهای بازگشت فارغ‌التحصیلان و متخصصان ایرانی خارج از کشور به داخل نشان می‌دهد از اسفند ۱۳۹۴ تا فروردین ۱۳۹۹ تعداد ۱۵۶۰ متخصص ایرانی به کشور بازگشته‌اند، یعنی از زمان آغاز رسمی طرح همکاری با متخصصان ایرانی به‌طور متوسط روزانه بیش از یک متخصص ایرانی به کشور بازگشته است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

مهاجرت و خروج سرمایه انسانی از عوامل مهم و مؤثر بر فرآیند توسعه در کشورهای در حال توسعه است. گرچه این پدیده عموماً منجر به کاهش توسعه اقتصادی در کشورهای مبدأ می‌شود، اما موارد کمی از جمله بنگلادش، صربستان، کرواسی و برخی از کشورهای آمریکای لاتین وجود دارد که خروج سرمایه انسانی نه تنها توسعه آن‌ها

اقتصادی، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی سال دوم، شماره ۵، صص ۱۰۴-۹۳

• شیرخانی محمدعلی، بایزیدی رحیم، ۱۳۹۹، مهاجرت، خروج سرمایه‌های انسانی و توسعه: مقایسه ایران و ترکیه، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی

• سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹، رصدخانه مهاجرت ایران، پژوهش‌کنده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف (تهران، ایران، ۱۳۹۹)

• مفهوم سرمایه انسانی، ۱۳۹۶ <https://www.nipna.ir/fa/newsagency/H>

• متقی سمیرا، ۱۳۹۴، تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت در ایران: تأکید بر شاخص‌های درآمد و بیکاری، مجله سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره سوم، شماره ۱۱، صص ۷۴-۶۳

• خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۹، www.isna.ir

• پرونده مهاجرت گیت ایران (حقایق و مغالطه‌ها پیرامون موضوع مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور)، ۱۳۹۸، معاونت علمی و فناوری رییس‌جمهور، پژوهش‌کنده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف، رصدخانه مهاجرت ایران، ناشر: دانش‌بنیان فناور

• دنیای اقتصاد، مهاجرت نخبگان مهم‌ترین تهدید سرمایه انسانی، ۱۳۹۲، شماره ۲۹۱۸

- www.magiran.co
- Adams, Richard, H. & John Page (2005), Do International Migration and Remittances Reduce Poverty in Developing Countries? World Development, Vol. 10, PP. 1645-1669
- Cattaneo, Cristina (2008), "International Migration the Brain Drain and Poverty a Cross Country Analysis", University of Sussex and LIUC
- Kritz, M. M. (2007). International migration. In G. Ritzer, THE BLACK WELL ENCYCLOPEDIA OF SOCIOLOGY (Vol. volume 5). Oxford: black well publishing
- Kothari, U. (2002) Migration and Chronic Poverty; Institute for Development Policy and Management; Working Paper, 16, 18
- World Bank Group - International Development, Pover, www.worldbank.org, www.iom.int.word migration 2020.international organization migration
- United Nations Conference on Trade and Development (2018), World Investment Report 2017, United Nations Publication, New York and Geneva 117

موانع اثرگذاری مثبت مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر توسعه کشور مبدأ، غلبه نگاه امنیتی به مهاجرت و خروج سرمایه انسانی است. غلبه نگاه امنیتی به پدیده مهاجرت باعث می‌شود تا سرمایه انسانی کارکرد اقتصادی خود را در کشور مبدأ از دست دهد و همین عامل باعث تشدید اثرگذاری منفی شاخص‌های مهاجرتی بر توسعه شود. توسعه کشور مبدأ، زمانی بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد که علاوه بر کشور مبدأ، کشور مقصد نیز نگاه امنیتی به مهاجران ورودی از کشور خاصی داشته باشد. سیاست‌های مهاجرتی سفت و سخت همچون ممنوعیت ورود از کشورهای خاص، تحریم و بازداشت شهروندان، ممنوعیت ارتباطات مالی و... نمودهایی از این سیاست‌ها هستند. با توجه به آنچه گفته شد، با اتخاذ رویکرد سیاستی، می‌توان برخی پیشنهادها و توصیه‌ها را در این زمینه مطرح ساخت: اتخاذ سیاست‌های تشویقی در راستای تسهیل بازگشت مهاجران به کشور و افزایش نرخ بازگشت، حفظ و یا جذب سرمایه انسانی متخصص و باکیفیت، جذب درآمدهای برگشتی از دیاسپورای (مهاجران) ایرانی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دیاسپورای (مهاجران) ایرانی و کاهش نگاه امنیتی به مهاجران و پدیده مهاجرت. ♦♦

منابع

- حیدری حسن، داودی نرمین، طالبی فرزانه، ۱۳۹۵، آثار کلان اقتصادی و بخشی مهاجرت نیروی کار متخصص و غیرمتخصص در کشور ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۴، صص ۴۲-۴۵
- خسروی احمد علی، خسروی سعید، منصوری بیدکانی مهدی، میرسلطانی، ۱۳۹۸، مهاجرت نخبگان و رابطه آن با توسعه، فرصت‌ها و چالش‌ها برای سیاست‌گذاران، مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱۲، شماره ۶، صص ۸-۱۸
- شاه‌آبادی ابوالفضل، پوران رقیه، ۱۳۸۷، اثر مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران)، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۸، صص ۶۳-۳۵
- شهرام نیا امیر مسعود، اسکندری مجید، ۱۳۸۸، ابعاد ریشه‌ها و پیامدهای فرار مغزها به مرکز (مطالعه موردی ایران)، پرتال جامع انسانی
- صنوبری محمد، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر سرمایه انسانی، مفاهیم، ویژگی‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری، مجله توسعه انسانی پلیس، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۱۹-۱۳۶
- رستمی حسوری هاجر، ۱۳۹۳، اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها) بر فقر در کشورهای در حال توسعه

فرار سرمایه، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و رشد سپرده‌های بانکی در استان کرمان



۴۲۴،۹۸۷ تسهیلات (سهم ۱/۶ درصدی از کشور) در رده هشتم کشور قرار دارد. با توجه به برآورد مرکز آمار ایران از جمعیت استان، به‌طور متوسط هر کرمانی ۲۴۴ میلیون ریال منابع بانکی در اختیار داشته و ۱۲۷ میلیون ریال نیز تسهیلات از بانک‌ها دریافت کرده است که با توجه به میانگین ۴۳۰ میلیون ریالی منابع و ۳۱۳ میلیون ریالی تسهیلات در کشور پایین‌تر از متوسط کشور قرار داریم؛ البته دلیل عمده این عقب‌ماندگی، انباشت ۵۳/۷ درصد از منابع و ۶۳/۸ درصد از مصارف در تهران می‌باشد (یکی از علل مهم بالا بودن رقم تسهیلات و سپرده‌ها در استان تهران استقرار دفاتر بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی سایر استان‌ها در استان تهران بوده و عمده فعالیت‌های بانکی آن‌ها از طریق شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری استان مذکور انجام می‌شود).

اما بگذارید نگاهی دقیق‌تر به وضعیت منابع و مصارف در بانک‌های استان داشته باشیم. با مقایسه منابع و مصارف بانکی در دی ماه ۱۳۹۹ نسبت به اسفند ۱۳۹۸ مشاهده می‌شود که سپرده‌های استان رشدی ۵۶/۴ درصدی را تجربه نموده که در میان استان‌های کشور در جایگاه دوم پس از استان بوشهر قرار خواهد گرفت، درحالی‌که در کشور شاهد رشد ۳۳/۱ درصدی در سپرده‌ها طی همین دوره بوده‌ایم؛ اما در طی همین دوره تسهیلات استان رشد ۲۸/۳ درصدی را شاهد بوده که کمترین میزان رشد تسهیلات در کشور بوده است و این در حالیست که متوسط رشد تسهیلات در کشور در طی این دوره، ۳۵/۸ درصد بوده و در برخی استان‌ها شاهد رشد ۵۲ درصدی تسهیلات پرداختی

◆ گروه تحلیلی داورا*
حوزه فعالیت: مدیریت سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار

همواره در ساختار اقتصادی کشور، منابع بانکی یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی کشور بوده است. اگر از مکاتب مختلف اقتصادی و نگاه متفاوت هر یک بر نقش و جایگاه پول و نظام بانکی بر اقتصاد گذر کنیم و بخواهیم به زبان ساده و صریح و البته مشخص نگاهی به وضعیت استان کرمان در حدود یک سال گذشته، در زمینه سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌ها داشته باشیم، شاید در دسترس‌ترین داده و اطلاعات موجود، مربوط به «مانده تسهیلات و سپرده‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک استان‌ها» که در وبسایت بانک مرکزی منتشر می‌گردد، باشد. با توجه به این‌که در زمان تدوین این نوشتار (اواسط اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰) اطلاعات منابع و مصارف بانکی تا دی‌ماه ۹۹ منتشر شده بود، لذا به بررسی شرایط استان طی دوره پایان اسفند ۱۳۹۸ تا پایان دی‌ماه ۱۳۹۹ پرداخته شده است.

از آنجا که فرض کرده‌ایم مخاطبان این نوشتار به مفاهیم اولیه در نظام بانکی آشنا هستند، بنابراین با گذر از مقدمات در ابتدا نگاهی به وضعیت کلی سپرده‌ها (منابع) و تسهیلات (مصارف) در استان‌های کشور خواهیم داشت و به جایگاه استان کرمان در مقایسه با سایر استان‌ها خواهیم پرداخت و در ادامه به بررسی شاخص مهم مصارف به منابع یا تسهیلات به سپرده‌ها پرداخته شده و نهایتاً به موضوع وضعیت ناکارآمدی منابع استان و تبدیل شدن به تسهیلات در سایر استان‌های کشور می‌پردازیم. لازم به ذکر است با توجه به اینکه مناطق آزاد تجاری در آمار منتشر شده بانک مرکزی به‌صورت جداگانه و در لیست استان‌ها قید می‌گردد، لذا در این نوشتار نیز به‌صورت جداگانه (استان سی و دوم) اشاره گردیده است. ذکر این نکته ضروری است که برخی منابع موجود در بازارهای غیرمتشکل پولی و مؤسسات مرتبط در این آمار قرار ندارد که با توجه به مقایسه با نقدینگی کشور قابل اغماض است.

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود استان کرمان با ۸۱۵،۷۱۳ میلیارد ریال سپرده (سهم ۲/۳ درصدی از کشور) و

بوده‌ایم. این ارقام به ما تغییرات جدی در نسبت مصارف به منابع و کاهش آن را گوشزد می‌نماید، لذا در ادامه به بررسی مصارف و منابع در استان‌های کشور خواهیم پرداخت.

اما با نگاهی به مصارف به منابع استان در دی ماه ۱۳۹۹ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۸، این نسبت از ۷۱/۷ درصد به ۵۸/۸ درصد کاهش یافته است، به طوری که با ۱۲/۹ درصد کاهش بیشترین واحد درصد کاهش را در بین استان‌های کشور داشته است. از آنجا که این نسبت در همین دوره در کشور از ۷۹/۴ درصد به ۸۰/۸ درصد افزایش یافته است (۱/۴ واحد درصد افزایش) سؤال اینجاست که چرا علی‌رغم این که این نسبت به جز ۵ استان (از جمله کرمان) در بقیه استان‌ها (۲۶ استان) افزایش داشته است، در کرمان بایستی شاهد کاهش نسبت مصارف به منابع باشیم؟ توجه شود که روند کلی مصارف به منابع در کشور در سالیان اخیر کاهش یافته است.

اگر استان کرمان در حد متوسط کشور یعنی ۸۰/۸ درصد سپرده‌ها تسهیلات پرداخت نماید باید بانک‌ها حدود ۱۵۸،۸۱۶ میلیارد ریال تسهیلات در استان پرداخت نمایند؛ یعنی چیزی در حدود ۶۵ درصد منابعی که در برنامه ششم برای رشد ۸/۵ درصدی اقتصاد استان پیش بینی شده است و از طرف دیگر با توجه به مشکلاتی که در استان در زمینه تأمین مالی شاهد هستیم چنین به نظر می‌رسد که بایستی در این خصوص اقدامی جدی در استان صورت پذیرد؛ چرا که روند استان متفاوت از روند متوسط کشور است.

لازم به ذکر است، در برخی از مقالات اقتصادی از تعبیر فرار سرمایه نیز برای این تغییر در اختلاف مصارف و منابع در طی دو دوره یاد می‌شود که البته گستره و مقیاس این اصطلاح بسیار زیاد و بر اساس حد تفصیل هر تحلیل متفاوت خواهد بود، اما به‌طور کلی می‌توان فرار سرمایه سرریز شده به سایر استان‌های کشور را محاسبه نمود و بر این اساس در استان کرمان در فاصله اسفند ۱۳۹۸ تا دی ماه ۱۳۹۹ فرار سرمایه به رقم ۱۶۶،۵۷۶ میلیارد ریال رسیده است که از نظر مطلق هم بیشترین میزان فرار سرمایه در کشور است، اما در صورتی که مبنای محاسبه فرار سرمایه، متوسط نسبت مصارف به منابع کشور باشد (در حالتی که فرض کنیم تنها مبنای ما متوسط کشور باشد و نه مقدار مطلق تفاوت منابع و مصارف) نیز میزان فرار سرمایه در همین دوره مورد بررسی به میزان ۱۳۳،۰۷۷ میلیارد ریال خواهد بود و بنابراین در هر صورت مقدار قابل ملاحظه‌ای از منابع استان در استان مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

آنچه به‌عنوان نتیجه تحلیلی به نگارش در آمده است فرضیات نویسنده است و جهت اطمینان کامل از آن‌ها بایستی پژوهش‌های جامع‌تر با داده‌های بیشتری در این خصوص صورت پذیرد، اما

به‌طور کلی چند نکته مهم وجود دارد:

اول اینکه وقتی که نکات فوق را در کنار گزارش «پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران» که توسط اتاق بازرگانی انجام می‌شود می‌گذاریم و مشاهده می‌شود که استان کرمان از حیث کیفیت و کمیت فضای کسب‌وکار در رتبه یکی مانده به آخر در زمستان ۱۳۹۹ قرار گرفته و از سوی دیگر یکی از سه عامل اصلی (نامساعدترین) به اذعان فعالان کسب‌وکار «دشواری تأمین مالی از بانک‌ها» بوده است به این نتیجه خواهیم رسید که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران استان در این بخش باید چاره‌اندیشی جدی داشته باشند. دوم این که تغییر فضای فکری و عملیاتی در حوزه بانک‌های استان نیازمند کاوش و تغییر رویه جدی است و برای جذب منابع در استان بایستی روندی معکوس در پیش گرفت که یقیناً زمان‌بر (علی‌رغم سیال بودن و سرعت گردش پول) خواهد بود؛ زیرا با توجه به قراردادهای و تعهدات قبلی شکل گرفته در بانک‌ها و البته قوانین و مقررات حاکم بر نظام بانکی بازگشت منابع نیازمند اهتمام جدی است و در کوتاه‌مدت میسر نخواهد بود.

سوم اینکه وقتی در شرایط تورمی (البته رکود تورمی) میزان سپرده‌های استان پس از یک استان دیگر بیشترین رشد را در کشور تجربه می‌کند، باید کمی در ابعاد اقتصاد رفتاری و تعاریف اقتصادی پویا کرد؛ چرا که با توجه به این که از قدرت خرید پول کاسته می‌شود، بایستی شاهد رخداد پول داغ "Hot Money" به‌طور جدی‌تر باشیم. این که چرا سرریز سپرده‌ها را در استان کرمان شاهد هستیم، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اولاً ریسک‌گریزی و فرار از ریسک در سپرده‌گذاران استان نسبت به کشور بالاتر بوده و ثانیاً این که عدم آشنایی به مفاهیم اولیه اقتصادی از جمله قدرت خرید و به‌نوعی توهم پولی باعث انباشت پول در بانک‌ها و عدم تبدیل آن به دارایی‌های فیزیکی یا سایر دارایی‌های پایدارتر شده است.

چهارمین نکته را می‌توان این‌گونه مدنظر قرار داد که این ریسک‌گریزی را می‌شود به دلیل نا اطمینانی‌های موجود از شرایط آتی اقتصاد بویژه در شرایط کرونا نیز تعبیر نمود؛ چرا که در این شرایط افراد به افزایش تقاضای احتیاطی و نگهداری پول سوق داده خواهند شد.

نکته پنجم این است که با بررسی منابع و مصارف در آبان ماه سال ۱۳۹۹ نیز شاهد وضعیت مشابهی در استان هستیم (دوره‌ای که نگرانی از انتخاب مجدد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور و دامن زدن افزایش نرخ ارز و ایجاد تورم فزاینده وجود داشته است)؛ بنابراین یک روند افزایشی در سال ۱۳۹۹ در سپرده‌ها در استان شکل گرفته است و شوک‌های بیرونی در استان کرمان چندان منشأ اثر نبوده است؛ لذا در شرایط معکوس نیز کار اصلاح سخت‌تر خواهد بود.

نکته ششم این است که می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات

به‌طور کلی
می‌توان فرار
سرمایه سرریز
شده به سایر
استان‌های کشور
را محاسبه نمود
و بر این اساس
در استان کرمان
در فاصله اسفند
۱۳۹۸ تا دی ماه
۱۳۹۹ فرار سرمایه
به رقم ۱۶۶،۵۷۶
میلیارد ریال رسیده
است که از نظر
مطلق هم بیشترین
میزان فرار سرمایه
در کشور است،
اما در صورتی که
مبنای محاسبه فرار
سرمایه، متوسط
نسبت مصارف به
منابع کشور باشد
(در حالتی که فرض
کنیم تنها مبنای
ما متوسط کشور
باشد و نه مقدار
مطلق تفاوت منابع
و مصارف) نیز میزان
فرار سرمایه در
همین دوره مورد
بررسی به میزان
۱۳۳،۰۷۷
میلیارد
ریال خواهد بود
و بنابراین در هر
صورت مقدار قابل
ملاحظه‌ای از منابع
استان در استان
مورد استفاده قرار
نخواهد گرفت.

مالیات؛ با طعم شکیبایی در روزگار کرونایی



سید محمدعلی گلابزاده
مدیرمسئول فصل‌نامه سپهر اقتصاد کرمان

تردید وجود ندارد که هر کشوری برای اداره امور جامعه و گردش چرخ‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند اخذ مالیات است و نیز شکی نیست که همه ملت‌ها برای بهره‌مندی از خدمات گوناگون باید بخشی از درآمد خود را در این راه هزینه کنند.

این قاعده کلی نه امروز، که از هزاران سال پیش وجود داشته است، حتی از نخستین روزهایی که انسان گام در راه تمدن گذاشت و اولین رویدادهای اقتصادی را تجربه کرد؛ به‌عنوان نمونه در کرمان خودمان، هفت هزار سال پیش از این‌که مردم فهیم و پرتلاش حاشیه هلیل رود دست به امر تجارت زدند به قول «لمبرگ کارلوفسکی» پژوهشگر برجسته و کاوشگر تپه یحیی در دهه ۱۳۴۰ ش؛ کالاهای خود را در ظرفی که او از آن به «Vessel» یاد می‌کند و سوار بر الاغ‌های «گژه جرون» به بین‌النهرین و تمدن‌های دیگر می‌بردند و به فروش می‌رساندند...

آری از آن زمان، رد پای مالیات را در لوح‌های به دست آمده می‌بینیم به قول «پروفسور مریگی»، اپلام‌شناس معروف: در سطر هفتم یکی از لوح‌های به دست آمده از منطقه تپه یحیی در حاشیه هلیل آمده که چگونه دولت هفت هزار سال پیش گوسفند را به‌عنوان مالیات دریافت می‌کرده است. او حتی پیدایش خط را ناشی از همین حساب‌و‌کتاب‌های مالیاتی می‌داند (رک: تاریخ تجارت و اقتصاد کرمان - ۱۳۹۴ - ص) بعد از آن نیز، مالیات به گونه‌های مختلف و نام‌های: جزیه، طرح، قیچور، قلان، اخراجات، بیغار، تمغا و ... وجود داشته است.

اما تاریخ چند هزارساله مالیات، بیانگر این واقعیت است که هرگاه در روزهای سختی و مصیبت، دولت‌ها انصاف مالیاتی را رعایت کردند، عاقبت به‌خیر شدند و نام و یادشان بر پیشانی تاریخ ثبت و ضبط شد، اما آن‌ها که نگرشی تک‌بعدی داشتند و در اندیشه منافع آنی بودند و از زور مالیاتی استفاده کردند، بهره‌ای نبردند و آسیب دیدند؛ به‌عنوان نمونه، سلجوقیان که روزگار حکومتشان از

پرفروغ‌ترین دوره‌های تاریخ است، ابتدا در اندیشه گرفتن مالیات و یا افزایش آن برنیامدند، بلکه نخست وضعیت اقتصادی را رونق دادند و زمانی که بازار تجارت و کسب‌وکار را در اوج یافتند، به گرفتن مالیات پرداختند، آن‌گونه که «عشور ابریشم مکران به سی هزار دینار رسید» (وزیری، تاریخ کرمان ۱۳۴۰ - ص ۹۵) که این رقم عشور (مالیات) در زمان خود، بسیار قابل‌توجه بود.

سید ابوالحسن خان بیگلربیگی، حاکم روزگار زندیه کرمان (۱۲۰۶ ق) نیز از جمله حاکمانی بود که وقتی زخم شانه‌های مردم کرمان را زیر بار خشکسالی و بی‌رونقی اقتصادی مشاهده کرد، خود را به آب‌آتش زد تا بار مالیات را از پشت محرومین بردارد، علاوه بر این، همه کمک‌هایی را که از هند به او می‌رسید بین مردم نیازمند این دیار تقسیم می‌کرد و چنین بود که کرمانی‌های حق‌شناس به او لقب «آقای مطلق» دادند.

به باور من، اگر کریم‌خان زند در تاریخ به‌عنوان یکی از خوش‌نام‌ترین و محبوب‌ترین حاکمان به شمار می‌رود، دلیلش این است که او به‌راستی «وکیل‌الرعیایا» بود. تنها کافی است بدانیم وقتی بررسی‌های او نشان داد که مردم کرمان به دلیل فشارهای حاکمان گذشته، از رمق افتاده‌اند و توان پرداخت مالیات را ندارند «دستور داد بر مردم سخت نگیرند و به آن‌ها یک سال تخفیف مالیاتی بدهند (نامی - گیتی‌گشا - ۱۷۳)؛ به این ترتیب او ابتدا بنیه مالی مردم را تقویت کرد و بعد به اخذ مالیات پرداخت.

از خوش‌نامان دیگری که عنایت او به وضع مردم کرمان در راستای مالیات، زمینه بزرگی و محبوبیتش را فراهم ساخت،

یکی از

سخت‌ترین

دوره‌های مالیاتی

مردم کرمان،

زمان نادرشاه

بود که وقتی

اسماعیل خان

افشار را مأمور

حکومت این

خطه کرد، تنها

چیزی که از او

خواست، مالیات

بود، پیداست

که خان افشار

با مردم محروم

کرمان چه کرد.

وظیفه او این بود

که یا از کرمانی‌ها

مالیات بگیرد و

برای نادر بفرستد

تا صرف تجهیز

سپاه کند، یا سر

آن‌ها را برای شاه

بفرستد.

کلان به جیب زده‌اند، اما بعضی مشاغل با تعطیلی‌های پی‌درپی و کساد بازار، دچار مشکلاتی شده‌اند که اگرچه از چشم کسی دور نمانده، اما توجهی که لازمه این وضعیت باشد کمتر دیده شده است؛ یکی از نمونه‌های بارز آن مالیات است که نه تنها باب رحمتی به روی کسی نگشوده، بلکه حتی در این سال‌های تنگدستی با افزایش قابل توجهی همراه بوده و مؤدیان، چاره‌ای جز تمکین نداشته‌اند.

نکته جالب توجه این‌که، دولت برای نشان دادن حمایت از اقشار آسیب‌پذیر دستوراتی صادر کرده که صدا البته قابل تقدیر و تقدیس است، از جمله اینکه هیچ صاحب‌خانه‌ای حق ندارد تا پایان وضعیت کرونایی، مستأجر خود را بیرون کند و نیز حق ندارد بیش از بیست درصد به اجاره سالانه بیفزاید، اما پرسش اینجاست که اگر شکیبایی مالکان در برابر مستأجران یک فرض و عمل واجب است، چرا شکیبایی سازمان مالیاتی در برابر مالکی که ای بسا اجاره دریافتی، تنها پشتوانه زندگی اوست واجب نباشد؟! مگر همه آن‌هایی که ملکی در اجاره دارند صاحب آلف و اولوف هستند؟ تعدادی از آن‌ها گاه با همین اندوخته مالکانه زندگی می‌کنند یا با آن هزینه تحصیلی فرزندان خود را تأمین می‌نمایند. وقتی مالک می‌بیند همه آنچه مورد نیاز است، ظرف یکی دو سال گذشته به دو تا سه برابر و گاه بیشتر افزایش یافته و دست او از چاره کوتاه بوده و نیز مالیات سالانه تا چهل درصد و گاه بیشتر بالا رفته، چگونه خود را موظف به اجرای دستورالعمل دولت بداند و یا اصلاً چگونه دلی ترحم خواه داشته باشد؟

با این‌همه و بدون توجه به آنچه گذشت: انتظار است که هر کس با هرگونه امکانات مورد استفاده عموم، شرف و وجدان خود را به میدان کارزار آورد و به این دلیل و آن دلیل، بردباری و انصاف خود را از دست نهد و انسان‌دوستی را به کمال برساند.

تو چندان سعی کن کز دل نیاید بر زبان رازت

ز مینا چون برآید باده در ساغر نمی‌ماند

بگذارید تاریخ گواهی دهد که در سخت‌ترین روزهای زندگی، همگان به فکر یکدیگر بودیم و با بردباری از این گردنه دشوار گذشتیم و سرفرازی خود را بر ستیغ روزگاران رقم زدیم تا آیندگان نیز از ما بیاموزند که:

زیر شمشیر حوادث مژه بر هم ننزیم

بر رخ سیل گشاده است در خانه ما

البته اگر در این میان مسئولان مالیاتی هم چشم عنایتی داشتند، سپاسگزاری می‌کنیم و اگر همچنان راه خود را رفتند گله‌ای نیست. ♦♦

در روزگار غمبار
کرونایی، اگرچه
برخی صنوف،
ترکتازی کرده و
درآمدهای کلان
به جیب زده‌اند،
اما بعضی مشاغل
با تعطیلی‌های
پی‌درپی و
کساد بازار،
دچار مشکلاتی
شده‌اند که
اگرچه از چشم
کسی دور نمانده،
اما توجهی که
لازمه این وضعیت
باشد کمتر دیده
شده است؛ یکی
از نمونه‌های بارز
آن مالیات است
که نه تنها باب
رحمتی به روی
کسی نگشوده،
بلکه حتی در
این سال‌های
تنگدستی
با افزایش
قابل توجهی
همراه بوده و
مؤدیان، چاره‌ای
جز تمکین
نداشته‌اند.

شاهرخ خان افشار بود. او پسرش را به دربار عادل شاه فرستاد و ... اهالی کرمان را مورد لطف قرارداد و... سه سال مردم را از پرداخت مالیات معاف کرد تا جانی بگیرند و اقتصادشان را رونقی بخشند و بعد ... (سایکس ۱۳۷۰-۹۴) این مسئله آن قدر مهم بود که برخی از فرزندان تاریخ، هستی خود را بر سر آن گذاشتند و برای دفاع از مردمی که تاب پرداخت مالیات‌های سنگین را نداشتند، آوارگی را به جان خریدند، مانند میرزا آقاخان کرمانی که «پیشنهاد دولت ملی را کرد و بنای مخالفتش را علیه ظلم و ستم والیان و مالیات‌گیری آن‌ها نسبت به مردم آغاز کرد» (فریدون آدمیت، ۱۳۵۷ - ۸)

اما نمونه‌هایی از بی‌رحمی مالیاتی و عواقب آن را می‌توان با رویداد پیدایی قومی به نام «عُز» ها آغاز کرد که داعش روزگار خود بودند و چه جنایاتی که در این سرزمین مرتکب نشدند. دلیل شکل گرفتن این طایفه خون‌ریز، وضع مالیات سنگین در شهرهای ماوراءالنهر بود که آن‌ها را به ستوه آورد و ... (باستانی ۱۳۶۲، ۱۹۷)

یکی از سخت‌ترین دوره‌های مالیاتی مردم کرمان، زمان نادرشاه بود که وقتی اسماعیل خان افشار را مأمور حکومت این خطه کرد، تنها چیزی که از او خواست، مالیات بود، پیداست که خان افشار با مردم محروم کرمان چه کرد. وظیفه او این بود که یا از کرمانی‌ها مالیات بگیرد و برای نادر بفرستد تا صرف تجهیز سپاه کند، یا سر آن‌ها را برای شاه بفرستد. (فلور - ۱۳۶۸ - ۱۱۰)

این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که برخی سفرنامه نویسان و ایران گردان به آن اشاره کرده‌اند؛ مثلاً «اکی ناکازاما» که در سال ۱۳۰۸ ش به‌عنوان وزیرمختار ژاپن به ایران آمده بود در سفرنامه خود (۱۳۸۰ - ص ۳۳۲) می‌نویسد: «در تمام ممالک عالم رسم است که بخشی از عوائد و منافع حاصله از هر کس در سال به اسم مالیات به‌عنوان مخارج جاریه مملکت گرفته می‌شود». ناکازاما سپس به درایت عباس میرزا در بخش مالیات و عنایت به حال رعیت اشاره کرده و می‌نویسد. حاکمان بعد از او هرساله مبلغی به‌عنوان نسل‌کشی به مالیات افزوده‌اند «تا جایی که مالیات امروز کرمان، در صورتی که آن روز هیجده هزار تومن بود به سیصد و شصت هزار تومان رسید». لذا چه بسیار مزارعی که در سابق آباد بوده و حالا خراب شده و ... (ص ۳۹۲)

نشانه‌هایی از این دست در تاریخ تا آنجاست که اگر این رشته را دنبال کنیم «مثنوی هفتاد من کاغذ شود» آنچه بیشتر مورد توجه است این‌که می‌دانیم در روزگار غمبار کرونایی، اگرچه برخی صنوف، ترکتازی کرده و درآمدهای



شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان در سال ۱۳۹۹



♦ فاطمه مهربانی*
دبیر اجرایی شورای گفت‌وگو

راهکارهای اجرائی مناسب به مراجع ذی‌ربط»، تشکیل شد. سپس در سال ۱۳۹۰ با تصویب قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، شورای گفت‌وگو با اهداف و وظایف مذکور تبدیل به یک نهاد قانونی دائمی و تأثیرگذار در کشور شد.

شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی از سال ۱۳۸۹ به عنوان یک نهاد قانونی و فراقوه‌ای به منظور برقراری ارتباط بی‌واسطه بین حاکمیت و فعالان اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی کشور شروع به فعالیت نمود. با تصویب قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی و طبق ماده (۷۵) این قانون، شورای گفت‌وگو «به منظور تبادل نظر دولت و بخش‌های خصوصی و تعاونی و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی این بخش‌ها، بررسی و رفع موانع کسب‌وکار و اتخاذ تصمیم مؤثر برای اقدامات لازم در چهارچوب قوانین و مقررات موجود و ارائه پیشنهادهای

جدول تشکیل جلسات شورا در سال ۱۳۹۹

ردیف	شماره جلسه	تاریخ جلسه	موضوع جلسه و مسائل مطرح شده
۱	۵۰	۱۳۹۹/۰۲/۲۵	بررسی میزان خسارت وارد شده به بخش کشاورزی استان به علت شیوع ویروس کرونا: بررسی روش‌های پیشگیری از شیوع ویروس کرونا در فصل برداشت خرما و پیش‌بینی موارد لازم و همچنین حفظ اشتغال نیروی‌های شاغل و تجهیز واحدها به ماشین‌آلات صنعتی درجه‌بندی و بسته‌بندی خرما، بررسی میزان خسارت وارد شده به محصول پسته استان و ارائه راهکارهای پیشنهادی، بررسی تأثیر شیوع ویروس کرونا بر وضعیت صادرات محصولات کشاورزی استان و ارائه راهکارهای پیشنهادی.
۲	۵۱	۱۳۹۹/۰۳/۰۸	بررسی میزان خسارت وارد شده به صنعت دام و طیور و محصولات گلخانه‌ای استان به علت شیوع ویروس کرونا: ارائه گزارش میزان خسارت وارد شده به صنعت دام و طیور استان و علل عدم امکان تأمین نهاده‌های دامی به مقدار موردنیاز و ارائه راهکارهای مؤثر در جبران بخشی از خسارات وارد شده به تولیدکنندگان این صنعت، ارائه گزارش میزان خسارت وارد شده به محصولات گلخانه‌ای و جالبی استان، بررسی مشکلات ناشی از بسته شدن مرزها و کاهش صادرات خصوصاً محصولات گلخانه‌ای و جالبی و ارائه راهکارهای پیشنهادی، بررسی مشکلات تأمین بذر، نهال و نهاده‌های بخش کشاورزی و ارائه راهکارهای پیشنهادی.
۳	۵۲	۱۳۹۹/۰۴/۱۹	بررسی میزان خسارت وارد شده به بخش گردشگری، صنایع دستی و فرش استان به علت شیوع ویروس کرونا.
۴	۵۳	۱۳۹۹/۰۵/۳۰	برنامه‌های تحقق جهش تولید (بررسی فضای کسب‌وکار استان و راهکارهای بهبود آن).
۵	۵۴	۱۳۹۹/۰۶/۲۷	بررسی و رفع موانع توسعه مهارت‌های شغلی در استان کرمان: بررسی چگونگی اجرای دو طرح «کارورزی» و «مهارت‌آموزی در محیط کار واقعی»، بررسی پیشنهاد راه‌اندازی «صندوق حمایت از توسعه مهارت» و «نظام صلاحیت حرفه‌ای در استان»
۶	۵۵	۱۳۹۹/۰۹/۰۶	بررسی راهکارهای توسعه بازار خدمات فنی و مهندسی استان: تشریح ظرفیت و توانمندی شرکت‌های فنی و مهندسی استان، ضرورت بازسازی و توسعه بازار خدمات فنی و مهندسی استان، بررسی بخشی از مشکلات پیمانکاران حوزه خدمات فنی و مهندسی استان و ارائه پیشنهادات در راستای رفع مشکلات موجود.
۷	۵۶	۱۳۹۹/۰۹/۲۷	بررسی وضعیت محیط کسب‌وکار استان: بررسی نتایج پایش تابستان ۱۳۹۹، ارائه گزارش، آسیب‌شناسی و ارائه راهکارها، بررسی روند اجرای پروژه پنجره واحد الکترونیکی و اثرات آن در بهبود فضای کسب‌وکار.
۸	۵۷	۱۳۹۹/۱۱/۱۶	بررسی روش‌های بهبود عملکرد حوزه‌های مرتبط با کار، بیمه و مالیات در راستای بهبود فضای کسب‌وکار: ارائه گزارش نتایج حاصل شده از تشکیل کارگروه بهبود شاخص محیط کسب‌وکار و آخرین اقدامات انجام شده در پیگیری اجرای پنجره واحد الکترونیکی، ارائه گزارش سازمان‌های تأمین اجتماعی، امور مالیاتی و اداره کل کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان در خصوص اقدامات انجام شده جهت بهبود فضای کسب‌وکار.
۹	۵۸	۱۳۹۹/۱۲/۰۲	بررسی راه‌های تأمین مالی پروژه‌ها و نقدینگی موردنیاز بنگاه‌ها: بررسی چالش‌های پیش روی تأمین مالی پروژه‌ها و نقدینگی موردنیاز بنگاه‌ها و ارائه پیشنهادات، ارائه گزارش از آخرین اقدامات انجام شده در کارگروه توسعه زیرساخت‌ها (موضوع بند ۵ مصوبات پنجاه و پنجمین جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان).
۱۰	۵۹	۱۳۹۹/۱۲/۱۴	بررسی اجرای نظام مبادلات پیمانکاری فرعی در استان: ارائه گزارش «فرصت‌های شغلی ایجاد شده به واسطه صنعت فولاد از جمله شرکت فولاد بوتیای ایرانیان» و «حجم مبادلات صنایع مس استان»، چالش‌های پیمانکاران فرعی در ارتباط مؤثر با پیمانکاران اصلی، علل عدم اجرای نظام مبادلات پیمانکاری فرعی در استان و ارائه راهکارهای پیشنهادی.

جدول آمار مصوبات شورا

سال	تعداد جلسات برگزار شده	تعداد کل مصوبات	تعداد کل مصوبات به تفکیک		مصوبات اجرا شده		در حال پیگیری	
			ملی	استانی	ملی	استانی	ملی	استانی
۱۳۹۹	۱۰	۶۰	۲۳	۳۷	۴	۱۹	۱۹	۱۷

طبق قانون، محل دبیرخانه این شورا بدون دریافت کمک از دولت، در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران تعیین شد.

همزمان با شکل‌گیری شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در سطح ملی، شوراهای گفت‌وگوی استانی نیز با تصویب ماده ۱۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار از سال ۱۳۹۰ فعالیت خود را آغاز نمودند تا زیر نظر استاندار با همکاری روسای اتاق‌های استان و استقرار دبیرخانه شورا در اتاق‌های بازرگانی استانی، مسائل و درخواست‌های تشکلهای و فعالان اقتصادی استان خود را دریافت نمایند و با مشارکت دستگاه‌ها و مسئولان محلی، در راستای بهبود محیط کسب‌وکار استان عمل نمایند.

* به منظور تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق مسائل و طرح موضوعات در جلسات اصلی شورا، تعداد ۲۶ جلسه کارشناسی متناسب با موضوع برگزار شده است و برای هر جلسه کارشناسی بر اساس موضوع از سازمان‌ها و نهادهای مختلف استان شامل سازمان‌های مدیریت و برنامه‌ریزی، صنعت، معدن و تجارت استان، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تأمین اجتماعی، ادارات حفاظت محیط زیست، اطلاعات، ارتباطات و فناوری اطلاعات، آموزش فنی و حرفه‌ای، راهداری و حمل‌ونقل، راه و شهرسازی، امور مالیاتی، اقتصاد و دارایی و مرکز خدمات

محل دبیرخانه این شورا بدون دریافت کمک از دولت، در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران تعیین شد.

همزمان با شکل‌گیری شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در سطح ملی، شوراهای گفت‌وگوی استانی نیز با تصویب ماده ۱۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار از سال ۱۳۹۰ فعالیت خود را آغاز نمودند تا زیر نظر استاندار با همکاری روسای اتاق‌های استان و استقرار دبیرخانه شورا در اتاق‌های بازرگانی استانی، مسائل و درخواست‌های تشکلهای و فعالان اقتصادی استان خود را دریافت نمایند و با مشارکت دستگاه‌ها و مسئولان محلی، در راستای بهبود محیط کسب‌وکار استان عمل نمایند.

شده است. لازم به ذکر است که از این تعداد ۷۶۷ پرونده تا حصول نتیجه پیگیری شده که از این تعداد نیز مشکلات ۳۲۰ پرونده حل شده و ۳۱۱ پرونده به دلیل عدم همکاری بانک‌ها و ۱۳۶ پرونده هم به دلیل عدم همکاری متقاضیان معوق مانده است. البته لازم به یادآوری است از تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۰ بنا به تصمیم، ادامه جلسات این کارگروه لغو گردیده است.

- جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در زمان فصل برداشت خرما از طریق تأمین اعتبار لازم جهت تهیه ملزومات بهداشتی، آموزش و اجرای پروتکل‌های بهداشتی و الزامات سلامت محیط و کار در باغات و واحدهای بسته‌بندی خرما:

پروتکل‌های بهداشتی در زمینه برداشت و بسته‌بندی سنتی محصول خرما توسط انجمن خرما استان کرمان از طریق تهیه و توزیع بروشور با عنوان «پروتکل و آموزش در باغات و واحدهای بسته‌بندی» اجرایی شد و مستندات در قالب فیلم، عکس و کلیپ تهیه و جهت اعتمادسازی در شبکه‌های اجتماعی ارسال و به صورت مکتوب به سازمان‌های دولتی ارسال شد. همچنین با توجه به شرایط اقتصادی ناشی از بحران کرونا، تأمین اعتبار لازم جهت تهیه ملزومات بهداشتی (ماسک، دستکش، ماده ضدعفونی دست و محیط با قیمت دولتی) انجام شد و این ملزومات در اختیار فعالان این حوزه قرار گرفت.

«راهنمای گام دوم مبارزه با کووید-۱۹ (کرونا ویروس) فاصله‌گذاری اجتماعی و الزامات سلامت محیط کار در محل‌های جمع‌آوری و مراکز بسته‌بندی خرما» بر پایه اصول بهداشتی بسته‌بندی مواد غذایی فرآوری نشده که قابلیت تعمیم به تمامی محصولات کشاورزی را داراست با همکاری دستگاه‌های ذیربط تدوین و به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور ارسال شده است.

- حمایت از صنعت گردشگری به علت بحران ناشی از کرونا: در راستای تقویت زیرساخت‌های حوزه گردشگری و حمایت از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این حوزه، ظرفیت معین‌های اقتصادی استان در راستای توسعه گردشگری به تفکیک مشخص و برنامه‌های هر معین بر اساس منطقه تحت پوشش تهیه و ارائه شد و در حال برنامه‌ریزی و انجام است.

سرمایه‌گذاری، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بازرسی کل استان، دانشگاه‌های شهید باهنر کرمان، فنی و حرفه‌ای، علمی و کاربردی، نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، نظام مهندسی ساختمان، نظام مهندسی معدن، سازمان بورس منطقه‌ای، شرکت شهرک‌های صنعتی، مشاور شهردار در امور گردشگری، کمیسیون هماهنگی بانک‌ها، آب منطقه‌ای، آب و فاضلاب، استاندارد، شرکت توزیع برق شمال، برق جنوب و برق منطقه‌ای، کمیسیون‌ها و واحدهای تخصصی اتاق، انجمن‌های تخصصی اتاق، پلیس امنیت اقتصادی فرماندهی انتظامی استان، پارک علم و فناوری، مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق، شرکت‌های معدنی بخش خصوصی، شرکت‌های بخش خصوصی با حوزه فعالیت خدمات فنی و مهندسی و... دعوت به عمل آمده که مدیران، معاونین و یا کارشناسانی به عنوان نماینده آن سازمان در جلسات حضور داشته و همکاری لازم را به عمل آورده‌اند. بر اساس این جلسات، ۳۲ گزارش کارشناسی برای طرح در جلسات اصلی شورا تهیه شده است.

* در سال ۱۳۹۹، تعداد ۹۰ ابلاغیه به وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت امور خارجه، سازمان تأمین اجتماعی کشور و صندوق ضمانت صادرات ایران، استانداری و سازمان‌های استانی ارسال و به طور مداوم پیگیری شده است.

* پیشنهادات ملی تصویب شده در جلسات شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای گفتگوی ملی به دبیرخانه شورای گفتگوی ملی ارسال و پس از بررسی توسط این دبیرخانه، پیگیری و نتایج نهایی به دبیرخانه شورای گفتگوی استان اعلام می‌شود.

دستاوردهای شورا در سال ۱۳۹۹

- رسیدگی به مشکلات بانکی فعالان اقتصادی اعم از امهال، تقسیط و بخشودگی جرائم در کارگروه بانکی ذیل شورای گفتگو: کارگروه بانکی ذیل شورای گفتگو از نیمه دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ آغاز به فعالیت نمود که تا پایان نیمه اول سال ۱۳۹۹، در ۲۱۳ جلسه تعداد ۱۱۵۷ پرونده رسیدگی

جدول آمار کارگروه بانکی ذیل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان در سال ۱۳۹۹

سال	تعداد جلسات برگزار شده	تعداد پرونده‌های مطرح شده	تعداد پیگیری به عمل آمده	همکاری بانک	عدم همکاری بانک	عدم همکاری متقاضی
نیمه اول سال ۱۳۹۹	۱۷	۷۲	۴۵	۲۳	۱۷	۵



۵۳، ۵۶ و ۵۷ شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با محوریت بهبود محیط کسب‌وکار برگزار شد. پیرو مصوبات شورای گفتگو و حسب دستور استاندار محترم، اتاق کرمان با همکاری اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان، نسبت به شناسایی چالش‌های محیط کسب‌وکار به تفکیک دستگاه‌های اجرایی و استخراج راهکارهای بهبود عملیاتی با استفاده از نظرات خبرگان هر حوزه اقدام نموده است. پیشنهادات بهبود محیط کسب‌وکار به تفکیک دستگاه‌های اجرایی مالیات، کار و تأمین اجتماعی در جلسه ۵۷ شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی مصوب و به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ شده است که نتیجه آن را می‌توان در نتایج پایش محیط کسب‌وکار پاییز ۹۹ مشاهده نمود. محیط کسب‌وکار استان کرمان در پاییز ۹۹، با ۴ درصد بهبود نسبت به تابستان ۹۹، در جایگاه ۲۷ کشور (۴ پله بهبود) قرار گرفته است. همچنین اختلاف میان شاخص ملی و استانی محیط کسب‌وکار به پایین‌ترین حد خود در یک سال اخیر یعنی حدود ۵،۳ درصد رسیده است که نشان‌دهنده بهبود ریشه‌ای و گرایش به سمت میانگین کشور است.

– تهیه برنامه راهبردی – فرهنگی بهبود فضای کسب‌وکار و تدوین اساسنامه صندوق حمایت از توسعه مهارت در راستای تقویت فرهنگ کار در استان: در راستای تقویت فرهنگ کار

– راه‌اندازی و رونمایی از سامانه پنجره واحد الکترونیکی سرمایه‌گذاری، در راستای بهبود فضای کسب‌وکار استان: به استناد مصوبه بیست و هشتمین جلسه شورا در سال ۱۳۹۶ و بررسی نحوه استقرار پنجره واحد در سازمان‌های صادرکننده مجوز در استان کرمان با فراهم شدن زیرساخت پنجره واحد الکترونیکی ماهان، امکان تبادل بین همه دستگاه‌های مرتبط با حوزه سرمایه‌گذاری فراهم شده و در این رابطه تاکنون ۱۵۹۶ واحد از ۲۸ دستگاه اجرایی به یکدیگر لینک شده‌اند. همچنین ۲۹۲۵ نفر برای کار با سامانه آموزش دیده‌اند. سامانه پنجره واحد الکترونیکی ماهان امکان ایجاد بانک اطلاعات جغرافیایی را فراهم کرده که در این رابطه با پیگیری اتاق، لایه‌های دارای اولویت سرمایه‌گذاری شناسایی و بخش اعظم آن جمع‌آوری شده است. همچنین داشبوردهای مدیریتی سامانه و پنل نظارتی هوشمند موسوم به BI، در مرکز مانیتورینگ سامانه قابل رصد و پایش است. لازم به ذکر است در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۹ سامانه پنجره واحد الکترونیکی سرمایه‌گذاری راه‌اندازی و از آن رونمایی و فعالیت سامانه از تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۲ آغاز شده است.

– ارتقا رتبه فضای کسب‌وکار استان و کمک به بهبود نسبی آن: با توجه به نامساعد شدن محیط کسب‌وکار استان کرمان و افزایش شدت آن در بهار و تابستان ۱۳۹۹، جلسات

جهت استفاده از پتانسیل خدمات فنی و مهندسی و توسعه بازار آن در راستای جهش تولید: کارگروه تدوین سند توسعه زیرساخت‌های استان کرمان به منظور بررسی مسائل و مشکلات پروژه‌های زیرساختی مانند آب، برق، گاز و راه با مسئولیت معاون عمرانی استانداری و دبیری اتاق تشکیل شده و جلسات آن در حال برگزاری است.

- تسهیل در مشکلات ارزی فعالان اقتصادی: با توجه به شرایط اقتصادی موجود و تحریم‌ها و مشکلاتی که بنا به مسائل ارزی و تعهدات ارزی برای فعالان اقتصادی استان بویژه تشکلهای صادراتی حوزه کشاورزی (انجمن پسته و انجمن خرما) ایجاد شده بود، این موضوعات در جلسات شورای گفتگوی استان مطرح شد. مصوبات این جلسات پس از انعکاس به شورای گفتگوی ملی، در دستور کار شورا قرار گرفت که با پیگیری‌های مکرر دبیرخانه شورای ملی و این شورا، جزو پیشنهادات ده‌گانه به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ارسال و مورد رسیدگی قرار گرفته است.

سایر دستاوردهای شورا

لازم به ذکر است اجرایی شدن برخی مصوبات جلسات شورای گفتگو زمان‌بر بوده و ممکن است بیش از یک‌سال به طول بینجامد، از این‌رو برخی مصوباتی که مربوط به سال‌های قبل بوده و در سال ۱۳۹۹ اجرایی شده‌اند، به شرح زیر است:

- حوزه کشاورزی:

- با توجه به عدم تمکن مالی کشاورزان خسارت دیده در سال زراعی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ جهت تأمین هزینه نگهداری باغات پسته و خرما در این سال و عدم اجرای بخشنامه بانک مرکزی در خصوص امهال وام‌های کشاورزی موضوع تفاهم‌نامه وزارت جهاد کشاورزی و بانک کشاورزی و طرح این موضوع در سی و نهمین جلسه شورای گفتگو در سال ۱۳۹۷، با همکاری و پیگیری‌های صورت گرفته توسط شورای گفتگوی استان و انجمن‌های خرما و پسته، تسهیلات به آسیب دیدگان پرداخت و باغات با توجه به میزان خسارت، مورد حمایت بیمه محصولات کشاورزی قرار گرفتند.

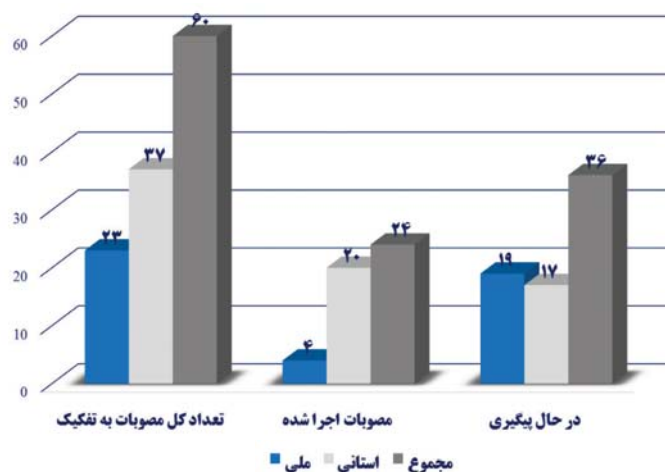
- موضوع نحوه همکاری صندوق بیمه محصولات کشاورزی در خصوص جبران خسارت وارده به محصول پسته و خرما در سال زراعی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ در سی و نهمین جلسه شورای گفتگو در سال ۱۳۹۷ مطرح و پس از برگزاری جلسه‌ای با حضور نمایندگان سازمان جهاد کشاورزی، اداره هواشناسی، پژوهشکده پسته کشور و اتاق بازرگانی (کمیسیون بانک بیمه و امور مالیات اتاق)، عامل گرمایشی اقلیم و نوسانات

و ثروت آفرینی، برنامه راهبردی- فرهنگی بهبود فضای کسب‌وکار استان تهیه شده است. همچنین به منظور تدوین اساسنامه «صندوق حمایت از توسعه مهارت» برای ایجاد مثلث مهارت‌آموزی- کارآفرینی- ثروت آفرینی، جلسات هماهنگی با ارگان‌های ذی‌ربط برگزار و اساسنامه با همکاری مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق و سازمان فنی و حرفه‌ای تهیه شده و قرار است در جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی تصویب و جهت اجرایی شدن ابلاغ شود.

- انعکاس و پیگیری اجرای بند (ب) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی بند (هـ) تبصره (۵) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور به دایره حقوقی مجلس: به منظور پیگیری اجرای قانون ضریب حفظ قدرت خرید (۱۵٪) و مطالبات پیمانکار که در سال‌های گذشته مسجل شده تا زمان تسویه حساب برای هر نوع تسویه حسابی اعم از اوراق خزانه و یا تهاتر، مکاتبه لازم با دکتر پورابراهیمی، رئیس محترم کمیسیون اقتصادی مجلس صورت گرفته تا با استفسار از دایره حقوقی مجلس اقدام شایسته انجام گیرد. دکتر پورابراهیمی این موضوع را طی نامه‌ای به معاون محترم قوانین مجلس شورای اسلامی جهت دستور بررسی و ارائه اظهارنظر کارشناسی منعکس نموده و این موضوع برای رسیدگی در دستور کار مجلس قرار گرفته است.

- تشکیل کارگروه تدوین سند توسعه زیرساخت‌های استان

آمار مصوبات شورا در سال ۱۳۹۹ (۱۰ جلسه)



* پیشنهادات ملی تصویب شده در جلسات شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای گفتگوی ملی، به دبیرخانه شورای گفتگوی ملی ارسال و پس از بررسی توسط این دبیرخانه پیگیری و نتایج نهایی به دبیر خانه شورای گفتگوی استان اعلام می‌شود.



اراضی کشاورزی از بحث دایر بودن آن‌ها»، پژوهشی تحت عنوان «واکاوای نقش قوانین در تلفات آب ناشی از استمرار مالکیت» انجام و کتاب «بررسی انتقادی قوانین مالکیت اراضی بایر» چاپ شده است.

- حوزه قوانین:

- پیشنهاد ۱۸ مورد اصلاح، الحاق برخی از مواد قانونی به شورای گفتگوی ملی،
- چاپ کتاب‌های «دور زدن قوانین بانکی ممنوع» و «قوانین و مقررات عقود بانکی».

- حوزه انرژی:

- تدوین نقشه راه انرژی استان،
- اصلاح قیمت خرید تضمینی برق از نیروگاه‌های تجدیدپذیر سراسر کشور که موجبات رضایتمندی فعالان بخش خصوصی و استقبال از سرمایه‌گذاری را فراهم نموده است.

- حوزه حمل‌ونقل:

- اختصاص ۳۰٪ سوخت بیشتر برای کامیون‌هایی که از مبدأ جنوب کرمان بارگیری می‌نمایند،
- اختصاص سهمیه لاستیک برای کامیون‌های حاضر در جنوب استان کرمان،
- اخذ استعلام قیمت حمل مستقیم بار از مبدأ جنوب استان برای بازارهای هدف،
- دریافت مجوزهای لازم از سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای کشور برای ورود ناوگان خارجی به منظور حمل مستقیم محصولات کشاورزی جنوب کرمان به کشورهای هدف،
- دریافت مجوز ورود ۱۰۰ دستگاه کامیون خارجی از مرز افغانستان به منظور بارگیری از جنوب استان و حمل به

دمایی به عنوان عامل خسارت وارده به محصولات در سال زراعی ۱۳۹۷ مورد قبول قرار گرفت و خسارت وارده به کشاورزان بر اساس نرخ بیمه پایه جبران شد. همچنین در زمینه اصلاح تعرفه پرداخت غرامت به نخل داران نیز تفاهم‌نامه‌ای میان صندوق بیمه کشاورزی کشور و انجمن ملی خرمای ایران منعقد و به استان‌های خرماخیز ابلاغ شد.

- تولید بذور هیبرید سبزی و صیفی در استان کرمان؛ در طرح تولید و توسعه کشت بذور هیبرید خیار و گوجه‌فرنگی که با هدایت پژوهشکده فناوری تولیدات گیاهی کرمان در حال انجام است، با انجام اقدامات زیر زمینه تولید داخلی بذر خیار و گوجه فراهم شده و در آینده برای فلفل، پیاز و بادمجان نیز قابل تعمیم است.

- شبکه داخلی از محققین و اساتید ژنتیک و به‌نژادی گیاهی و دانشجویان دکترا و ارشد به‌نژادی گیاهی تشکیل و تولید بذور هیبرید از ارقام مهم تجاری خیار و گوجه هیبرید با روش مهندسی معکوس آغاز و تأمین اعتبار مربوطه انجام شده است.

- در خصوص خیار که دارای رتبه اول واردات بذر از نظر ربالی می‌باشد، ارقام غالب خیار گلخانه‌ای در استان مشخص و بذور آن‌ها تهیه و با کشت ارقام در دو نقطه از استان (جیرفت و کرمان) صفات مختلف در این ارقام بررسی و در نهایت ۲۰ رقم مختلف از جمله خیارهای خاردار و نیمه کوتاه سازگار به منطقه شمال و جنوب استان جهت تولید لاین‌های والدی هیبرید مختلف انتخاب شده و انتظار می‌رود در پایان ۱۴۰۱ هیبریدهای اولیه تولید گردند. همچنین در خصوص گوجه‌فرنگی، هیبریدهای مطلوبی از تلاقی ارقام محلی دست آمد و از محققین کشور که دارای این زمینه فناوری هستند نیز دعوت شده تا زمینه سازگاری ارقام تولیدی خود در جنوب شرق کشور فراهم شود. در همین راستا ارقام تولید داخلی، در منطقه جیرفت جهت ارزیابی و معرفی ارقام سازگار به منطقه کشت شده است که پس از بررسی، ارقام سازگار و پرمعکرد معرفی خواهند شد.

- تدوین قرارداد تیپ کشاورزی قراردادی، توسط افراد صاحب‌نظر بخش خصوصی و دولتی و تصویب آن در راستای ترویج کشاورزی قراردادی یا تولید مبتنی بر قرارداد فروش.

- سامانه اجرای کار، ضریب نفوذ کشاورزی و استفاده از دانش نیروی متخصص کشاورزی را در راستای اجرایی نمودن ماده ۳ قانون افزایش بهره‌وری، افزایش داده است.
- حوزه آب: با توجه به ضرورت «تفکیک قانون مالکیت

پتانسیل‌های هر منطقه از استان و اولویت‌های فناوری استان؛ اولویت‌های اجرایی اکوسیستم تعیین و مرحله به مرحله به صورت پایلوت در اکوسیستم اجرا شد. از دستاوردهای مهم اجرای این سند می‌توان به تعیین نقشه اجرایی توسعه فناوری استان، تعیین عناصر اکوسیستم فناوری و اولویت‌های اجرایی توسعه فناوری استان برای اولین بار در ایران اشاره نمود.

ارزیابی عملکرد شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان توسط وزارت کشور و شورای گفتگوی ملی

در ارزیابی شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۹ که توسط وزارت کشور و شورای گفتگوی ملی انجام شد، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با کسب امتیاز ۸۸٫۷۵ رتبه دوم را در بین شوراهای استانی کسب نمود. لازم به ذکر است در یک‌صد و دومین نشست شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی که با حضور مقامات و اعضای شورای ملی به منظور تقدیر از شوراهای استانی در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران برگزار شد از دکتر علی زینی‌وند استاندار کرمان به عنوان رئیس شورا و سید مهدی طبیب‌زاده رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان به عنوان دبیر شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با اهدای لوح تقدیر توسط دکتر فرهاد دژپسند وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکر و قدردانی شده است. ♦♦

کشور افغانستان و کشورهای حوزه CIS،
- استقرار دو شرکت حمل‌ونقل بین‌المللی در منطقه جنوب استان و اخذ مجوز ورود ناوگان خارجی برای این دو شرکت.

- حوزه بازرگانی و صادرات:

- تمدید زمان بازگشت ارز حاصل از صادرات جهت مشمول شدن معافیت مالیاتی برای سال ۱۳۹۸،

- معافیت مالیاتی خشکبار،

- اخذ موافقت اصولی ایجاد اداره استاندارد شهرستان جیرفت از سازمان امور استخدامی کشور و تصویب چارت سازمانی، همچنین تصویب اختصاص ۳۸۰۰ مترمربع زمین جهت احداث ساختمان اداری و آزمایشگاهی برای اداره استاندارد جنوب استان.

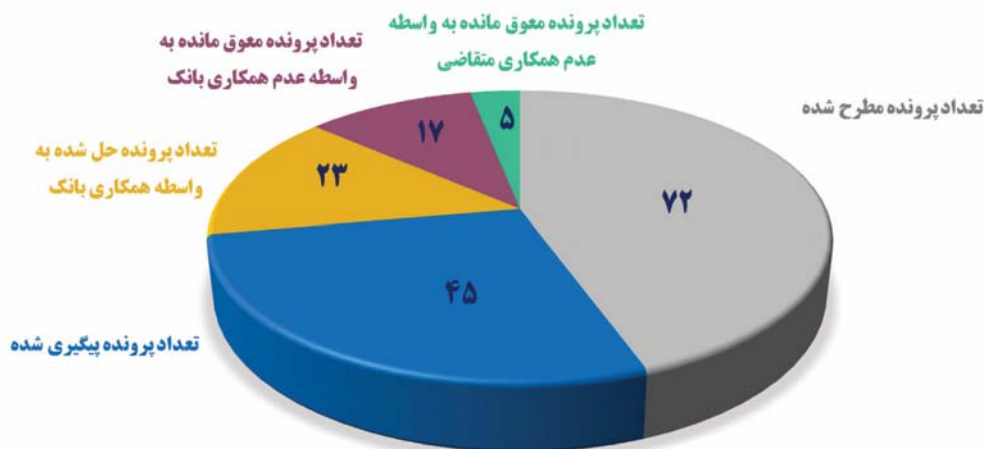
- **حوزه آمار:** با پیگیری مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی و کمیسیون گردشگری اتاق، آمار و اطلاعات بخش گردشگری، کشاورزی و صادرات استان در سامانه نوسان به نشانی www.kccstat.ir بارگذاری و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

- حوزه دانش‌بنیان:

• تدوین نقشه راه توسعه فناوری استان کرمان،

• تهیه و استقرار سند اجرایی توسعه فناوری و تعیین وظایف و پاسخگو بودن اجزا آن با حمایت اتاق و محوریت انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان انجام شد. در این سند راهکارهای اجرایی و عملیاتی بر اساس نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای (SWOT) دستگاه‌های اجرائی دولتی و خصوصی ذی‌ربط در اکوسیستم فناوری دیده شده است و بر اساس SWOT اجرایی هر یک از عناصر اکوسیستم،

آمار کارگروه بانکی ذیل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان در نیمه اول سال ۱۳۹۹ (۱۷ جلسه)



تولید

چشم‌انداز توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در جهت مقابله با بحران تغییرات اقلیمی جهان / گفت‌وگو با «حمیدرضا صالحی» رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران؛ توسعه تجدیدپذیرها و امنیت اقتصادی / گفت‌وگو با «علی عباسلو»؛ نایب‌رئیس اول اتاق کرمان؛ کسب بازار جهانی؛ راه‌کار خروج از رکود اقتصادی / گفت‌وگو با «مهدی حسینی‌نژاد» رئیس سازمان صمت استان؛ پیوند واحدهای کوچک و بنگاه‌های بزرگ / گفت‌وگو با دکتر «هرمز نقوی» رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان؛ بهره‌وری کشاورزی با نگاه هوشمند به اقلیم و منابع / گفت‌وگو با دکتر «پیمان نامور» معاون پژوهش مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی جنوب استان؛ چالش‌ها و فرصت‌ها در کشاورزی جنوب استان کرمان / چالش شوری آب‌خاک و تأثیر آن بر کاهش درآمد کشاورزان / گفت‌وگو با «علی اسماعیلی» مدیرعامل شرکت پنگان الکترونیک؛ تمرکز بر تقویت داشته‌ها و نقاط قوت

چشم انداز توسعه انرژی های تجدیدپذیر

در جهت مقابله با بحران تغییرات اقلیمی جهان



♦ محسن فرزنان
کارشناس ارشد مهندسی انرژی های تجدیدپذیر

با وقوع انقلاب صنعتی، پیشرفت فناوری و رشد روزافزون جمعیت جهانی تقاضای انرژی افزایش پیدا کرده است. استفاده از منابع فسیلی همچون نفت و زغال سنگ برای پاسخ به این تقاضای انرژی مورد نیاز جوامع بشری از سویی منجر به کاهش منابع اولیه سوخت های فسیلی و از سوی دیگر باعث بروز آسیب های جدی به محیط زیست شده است.

افزایش متوسط دمای جهانی و در نتیجه پدیده تغییر اقلیم از پیامدهای نگران کننده به کارگیری بیش از اندازه منابع انرژی فسیلی در دهه های اخیر بوده است که شاید بتوان از آن به عنوان بزرگ ترین چالشی که بشریت با آن روبه رو بوده است یاد کرد. امروزه، بخش انرژی منبع حدود سه چهارم انتشار گازهای گلخانه ای شناخته می شود؛ از این رو، انرژی های تجدیدپذیر و پاک نقش حیاتی در آینده تأمین انرژی در راستای مقابله با چالش های زیست محیطی ایفا می کنند.

انرژی تجدیدپذیر در واقع انرژی به دست آمده از منابع طبیعی بوده که قادر به بازیابی خود در دوره های کوتاه تر از طول عمر انسان بدون از بین رفتن منابع اولیه آن در کره زمین است. این منابع همچون نور خورشید، باد، امواج و جزر و مد دریاها و اقیانوس ها، زیست توده و انرژی زمین گرمایی اغلب در همه جای کره زمین در دسترس قرار دارند. در کنار مزیت عدم اتمام منابع انرژی های تجدیدپذیر، استفاده از این منابع انرژی کمترین آلودگی و آسیب را به محیط زیست وارد می کند که در نتیجه می تواند منجر به توسعه پایدار کشورهای جهان شود.

گذار انرژی و انرژی های تجدیدپذیر

گذار انرژی (Energy Transition) مسیری برای ایجاد دگرگونی در بخش انرژی جهان از وابستگی به سوخت های فسیلی به استفاده از منابع کربن صفر تا سال ۲۰۵۰ میلادی خواهد بود. با استفاده از انرژی های تجدیدپذیر و افزایش بهره‌وری انرژی می توان به طور بالقوه تا ۹۰ درصد به اهداف تعیین شده برای کاهش انتشار کربن دست یافت.

گذار انرژی به طور غیر قابل توقف در حال رخ دادن است. از سال ۲۰۱۱ میلادی، استفاده از انرژی های تجدیدپذیر با سرعت بیش تری نسبت به دیگر منابع انرژی رشد پیدا کرده است. تاکنون تلاش های بسیاری توسط دولت ها و بخش خصوصی در طی یک دهه گذشته انجام شده است، به طوری که در حال حاضر بیش از ۱۷۰ کشور جهان اهداف و برنامه های مشخص جهت توسعه و استفاده از انرژی های تجدیدپذیر دارند.

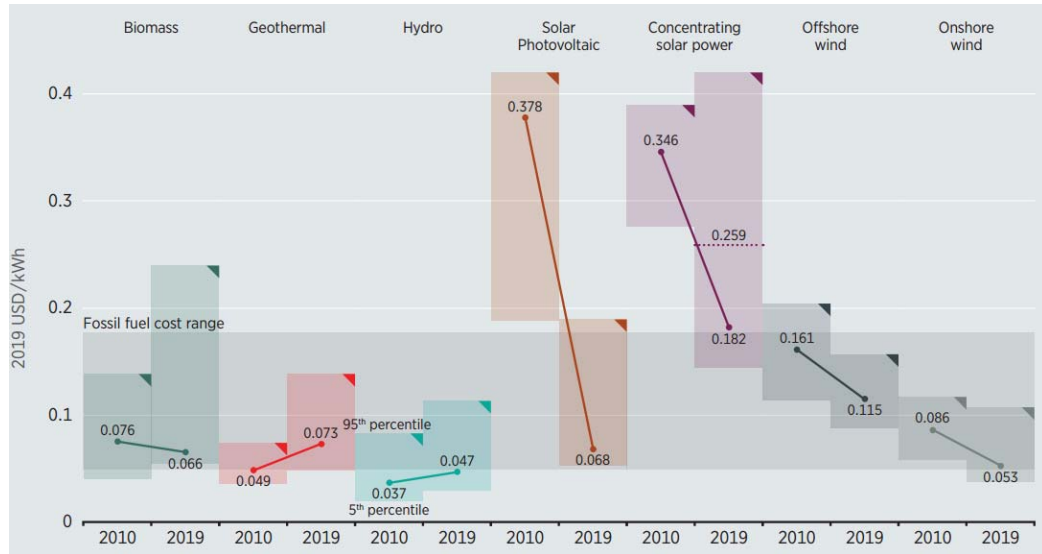
امروزه، چشم انداز روشنی از یک سیستم انرژی جدید مبتنی بر فناوری های تجدیدپذیر انرژی در حال ظهور است که توسط فناوری های هیدروژن سبز و انرژی زیستی مدرن تکمیل می شود. به ادعان آژانس بین المللی انرژی های تجدیدپذیر (IRENA) این سیستم جدید از نظر فنی کارکرد مناسبی داشته و برای توسعه سریع و گسترده آمادگی لازم را نیز دارد.

کاهش شدید هزینه تولید برق از منابع تجدیدپذیر انرژی

با افزایش سرمایه گذاری کشورهای پیشرفته جهان به ویژه چین، آمریکا و هند جهت استحصال انرژی از منابع تجدیدپذیر و در نتیجه توسعه فناوری و افزایش بازده تبدیل انرژی در نیروگاه های تجدیدپذیر، هزینه نهایی برق تولیدی از این نیروگاه ها به طور چشم گیری کاهش یافته است. برای نمونه، از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۹، متوسط هزینه هم تراز شده برق (LCOE) نیروگاه خورشیدی فنوولتاییک و نیروگاه بادی به ترتیب با کاهش بیش از ۸۲ درصد و ۴۵ درصد به ۶۸/۴ دلار و ۵۲/۸ دلار به ازای هر مگاوات ساعت رسیده است. پیش بینی های آژانس بین المللی انرژی های تجدیدپذیر نشان دهنده ادامه یافتن روند کاهش هزینه تولید برق از منابع تجدیدپذیر انرژی به ویژه خورشیدی و بادی و در نتیجه ارزان تر شدن آن از برق فسیلی در اغلب مناطق جهان است.

شایان ذکر است سه چهارم نیروگاه های بادی و ۴۰ درصد نیروگاه های خورشیدی فنوولتاییک مقیاس بزرگ که در سال ۲۰۱۹ احداث شده اند برق ارزان تری نسبت به سوخت های فسیلی داشته اند. این در حالی است که بر اساس مناقصه ها و مزایده های سال ۲۰۲۰، حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد نیروگاه های بادی و خورشیدی که به بهره برداری رسیده اند قیمت برق تولیدی کمتری نسبت به نیروگاه های سوخت فسیلی داشته اند.

در سال ۲۰۲۰،
 علی‌رغم شیوع
 ویروس کرونا
 و کاهش
 فعالیت‌های
 اقتصادی، بیش
 از ۲۶۰ گیگاوات
 نیروگاه برق
 تجدیدپذیر در
 سراسر جهان به
 بهره‌برداری رسید
 که نسبت به سال
 ۲۰۱۹ نزدیک به
 ۵۰ درصد افزایش
 پیدا کرده است.
 احداث ۱۲۷
 گیگاوات نیروگاه
 خورشیدی و ۱۱۱
 گیگاوات نیروگاه
 بادی بیان‌گر
 رشد قابل توجه
 استفاده از این
 منابع انرژی پاک
 در سبب انرژی
 کشورهای جهان
 در سال ۲۰۲۰
 است. در حال
 حاضر، انرژی
 خورشیدی و
 بادی بیش از ۵۰
 درصد از سهم
 نیروگاه‌های
 تجدیدپذیر نصب
 شده در جهان را
 در اختیار دارند.

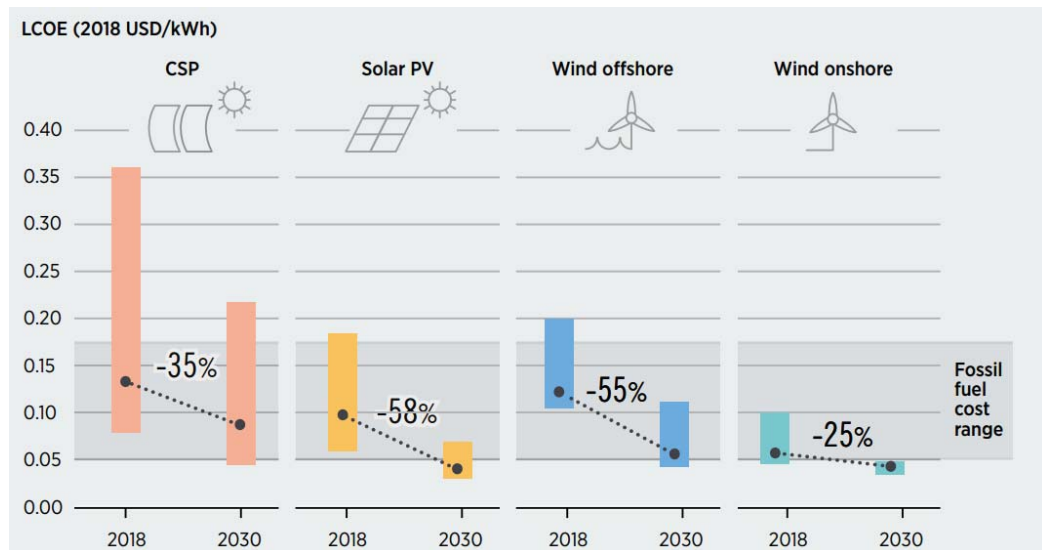


هزینه هم‌تراز شده برق تجدیدپذیر (LCOE) بر اساس فناوری‌های مختلف از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۹ (منبع: IRENA)

در سال ۲۰۲۰ است. در حال حاضر، انرژی خورشیدی و بادی بیش از ۵۰ درصد از سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر نصب شده در جهان را در اختیار دارند. علاوه بر این، حدود ۸۰ درصد از نیروگاه‌های برق جدیدی که در سال ۲۰۲۰ در جهان احداث شده، نیروگاه‌های برق تجدیدپذیر بوده است. این اتفاق نشان از ترجیح فزاینده کشورهای جهان به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر برای تأمین الکتریسیته مورد نیاز خود دارد.

انرژی‌های تجدیدپذیر در اولویت برنامه‌های انرژی کشورهای جهان

در سال ۲۰۲۰، علی‌رغم شیوع ویروس کرونا و کاهش فعالیت‌های اقتصادی، بیش از ۲۶۰ گیگاوات نیروگاه برق تجدیدپذیر در سراسر جهان به بهره‌برداری رسید که نسبت به سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است. احداث ۱۲۷ گیگاوات نیروگاه خورشیدی و ۱۱۱ گیگاوات نیروگاه بادی بیان‌گر رشد قابل توجه استفاده از این منابع انرژی پاک در سبب انرژی کشورهای جهان



پیش‌بینی روند کاهش قیمت برق استحصال شده از منابع تجدیدپذیر خورشیدی و بادی تا سال ۲۰۳۰ (منبع: IRENA)

سناریوی ۱/۵ درجه سانتی‌گراد

خورشیدی حرارتی و فناوری‌های استحصال انرژی از آب‌های دریاها و اقیانوس‌ها نیز توسعه خواهند یافت.

از سویی دیگر، الکتریکی کردن (Electrification) وسایل و تجهیزات مصرف‌کننده نهایی انرژی (همچون تبدیل خودروهای بنزینی به خودروهای الکتریکی) یکی از کلان روندهای اساسی در حوزه انرژی جهان است. مهم‌ترین هم‌افزایی در زمینه گذار انرژی جهان، ترکیب افزایش استفاده از فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر ارزان قیمت با استفاده گسترده‌تر از الکتریسیته در مصرف‌کنندگان نهایی انرژی به‌ویژه در حوزه‌های حمل‌ونقل و گرمایش است. الکتریکی کردن این امکان را فراهم می‌کند تا از الکتریسیته عاری از کربن (تولید شده از منابع تجدیدپذیر انرژی) به‌جای سوخت‌های فسیلی آلاینده محیط‌زیست استفاده شود که این امر باعث افزایش بهره‌وری انرژی نیز می‌گردد.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر، برای دستیابی به هدف سناریوی محدود کردن افزایش دمای جهانی به ۱/۵ درجه سانتی‌گراد، الکتریسیته با سهمی بیش از ۵۰ درصد به‌عنوان حامل اصلی انرژی در تأمین انرژی مصرف‌کنندگان نهایی تا سال ۲۰۵۰ مطرح خواهد بود (نزدیک به ۲/۵ برابر میزان سال ۲۰۱۸) حدود ۹۰ درصد این الکتریسیته توسط انرژی‌های تجدیدپذیر، ۶ درصد آن از گاز طبیعی و مابقی توسط انرژی هسته‌ای تولید می‌شود. هم‌چنین، انرژی خورشیدی و بادی با ۶۳ درصد بیش‌ترین سهم را در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر خواهند داشت.

کاهش اهمیت و تضعیف جایگاه سوخت‌های فسیلی

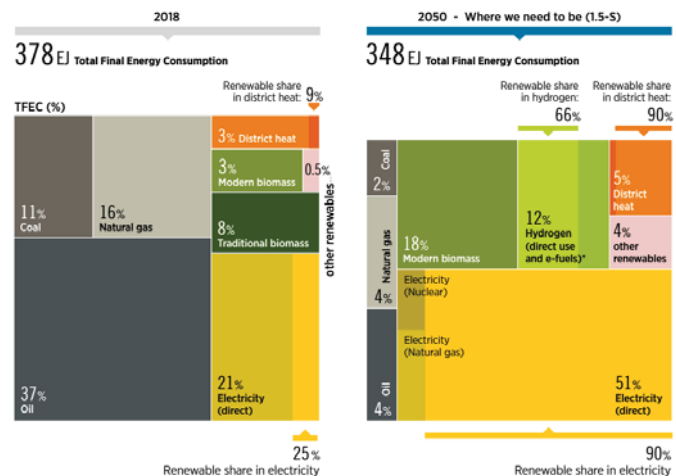
امروزه، کماکان چرخ فعالیت‌های بشری با انرژی‌های فسیلی می‌چرخد و حتی برخی از کشورهای جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از این منابع ارزان نیز پرداخت می‌کند. بر اساس سناریوی ۱/۵ درجه سانتی‌گراد تا سال ۲۰۵۰ استفاده از سوخت‌های فسیلی تا بیش از ۷۵ درصد نسبت به سال ۲۰۱۸ کاهش خواهد یافت. البته سوخت‌های فسیلی در تأمین حدود ۱۹ درصد از انرژی اولیه به‌ویژه در نیروگاه‌های برق و صنایع همچنان نقش‌هایی برای ایفا کردن خواهند داشت. استفاده از نفت و زغال‌سنگ نسبت به دیگر سوخت‌های فسیلی با سرعت بیشتری در حال کاهش است. گاز طبیعی حدود ۷۰ درصد از سهم سوخت‌های فسیلی در سال ۲۰۵۰ را عهده‌دار خواهد بود؛ این میزان در حال حاضر نزدیک به ۵۲ درصد برآورد می‌شود. با این حال، میزان تولید گاز طبیعی از میزان ۴/۲ تریلیون متر مکعب به ۲/۲ تریلیون متر مکعب در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. بر اساس سناریوی ۱/۵ درجه سانتی‌گراد، تولید جهانی نفت با ۸۵ درصد کاهش نسبت به امروزه به حدود ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد رسید که حجم عمده‌ای از آن در صنایع پتروشیمی، کشتی‌رانی و صنایع هوایی مصرف خواهد شد. استفاده از

توافقنامه پاریس مشهور به COP۲۱ یک معاهده بین‌المللی است که در طی آن ۱۹۶ کشور جهان (از جمله ایران) در سال ۲۰۱۵ توافق کرده‌اند تا برای مقابله با تغییرات اقلیمی تلاش کنند. هدف از این معاهده قانونی، مقابله با تغییرات اقلیمی از طریق محدود کردن افزایش متوسط دمای جهانی به زیر ۲ درجه سانتی‌گراد (ترجیحاً ۱/۵ درجه سانتی‌گراد) تا سال ۲۰۵۰ میلادی است. کربن‌زدایی از بخش انرژی از جمله راه‌کارهای کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن و جلوگیری از افزایش بیش از حد متوسط دمای جهانی بوده که نیازمند اقدام‌های فوری در مقیاس جهانی است.

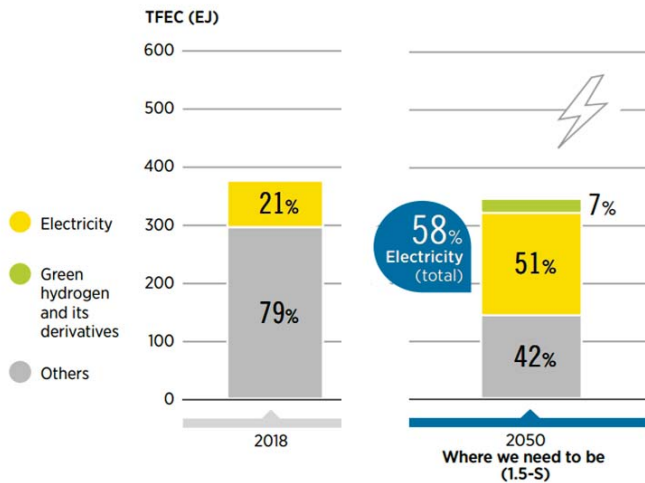
در این راستا، آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر در گزارش جدید خود تحت عنوان «چشم‌انداز گذار انرژی جهان: مسیر ۱/۵ درجه سانتی‌گراد» که در ماه مارس ۲۰۲۱ منتشر شد، به بررسی سناریوی محدود کردن افزایش دمای جهانی به ۱/۵ درجه سانتی‌گراد به اختصار (۱/۵°C Scenario) پرداخته است.

انرژی‌های تجدیدپذیر و الکتریکی شدن دو کلان روند در جهت سناریوی ۱/۵ درجه سانتی‌گراد

به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر، در راستای سناریوی ۱/۵ درجه سانتی‌گراد، ضروری است که ظرفیت نصب شده انرژی‌های تجدیدپذیر از میزان ۲۸۰۰ گیگاوات در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۲۷۷۰۰ گیگاوات در سال ۲۰۵۰ برسد. این امر نیازمند احداث سالانه بیش از ۸۴۰ گیگاوات ظرفیت جدید نیروگاه‌های تجدیدپذیر است. نیروگاه‌های خورشیدی فتوولتاییک و بادی در رسیدن به این هدف پیشگام خواهند بود. بر اساس این گزارش، ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی فتوولتاییک و بادی جهان در سال ۲۰۵۰ به ترتیب به بیش از ۱۴۰۰۰ و ۸۱۰۰ گیگاوات خواهد رسید. نیروگاه‌های برق آبی، زیست‌توده، زمین‌گرمایی،



بهربرداری از منابع گوناگون انرژی در سال ۲۰۵۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۸ بر اساس سناریوی ۱/۵ درجه سانتی‌گراد (منبع: IRENA)

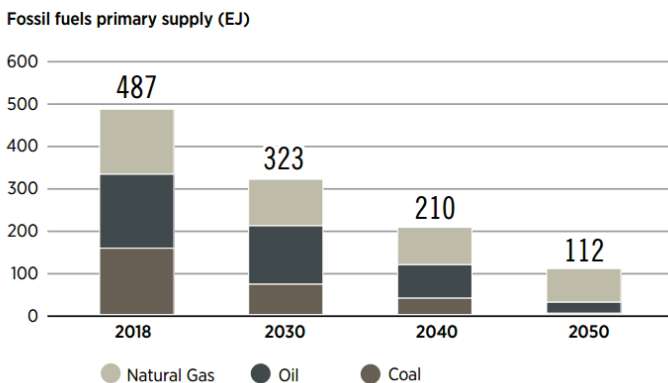


الکتريسيته به‌عنوان حامل اصلي انرژي در آينده سيستم‌هاي انرژي عمل خواهد کرد (منبع: IRENA)

داد، نويدبخش حرکت اميدوارانه جهان به‌سوي زميني پايدارتر و پاک‌تر خواهد بود. ♦♦

منابع:

- IRENA (2021), World Energy Transitions Outlook: 1.5°C Pathway, International Renewable Energy Agency, Abu Dhabi
- IRENA (2021), Renewable capacity statistics 2021 International Renewable Energy Agency (IRENA), Abu Dhabi
- IRENA (2020), Global Renewables Outlook: Energy transformation 2050 International Renewable Energy Agency (IRENA), Abu Dhabi
- IRENA (2020), Renewable Power Generation Costs in 2019, International Renewable Energy Agency, Abu Dhabi
- Renewables (2020), Analysis and forecast to 2025, International Energy Agency (IEA)



رند نزولي جاياگه سوخت‌هاي فسيلى در سبد انرژي جهان (منبع: IRENA)

زغال‌سنگ براي توليد برق نيز منسوخ خواهد شد و تنها در برخي صنايع به‌ويژه در صنعت فولاد همراه با فناوري‌هاي جذب و ذخيره‌سازي کربن به کار گرفته خواهد شد.

سرمایه‌گذاري‌هاي جديد در حوزه انرژي‌هاي تجديدپذير

به‌منظور کسب اطمینان از ايجاد آينده‌اي پايدار و با تاب‌آوري بيشتري، نياز به حرکت سرمايه‌گذاري‌هاي عظيم به سمت بخش انرژي با اولويت انرژي‌هاي تجديدپذير، الکتريکي کردن مصرف‌کننده‌هاي نهايي، بهره‌وري انرژي و توسعه زيرساخت‌هاي انرژي، امري حياتي است. در حال حاضر، برنامه دولت‌ها براي سرمايه‌گذاري در بخش انرژي در طی سه دهه آينده در حدود ۹۸ تریلیون دلار برآورد می‌شود. با اين حال، براي دستيابي به اهداف سناريوي ۱/۵ درجه سانتی‌گراد، بايد ۳۳ تریلیون دلار ديگر به اين ميزان سرمايه‌گذاري برنامه‌ريزي شده اضافه شود که به معنی سرمايه‌گذاري ۱۳۱ تریلیون دلاری در حوزه انرژي تا سال ۲۰۵۰ است. بر اساس گزارش آژانس بين‌المللي انرژي‌هاي تجديدپذير، بيش از ۸۰ درصد اين مبلغ بايد در فناوري‌هاي مرتبط با گذار انرژي (غير از سوخت‌هاي فسيلى و انرژي هسته‌اي) همچون انرژي‌هاي تجديدپذير، بهره‌وري انرژي، الکتريکي کردن مصرف‌کننده‌هاي نهايي، شبکه برق، نوآوری در زمينه ذخيره‌سازي انرژي (هيدروژن سبز) و راهکارهاي حذف کربن، سرمايه‌گذاري شود.

در کنار حجم بالاي سرمايه‌گذاري جهاني، بلوغ فناوري‌هاي استحصال انرژي از اين منابع پاک موجب ايجاد بازارهاي جديد شده است. اين امر نشان‌دهنده فرصتي بزرگ براي توسعه صنعت انرژي‌هاي تجديدپذير و ايجاد اشتغال پايدار براي کشورهاي جهان خواهد بود.

سناريوي محدود کردن افزايش دمای جهاني به ۱/۵ درجه سانتی‌گراد که از طرف آژانس بين‌المللي انرژي‌هاي تجديدپذير ارائه شده است در واقع یک سناريوي خوش‌بينانه در جهت مقابله با تغييرات اقليمي بوده که احتمال می‌رود تحت تأثير سياست‌هاي کشورهای دارای منابع غني سوخت‌هاي فسيلى (مانند کشورهای حوزه آمريکاي شمالي) قرار گيرد. با اين حال، اين سناريو می‌تواند مبنای برنامه‌ريزي براي تحقق تعهدات در پيمان‌هاي بين‌المللي در کشورهايي مانند جمهوری اسلامی ايران باشد. تغيير اقليم، بحراني جهاني است؛ از اين‌رو نيازمند برنامه‌ريزي و مشارکت در سطوح جهاني است. هرگز مزايای گذار انرژي و استفاده از انرژي‌هاي تجديدپذير به اين ميزان روشن نبوده است به‌طوري که سرمايه‌گذاري‌هاي کلان در حوزه انرژي از سمت منابع فسيلى به سمت تجديدپذيرها در حال تغيير جهت است. آنچه که در ميان چالش‌هاي ناشی از همه‌گيري ويروس کرونا در سال ۲۰۲۰ در حوزه انرژي‌هاي تجديدپذير رخ



گفت‌وگو با «حمیدرضا صالحی» رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران

توسعه تجدیدپذیرها و امنیت اقتصادی

متأسفانه ایران جزو ۱۰ کشور اول تولیدکننده کربن در دنیا می‌باشد و این در حالی است که تولید ناخالص داخلی آن در حد نیم تریلیون دلار (۵۰۰ میلیارد دلار) است که در مقایسه با کشورهای بزرگ تولیدکننده دارای GDP در حدود بیش از ۲۵ تریلیون دلار رقم اندکی است؛ یعنی که در پناه مصرف انرژی ارزان و در رده بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده کربن قرار گرفته است.

حمیدرضا صالحی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در ادامه گفت‌وگو می‌گوید، ایران یکی از کشورهای مستعد در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر از منابع خورشید، باد، زیست توده و غیره در ظرفیت حدود ۸۰ هزار مگاوات است. این ظرفیت می‌تواند یک اقتصاد ۸۰ تا ۹۰ میلیارد دلاری را در کشور پوشش دهد.

او یادآوری می‌کند که کشور ۸۰ میلیون نفری ما، ۸۶ میلیارد دلار یارانه انرژی می‌دهد که مقایسه آن با یارانه ۳۲ میلیارد دلاری کشور چین با یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر جمعیت، حاکی از هدر رفت منابع و لطمه به محیط زیست است.

وی می‌گوید در حال حاضر سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدید پذیر در کشور پایین است که بنا به ظرفیت‌های این بخش و با آهنگ حرکت فعلی کشور سالیانه دو هزار میلیارد تومان از درآمدهای برق برای سرمایه‌گذاری کفایت می‌کند، اما برای گام‌های بزرگ‌تر در آینده این رقم کافی نیست که البته راهکارهایی برای تأمین سرمایه لازم وجود دارد.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران بر این باور است که ایجاد تشکلهای انرژی‌های تجدید پذیر در کشور یک راهکار هوشمند در استفاده مناسب از ظرفیت‌ها و منابع این بخش در بستری یک رگولاتوری تعیین کننده است.

او معتقد است استان کرمان از جمله استان‌های به شدت نمایان و متمایز در اطلس تجدیدپذیرها است، کرمان دارای ویژگی‌های خاصی برای تولید انرژی‌های تجدید پذیر است؛ شاخص‌هایی که موجب شده این استان بیشترین راندمان تولید انرژی را در جذب تشعشع خورشیدی را دارا باشد و برخوردار از افق بسیار خوبی به‌عنوان یک مرجع داخلی و بین‌المللی در این بخش است.

نسخه کامل این گفت‌وگو را در زیر مطالعه نمایید.



◆ نظر شما در مورد تولید و مصرف انرژی در چارچوب صرفه‌جویی در محیط‌زیست چیست؟

مسئله محیط‌زیست یکی از مهمات زندگی بشر در آینده است و بی‌توجهی به آن موجب می‌شود که مشکلاتی برای نسل حال و آینده ایجاد شود؛ لذا توجه به شاخص‌های مهم در حفظ و صیانت محیط‌زیست بسیار اهمیت دارد. در حال حاضر در حوزه انرژی، موضوع ایجاد و آلودگی‌های گازهای گلخانه‌ای و کربن دی‌اکسید با مسئله حفظ محیط‌زیست عجین شده است. در دنیا یک جریان همگانی تحت عنوان «صیانت از اقلیم» به وجود آمده که در قالب کنوانسیون‌هایی با حضور بیش از ۱۸۰ کشور، تصمیمات مهم در مورد آینده زمین گرفته می‌شود که آخرین گردهمایی آن در پاریس برگزار شد. بر اساس این توافق‌نامه حتی برای کشورهایی مانند کشور ایران که درگیر تحریم هستند، وظایف و نقش‌هایی تعریف شده است تا با استفاده از ظرفیت‌های موجود در حوزه تولید و مصرف انرژی به حفظ محیط‌زیست بپردازند.

در مجموع در کشور ما، بخش خصوصی در کنار حاکمیت که کار سیاست‌گذاری را انجام می‌دهد، باید به دنبال راه‌حلی باشد که هر روز نسبت به قبل به کاهش تولید کربن کمک نموده و در آینده نیز هوای پاک برای مردمان کشور خود فراهم کرده و سهم خود را در دنیا نیز به عنوان یک حرکت همگانی انجام دهند.

◆ ایران در مصرف انرژی و سرانه تولید دی‌اکسید کربن از جمله بالاترین‌ها در جهان است، برای کربن‌زدایی از اقتصاد کشور چه باید کرد؟

متأسفانه باید گفت که کشور ما جزو ۱۰ کشور اول تولیدکننده کربن در دنیا می‌باشد. از طرف دیگر کشور ما از لحاظ تولید ناخالص داخلی جزو کشورهای بزرگ که دارای GDP های بالای بیست تریلیون دلار دارند، نمی‌باشد. میزان تولید ناخالص داخلی در کشور در حد نیم تریلیون دلار یا ۵۰۰ میلیارد دلار است که در مقایسه با کشورهای با تولید ناخالصی داخلی بالا، عدد بسیار پایینی است و این نشان می‌دهد که مصرف زیاد انرژی ارزان در کشور، منجر به یک ضایعه بزرگ زیست‌محیطی شده و باعث شده است که در مقیاس جهانی، ما در رده کشورهای قرار بگیریم که بزرگ‌ترین انتشار دهنده کربن هستند؛ لذا باید در این زمینه عزمی جدی و همگانی در عرصه ملی و در حکمرانی کشورمان ایجاد شود و نهادهای مؤثر از جمله سه قوه (مقننه، مجریه و قضاییه) با پشتیبانی‌های لازم در این زمینه و با وضع قوانین و مقررات در کنار بخش خصوصی قرار گیرند. در موضوع کربن‌زدایی از

اقتصاد کشور باید گفت خوشبختانه حرکت‌هایی شروع شده است و ارتباط با نهادهای بین‌المللی در دنیا شکل گرفته است. در همین راستا کمیسیون انرژی اتاق ایران با تشکیل کارگروهی به نام کربن و تغییر اقلیم از طریق سازمان محیط‌زیست که بُعد مالی سازمان ملل را برعهده دارد، توانسته است با نهادهای مالی بین‌المللی در دنیا از جمله صندوق سبز اقلیم (GCF) در سازمان ملل ارتباط برقرار کند. از بُعد فنی نیز که زیرمجموعه معاونت علمی ریاست جمهوری است برای اخذ تکنولوژی‌های جدید جهت کاهش کربن و افزایش استفاده از انرژی‌های جدید و تجدید پذیر به توافقاتی رسیده است.

در رابطه با میزان تولید کربن در بخش‌های مختلف، باید پژوهش و بررسی‌هایی صورت گرفته و سنج‌های مناسبی را در کشور تعریف کرد؛ به عبارتی موضوع ردپای کربن (Carbon Footprint) را بر اساس قوانین و مقررات کشورمان به عنوان یک شاخص در دولت و اقتصاد انرژی تعریف نموده و به آن بها داد تا به این وسیله هر بنگاهی که نسبت به کاهش کربن اقداماتی انجام می‌دهد، گواهی کربن دریافت کرده و در معاملات و بورس انرژی به صورت بازاری ایجاد خواهد شد تا در قبال آن نقش فعالان حوزه بخش خصوصی بیشتر شود، چرا که این موضوع به شکلی نیست که دولت به تنهایی از عهده آن برآید و قطعاً مردم و بخش خصوصی و تمام بنگاه‌هایی که در حوزه انرژی فعالیت دارند، می‌توانند در این زمینه ورود نمایند.

در مجموع تنها راهکار، ارزش گذاشتن به میزان کاهش کربن و به رسمیت گذاشتن بازار کربن است، امری که می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش انتشار کربن در کشور داشته و در کنار

باید موضوع ردپای

کربن (Carbon)

را (Footprint)

بر اساس قوانین و

مقررات کشورمان

به عنوان یک

شاخص در دولت

و اقتصاد انرژی

تعریف نموده و

به آن بها داد تا

به این وسیله هر

بنگاهی که نسبت

به کاهش کربن

اقداماتی انجام

می‌دهد، گواهی

کربن دریافت کرده

و در معاملات و

بورس انرژی به

رسمیت شناخته

شود؛ در این

صورت بازاری

ایجاد خواهد

شد تا در قبال آن

نقش فعالان حوزه

بخش خصوصی

بیشتر شود،

آن به عنوان یک حرکت جهانی نیز موفق به کاهش کربن در دنیا نسبت به گذشته خواهیم شد.

◆ در مورد شیوه مدیریت منابع تجدیدپذیر انرژی کشور در جهت تولید و مصرف بهینه، چه اولویت‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

در کشور ایران در حدود ۸۰ هزار مگاوات پتانسیل تولید انرژی از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر وجود دارد و کشور ما یکی از کشورهای مستعد در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر از طریق خورشید، باد، زیست توده و غیره است، ولی وجود سیاست‌های نادرستی که منبعت از دارا بودن انرژی‌های فسیلی ارزان است، امروزه ما را به جایی رسانده که توجه کمتری به انرژی‌های تجدیدپذیر داریم و سهم انرژی تجدیدپذیر در بخش انرژی کشور حدود یک درصد است؛ در واقع از ۸۵ هزار مگاوات ظرفیت تولید انرژی تجدیدپذیر در کشور تنها حدود ۹۰۰ مگاوات ظرفیت نصب شده و انرژی تولید می‌شود که عدد بسیار پایینی است، علی‌رغم این‌که کشور ما در کنار دریای خزر از لحاظ تشعشع خورشید از اروپا نیز وضعیت بهتری دارد.

در مورد تولید انرژی باد به توجه به تکنولوژی‌های روز دنیا که امکان تولید انرژی حتی در ظرفیت‌های تونل‌های بادی ضعیف در حد سه متر بر ثانیه، نیروگاه‌هایی نصب می‌شود، در کشور ما مناطقی وجود دارد که در حدود ۱۰ متر بر ثانیه ظرفیت تولید باد فراهم است. بنابراین در شرایطی که در دنیا حدود ۲۰ درصد تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر می‌باشد، توجه به این ظرفیت‌های بالقوه در کشور می‌تواند اقتصاد ۸۰-۹۰ میلیارد دلاری فراهم نماید و موفقیت‌های قابل‌توجهی را در زمینه رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال ملی برای جوانان و قرارگیری در اندازه‌های جهانی به ایجاد نماید، در حالی که می‌توان شاهد وجود یک برق پاک، ایمن و مطمئن از این طریق برای مردمان کشورمان باشیم. با وجود ظرفیت‌های ذکر شده، اولویت‌هایی برای تحقق آن می‌توان پیشنهاد داد اول این‌که ارزش‌گذاری به تولید برق تجدیدپذیر در کشور جدی شمرده شود، دوم این‌که ایجاد امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری صورت گیرد؛ به عبارتی باید شرایطی برای ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به داخل کشور فراهم شود. بعد از توافق برجام ما شاهد حضور بسیاری از شرکت‌ها جهت سرمایه‌گذاری در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی در کشور بویژه در استان کرمان در منطقه ماهان بودیم، اما در حال حاضر سرمایه‌گذاران به جایی رسیده‌اند که قصد دارند اینجا را رها کرده و فرار کنند.

◆ لطفاً در مورد مقایسه ایران و جهان در روند بهره‌وری منابع با نگاه به اقتصاد سبز صحبت کنید.

میزان استفاده از یارانه انرژی در کشور ما در حدود ۸۶ میلیارد دلار است؛ به عبارتی ما در دنیا جزو کشورهایی هستیم که بزرگ‌ترین سهم در استفاده از یارانه انرژی را دارند. اگر کشور ایران را با جمعیت ۸۰ میلیون نفری و با ۸۶ میلیارد دلار یارانه انرژی با کشور چین با جمعیت یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون و با ۳۲ میلیارد دلار یارانه انرژی (چین رتبه دوم را در رتکینگ IEA (آژانس بین‌المللی انرژی) دارد) مقایسه کنیم، در می‌یابیم که چقدر وضعیت نگران‌کننده است که ما در مقایسه با دنیا در استفاده از منابع خود به چه شکل عمل کرده‌ایم و به جای این‌که از این منابع به درستی بهره‌برداری و تبدیل به درآمد ملی کنیم، کاری کرده‌ایم که در واقع به هدر رفته و به اقتصاد سبز و محیط زیست نیز لطمه وارد شده است.

◆ نوآوری در بخش انرژی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید، اگر ممکن است در مورد جغرافیای پیشرفت فعالیت‌های نوآورانه در کشور به لحاظ مقایسه روند منطقه‌ای نیز توضیح دهید.

اصولاً نوآوری‌ها به پارادایم حاکم بر اقتصاد کشورها برمی‌گردد؛ به عبارتی در کشورهایی که نگاه آن‌ها مبتنی بر اقتصاد آزاد است و مردم در اقتصاد بیشتر نقش دارند، نوآوری بیشتر شکل گرفته است، ولی در کشورهایی که نگاه به اقتصاد مبتنی بر اقتصاد دولتی و تک‌محصولی است مثل نفت و دولت‌ها بیشتر سهم اقتصاد را دارا هستند، شکوفه زدن جوانه‌های نوآوری که بیشتر از سوی مردم و مشارکت آن‌ها صورت می‌گیرد، اتفاق نمی‌افتد. در کشور ما با وجود بیشتر از ۷۰ سال اقتصاد نفتی، اقتصاد از مردم فاصله گرفته است و در این سال‌ها رابطه مردم و بخش خصوصی با دولت صرفاً به صورت ارباب رعیتی بوده است، بنابراین نوآوری‌ها بسیار ضعیف بوده است. البته این‌ها به این معنی نیست که ما پتانسیل و ظرفیت ایجاد نوآوری را نداریم، بلکه وجود و استعداد جوان‌ها و دانشگاہیان ما زبازند همه جهانیان نیز می‌باشد، شاهدیم که جوانان کشور ما در خارج از کشور با فراهم بودن بستر لازم توسط دولت‌های دیگر، توانسته‌اند نوآوری‌های زیادی را ایجاد کنند، این موضوع نشان می‌دهد که ما در ذات مردم نوآوری داریم، اگر در زمینه جنگ‌های قدیم و سلاح‌های مورد استفاده در آن‌ها، در بحث نجوم و رصدهای مربوطه، مطالعه‌ای داشته باشیم، به این نتیجه می‌رسیم که چقدر ایرانیان ابتکار داشته‌اند. در حال حاضر نیز دانشمندان جوان ایرانی در خارج از کشور

در رابطه با
بهینه‌سازی
مصرف انرژی و
تلفات شبکه‌های
برق، پروژه‌های
مختلفی از جمله
شهر هوشمند
وبهینه‌سازی
شبکه‌های
توزیع نیرو توسط
دانشگاہیان
 مطرح شده است،
ولی به مشکلات
زیرساختی از جمله
فضای کسب و کار،
نبود ثبات و امنیت
اقتصادی، نظام
بانکی و مشکلات
دیگری که عمده
آن به دولت بزرگ و
دولت غیررگولاتور
که مداخله‌گر در
قیمت‌ها و ورقب
بخش خصوصی
است، برمی‌گردد،
بر خورد می‌کند
واژ مدار خارج
می‌شود. مادر
حال حاضر در
اوج خاموشی‌ها
هستیم، اگر همین
پروژه‌های که اشاره
شدمی توانست
اجرای شود هم
اکنون تا حدود
۲۰۰۰ مگاوات در
مصرف برق کشور
صرفه جویی
صورت می‌گرفت.

وزارت نیرو، از ۸۰ هزار مگاوات منبع تجدیدپذیر انرژی موجود در کشور بخش عمده آن، یعنی حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد انرژی خورشیدی و مابقی انرژی بادی است و این دو در جای جای کشور سهم مربوط به خود را دارند.

در مورد میزان سرمایه‌گذاری در تجدیدپذیرها به طور متوسط در هر ۱۰۰۰ مگاوات یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری پیش‌بینی می‌شود. لذا در مجموع عدد سرمایه‌گذاری در این بخش از انرژی در حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیارد دلار رقم خواهد خورد. سرمایه‌گذاری در این حوزه، همان‌طور که قبلاً گفته شد به شاخص‌هایی از جمله امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اقتصادی برمی‌گردد. با توجه به تبصره ۶ لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کشور در مورد عوارض مربوط به ماده ۵ قانون حمایت از صنعت برق کشور، مقرر شده است که سالانه ۱۰ درصد از میزان پرداخت قبوض برق توسط مردم به صندوقی جهت انرژی‌های تجدیدپذیر و مصرف برق روستایی کشور واریز شود؛ اگر سؤال به این شکل مطرح شود که آیا منابع درآمدی دولت کفاف سرمایه‌گذاری در تجدیدپذیرها را می‌دهد یا خیر؟ باید گفت که در حد مقیاسی که کشور در حال حاضر در حال حرکت است، سالی دو هزار میلیارد تومان از درآمدهای برق کفاف می‌دهد، منتهی نه برای گام‌های بزرگ‌تری که درصد بیشتری از تولید برق صرف سرمایه‌گذاری‌های تجدیدپذیر شود، البته انتظار هم نیست که همه بار را بودجه دولت برعهده بگیرد و راهکارهایی وجود دارد که این مسئله را حل می‌کند.

با توجه به این‌که ما در مصرف انرژی جزو کشورهای پرمصرف هستیم؛ برای مثال برای تولید هر بشکه نفت، پنج بشکه مصرف می‌شود. همچنین مصرف سرانه برق در کشور ما دو و نیم برابر مصرف سرانه در کل دنیا می‌باشد. برای اخذ بودجه بیش از دو هزار میلیارد تومان برای تجدیدپذیرها، می‌توان صندوقی برای درآمدهای ناشی از سوخت بیشتر و ایجاد کربن بیشتر تشکیل داد و درآمدهای این صندوق مستقیم صرف سرمایه‌گذاری در تجدیدپذیرها شود نه خرج کمبود کسری بودجه دولت؛ به این صورت که کارخانجات، صنایع و بنگاه‌های مختلف در کشور درصدی از میزان بشکه سوختی که روزانه مصرف می‌کنند (برابر با قیمت فوب خلیج فارس) را به عنوان عوارض به این صندوق واریز نمایند.

♦ در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در کشور و چالش‌های آن توضیح دهید. از فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌توان به نیروگاه‌های خورشیدی فتوولتائیک اشاره کرد که در جای جای کشور روی اطلس خورشیدی وجود دارند، از جمله مناطقی در کرمان که از

موفقیت‌های بزرگی به دست می‌آورند که نشان می‌دهد که در کشور زمینه و بستر مناسب فراهم نیست. یکی از مهم‌ترین دلایلی که نوآوری‌ها در کشور، صنعتی و تجاری نمی‌شوند به اقتصاد ما که رقابتی نیست برمی‌گردد، به طور مثال در چنین اقتصادی ممکن است یک ایده نوآورانه توسط یک استارت‌آپ شروع شده و به جلو حرکت کند، اما با غول بزرگی مثل دولت برخورد می‌کند. دولت که در وهله‌ی اول به دلیل نظام بوروکراتیک خاص، خودش مانع بخش خصوصی می‌شود و در گام بعد به رقابت با استارت‌آپ‌ها بلند می‌شود و از طرفی مداخله دولت در قیمت‌گذاری‌ها، مانع از پیشرفت استارت‌آپ‌های نوآورانه می‌شود؛ لذا اگر این مشکلات برطرف شود، می‌توان حجم و ظرفیت بزرگی که بالقوه و به ذات در ایرانیان وجود دارد بالفعل شود.

در رابطه با بهینه‌سازی مصرف انرژی و تلفات شبکه‌های برق، پروژه‌های مختلفی از جمله شهر هوشمند و بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع نیرو توسط دانشگاهیان مطرح شده است، ولی به مشکلات زیرساختی از جمله فضای کسبوکار، نبود ثبات و امنیت اقتصادی، نظام بانکی و مشکلات دیگری که عمده آن به دولت بزرگ و دولت غیر رگولاتور که مداخله‌گر در قیمت‌ها و رقیب بخش خصوصی است، برمی‌گردد، برخورد می‌کند و از مدار خارج می‌شود. ما در حال حاضر در اوج خاموشی‌ها هستیم، اگر همین پروژه‌های که اشاره شد می‌توانست اجرایی شود هم اکنون تا حدود ۲۰۰۰ مگاوات در مصرف برق کشور صرفه‌جویی صورت می‌گرفت.

♦ مدیریت دانش در بخش انرژی ایران را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

به اعتقاد بنده تا گرفتن قله‌های این حوزه راه زیادی مانده است. در این زمینه در کشور دانشکده‌های اقتصاد انرژی راه‌اندازی شده است، اما باید ابتدا چارچوب مقوله انرژی در حکمرانی و سیاست‌گذاری ما مشخص شود که به تبع آن مدیریت دانش نیز در جای خود قرار خواهد گرفت. همچنین باید وزارتخانه‌های نفت و نیرو ادغام شده و وزارت انرژی شکل بگیرد. اینک باید مدیریت دانش در حوزه انرژی به فعلیت برسد، با این پیش‌فرض که ظرفیت و توان آن در کشور وجود دارد.

♦ مهم‌ترین منابع تجدیدپذیر انرژی در ایران کدامند؟ کشور برای منابع تجدیدپذیر انرژی خود چه میزان سرمایه‌گذاری کرده است؟ واقعاً کفایت سرمایه‌گذاری در این منابع با توجه به ظرفیت‌ها چه میزان است؟
با توجه به آمار منتشر شده توسط اطلس بادی و خورشیدی

برای اخذ

بودجه بیش از

دو هزار میلیارد

تومان برای

تجدیدپذیرها،

می‌توان صندوقی

برای درآمدهای

ناشی از سوخت

بیشتر و ایجاد

کربن بیشتر

تشکیل داد

و درآمدهای

این صندوق

مستقیم صرف

سرمایه‌گذاری در

تجدیدپذیرها

شود نه خرج

کمبود کسری

بودجه دولت؛

به این صورت

که کارخانجات،

صنایع و

بنگاه‌های مختلف

در کشور درصدی

از میزان بشکه

سوختی که روزانه

مصرف می‌کنند

(برابر با قیمت

فوب خلیج

فارس) را به

عنوان عوارض به

این صندوق واریز

نمایند.

باز تعریف کنند و دولت را به سمت رگولاتوری، بسترسازی و تنظیم مقررات سوق داده و خود بازیگر اصلی تجدیدپذیرها در کشور باشند.

◆ استان کرمان وسیع‌ترین عرصه استانی در جغرافیای کشور است، در مورد جایگاه بایسته آن در صنعت و اقتصاد انرژی تجدیدپذیر کشور چه تحلیلی ارائه می‌نمایید؟

در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور چندین استان وجود دارد که در اطلس تجدیدپذیرها به شدت نمایان و متمایز شده‌اند؛ از جمله استان کرمان که دارای ویژگی‌های خاصی برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله ارتفاع و حرارت است که این شاخص‌ها موجب شده‌اند که بیشترین راندمان تولید انرژی در جذب از پنل‌های خورشیدی را دارا باشد. لذا با توجه به موقعیت جغرافیایی و پتانسیل دانشگاهی استان کرمان، بنگاه‌های بخش خصوصی و جوانان علاقمندی که در این استان وجود دارد و در کنار آن حرکت اتاق بازرگانی با راه‌اندازی اندیشکده انرژی، استان کرمان در حوزه انرژی افق بسیار خوبی به عنوان یک مرجع داخلی و بین‌المللی خواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود که در آینده، استان کرمان جایگاه خوبی را در حوزه تجدیدپذیرها تجربه خواهد کرد. ◆◆

لحاظ تشعشع، ارتفاع و برودت هوا وضعیت خوبی دارند. در مناطق شرق کشور نیز توفل‌های بادی بسیار خوبی وجود دارد و ایجاد نیروگاه‌های بادی در این مناطق فرصت مناسبی است. چالش‌های انرژی‌های تجدیدپذیر به اقتصاد انرژی و تکنولوژی برمی‌گردد؛ در واقع کشور ما با چنین پتانسیل انرژی پاک، نباید واردکننده پنل باشد، اگر بخواهیم سالی دو تا سه هزار مگاوات انرژی خورشیدی وارد مدار نماییم باید در کشور زیرساخت‌های لازم جهت ساخت پنل و از آن مهم‌تر سلول و ویفر وجود داشته باشد تا از واردات این کالاها در درازمدت بی‌نیاز باشیم.

◆ چه ساختار و الگوی برای حمایت هوشمند از بخش انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور پیشنهاد می‌کنید؟

شبکه‌سازی یکی از راهکارهاست. با توجه به شناختی که از وضعیت و مقیاس انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور وجود دارد، ایجاد فدراسیون تجدیدپذیر در کشور (برای اولین بار) متشکل از بازیگران مختلف از جمله سازندگان، پیمانکاران، مهندسين و مشاوران در قالب تقویت NGOها و تشکل‌های مربوطه که اخیراً در اتاق بازرگانی شکل گرفته‌اند، می‌تواند یک راهکار هوشمند جهت استفاده از این ظرفیت و پتانسیل باشد. تا از این طریق آن‌ها مناسبات خود را در آینده با دولت





گفت‌وگو با «علی عباسلو»؛ نایب‌رئیس اول اتاق کرمان و مدیرعامل شرکت جهان فولاد سیرجان

کسب بازار جهانی؛ راه‌کار خروج از رکود اقتصادی

نبود قوانین و مقررات خاص و متناسب با تحریم‌های خارجی در جهت حمایت از بنگاه‌های اقتصادی به‌عنوان یک مشکل اساسی اثرات منفی بر صنعت می‌گذارد. خود تحریمی‌ها ناشی از چگونگی عملکرد سیستم‌های حکومتی از قبیل گمرک، بانک مرکزی و ادارات مرتبط از چالش‌های مهم بخش صنعت است.

اولین چالشی که موجب عدم شکل‌گیری تولید پایدار در کشور می‌گردد، نبود یک استراتژی صنعتی در کشور است. انتظار فعالان اقتصادی عرصه تولید به‌عنوان نمونه؛ انتظار همکاری در آماده‌سازی زیرساخت‌های تأمین نیازهای اولیه وارداتی و اعمال تفاوت بهره تسهیلات برای تولید و دلالی است. در سازوکارهای حمایت از تولید باید به اصلاح قوانین مربوط به کار، مالیات، تأمین اجتماعی، گمرک، صادرات و واردات پرداخت. متأسفانه در کشور انگیزه حرکت در مسیر دلالی و واسطه‌گری ایجاد شده است تا تولید. البته حمایت از صنایع ناکارآمد فاقد جنبه مسئولیت اجتماعی بی‌معنی است. مهم‌ترین گام برای خروج تولید کشور از رکود، اصلاح مقررات صادرات و تسهیل آن است. در واقع ایجاد مکانیزم‌هایی برای ایجاد زمینه رقابت تولیدات کشور در بازارهای جهانی است که باعث رونق تولید می‌شود، اما در کشور ما از دست دادن یک بازار صادراتی با توجه به تغییرات هر روزه قوانین و مقررات بسیار آسان است! این‌ها نکاتی است که علی عباسلو نایب‌رئیس اول اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و مدیرعامل شرکت جهان فولاد سیرجان در گفت‌وگو با ما یادآوری می‌کند.

او همچنین مواردی از ریشه‌های ناکارآمدی در صنعت کشور را توضیح داده و در پایان به بیان موفقیت‌های قابل‌توجه شرکت جهان فولاد سیرجان و عملکرد مسئولیت اجتماعی آن می‌پردازد. شرح کامل این گفت‌وگو در زیر برای خواندن آماده است.

حذف قوانین و مقررات غیرضروری و با در اختیار داشتن قوانین برخوردار از ثبات لازم در محیط بهینه‌ای از کسب‌وکار با تنظیم منابع و مصارف به تولید بپردازیم.

♦♦ خود تحریمی‌های داخلی با تحریم‌های خارجی در ضربه زدن به صنعت را چگونه مقایسه می‌نمایید؟

در این دو مورد ایراد اساسی وجود دارد و قابل مقایسه هم هست. در مورد تحریم‌های خارجی این سؤال از کسانی که متولی وضع قوانین و مقررات در کشور هستند، مطرح است که آیا در کشور ما در زمان تحریم، قوانین و مقررات متناسب با تحمیل تحریم‌های خارجی در جهت حمایت از بنگاه‌های اقتصادی تغییر کرده است؟ به عبارتی آیا قوانین به‌گونه‌ای تسهیل شده‌اند که اثر تحریم‌ها را از بین برده یا کاهش دهند؟! واقعیتی که در حال حاضر در کشور ما وجود دارد این است که به این مسئله توجه لازم نشده است؛ بنابراین نبود قوانین و مقررات خاص زمان تحریم به‌عنوان یک مشکل اساسی، اثرات منفی

♦♦ مهم‌ترین مشکل صنعت از دیدگاه یک مدیر با سابقه صنعتی چیست؟

عدم وجود یک استراتژی و برنامه‌ریزی ثابت صنعتی در کشور، اولین اشکالی است که وجود دارد. در واقع قوانین، برنامه‌ریزی‌ها و استراتژی‌ها در کشور مرتب تغییر می‌کنند؛ برای مثال در صنعت فولاد برنامه صادراتی مدون و مشخصی وجود ندارد و هر روز قوانین مربوط به آن تغییر می‌کند. به همین ترتیب در موضوع ارزش نیز سیاست‌های ارزی مرتب تغییر کرده که این تغییرات پی‌درپی و نبود برنامه‌ریزی مناسب موجب می‌شود که تولید با نوساناتی روبرو شده که نتیجه آن عدم شکل‌گیری تولید پایدار خواهد بود. بهترین راهکار، داشتن برنامه‌ریزی به‌صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است، به‌گونه‌ای که با

بر صنعت می‌گذارد.

خود تحریمی‌ها نیز به عملکرد سیستم‌های حاکمیتی از قبیل گمرک، بانک مرکزی و ادارات مرتبط با هر فعالیت برمی‌گردد. در واقع این سیستم‌ها هستند که قوانین و مقررات را در اجرا سخت‌تر می‌کنند؛ برای مثال صنعت فولاد در همین شرایط تحریم، قطعات و مواد را از اقصی نقاط دنیا در مدت زمان حداکثر یک ماه تهیه می‌کند، ولی این قطعات و مواد در گمرک کشورمان حداکثر شش ماه معطل می‌ماند، به عبارتی پیچ‌وخم‌های این مقررات در خیلی از اوقات باعث متروکه شدن اجناس و مواد می‌شود. خودتحریمی یعنی این که به جای تسهیل قوانین و مقررات در زمان تحریم، قوانین و مقررات را سخت‌تر و پیچیده‌تر نماییم. در حال حاضر کشور نیاز به صادرات و ارز دارد. در کشور، فولاد مازاد وجود دارد که باید صادر شود، اما با وجود قوانین مشکل‌ساز، صادرکننده نمی‌تواند برنامه‌ریزی درازمدتی برای بستن قرارداد جهت صادرات محصول خود داشته باشد.

◆ بسیاری از صاحب‌نظران حمایت از صنایع ناکارآمد را نادرست می‌دانند. به نظر شما اثرات اقتصادی اجتماعی حمایت از تولید چه اشکالاتی دارد و چگونه می‌تواند بهینه شود؟

در مورد حمایت از صنایع ناکارآمد، توجه به این نکته ضروری است که آیا صنعت موردنظر در حوزه مسئولیت اجتماعی جایگاهی دارد یا خیر؟ اگر صنعتی چنین جایگاهی داشته باشد، قاعدتاً باید برای آن هزینه اجتماعی پرداخت کرد، بنابراین از باب این مسئولیت، باید تولید داشته و به تبع آن نیاز به پشتیبانی دارد و باید مورد حمایت قرار گیرد. از طرفی دیگر اگر صنعتی جنبه اجتماعی نداشته و صرفاً جنبه اقتصادی داشته باشد و از لحاظ اقتصادی کارایی نداشته باشد، نباید از آن حمایت کرد، در این حالت حمایت معنی ندارد. باید این صنعت خود را به سمتی برود که بهینه شود، به سمتی که بتواند کارایی داشته و حداقل نیازها و هزینه‌های خود را برآورده نماید.

◆ سازوکار حمایت از تولید چه اشکالاتی دارد و چگونه می‌تواند بهینه شود؟

مهم‌ترین مشکل سازوکارهای حمایت از تولید، به قوانین مربوط به کار، مالیات، تأمین اجتماعی، گمرک، صادرات و واردات برمی‌گردد که این قوانین باید اصلاح شوند، در عین این که در طول زمان بدون تغییر و ثابت باقی بمانند؛ در این صورت موانع از سر راه تولید برداشته و انگیزه لازم برای

تولید ایجاد می‌شود. متأسفانه در حال حاضر در کشور انگیزه برای حرکت به سمت دلالتی و واسطه‌گری ایجاد شده است تا برای کار تولیدی.

◆ در مورد پشتیبانی‌های حقیقی و مؤثر از تولید چه مورد انتظار فعالان اقتصادی بخش تولید است، توضیح دهید.

سرمایه‌گذاری در بخش تولید به‌گونه‌ای است که فعالان اقتصادی به‌راحتی نمی‌توانند سرمایه خود را جمع کنند و به عبارتی سرمایه‌گرفتار می‌شود و مانند سرمایه‌گذاری به روش واسطه‌گری نیست که سرمایه به‌راحتی قابل جابجایی باشد. طبیعی است که فعال اقتصادی در چنین شرایطی انتظار حمایت‌های بیشتری دارد. منظور از انتظارات فعالان اقتصادی عرصه تولید به‌طور مثال، انتظار همکاری در آماده‌سازی زیرساخت‌ها، تأمین نیازهای اولیه وارداتی و اعمال تفاوت بهره تسهیلات برای تولید و دلالتی است (در حال حاضر پرداخت وام به هر سرمایه‌گذاری برای شروع سرمایه‌گذاری با یک بهره مشخص است؛ به عبارتی بانک به اینکه درخواست وام برای یک واحد تولیدی است یا واسطه‌گری، توجه نمی‌کند).

◆ به نظر شما اعمال چه اصلاحاتی در شرایط فعلی برای خروج تولید کشور از رکود فوریت دارد؟

مهم‌ترین گام، اصلاح و تسهیل مقررات صادرات است. در گام بعد باید بین تعرفه فروش یک محصول در داخل کشور و صادرات آن تفاوت وجود داشته باشد؛ برای مثال در کشور ژاپن اگر یک تلویزیون در داخل این کشور یک قیمت مشخصی داشته باشد، همان محصول در زمان صادرات دارای قیمت پایین‌تری خواهد بود؛ در واقع این کشور با کاهش عوارض مربوط به صادرات این محصول، زمینه‌ای را برای رقابت آن با رقبای خارجی ایجاد می‌کند و به این وسیله با توسعه و حمایت از تولید داخلی، بازار خود را گسترش داده و از تولید خود حمایت می‌کند. در نتیجه به‌جای این که بازار آن کشور یک بازار محدود داخلی باشد یک بازار جهانی خواهد بود.

بازار صادراتی بازاری نیست که به‌راحتی به دست آید؛ باید سال‌ها تلاش کرد که بازار صادراتی را به دست آورد و مهم‌تر از آن حفظ کردن آن سخت است. باید گفت از دست دادن یک بازار صادراتی با توجه به قوانین و مقرراتی که در کشور ما هر روز تغییر می‌کند، بسیار سهل و آسان است!

◆ آمار حاکی از تملیک در حدود ۸۵ درصد پنگاه‌های تولیدی کشور توسط ۱۰ بانک بزرگ است. به نظر شما چرا

خودتحریمی

یعنی این که

به جای تسهیل

قوانین و مقررات

در زمان تحریم،

قوانین و مقررات

را سخت‌تر و

پیچیده‌تر نماییم.

در حال حاضر

کشور نیاز به

صادرات و ارز

دارد. در کشور،

فولاد مازاد وجود

دارد که باید

صادر شود، اما

با وجود قوانین

مشکل‌ساز،

صادرکننده

نمی‌تواند

برنامه‌ریزی

درازمدتی برای

بستن قرارداد

جهت صادرات

محصول خود

داشته باشد.



باید بررسی کرد که ریشه‌های ناکارآمدی چه چیزهایی هستند. از ریشه‌های ناکارآمدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وام‌های با بهره‌های بالا. اگر بهره سالانه یک وام را بر عدد ۳۶۵ روز سال تقسیم کنیم، در عمل یک وام ۲۰ درصدی، بهره واقعی حدود ۳۰ درصد دارد.
- تعداد نیروی انسانی در بسیاری از واحدها بیشتر از میزان واقعی نیروی کار مورد نیاز است و دلیل آن نیز شرایط کشور است که برای جلوگیری از بیکاری، کلیه سازمان‌های متولی بدون توجه به نیاز واحد تولیدی مرتب به آن بنگاه، نیرو تزریق می‌کنند.
- عدم مکان‌یابی صحیح بسیاری از صنایع به لحاظ جغرافیای محلی. بسیاری از صنایع از لحاظ جغرافیایی توجیه اقتصادی قابل‌قبولی ندارند و به عبارتی به منابع اولیه، منابع انرژی و نیروی انسانی متخصص دسترسی ندارند و بدون توجه به هیچ یک از پارامترهای اصلی، اقدام به احداث کارخانه یا واحد تولیدی در یک محل کرده و طبیعی است که هزینه‌های تولید بالا رفته و ناکارآمد خواهند بود.

چین است و این وضعیت چه تبعاتی برای حوزه تولید و در کل اقتصاد کشور رقم زده است؟

با توجه به اطلاعاتی که از صنعت دارم، از جمله صنعت مس، فولاد و آلومینیوم، این موضوع که ۸۵ درصد بنگاه‌های تولیدی کشور در تملیک ۱۰ بانک بزرگ است، صحت ندارد؛ اما در صورت درست بودن آمار فوق در سایر حوزه‌ها؛ باید گفت در چین شرایطی رقابت بخش خصوصی کوچک و متوسط با بخش خصوصی بزرگی که چین موضوعی در مورد آن مطرح است، مقداری مشکل‌ساز خواهد شد. بخش خصوصی بزرگ با سرمایه عظیمی که دارد و با پشتوانه مادی، قطعاً می‌تواند قدرت مانور بیشتری داشته و فعالیت بخش خصوصی کوچک و متوسط را محدود خواهد کرد و اجازه نمی‌دهد که آن بخش خصوصی به معنای واقعی کلمه «خصوصی» رشد کند. البته شخصاً روی اعداد و آمار ذکر شده در سؤال مطمئن نیستم.

◆ ناکارآمدی مسئله مهم ما است؛ مسئله‌ای که غالباً فعالان اقتصادی، اساتید و کارشناسان از آن یاد می‌کنند، راه‌حل چیست؟

امیدواریم این طرح‌ها در سال‌های آینده به بهره‌برداری برسند.

از لحاظ ساختار مالی، شرکت جهان فولاد از ساختار خوبی برخوردار است؛ به گونه‌ای که سرمایه شرکت به صورت چشمگیری افزایش یافته و در حال حاضر سرمایه ثبتی شرکت به عدد چهار هزار میلیارد تومان رسیده است. شرکت در بازار بورس پذیرفته شده و به زودی سهام خود را عرضه خواهد کرد. در بورس کالا نیز محصولات شرکت قدرت رقابتی خوبی داشته و همواره متقاضیان زیادی داشته‌اند. نکته مهم این است که سرمایه اصلی شرکت جهان فولاد نیروی انسانی آن است، شرکت جهان فولاد سیرجان توانسته نیروی انسانی فنی و فولادی با کیفیت در سطح استان کرمان پرورش دهد. در حال حاضر مدیران کارخانه‌هایی که راه‌اندازی می‌شوند از تجربه استخدام‌ها و کارمندان مهندسی دوره‌های قبلی این شرکت هستند. بالاترین سرمایه شرکت جهان فولاد، سرمایه انسانی آن است و هر آنچه که تاکنون شرکت جهان فولاد به دست آورده در مرحله اول لطف و توکل به خداوند بوده و در مرحله دوم تلاش و همکاری همه نیروی انسانی شرکت در کلیه بخش‌های تولید، پشتیبانی، پیمانکاری و ... بوده است و خوشبختانه همه دست‌به‌دست هم داده‌اند و موفقیت‌های خوبی را نصیب شرکت کرده‌اند.

در سال‌های اخیر در شرکت جهان فولاد سیرجان در حوزه‌های مسئولیت اجتماعی فعالیت‌های خوبی انجام شده است. در شرایط بحران بیماری کرونا شرکت با راه‌اندازی کارخانه اکسیژن توانسته نیاز به اکسیژن بیمارستان‌های منطقه را به صورت رایگان تأمین کند و قسمتی از دغدغه کادر درمان را کاهش داده و به تبع آن تا حدی از تلفات انسانی ناشی از این بیماری جلوگیری نماید. در گامی دیگر شرکت در حمایت از بنگاه‌های آسیب‌دیده از کرونا به مدد بخش درمان شتافته و بنگاه‌های اشتغال خرد در منطقه محروم «بلورد» ایجاد کرده به گونه‌ای که بخشدار بلورد در مصاحبه‌ای اعلام کرده است: «شهر بلورد جزو شهرهای فاقد بیکار است.» در زمینه گسترش آموزش نیز شرکت فعالیت‌های خوبی را انجام داده از جمله با به سرپرستی گرفتن بچه‌های بد سرپرست و یتیم با کمیته امداد امام خمینی (ره) همکاری کرده است. از خدمات دیگر شرکت در این بخش، آموزش قالی‌بافی به ۲۰ نفر «فرد نابینا» است که در نوع خود بی‌نظیر و قابل تقدیر و ستایش است، در واقع این حرکت در راستای اشاعه این فرهنگ که «هیچ معلولیتی موجب عدم اشتغال نمی‌تواند باشد» صورت گرفته است. ♦♦

• مدیریت کم‌تجربه و بدون دانش مرتبط در زمینه فعالیت یک بنگاه، قطعاً تبعات سنگینی برای آن واحد تولیدی خواهد داشت. اگر شخصی صنعت را نشناسد چگونه می‌تواند آن را به خوبی مدیریت کند و تولید بهینه داشته باشد. در خیلی از موارد متأسفانه این مورد که مدیران غیرتخصصی را در واحدهای تخصصی حاکم می‌کنند، مسبب ناکارآمدی آن مجموعه‌ها شده است.

• موارد دیگری از جمله قوانین و مقررات مربوط به کار، مالیات و تأمین اجتماعی که در سؤالات قبلی به آن اشاره شد.

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان نمایید.

در پایان تأکید می‌کنم که تمامی موفقیت‌هایی که شرکت جهان فولاد سیرجان در دهه اول عمر خود به دست آورده و ان‌شاءالله در آینده نیز کسب خواهد نمود، حاصل تلاش خالصانه کلیه پرسنل خود بوده است که توانسته‌اند ثابت کنند که تحریم‌ها و محدودیت‌های ناشی از بحران بیماری کرونا روی تصمیم فولادی آن‌ها تأثیرگذار نیست. تمامی موفقیت‌های شرکت جهان فولاد سیرجان برآیند زحمات و تلاش این عزیزان در کنار مدیریت بوده و همیشه سعی کرده‌ام در کنار سایر همکاران با انجام تکالیف خود بخشی از کار را به انجام رسانم که خلاصه‌ای از دستاوردهای همکارانم در ادامه خواهد آمد:

شرکت جهان فولاد سیرجان به‌عنوان یک شرکت نوپا که دهه اول عمر خود را سپری کرده است، تاکنون توانسته شش کارخانه عظیم را راه‌اندازی کند. خوشبختانه تولید این کارخانه‌ها در سال ۹۹ علیرغم این که کشور در تحریم بوده است، نسبت به سال‌های قبل افزایش چشمگیری داشته، به گونه‌ای که شرکت، تولید را در شرایط خوبی حفظ کرده است.

تولید محصولاتمانند آهن اسفنجی، شمش و میلگرد نسبت به سال ۹۸ به ترتیب ۱۶ و ۱۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. محصولات تولیدی شرکت جهان فولاد از کیفیت بسیار خوبی برخوردار است و این شرکت جایگاه بسیار خوبی در بازارهای داخلی و خارجی دارد و خوشبختانه صادرات محصولات شرکت نسبت به سال ۹۸ رشد چشمگیری داشته و در سال ۱۴۰۰ نیز تاکنون روند صادرات به خوبی پیش رفته که امیدواریم ادامه داشته باشد. با توجه به این که شرکت وارد دهه دوم عمر خود شده است، طرح‌های فاز دوم در این دهه شروع شده‌اند، حدود شش طرح در بردسیر و سیرجان تعریف شده و این طرح‌ها در مراحل مختلف اجرایی، طراحی و مهندسی هستند،

سرمایه شرکت
جهان فولاد
به صورت
چشمگیری افزایش
یافته و در حال
حاضر سرمایه ثبتی
شرکت به عدد
چهار هزار میلیارد
تومان رسیده
است. شرکت در
بازار بورس پذیرفته
شده و به زودی
سهام خود را
عرضه خواهد کرد.
در بورس کالا نیز
محصولات شرکت
قدرت رقابتی
خوبی داشته و
همواره متقاضیان
زیادی داشته‌اند.
نکته مهم این
است که سرمایه
اصلی شرکت
جهان فولاد نیروی
انسانی آن است،
شرکت جهان فولاد
سیرجان توانسته
نیروی انسانی فنی و
فولادی با کیفیت در
سطح استان کرمان
پرورش دهد. در
حال حاضر مدیران
کارخانه‌هایی
که راه‌اندازی
می‌شوند از تجربه
استخدام‌ها و
کارمندان مهندسی
دوره‌های قبلی این
شرکت هستند.

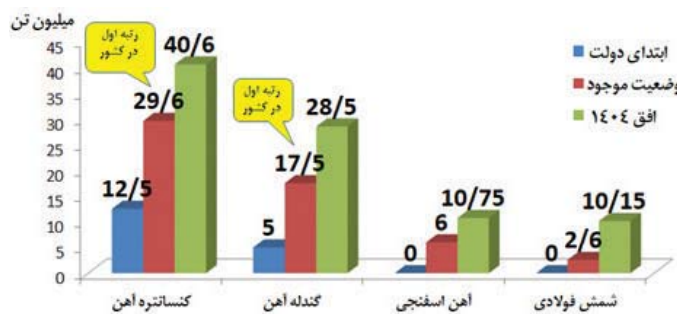


گفت‌وگو با «مهدی حسینی نژاد» رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان

پیوند واحدهای کوچک و بنگاه‌های بزرگ

تکمیل زنجیره ارزش مواد معدنی مانند آهن، مس و زغال‌سنگ انتخاب اول استان کرمان در مجموعه فعالیت‌های تکمیل زنجیره ارزش محصولات معدنی است. طرح‌های توسعه ذوب مس خاتون‌آباد، تولید اسیدسولفوریک، گندله‌سازی گهر زمین و همچنین طرح‌های زنجیره فولاد از جمله طرح‌های پیشران صنعت مورد توجه در عملکرد سال ۹۹ بوده است. ایجاد هماهنگی و ارتباط بنگاه‌های بزرگ صنعتی و معدنی استان با واحدهای تولیدی کوچک و استفاده از مواد و کالاهای ساخته شده آن‌ها موجب ۲۰۲ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی در سال ۹۹ شده است. در ادامه مشروح گفت‌وگو با سید مهدی حسینی نژاد رئیس سازمان صمت استان کرمان را می‌خوانید.

۶۰۰ هزار تن اسیدسولفوریک، تولید ۵ میلیون تن گندله گهر زمین. همچنین عملکرد راه‌اندازی طرح‌های زنجیره فولاد طی ۷ سال گذشته به شرح نمودار ذیل می‌باشد:



♦ آیا حوزه صنعت استان در سال ۹۹ در طرح یا طرح‌های ملی وارد بوده است، در مورد دست‌یافت‌های استان در این زمینه توضیحاتی ارائه نمایید. افتتاح فاز نخست مگا پروژه انتقال آب دریا به فلات ایران (انتقال آب دریای عمان به شهرستان سیرجان)

♦ عملکرد استان در مورد پیوند واحدهای صنعتی کوچک و بزرگ استان در جهت تکمیل زنجیره ارزش چگونه بوده است؟ یکی از عمده مصارف واحدهای صنعتی و معدنی بزرگ استان از جمله مجتمع

♦ در سال گذشته توفیق جایگزینی چه میزان ارزش تولیدات صنعتی استان اعم از مواد اولیه و کالاهای ساخته شده به‌جای واردات را داشته‌اید؟

در سال ۹۹، پروژه صرفه‌جویی ارزی با محوریت ساخت داخل در ازای واردات در وزارت صمت آغاز گردید که در این راستا سازمان صنعت، معدن و تجارت استان با تشویق واحدهای صنعتی و معدنی بزرگ استان و ایجاد ارتباط و هماهنگی بین واحدهای یاد شده و تولیدکنندگان کوچک و خرد موفق به صرفه‌جویی ارزی به میزان ۲۰۲ میلیون دلار در سطح استان گردید. این در حالی بود که برنامه پیشنهادی وزارت متبوع ۱۳۶ میلیون دلار برای استان کرمان در نظر گرفته شده بود. این مهم با مشارکت و همکاری مجموعه صنایع معدنی و سایر صنایع بزرگ استان حاصل گردیده است.

♦ در مورد تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام پیشران صنعت استان و یا راه‌اندازی طرح‌ها در این زمینه، در سال رونق تولید توضیح فرمایید.

طی سال ۹۹ طرح‌های پیشران مهم استان که به بهره‌برداری رسیدند عبارت‌اند از طرح توسعه ذوب خاتون‌آباد از ۸۰ هزار تن به ۱۲۰ هزار تن مس آند، تولید

مس و مجموعه گل گهر و سایر شرکت‌های بزرگ استان، تجهیزات و قطعات مصرفی خطوط تولید می‌باشد که در این راستا این سازمان با هماهنگی و همکاری شرکت شهرک‌های صنعتی استان اقدام به ایجاد ارتباط بین ۱۵۰ واحد تولیدی کوچک استان با واحدهای بزرگ استان نمود که از این میان به‌طور تقریبی ۴۰ درصد واحدهای کوچک فوق‌الذکر فعالان حوزه قطعه‌سازی استان می‌باشند.

◆ اصولاً انتخاب استان برای تکمیل زنجیره ارزش صنایع به تفاوت انواع صنایع در کدام رشته‌های صنعتی بوده و به چه نتایجی در اجرای پروژه‌های مربوطه دست یافته است؟

استان کرمان با توجه به برنامه راهبردی استان، سند آمایش تکمیل زنجیره ارزش مواد معدنی نظیر آهن، مس و زغال‌سنگ را در اولویت اصلی قرار داده و فرآوری سایر مواد معدنی مانند کرومیت، سرب و روی و ... را نیز در افق کوتاه‌مدت در دست اقدام قرار داده است که عملکرد زیر طی ۷ سال گذشته محقق شده است:

- افزایش ۱۴۰ درصدی تولید کنسانتره آهن از ۱۲/۵ میلیون تن به ۳۰ میلیون تن،
- افزایش ۳۵۰ درصدی تولید گندله از ۵ میلیون تن به ۲۲/۵ میلیون تن،
- تحقق ظرفیت تولید ۶ میلیون تن آهن اسفنجی برای اولین بار در استان،
- تحقق ظرفیت تولید ۴/۳ میلیون تن شمش آهن برای اولین بار در استان،
- افزایش ظرفیت تولید مس کاند به میزان ۲۳ درصد،
- افزایش ۲۰۰ درصدی تولید کک استان از ۴۰۰ هزار تن به ۱۲۰۰ هزار تن،
- افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی استخراج معادن استان از ۴۵ میلیون تن به بیش از ۹۷ میلیون تن.

◆ موفقیت‌های استان در احیاء، تجهیز و نوسازی و توسعه معادن و صنایع معدنی چه بوده است؟

- در راستای تحقق نقشه راه معدن، بند ۵۹ برنامه‌های عملیاتی نقشه راه توسعه بخش معدن و صنایع معدنی با تأکید بر احیاء آموزش معادن بخش خصوصی کوچک و متوسط موضوع نامه شماره ۱۹۰۱۹ مورخ ۹۸/۶/۱۶ مثبت به شماره ۳۵۶۵۲ مورخ ۹۸/۶/۲۱ سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، ابتدا ۵ فقره از معادن مشمول طبق صورت‌جلسه شماره ۳۵۵۶۲ مورخ ۹۸/۶/۱۲ به شرح معادن مس آبتلخون، شاهزاده عباس، گروئیه،

سادات، بندر سرچشمه برای این مورد انتخاب شدند، - معرفی معادن غیرفعال انتخاب شده به شرکت ملی صنایع مس ایران بر اساس صورت‌جلسه شماره ۳۵۵۶۲ مورخ ۹۸/۶/۲۱ انجام شد،

- برگزاری جلسه مورخ ۹۸/۷/۴ جهت انتخاب معادن غیرفعال مس و معرفی به شرکت ملی صنایع مس ایران با حضور معاون بهره‌برداری شرکت ملی صنایع مس ایران (مصوبات ۴۰۰۰۹ مورخ ۹۸/۷/۱۱)،

- اولین جلسه کارگروه طرح احیاء، فعال‌سازی و توسعه معادن کوچک مقیاس در تاریخ ۹۸/۹/۱۲ برگزار شد،

- برگزاری جلسه مورخ ۹۸/۱۱/۱ با موضوع طرح احیاء و فعال‌سازی معادن کوچک مقیاس با محوریت مس و با حضور نمایندگان شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران، نماینده شرکت ملی صنایع مس، مدیر فنی صندوق بیمه و فعالیتهای معدنی و همچنین بهره‌برداران مس برگزار گردید و مقرر گردید پیشنهادات مکتوب توسط بهره‌برداران معادن غیرفعال به شرکت ملی صنایع مس ارسال تا در جلسه هیئت‌مدیره آن شرکت مطرح و جهت راه‌اندازی آن معادن اقدام نمایند.

- هدف‌گذاری:

- طرح احیاء، فعال‌سازی و توسعه معادن کوچک مقیاس، شناسایی حداقل ۲۸ معدن دارای قابلیت فعال‌سازی یا توسعه و احیاء ۵ معدن در استان کرمان به‌عنوان هدف تا پایان سال ۹۸ در دست اقدام قرار گرفت،
- در تاریخ ۹۹/۴/۱۴ جلسه‌ای با حضور تعدادی از بهره‌برداران معادن مس غیرفعال و نماینده تام‌الاختیار شرکت ملی صنایع مس ایران به‌صورت ویدئو کنفرانس برگزار گردید،
- جلسه‌ای در تاریخ ۹۹/۶/۲۹ در خصوص فعال‌سازی معدن مس آبتلخون برگزار شد،
- جلسه‌ای در تاریخ ۹۹/۶/۲۳ در ارتباط با فعال‌سازی معادن مس اطراف شهرستان بردسیر برگزار شد،
- بازدید میدانی از شش فقره معدن مس و آهن غیرفعال در شهرستان بردسیر و سه فقره در شهرستان راور به همراه نمایندگان شرکت تهیه و تولید مواد معدنی کشور و بهره‌برداران انجام شد و صورت‌جلسه مربوطه در محل معدن تنظیم گردید،
- جلسه‌ای در تاریخ ۹۹/۶/۳۰ در خصوص تعیین تکلیف معادن غیرفعال سرب و روی شهرستان‌های راور و کوهبنان انجام شد،
- در نهایت با پی‌گیری‌های انجام شده تعداد ۹ معدن فعال شدند،

یکی از عمده مصارف واحدهای صنعتی و معدنی بزرگ استان از جمله مجتمع مس و مجموعه گل گهر و سایر شرکت‌های بزرگ استان، تجهیزات و قطعات مصرفی خطوط تولید می‌باشد که در این راستا این سازمان با هماهنگی و همکاری شرکت شهرک‌های صنعتی استان اقدام به ایجاد ارتباط بین ۱۵۰ واحد تولیدی کوچک استان با واحدهای بزرگ استان نمود که از این میان به‌طور تقریبی ۴۰ درصد واحدهای کوچک فوق‌الذکر فعالان حوزه قطعه‌سازی استان می‌باشند.



محدوده‌های مشمول شرایط بر اساس ضوابط موجود در لایه آزادسازی قرار گرفته‌اند تا باعث خلق فرصت مناسب برای سایر فعالان علاقمند و سرمایه‌گذاران بخش معدن شود که حرکتی مؤثر در راستای فعال‌سازی معادن خواهد بود.

◆ در زمینه توانمندسازی نگاه‌های تولیدی اعم از صنعتی و صنوف تولیدی و دستاوردهای مربوطه توضیح بفرمایید.

توجه به صنوف تولیدی از بعد صادراتی بسیار مهم و در جهت ارزآوری استان تأثیرگذار می‌باشد. توانمندسازی و برندسازی در حوزه صنوف تولیدی استان بایستی مورد توجه قرار گیرد توجه به مباحث کیفیت کالاهای تولیدی صنوف صادراتی و قیمت رقابتی در بازارهای منطقه باعث توسعه صادرات می‌گردد. در همین راستا جلسات کارشناسی و تخصصی با صنوف تولیدی استان از سال ۹۹ تا به حال برگزار گردید و با توجه به اهمیت موضوع، مسئولیت دبیرخانه صنوف تولیدی صادراتی به اتاق اصناف کرمان واگذار گردید تا با برنامه‌ریزی و تشکیل جلسات در ارتباط با فعال شدن اتحادیه‌های تولیدی صادراتی اقدام به عمل آورند. ◆◆

- دو معدن زیرزمینی زغال‌سنگ در بیدخون و زغال‌سنگ حتکن که چند سال غیرفعال بودند و تأثیر زیادی در اشتغال‌زایی منطقه زرد داشتند نیز با هماهنگی‌های لازم و انجام مزایده محدود به سرمایه‌گذار واگذار گردیده که هم‌اکنون در حال تجهیز و بهره‌برداری و توسعه می‌باشند، _ با توجه به افزایش قیمت ماشین‌آلات معدنی و نیاز بهره‌برداران به این ماشین‌آلات به‌عنوان یکی از ارکان اصلی و مهم بهره‌برداری معادن، تعداد ۲۰ فقره معدن به وزارت متبوع جهت استفاده از تسهیلات ورود ماشین‌آلات دست دوم معرفی شدند،

- در راستای صدور پروانه بهره‌برداری تک‌برگ کاداستری حدود ۳۰۰ فقره معدن در سامانه کاداستر تکمیل اطلاعات شده و به سیستم هوشمند اطلاعات معادن جهت پایش و ارتباط مؤثر سازمان با بهره‌برداران و مسئولان فنی متصل شدند؛ این امر باعث درک قوانین و لزوم پیگیری‌های به موقع بهره‌برداران شده تا انگیزه‌ای جهت فعال نگاه داشتن معادن باشد،

- در راستای تعیین تکلیف محدوده‌های معدنی ابطالی تعداد حدود ۳۵۰۰ پرونده خوانی انجام شد که در نهایت



گفت‌وگو با دکتر «هرمزد نقوی» رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان

بهره‌وری کشاورزی با نگاه هوشمند به اقلیم و منابع

دکتر هرمزد نقوی رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان در سنجش بهره‌وری، آب را که یکی از محدودترین منابع به‌ویژه در کشاورزی استان، برخوردار از اهمیت ویژه‌ای می‌داند و با توضیح در خصوص چگونگی بهره‌برداری و استفاده از این منبع بسیار محدود، استفاده بهینه از آن را در گرو وجود مقررات بازدارنده و تشویقی و در نگرش کلی به بحث کشاورزی از جمله استفاده از سیستم‌های جدید آبیاری، الگوی کشت به‌روز، مکانیزاسیون، پژوهش، آموزش، ترویج و بسیاری از موارد دیگر که باید با هم ملاحظه شوند، دانسته و بر استفاده مطلوب سایر نهاده‌های کشاورزی از جمله کود، سموم و بذور با توجه به شرایط بازار و قیمت‌ها، در جهت تقویت بهره‌وری تأکید می‌کند. وی مهم‌ترین چالش کشاورزی در کشور را آب می‌داند و می‌گوید اگر به چالش‌های این بخش نمره ۲۰ بدهیم، ۱۶ نمره اول آن معضل «آب» است، علاوه بر آن نیاز اول ما، فناوری و مسئله بازار محصولات کشاورزی است. او تأکید بر حرکت به سمت فعالیت‌های اقتصادی پس از تولید محصولات کشاورزی با هدف حفاظت از محصول تولید شده، کاهش ضایعات و ایجاد ارزش افزوده برای این محصولات دارد.

وی می‌گوید برای مثال یکی دیگر از منابع با ارزش ما خاک کشاورزی است و حفظ کیفیت خاک زراعی و باغی بسیار مهم است. به دلیل شرایط جغرافیایی و اقلیمی خاک‌های ما از نظر مواد آلی فقیر محسوب می‌شوند و باید مواد آلی تولید شده و غیرقابل برداشت به مواد آلی خاک اضافه شوند. در مجموع سیاست کشاورزی در دنیا و از جمله کشور بر این است که کشت درجا و بدون خاک‌ورزی و با هدف حفظ بقایای محصولات سال‌های قبل انجام شود که این روش مناسب محیط‌زیست بوده و اصطلاحاً به آن کشت حفاظتی می‌گویند. استان کرمان آموزش‌های لازم برای این نوع کشت‌ها را داده است، اما ضریب مکانیزاسیون در استان آن قدر نیست که همه کشاورزان قادر به انجام این سیستم از کاشت باشند. او یادآوری می‌کند که تولید غذا و امنیت آن در دنیا استفاده از سموم را اجتناب‌ناپذیر کرده است، اما حداقل دُز مورد نیاز و مؤثر که مجاز است، به کشاورزان اعلام می‌شود و برای اطمینان از رعایت آن باید نظارت لازم اعمال شود. ضمناً مبارزه بیولوژیکی برای کنترل آفات نیز در دستور کار قرار گرفته است و مرکز پرورش حشرات مفید در کشور و استان کرمان وجود دارد که موفقیت این روش به استقبال کشاورزان بستگی دارد و البته توجه به این نکته که سلاقی مردم، کشاورزان را به استفاده یا عدم استفاده از این روش ترغیب می‌کند. مشروح گفت‌وگو با دکتر نقوی را در ادامه مطالعه نمایید.



◆ در زمینه اصلاح الگوی مصرف سموم و آفت‌کش‌ها که جهت سلامت مصرف‌کنندگان در بازارهای داخلی و خارجی از اهمیت زیادی برخوردار است و مسلماً در امر تقاضای داخلی و خارجی بسیار تأثیرگذار است، چه اقداماتی صورت گرفته و چه پروژه‌های پژوهشی مربوط به استفاده از روش‌های غیر شیمیایی برای کنترل آفات و کاهش مضررات آفت‌کش‌ها در برنامه است؟

در این رابطه مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان به نمایندگی از سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی (یکی از معاونت‌های وزارتخانه) و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی و مربوطه اقدامات مختلفی در زمینه پژوهشی، آموزشی و ترویجی انجام داده است. در بهترین حالت نباید هیچ ماده سمی در محصولات غذایی استفاده شود، اگرچه تولید غذا و امنیت غذایی در دنیا استفاده از سموم را اجتناب‌ناپذیر کرده است اما باید به این نکته توجه کرد، استفاده از این مواد به کمترین میزانی که امکان دارد تقلیل پیدا کند. در حقیقت کمترین میزان را فعالیت‌های تحقیقاتی تعیین می‌کنند که خوشبختانه این امر در کشور ما توسط مؤسسه تحقیقاتی گیاهپزشکی هرسال روی سمومی که از خارج وارد می‌شود و همچنین سمومی که در داخل تولید می‌شوند، انجام می‌شود و در نهایت حداقل دُزی که مورد نیاز و مؤثر است و کشاورز مجوز استفاده از آن را دارد، اعلام می‌شود و بر طبق آن سموم در کشاورزی استفاده می‌شوند، اما این‌که در عمل کشاورز از این سموم به همان میزان توصیه شده در برنامه‌های زمانی مشخص شده استفاده می‌کند یا خیر؟ بحث جداگانه است که باید برای انجام آن، کارهای آموزشی و ترویجی را گسترش داد. در این زمینه مرکز اقدامات آموزشی و ترویجی برای کشاورزان انجام داده است، اما آیا کشاورز این اصول را رعایت می‌کند یا خیر؟ باید بررسی و نظارت شود.

ضمن اینکه مبارزات بیولوژیکی یعنی کنترل آفات توسط موجودات زنده چه حشرات و چه عوامل زنده و یا محصولات آن‌ها باشد، در دستور کار این مرکز قرار گرفته و خوشبختانه مراکز پرورش حشرات مفید در سطح کشور و از جمله استان کرمان وجود دارد. موفقیت استفاده از این روش‌های مبارزه برای کنترل آفات، به استقبال کشاورزان بستگی دارد. ذکر این نکته نیز ضروری است که سلاخی مردم، کشاورزان را به استفاده یا عدم استفاده از این روش ترغیب می‌کند؛ اما راه‌حل پیشنهادی آموزش به‌صورت مداوم است تا این فرهنگ در بین مردم نهادینه شود تا اگر کشاورز محصولی را با حداقل استفاده از سموم به بازار می‌فرستد، بیشتر

مورد استفاده قرار گیرد.

در مجموع معاونت پژوهشی و معاونت آموزشی مرکز، پتانسیل‌های قوی در این خصوص دارد و نتایج تحقیقات و بررسی‌های خود را در مورد میزان و چگونگی مصرف سموم مورد استفاده در کشاورزی به کشاورزان و کارشناسان مربوطه آموزش می‌دهد و امیدوار است که کشاورزان محترم در بخش اجرا از نتایج این تحقیقات استفاده کافی و وافی را ببرند. از جمله پروژه‌های جاری، پژوهشی مربوط به استفاده از روش‌های غیر شیمیایی برای کنترل آفات و کاهش مضررات آفت‌کش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تهیه فرمولاسیون زیست سازگار ایمیداکلوپرید / سولفور با ویژگی رهاسازی کنترل شده در جهت کنترل پسیل معمولی پسته،
۲. بررسی تأثیر کاربرد کائولن فرآوری شده در کاهش خسارت آفتاب‌سوختگی برگ و میوه پسته،
۳. مبارزه تلفیقی با زنجرف خرم،
۴. بررسی کارایی ترکیبات گیاهی و معدنی در کنترل سن‌های زیان‌آور پسته،
۵. ارزیابی اثرات کائولین و روغن‌های معدنی در کنترل زنجرف خرم در استان فارس،
۶. تعیین اثر کائولین فرآوری شده روی پروانه چوب‌خوار پسته *Amsel. Kermania pistaciella*،
۷. مطالعه تأثیر صابون حشره‌کش پالیزین جهت کنترل پسیل پسته،
۸. بررسی پراکنش دشمنان طبیعی پروانه فری در استان کرمان در راستای حفظ و حمایت آن‌ها،
۹. مطالعه تأثیر کائولین فرآوری شده روی کاهش خسارت کرم گلوگاه و آفتاب‌سوختگی میوه‌های انار،
۱۰. کارایی ترکیبات فرار معرفی شده در منابع علمی بر شکار پروانه کرم خراط (*Zeuzera pyrina.L Lep.: Cossidae*) در

- وزارت جهاد
- کشاورزی به دنبال
- این است که گشت
- درجا و بدون
- خاک‌برداری و
- بدون حذف بقایای
- محصول قبل
- صورت گیرد که این
- روش‌ها مناسب
- محیط زیست
- نیز می‌باشند.
- استان کرمان
- نیز آموزش‌های
- لازم برای این
- نوع از گشت‌ها
- را که به آن‌ها
- اصطلاحاً گشت
- حفاظتی می‌گویند،
- به کشاورزان و
- ذی‌ربطان این
- حوزه داده است،
- البته ضریب
- مکانیزاسیون
- در کرمان آن قدر
- نیست که همه
- کشاورزان به این
- سیستم‌ها مجهز
- باشند.

باغ‌های گردوی کشور،

۱۱. مقایسه روش‌های مختلف در کنترل کرم خراط،

۱۲. ارزیابی کارایی چند فرمون تجاری در شکار انبوهی پروانه کرم خراط،

۱۳. بررسی نقش عوامل مدیریت زراعی در تغییرات جمعیت زنجبرک خرما،

۱۴. بررسی تکمیلی روش‌های جلوگیری از تخم‌ریزی شب‌پره کرم گلوگاه انار از طریق حذف پرچم و تأثیر آن روی سایر آفات انار و دشمنان طبیعی.

◆ کدام روش‌های کشت محصولات غالب استان کرمان به لحاظ زیست‌محیطی توصیه می‌شود؟

برای این منظور باید گفت در علم کشاورزی از همان زمان آماده‌سازی زمین و کاشت تا سفره برنامه وجود دارد برای مثال یکی دیگر از منابع با ارزش ما خاک کشاورزی است و حفظ کیفیت خاک زراعی و باغی بسیار مهم است. به دلیل شرایط جغرافیایی و اقلیمی، خاک‌های ما از نظر مواد آلی فقیر محسوب می‌شوند و باید مواد آلی تولید شده و غیرقابل برداشت به مواد آلی خاک اضافه شوند.

در حالت رایج، کشاورزان به دلیل پاره‌ای از مسائل اقدام به شخم یا دیسک (خاک‌ورزی یا Tillage) می‌کنند که با این عمل بخشی از ماده آلی خاک که در زیر سطح محفوظ بوده است در معرض هوا و فرسودگی قرار می‌گیرد که این قبیل اقدامات، همان حداقل ماده آلی خاک را نیز از بین می‌برد. امروزه بسیاری از کشاورزان پیشرو در دنیا عملیات کشاورزی خود را با رعایت اصول غیر خاک‌ورزی یا No-Tillage انجام می‌دهند. برای مثال جهت عملیات کاشت بذر در مزرعه، از دستگاه‌های کارنده استفاده می‌شود. به عبارتی در این روش کشت، بدون شخم زدن، بذر را به‌وسیله دستگاه در داخل زمین قرار می‌دهند؛ این روش کاشت در مقیاس جهانی در حفظ محیط‌زیست، فرسایش کمتر خاک و کاهش دی‌اکسید کربن در اتمسفر بسیار مؤثر است.

در دنیا دستگاه‌های مخصوصی جهت این کشت وجود دارد که در کشور ما نیز زیرساخت‌های لازم برای آن فراهم شده است. یکی از مهم‌ترین زیرساخت آن سیستم آبیاری است که در ۸ سال گذشته سازمان جهاد کشاورزی استان در این زمینه ورود کرده و سیستم‌های آبیاری مقدار زیادی توسعه پیدا کرده‌اند. تصور کنید برای مثال در یک مزرعه علوفه در صورتی که سیستم آبیاری وجود نداشته باشد بقایای کشت‌های قبل در زمین اجازه پیشروی آب را در مزرعه به‌صورت انواع آبیاری سطحی به‌سختی می‌دهد، اما با

اجرای سیستم آبیاری موضعی (مثلاً قطره‌ای)، مشکل به‌صورت کامل برطرف می‌شود.

در مجموع سیاست کشاورزی در دنیا و به‌تبع آن وزارت جهاد کشاورزی در کشور به دنبال این است که کشت درجا و بدون خاک‌برداری و بدون حذف بقایای محصول قبل صورت گیرد که این روش‌ها مناسب محیط‌زیست نیز می‌باشند. استان کرمان نیز آموزش‌های لازم برای این نوع از کشت‌ها را که به آن‌ها اصطلاحاً کشت حفاظتی می‌گویند، به کشاورزان و ذی‌ربطان این حوزه داده است، البته ضریب مکانیزاسیون در کرمان آن‌قدر نیست که همه کشاورزان به این سیستم‌ها مجهز باشند، به عبارتی تعداد کمی از کشاورزان از این روش‌ها و دستگاه‌های مربوطه استفاده می‌کنند.

◆ ارزیابی شما از چگونگی بهره‌وری بخش کشاورزی استان کرمان چیست؟ استان از این جهت در چه رتبه‌ای از کشور قرار دارد؟

از دید پژوهشی کارهای تحقیقاتی بسیار خوبی در این بخش انجام شده است که طبق آن‌ها، یکی از محدودترین منابعی که ما بهره‌وری را نسبت به آن می‌سنجیم، محدودیت آب است و استفاده حداکثر و بهینه از این منبع می‌تواند در بهره‌وری کشاورزی مؤثر باشد، به‌ویژه امسال که استان کرمان، سال کم‌آبی را تجربه کرده است. در این زمینه باید در مصرف بهینه آب دقت بیشتری کرده و از هر واحد آب بیشترین استفاده را بکنیم. یکی از اقداماتی که در این مورد قابل انجام است، استفاده از سیستم‌های تحت فشار یا سیستم‌های آبیاری به روش‌های سطحی و زیرسطحی است. در همین راستا در استان حداکثر توان به کار گرفته شده است. البته کشور ما با نُرَم جهانی خیلی فاصله دارد، به عبارتی به لحاظ موفقیت در استفاده از این روش‌ها ما نیاز به قوانینی داریم که بتوان به‌وسیله آن افرادی را که آب در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد به استفاده از سیستم‌های جدید اجبار نمود. البته منظور از قوانین در اینجا هم قوانین تشویقی و هم بازدارنده است.

علاوه بر توجه به مصرف بهینه منابع آبی، مورد دیگری که در راستای بهره‌وری می‌توان مطرح کرد چگونگی استفاده از نهاده‌های کشاورزی از جمله کود، سموم و بذر هستند. این اقلام در سال‌های اخیر قیمت‌های بالایی را تجربه کرده‌اند که همین امر اهرمی شده است که کشاورزان از آن‌ها به‌صورت بهینه و با نظر کارشناسان استفاده کنند؛ به عبارتی با توجه به افزایش قیمت این نهاده‌ها، کشاورزان ارزش آن‌ها را بیشتر درک می‌کنند؛ اما در مورد آب، با توجه به اینکه این منبع رایگان است، وضعیت فرق می‌کند.

مهم‌ترین چالش

در کشور ما آب

است. اگر در

کشور چالش‌های

حوزه کشاورزی

را تا عدد بیست

شماره‌گذاری

کنیم از دیدگاه

بنده تا چالش

شانزدهم از آب

حرف می‌زنیم.

بقیه موارد از

جمله کشت‌های

جایگزین

به‌صورت مستقیم

متأثر از آب

هستند، بنابراین

مدیریت منابع

آب از طریق

مکانیزاسیون

بیشتر مزارع و

باغات که منجر به

افزایش بهره‌وری

می‌شود، راهکار

مناسبی است.

موضوع بازار نیز

به‌عنوان چالشی

که در این حوزه

مطرح می‌شود

وجود دارد که

در این مورد مرکز

تحقیقات دخل و

تصرفی ندارد و در

مورد آن اظهار نظر

نمی‌کنیم.

زمینه استفاده از فناوری پهباد در کشاورزی فعالیت می‌کند و می‌تواند خدمات مربوطه را به کشاورزان ارائه دهد. راهکار مؤثر در تقویت نوآوری در کشاورزی استفاده از تجارب کشورهای فعال در این زمینه است البته برای این منظور باید الزاماتی جهت بهره‌وری و حفظ محیط‌زیست در فعالیت‌های اقتصادی در کشور تعریف شود. مورد دیگر حمایت از تولیدات شرکت‌های دانش‌بنیان قبل از معرفی محصولات این شرکت‌ها به بازار و با استقبال توسط مشتریان حمایت شود.

◆ به نظر شما نیازها و چالش‌های موجود و نیز در حال ظهور در کشاورزی کدام هستند و برای مقابله با آن‌ها چه باید کرد؟

نیاز اول ما در شرایط حال حاضر، فناوری است، اما رفع این نیاز ابتدا به کشاورز برمی‌گردد که از محصول فناورانه‌ای که تولید می‌شود استقبال و استفاده کند.

مهم‌ترین چالش در کشور ما آب است. اگر در کشور چالش‌های حوزه کشاورزی را تا عدد بیست شماره‌گذاری کنیم از دیدگاه بنده تا چالش شانزدهم از آب حرف می‌زنیم. بقیه موارد از جمله کشت‌های جایگزین به‌صورت مستقیم متأثر از آب هستند، بنابراین مدیریت منابع آب از طریق مکانیزاسیون بیشتر مزارع و باغات که منجر به افزایش بهره‌وری می‌شود، راهکار مناسبی است. موضوع بازار نیز به‌عنوان چالشی که در این حوزه مطرح می‌شود وجود دارد که در این مورد مرکز تحقیقات دخل و تصرفی ندارد و در مورد آن اظهار نظر نمی‌کنیم.

◆ بر اساس یافته‌های پژوهشی در مرکز تحقیقات کشاورزی استان چه توصیه‌های علمی و عملی برای ارتقاء بهره‌وری کشاورزی استان به‌ویژه با نگاه هوشمند به اقلیم جهت بهره‌برداری کشاورزان ارائه می‌نمایید؟

بر اساس پژوهش‌هایی که همکاران ما در مرکز تحقیقات انجام داده و در حال انجام هستند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

- استفاده از منابع و نهاده‌های کشاورزی از جمله بذریه‌هایی که نسبت به شرایط کم‌آبی و شوری مقاوم هستند،
- استفاده از جوانه‌ها، اندام‌ها و نهال‌های شناسنامه‌دار در باغات جهت تکثیر،
- استفاده از دستورالعمل تهیه شده جهت کشت گیاهان،
- استفاده از آبیاری زیرسطحی،
- استفاده از آب باران در تأمین همه یا بخش مهمی از آب مورد نیاز برای تولید محصولات کشاورزی، متأسفانه کشور

کشاورزانی که از آب زیرزمینی استفاده می‌کنند، فقط هزینه برق آن را با نرخ یارانه‌ای پرداخت می‌کنند. البته ذکر این نکته ضروری است که به لحاظ اقتصادی قیمت محصولات کشاورزی به‌گونه‌ای است که اگر کشاورز قرار باشد هزینه آب را نیز پرداخت کند، آن وقت با شرایطی که وجود دارد به سود چندانی دست پیدا نمی‌کند که این مسئله از منظر دیگری باید بررسی شود. راهکاری که در این زمینه می‌توان ارائه داد، همان‌طور که قبل نیز اشاره شد، تعیین مقررات تشویقی و بازدارنده در استفاده از این منابع جهت بهره‌وری بیشتر از این منابع است.

در مورد رتبه استان، مرکز تحقیقات آمار دقیقی در دست ندارد، اما با توجه به تجارب بنده و ظرفیت‌هایی که در سازمان جهاد کشاورزی استان وجود دارد و اقداماتی که در این زمینه انجام شده، رتبه قابل قبولی داریم و البته هنوز جای کار زیادی وجود دارد و همکاری فعالان بخش‌های خصوصی را می‌طلبد که در کنار جهاد کشاورزی، کشاورزان را جهت استفاده بهینه از منابع در اختیارشان متقاعد کنند.

◆ فضای فناوری و نوآوری در کشاورزی استان چگونه است؟ برای تقویت نوآوری در کشاورزی چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهید؟

به‌طور متوسط می‌توان گفت که کشاورزی استان از فناوری و نوآوری برخوردار نیست، البته هستند کشاورزان پیشروی که در مزارع و باغات خود ایستگاه‌های هواشناسی دارند. در واقع قدر منابع خود را دانسته و در جهت کشاورزی پایدار حرکت کرده‌اند و از منابع خود نگهداری می‌کنند که جای تشکر و قدردانی دارد، اما به‌طور کلی ما هنوز در مورد فناوری‌هایی که در ۱۰ سال گذشته در دنیا معرفی شده‌اند و می‌توان از آن‌ها استفاده کرد، بسیار ضعیف هستیم، به عبارتی ما در این زمینه خیلی عقب هستیم.

خوشبختانه در سال‌های گذشته وزارت جهاد کشاورزی سیاستی را به نام کشاورزی هوشمند اجرا کرده است که حمایت‌های خیلی خوبی در این زمینه دارد و باید جوانانی که زبده و مخترع هستند با کشاورزان وارد همکاری شده تا این نوع کشاورزی در کشور اجرا شود.

به‌عنوان مثال در مرکز رشد مستقر در مرکز تحقیقات کشاورزی دو نفر از اساتید دانشگاه دستگاه‌هایی را ساخته‌اند که می‌توانند محصولات کشاورزی را بدون ماده افزودنی شیمیایی ضدعفونی کنند که این امر باعث ماندگاری محصولات و کمک به کنترل کیفیت محصولات می‌شود. کشاورزان و فعالان اقتصادی این حوزه می‌توانند از این فناوری داخلی استفاده کنند. همچنین شرکت دیگری در

در استان کرمان

از لحاظ میزان

تولید محصولات

کشاورزی مشکل

چندانی وجود

ندارد و عمده

مشکلات بعد از

تولید هستند.

بعد از تولید

می‌توان با

حفظ محصول،

جلوگیری از

ضایعات و ایجاد

ارزش افزوده برای

محصولات به

این بخش کمک

زیادی کرد؛ برای

مثال تولید مازاد

گوجه‌فرنگی یا هر

محصول مشابه

دیگر را در نظر

بگیرد این‌گونه

محصولات در

فصل تولید

قیمت پایین را

تجربه می‌کنند و

کشاورزان متضرر

می‌شوند و دلیل

اصلی آن نداشتن

سازوکار مناسبی

جهت نگهداری

و انبار محصولات

با عمر کوتاه این

چینی است.

تولید مازاد گوجه‌فرنگی یا هر محصول مشابه دیگر را در نظر بگیرد این‌گونه محصولات در فصل تولید قیمت پایین را تجربه می‌کنند و کشاورزان متضرر می‌شوند و دلیل اصلی آن نداشتن سازوکار مناسبی جهت نگهداری و انبار محصولات با عمر کوتاه این چینی است. برای این منظور جهت فرآوری این محصولات، شرکت دانش‌بنیانی در مرکز رشد مرکز تحقیقات راه‌اندازی شده و فعالان اقتصادی این حوزه می‌توانند از خدمات این شرکت که قابل عرضه به بازار است استفاده کنند.

◆ تاکنون چه همکاری‌هایی با شرکت‌های دانش‌بنیان بخش کشاورزی داشته‌اید و یا در برنامه دارید؟ اصولاً چشم‌انداز جایگاه فعالیت‌های دانش‌بنیان در کشاورزی استان را چگونه می‌بینید؟

همان‌طور که قبلاً اشاره شد مرکز تحقیقات کشاورزی استان با انعقاد تفاهم‌نامه‌ای با پارک علم و فناوری اقدام به راه‌اندازی مرکز رشد مشترک نموده است. برای این مرکز رشد امکاناتی در نظر گرفته شده و تاکنون تعدادی شرکت در این مرکز مستقر شده‌اند و سعی شده از شرکت‌های مختلف با فعالیت‌های متفاوت در چارچوب قانون پذیرش و با آن‌ها همکاری نمود. همکاران ما در مرکز در امور آموزشی، پژوهشی، مشاوره و ... از این شرکت‌ها حمایت می‌کنند؛ با این هدف که خروجی محصولات این شرکت‌ها بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد.

مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان به‌عنوان مرکزی که صرفاً برای دولت تحقیق و پژوهش انجام می‌دهد فعالیت نمی‌کند، لذا از کلیه علاقه‌مندان، کشاورزان و فعالان حوزه کشاورزی، منابع طبیعی و حوزه‌های مرتبط که نیازی احساس می‌کنند و یا مشکلی دارند دعوت می‌شود که به مرکز تحقیقات کشاورزی استان مراجعه نمایند و مجموعه ما در زمینه آموزش و تحقیقات آماده همکاری است. همکاران بنده در این مرکز سعی کنند با بررسی مشکلات متقاضیان، پروپوزال‌های مربوطه را تهیه و در کوتاه‌ترین مدت با همفکری و همراهی، مسئله یا مشکل آن‌ها را بررسی و بهترین و عملی‌ترین راهکار را بررسی و با اجرای این راهکارها، امیدواریم که مشکل مربوطه برطرف و یا در جهت ارتقاء حوزه کاری با آن‌ها همکاری نماییم. برای این منظور و در جهت پیشرفت اهدافمان منتظر هرگونه ارائه پیشنهاد و انتقاد از سمت آن‌ها هستیم.

در نهایت از اتاق بازرگانی و مجموعه محترم شما جهت انجام این گفت‌وگو سپاسگزار می‌کنم. ◆◆

ما جز کشورهای هست که تنها منبع ورودی در آن، آب باران است و متأسفانه ۸۰ تا ۹۰ درصد این آب تبخیر می‌شود و برنامه‌ریزی برای این حجم زیاد از منابع آبی می‌تواند راهگشا باشد.

- استفاده از سدها و بندهای زیرزمینی به‌منظور استحصال و جمع‌آوری آب باران،
- مکانیزاسیون کشاورزی و استفاده از فناوری‌ها و نوآوری‌های جدید از جمله استفاده از دستگاه‌های هواشناسی.

◆ با نگاه علمی، فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی استان را معرفی نمایید.

برای پاسخ به این سؤال ابتدا چگونگی عملکرد مرکز را در سیستم کشاورزی استان عرض می‌کنم. به‌طور کلی واحد اجرا (سازمان جهاد کشاورزی و یا سایر دستگاه‌های وابسته) و یا بهره‌برداران و کشاورزان با مشکل یا معضلاتی مواجه می‌شوند که با کارهای معمولی کارشناسی قابل حل نیست، موضوع مربوطه جهت بررسی فنی و ارائه راهکار به مراکز تحقیقاتی ارجاع می‌شود؛ اما در امور مربوط به بازار محصولات دخل و تصرفی ندارد. در همین راستا اخیراً مرکز جهت حل مشکل کشاورزان در رابطه با مبارزه با کرم خراط گردو راهکارهایی را پیشنهاد داده که مورد استقبال و استفاده کشاورزان قرار گرفته است. نکته قابل‌توجهی که وجود دارد این است که در استان کرمان از لحاظ میزان تولید محصولات کشاورزی مشکل چندانی وجود ندارد و عمده مشکلات بعد از تولید هستند. بعد از تولید می‌توان با حفظ محصول، جلوگیری از ضایعات و ایجاد ارزش‌افزوده برای محصولات به این بخش کمک زیادی کرد؛ برای مثال





گفت‌وگو با دکتر «پیمان نامور» معاون پژوهش، فناوری و انتقال یافته‌ها مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی جنوب استان کرمان

چالش‌ها و فرصت‌ها در کشاورزی جنوب استان کرمان

دکتر پیمان نامور معاون پژوهشی مرکز تحقیقات کشاورزی جنوب استان کرمان در گفت‌وگو با ما ضمن اشاره به طرح‌ها و پروژه‌های پژوهشی و مطالعاتی متعدد مرکز می‌گوید در دنیای امروز جایی برای عملیات کشاورزی مخرب محیط‌زیست وجود ندارد و مطالعات نشان می‌دهد که در شیوه‌های مختلف کاشت، هرچه فرآیند برهم‌زدن خاک کمتر باشد، به همان اندازه نتایج بهتر و مفیدتر خواهد بود و به این ترتیب توسعه شیوه‌های کشت بی‌خاک‌ورزی و کم‌خاک‌ورزی به دلیل کاهش فوق‌العاده اثرات سوء فرسایش خاک و نیز کاهش چشمگیر هزینه‌ها و مصرف انرژی و آب یک ضرورت است.

او از پایین بودن سطح بهره‌وری در بخش کشاورزی در کشور و استان نسبت به سطح جهانی و هدر رفت بسیاری از عوامل تولید در طول فرآیند کاشت، داشت و برداشت و پس از برداشت یاد می‌کند و کشاورزی سنتی و عدم آگاهی و سطح پایین اطلاعات در بین بهره‌برداران بخش کشاورزی استان کرمان و بیش‌تر از آن در جنوب استان را از مهم‌ترین موانع توسعه کشاورزی و افزایش بهره‌وری در این بخش می‌داند. وی کشاورزی سنتی، کوچک بودن اراضی کشاورزی، محدودیت منابع آب، الگوی کشت نامناسب، چگونگی تأمین نهاده‌های تولید و مشکل فروش محصولات تولیدی را از جمله مهم‌ترین چالش‌های کشاورزی جنوب استان عنوان کرده و ضمن پیشنهادات علمی و عملی برای بهبود فرآیند زنجیره تولید، فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منطقه را معرفی می‌کند.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه نمایید.

کرمان از سال‌ها پیش انجام مطالعات همه‌جانبه برای دستیابی به دانش فنی لازم و پر کردن جاهای خالی در این مسیر شروع کرده و این مطالعات در چند بخش برنامه‌ریزی و اجرا شده است:

- بررسی کارایی و معرفی سموم شیمیایی جدید با فناوری بالا، بی‌دوام، کم‌دوام، انتخابی و ایمن برای موجودات غیر هدف. باید توجه داشت حذف کامل سموم شیمیایی به‌صورت یک‌باره و در مورد همه آفات و بیماری‌ها روشی اصولی محسوب نمی‌شود. بلکه جایگزینی سموم پرخطر، بادوام و وسیع‌الطیف با فناوری قدیمی نظیر سموم فسفره، کاربامات، پائروتروئید و غیره با سموم جدید، حتماً یکی از نیازهای اصلی برنامه‌های تولید محصولات سالم (GAP) کشاورزی است که با تمرکز بر محصولات سبزی، صیفی و گلخانه‌ای همه‌ساله در این مرکز در حال اجرا است.

- بررسی کارایی و امکان کاربرد ترکیبات آفت‌کش غیر شیمیایی نظیر ترکیبات گیاهی و میکروبی. در این ارتباط نیز پروژه‌های متعدد در مورد به‌ویژه آفات و بیماری‌های محصولات سبزی و صیفی و حتی باغات مرکبات به انجام رسیده و یافته‌های مربوطه در نشریات علمی معتبر منتشر شده است.

♦ در زمینه اصلاح الگوی مصرف سموم و آفت‌کش‌ها که جهت سلامت مصرف‌کنندگان در بازارهای داخلی و خارجی از اهمیت زیادی برخوردار است و مسلماً در امر تقاضای داخلی و خارجی بسیار تأثیرگذار است، چه اقداماتی صورت گرفته و چه پروژه‌های پژوهشی مربوط به استفاده از روش‌های غیر شیمیایی برای کنترل آفات و کاهش مضرات آفت‌کش‌ها در برنامه است؟

موضوع سلامت محصولات تولیدی در بخش کشاورزی همواره از مباحث مهم و مورد توجه وزارت جهاد کشاورزی و به‌ویژه مؤسسات و مراکز علمی و پژوهشی ذی‌ربط بوده است. این فرآیند زمینه‌گسترده‌ای است که بخشی از آن نرم‌افزار کار یا همان مجموعه اطلاعات و دانش فنی لازم است که هرگونه اقدام در این مسیر باید با استفاده از این دانش انجام شود. مرکز تحقیقات کشاورزی جنوب کرمان (جیرفت) به‌عنوان تنها دستگاه پژوهشی تخصصی کشاورزی منطقه جنوب

مسائل زیست‌محیطی همواره یکی از بخش‌های غیرقابل چشم‌پوشی در کشاورزی است. اصولاً در دنیای امروز جایی برای عملیات کشاورزی مخرب یا متضاد با موضوعات زیست‌محیطی وجود ندارد. مباحثی نظیر خاک‌ورزی، عملیات مختلف داشت، مصرف نهاده‌های مختلف (کود و سم)، عملیات برداشت و غیره.

در ارتباط با مناسب‌ترین شیوه‌های مختلف کاشت نتایج مطالعات مختلف چه در این مرکز و چه در جاهای دیگر نشان می‌دهد که هر چه فرایند برهم زدن خاک و رفت‌وآمد تجهیزات و ماشین‌آلات در سطح مزرعه کمتر باشد، همان اندازه شرایط بهتر و مفیدتر خواهد بود. لذا توسعه شیوه‌های کاشت بی‌خاک‌ورزی و کم‌خاک‌ورزی به دلیل کاهش فوق‌العاده اثرات سوء فرسایش خاک، از بین بردن میکروارگانیزم‌های خاک، کاهش ظرفیت جذب آب در خاک، ایجاد لایه‌های سخت در خاک و تخریب ساختمان خاک از یک‌سو و نیز کاهش چشمگیر هزینه‌ها، مصرف سوخت و جلوگیری از اتلاف قابل توجه آب از سوی دیگر، یک ضرورت است. البته باید توجه داشت که اجرای این روش‌ها به وجود امکانات و تجهیزات لازم، آموزش و افزایش سطح آگاهی بهره‌برداران و کارشناسان، بافت و ساختمان خاک مزرعه و نیز نوع محصول مورد نظر برای کاشت، بستگی دارد و باید در هر مورد فرایند اجرایی و نیازها و ملزومات آن به‌طور دقیق دیده شود تا اجرای برنامه با موفقیت همراه باشد.

◆ ارزیابی شما از چگونگی بهره‌وری بخش کشاورزی استان کرمان چیست؟ استان از این جهت در چه رتبه‌ای از کشور قرار دارد؟

رشد و توسعه پایدار کشاورزی از مهم‌ترین اهداف هر کشوری است. از این‌روست که ارتقای کیفیت و کمیت محصولات تولیدی، خودکفائی در محصولات اساسی و بهبود فرایندهای تولید و به‌طورکلی افزایش بهره‌وری در دستور کار قرار دارد. در کشور ما به دلایل متعدد بهره‌وری بخش کشاورزی نسبت به سطح جهانی پایین‌تر است. در استان کرمان و همین‌طور جنوب استان، ما شاهد هدر رفت بسیاری از عوامل تولید در طول فرایند کاشت، داشت، برداشت و نیز مراحل پس از برداشت شامل انبارداری، بسته‌بندی و حمل‌ونقل و غیره هستیم که موجب کاهش بهره‌وری در این بخش در استان شده است.

کشاورزی سنتی، گرانی نهاده‌ها و وارداتی بودن بخش قابل توجهی از آن‌ها بخصوص بذور هیبرید سبزیجات و محصولات گلخانه‌ای، کودها و سموم و مواد مصرفی در مدیریت آفات، کوچک بودن اراضی که بخش مهمی از اراضی و باغات استان

• شناسایی دشمنان طبیعی بومی آفات مهم منطقه و دستیابی به دانش فنی تکثیر انبوه تجاری آن‌ها. جدیدترین مورد در این ارتباط، شناسایی سن شکارگر بید گوجه‌فرنگی از سطح مزارع گوجه‌فرنگی منطقه و تهیه و ارائه دانش فنی پرورش انبوه تجاری این حشره و انتشار در کتاب فناوری‌های تجاری‌سازی شده سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در سال ۱۳۹۶ است.

• مطالعه در مورد شیوه‌های کنترل رفتاری آفات مهم منطقه نظیر روش‌ها و چگونگی استفاده صحیح از انواع تله‌های فرمونی، نوری، نوری - فرمونی و طعمه‌ای در قالب پروژه‌های مختلف. به‌علاوه بررسی شیوه‌های پیش-آگاهی مناسب برای تعیین زمان شروع فعالیت و اوج خسارت و زمان اعمال روش‌های مبارزه با آفات مهم منطقه روی محصولات گلخانه‌ای، صیفی و باغی.

• بررسی روش‌های مصرف بهینه کودهای شیمیایی و کودهای دامی در محصولات مهم منطقه نظیر مرکبات، خرما، سیب‌زمینی، پیاز و محصولات گلخانه‌ای همراه با ارزیابی باقیمانده کودهای شیمیایی در محصولات مختلف.

نتایج حاصل از اجرای ده‌ها پروژه در این ارتباط در قالب چند پروژه پایلوت ترویجی در سال‌های ۹۵ تا ۹۷ در سطح منطقه با همکاری مدیریت ترویج جنوب استان کرمان، اجرا شد. از آن جمله روز مزرعه ملی جهت تولید محصولات سالم گلخانه‌ای که با ابلاغ و تأیید معاون وزیر جهاد کشاورزی به مدت ۶ ماه در گلخانه‌های این مرکز اجرا شده و محصولات تولیدی به بازار عرضه شده و با استقبال بسیار خوب مصرف‌کنندگان نیز همراه بود. به‌علاوه این پروژه به مدت یک هفته با حضور تیم محققان مجری برای مدیران و کارشناسان بخش اجرا و بهره‌برداران به‌صورت بازدید و ارائه کارگاه آموزشی تشریح شد.

همچنین در پروژه‌های دیگر با مشارکت بخش خصوصی و مدیریت ترویج جنوب کرمان، سیب‌زمینی سالم با گواهی موسسه استاندارد تولید و از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و روزهای مزرعه و نیز تهیه و پخش برنامه تلویزیونی از شبکه استانی، موضوع ارائه و معرفی شد. در سال گذشته نیز با مشاوره محققان این مرکز و کاربرد دانش فنی موجود، دو برنامه تولید مرکبات سالم با اخذ گواهی استاندارد برای سطح ۳۰۰ هکتار از باغات شرکت سهامی کشت و صنعت جیرفت و ۴۰ هکتار از نخلستان‌های منطقه با موفقیت انجام شد.

◆ کدام روش‌های کشت محصولات غالب استان کرمان به لحاظ زیست‌محیطی توصیه می‌شود؟

در ارتباط با

مناسب‌ترین

شیوه‌های

مختلف کاشت

نتایج مطالعات

مختلف چه در

این مرکز و چه

در جاهای دیگر

نشان می‌دهد

که هر چه فرایند

برهم زدن خاک

ورفت‌وآمد

تجهیزات و

ماشین‌آلات در

سطح مزرعه کمتر

باشد، همان

اندازه شرایط بهتر

و مفیدتر خواهد

بود.

رشد و توسعه
 پایدار کشاورزی از
 مهم‌ترین اهداف
 هر کشوری است.
 از این روست که
 ارتقای کیفیت و
 کمیت محصولات
 تولیدی،
 خودکفائی در
 محصولات
 اساسی و بهبود
 فرایندهای تولید
 و به‌طور کلی
 افزایش بهره‌وری
 در دستور کار قرار
 دارد. در کشور ما

به دلایل متعدد
 بهره‌وری بخش
 کشاورزی نسبت
 به سطح جهانی
 پایین‌تر است.
 در استان کرمان
 و همین‌طور
 جنوب استان، ما
 شاهد هدر رفت
 بسیاری از عوامل
 تولید در طول
 فرایند کاشت،
 داشت، برداشت
 و نیز مراحل
 پس از برداشت
 شامل انبارداری،
 بسته‌بندی و
 حمل‌ونقل و غیره
 هستیم که موجب
 کاهش بهره‌وری
 در این بخش
 در استان شده
 است.



توسعه کشاورزی و افزایش بهره‌وری در این بخش است. آموزش و ترویج یافته‌ها و فناوری‌های نوین و مؤثر در این حوزه راه‌کار برون‌رفت از این چالش است. در واقع با تقویت و توسعه آموزش و ترویج دانش نوین کشاورزی است که هم رونق کشاورزی و هم افزایش درآمد کشاورزان حاصل شده و در نتیجه کشاورزان انگیزه بیشتری برای اصلاح الگوی کشت، دستیابی و کاربرد دانش، فناوری و ابزارآلات جدید در فرایند تولید را پیدا کرده و این موضوع سبب افزایش بهره‌وری خواهد شد. در این راستا سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی با درک صحیح موضوع از سال ۱۳۹۴ با اجرای طرح نظام نوین ترویج و تأسیس شبکه دانش و تعیین کارشناسان پهنه و محققان معین در مراکز جهاد کشاورزی تلاش نموده تا با دقت و پشتکار بیشتری نسبت به آموزش و انتقال یافته‌های نوین علمی به سطح مزارع کمک کند. توسعه مزارع الگویی، ایجاد سایت‌ها و کانون‌های یادگیری از دیگر اقدامات در این راستا بوده‌اند که برای رسیدن به هدف نهایی باید تداوم و توسعه بیش از پیش داشته باشند.

حضور و حمایت از فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان و شتاب‌دهنده‌های تخصصی حوزه کشاورزی نیز می‌توانند سبب ایجاد فناوری‌های خلاقانه جدید، بومی‌سازی فناوری‌های خارجی و ورود این فناوری‌ها به مزارع و عرصه‌های تولید شود.

را شامل می‌شود و باعث کاهش ضریب نفوذ مکانیزاسیون و فناوری‌ها در کشاورزی استان شده، محدودیت شدید منابع آب استان و عدم تناسب الگوی کشت فعلی با شرایط و واقعیات اقلیمی و اکولوژیک منطقه، چالش‌های فراوان و دائمی کشاورزان در جهت خرید و فروش محصولات و دخالت بیش از حد دلالان که سود اصلی را آن‌ها به دست می‌آورند، عدم وجود برنامه و امکان عملی اجرای تنظیم سطح کشت محصولات و الگوی کشت متناسب با مزیت‌ها و شرایط منطقه، عدم توسعه قابل توجه برنامه‌های برندینگ، بسته‌بندی و مارکتینگ در بین کشاورزان و بالاخره عدم ایجاد و اعمال برنامه‌های قرنطینه آفات و بیماری‌های گیاهی که سبب ورود و گسترش آفات جدید و به دنبال آن افزایش هزینه‌های تولید، مصرف بی‌رویه سموم و کاهش کیفیت و استاندارد سلامت محصولات می‌شوند، همگی از دلایل پایین بودن بهره‌وری کشاورزی در استان و منطقه جنوب استان کرمان می‌باشند.

◆ فضای فناوری و نوآوری در کشاورزی استان چگونه است؟ برای تقویت نوآوری در کشاورزی چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهید؟

کشاورزی سنتی و عدم آگاهی و سطح پایین اطلاعات در بین بهره‌برداران بخش کشاورزی استان و به میزان بیشتری در جنوب استان کرمان یکی از مهم‌ترین موانع

◆ به نظر شما نیازها و چالش‌های موجود و نیز در حال ظهور در کشاورزی کدام هستند و برای مقابله با آن‌ها چه باید کرد؟

مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات کشاورزی استان و منطقه جنوب استان کرمان همان موانع و عوامل محدودکننده بهره‌وری کشاورزی هستند که در بالا به آن‌ها اشاره شد.

- کشاورزی سنتی و عدم استفاده از دانش روز و در حقیقت سطح پایین دانش و آگاهی بهره‌برداران و حتی کارشناسان. استمرار، توسعه و افزایش برنامه‌های آموزشی و ترویجی و هماهنگی سیاست‌های اجرایی و حمایتی با این موضوع راه‌کار برون‌رفت از این مشکل است. باید با آشنایی از تمامی شیوه‌های نوین آموزش و ترویج و بهره‌گیری از آن‌ها در هر منطقه متناسب با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی به ارتقاء سطح دانش و آگاهی کشاورزان پرداخت و همزمان سیاست‌های ترغیبی، تشویقی و حتی الزام‌آور در این مسیر اعمال نمود؛ به‌طور مثال منوط شدن پرداخت تسهیلات اجرای طرح‌های مختلف به طی دوره‌های آموزشی مربوطه و افزایش وزن و اهمیت دوره‌های آموزشی سپری شده کشاورزان در فرایندهای انتخاب کشاورزان نمونه سالانه.

- کوچک بودن اراضی کشاورزی و پایین بودن ضریب نفوذ مکانیزاسیون و فناوری. تلاش در جهت تشویق و ترغیب کشاورزان خرد به تجمیع مزارع با حفظ مالکیت افراد و ایجاد مجتمع‌های بزرگ که امکان لازم برای به‌کارگیری تجهیزات و فناوری‌های نوین را داشته باشند.

- محدودیت منابع آب و آب بر بودن محصولات کشت شده. برای رفع این چالش لازم است پاره‌ای اقدامات در دستور کار باشد:

* تغییر و بازنگری در الگوی کشت متناسب با شرایط اقلیمی، آب‌وخاک مناطق مختلف و با لحاظ تمامی خصوصیات اکولوژیک، اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی.

* مدیریت منابع آب از طریق توسعه شبکه‌های آبرسانی؛

به‌طور مثال زیر سد جیرفت، خودداری از ایجاد بندهای متعدد روی تنها رودخانه دائمی منطقه (هلیل) که شاهراه تغذیه آبی منطقه جنوب استان کرمان است، مدیریت چاه‌های بدون مجوز و مدیریت مصرف چاه‌های دیگر با نصب کنتور متناسب با میزان واقعی نیاز آبی محصول مورد کشت.

* توسعه شیوه‌های نوین آبیاری متناسب با شرایط هر منطقه، آموزش لازم بهره‌برداران در استفاده و نگهداری از این شبکه‌ها و رفع مشکلات آن‌ها.

* تأمین نهاده‌های تولید. امروزه بخش مهمی از عوامل تولید به‌ویژه بذر محصولات سبزی و صیفی و گلخانه‌ای، کود، ماشین‌آلات و تجهیزات و همین‌طور مواد مؤثر آفت‌کش‌ها با صرف هزینه‌های زیاد از خارج تأمین می‌شود. نوسانات قیمت این موارد متناسب با تغییرات قیمت ارز بار سنگینی بر هزینه‌های بهره‌برداران تحمیل کرده و از عوامل مهم کاهش بهره‌وری است. تلاش در جهت تأمین این موارد از طریق سرمایه‌گذاری در بخش‌های علمی و تحقیقاتی اجرای پروژه‌های تحقیقاتی لازم برای دستیابی دانش فنی مربوطه، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و هسته‌های فناور به‌خصوص در شرایط فعلی تحریم‌ها و حتی بدون آن‌ها نیز علاوه بر رفع این موارد موجب ایجاد اشتغال و رشد و تعالی بیشتر بخش کشاورزی خصوصاً در بین قشر عظیم تحصیل کرده و جویای کار بخش کشاورزی در کشور خواهد شد.

* فروش محصولات تولیدی. این مشکل همه‌ساله یکی از چالش‌هایی است که در حلقه نهایی فرایند تولید، همچون آب سردی بر پیکر داغ کشاورزان سبب فروپاشی زنجیره تولید و خسارت فراوان به منافع ملی و هدر رفتن بخش عظیمی از آب و منابع تولید و غیره می‌شود. برنامه‌ریزی‌های منسجم در سطوح ملی و منطقه‌ای متناسب با فصل و آمایش سرزمینی و همچنین بر اساس نیازسنجی‌های علمی از یک‌سو و اعمال الگوی کشت متنوع، تسهیل صادرات، توسعه صنایع تبدیلی حتی به‌صورت سیار و غیر ساکن، تسهیل ورود و عرضه محصولات به بازار سرمایه می‌توانند راه‌حل یا بخشی از راه‌حل باشند.

◆ بر اساس یافته‌های پژوهشی در مرکز تحقیقات کشاورزی استان چه توصیه‌های علمی و عملی برای ارتقاء بهره‌وری کشاورزی استان به‌ویژه با نگاه هوشمند به اقلیم جهت بهره‌برداری کشاورزان ارائه می‌نمایید؟

بهبود فرایندهای زنجیره تولید در تمام مراحل کاشت، داشت، برداشت، اصلاح الگوی کاشت و بررسی و معرفی محصولات



سازگار با شرایط اقلیمی جدید به‌ویژه گیاهان دارویی که از پتانسیل‌های جنوب استان است، پایش منابع آب کشاورزی منطقه و بررسی راه‌کارهای مختلف بهبود کیفیت محصولات تولیدی به‌ویژه از دیدگاه شاخص‌های سلامت محصول از مهم‌ترین رؤس برنامه‌های پژوهشی این مرکز طی سالیان گذشته بوده است.

بر اساس نتایج این مطالعات تغییر در نوع پایه‌های مرکبات در مناطق کوهستان و دشت، تغییر در الگوی کاشت باغات مرکبات و خرما متناسب با شرایط اقلیمی جدید، انجام پژوهش‌های لازم و تهیه اطلاعات مورد نیاز برای معرفی گیاهان زراعی و دارویی جدید شامل کنجد، زعفران، سورگم، ارزن، ملون‌ها، بادام‌زمینی، چغندرقد، آفتابگردان، کلزا، حنا و کینوا برای جایگزینی گیاهان سنتی و پرمصرف نظیر ذرت در قالب الگوی کاشت جدید برای منطقه. جایگزینی ارقام خرمای خشک و نیمه‌خشک مطالعه شده در منطقه به‌جای رقم مضافتی که به‌شدت به خشکیدگی خوشه خرما حساس است، معرفی منابع و میزان بهینه کودهای شیمیایی و دامی در محصولات مختلف شامل خرما، مرکبات، سیب‌زمینی، پیاز، خیار و توت‌فرنگی، با هدف دستیابی به محصول سالم و استاندارد. معرفی سموم شیمیایی مناسب و تعیین زمان مناسب کاربرد آن‌ها برای کنترل آفات و بیماری‌های مهم منطقه با لحاظ مسائل زیست‌محیطی و بهداشتی و سلامت محصول. معرفی روش‌های پایش جمعیت و تعیین زمان مبارزه با آفات و همین‌طور روش‌های کنترل غیر شیمیایی آن‌ها. تعیین میزان آب مصرفی تمامی محصولات مورد کشت در منطقه (زراعی باغی، گلخانه‌ای). انجام مطالعات برای تولید بذور هیبرید فلفل و گوجه‌فرنگی گلخانه‌ای که تا پایان ۱۴۰۱ به نتیجه نهایی خواهند رسید.

◆ با نگاه علمی، فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی استان را معرفی نمایید.

با توجه به شرایط اقتصادی کشور و موضوع تحریم‌ها و نوسانات قیمت ارز و به دنبال آن افزایش شدید قیمت بذور هیبرید محصولات سبزی و صیفی، موضوع تولید این نهاده در داخل کشور که سابقاً به دلیل هزینه‌های کمتر، واردات آن‌ها ترجیح داده می‌شد، اکنون کاملاً اقتصادی و توجیه‌پذیر است. لذا سرمایه‌گذاری در این عرصه که با حمایت دولت نیز همراه است، به‌عنوان یک میدان بسیار جذاب محسوب می‌شود که هم منافع اقتصادی و هم منافع ملی را در پی خواهد داشت. موضوع دیگری که می‌تواند از چشم‌انداز خوبی برای سرمایه‌گذاری برخوردار باشد موضوع تولید نهال‌های خرما از

ارقام خاصی که کارایی و سازگاری آن‌ها در منطقه مورد تأیید قرار گرفته و با اقبال بسیار خوب در بازارهای بین‌المللی روبرو شده‌اند، می‌باشد. در حال حاضر بزرگ‌ترین مانع در مسیر توسعه کشت این ارقام نظیر کلوته، مجول و بیارم، تأمین نهال است. سرمایه‌گذاری در تولید این موارد چه از طریق کشت بافت و یا روش‌های معمول، ممکن و جذاب به نظر می‌رسد.

◆ تاکنون چه همکاری‌هایی با شرکت‌های دانش‌بنیان بخش کشاورزی داشته‌اید و یا در برنامه دارید؟ اصولاً چشم‌انداز جایگاه فعالیت‌های دانش‌بنیان در کشاورزی استان را چگونه می‌بینید؟

بر اساس سیاست‌های ابلاغی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، یکی از وظایف تمامی مؤسسات و مراکز پژوهشی ذی‌ربط ایجاد مراکز رشد واحدهای فناور کشاورزی و حمایت از هسته‌ها و شرکت‌های فناور در حوزه کشاورزی است. مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی جنوب استان کرمان (جیرفت) نیز در سال ۱۳۹۵ با عقد تفاهم‌نامه همکاری مشترک با پارک علم و فناوری استان، اقدام به تأسیس مرکز رشد تخصصی در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی نمود. بر این اساس تعدادی ایده و درخواست حمایت به این مرکز وارد شده که پس از بررسی و داوری ایده‌ها به تعدادی از آن‌ها که مورد تأیید مرکز و پارک بودند خدمات ارائه شد. از بین موارد وارد شده به مرکز رشد، دو مورد به ثبت شرکت و تولید محصول رسیده و یک مورد از آن‌ها توانست در زمینه زیست-فناوری با تأیید معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۶ رتبه دانش‌بنیانی به دست آورد.

تمام فعالیت‌های این شرکت شامل استفاده از امکانات آزمایشگاهی، گلخانه‌ای و مزرعه‌ای توسط این مرکز تأمین و مورد حمایت قرار گرفت. در ادامه این شرکت با عقد قراردادی وظیفه تولید و تجاری‌سازی دو مورد دانش فنی تولید شده توسط محققان این مرکز را برعهده گرفت. بیشترین فعالیت این شرکت در زمینه پرورش و تکثیر انبوه سن شکارگر بید گوجه‌فرنگی و نیز تولید خیار گلخانه‌ای ارگانیک بوده است. مرکز رشد واحدهای فناور این مرکز با برخورداری از فضای مناسب اداری و با حمایت کامل مجموعه پژوهشی مرکز تحقیقات، آمادگی لازم برای در اختیار قرار دادن امکانات مختلف جهت توسعه ایده‌های فناورانه و خلاقانه صاحبان ایده را دارد و در سال جاری نیز درصد است با همکاری پارک علم و فناوری استان و سایر نهادهای منطقه، نسبت به راه‌اندازی یک استارت‌آپ در حوزه کشاورزی اقدام نماید. ◆

با توجه به شرایط اقتصادی کشور و موضوع تحریم‌ها و نوسانات قیمت ارز و به دنبال آن افزایش شدید قیمت بذور هیبرید محصولات سبزی و صیفی، موضوع تولید این نهاده در داخل کشور که سابقاً به دلیل هزینه‌های کمتر، واردات آن‌ها ترجیح داده می‌شد، اکنون کاملاً اقتصادی و توجیه‌پذیر است. لذا سرمایه‌گذاری در این عرصه که با حمایت دولت نیز همراه است،



چالش شوری آب و خاک و تاثیر آن بر کاهش درآمد کشاورزان



و تهدیدات بالقوه ناشی از آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

اهمیت شوری در جهان

گفته می‌شود که نابودی تمدن سومریان در بین‌النهرین (Mesopotamia) در ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به دلیل وقوع پدیده شوری بوده است (Jacobsen and Adams: ۱۹۵۸). تنش‌های مختلف محیطی یعنی بادهای شدید،

♦ مرتضی عرب

مدیرعامل اتحادیه شرکت‌های تعاونی تولید کرمان

یک سیستم کشاورزی پایدار و ایده‌آل، سیستمی است که سلامت انسان را حفظ و بهبود بخشد، از نظر اقتصادی و معنوی به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سود برساند، از محیط‌زیست محافظت کرده و به‌اندازه کافی مواد غذایی برای جمعیت در حال افزایش جهان تولید کند. امنیت غذایی جوامع به‌شدت در پیوند با امنیت زیست‌محیطی آنهاست. در این میان کمیت و کیفیت آب‌و خاک یکی از پایه‌های خودکفایی کشور در تولیدات کشاورزی است. اساساً بخش کشاورزی، امنیت و سلامت جامعه، اشتغال و معیشت درصد بالایی از جامعه را تحت تأثیر دارد که خود پیوند سراسری با خاک و آب دارد. آغاز قرن بیست و یکم با کمبود جهانی منابع آب، آلودگی محیط‌زیست و افزایش شور شدن خاک و آب مشخص شده است. در این نوشتار به‌طور مختصر جنبه‌های مختلف موضوع شوری آب‌و خاک

چالش‌های موجود، راهکارهایی در این زمینه برای تحقیقات آینده پیشنهاد شده است.

بیشتر تحقیقات شوری انجام شده در ایران روی گندم و پس از آن کلزا، حبوبات و برنج انجام گرفته است. در پژوهشی که در دشت قزوین انجام پذیرفت، نتایج گویای این امر بود که شوری خاک باعث کاهش عملکرد محصولات استراتژیک زراعی شامل گندم، جو، یونجه، سیب‌زمینی و گوجه‌فرنگی به میزان ۲۲، ۲۰، ۴۰، ۵۰ و ۲۷ درصد گردیده است. بنابراین سوء مدیریت طی سال‌های گذشته موجب تشدید شوری بیشتر خاک‌ها شده و این عامل موجب کاهش عملکرد محصول گردیده است.

نقش چالش شوری در استان کرمان

از مجموع سطح زیر کشت باغات استان، ۵۹٫۲ درصد به کشت پسته، ۱۴٫۰۷ درصد به کشت خرما و ۸٫۹۶ درصد به کشت مرکبات اختصاص دارد؛ بنابراین اهمیت بررسی تأثیر شوری بر این محصولات، بیانگر تهدیدات بالقوه بر کشاورزی استان می‌باشد.

۱- شوری و پسته

محصول پسته بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی پسته کاران تأثیرگذار بوده است؛ به گونه‌ای که کشت پسته از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، شاخص‌هایی مانند افزایش میزان پس‌انداز در بانک، بهبود وضعیت مسکن، بهبود شرایط رفاهی خانوار، ایجاد درآمد بالا، خرید وسایل نقلیه، آموزش و افزایش تولید را ارتقا بخشیده است.

به‌طور کلی پسته یک گیاه متحمل به شوری است، ولی میزان عملکرد این گیاه در شوری‌های بالا شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش می‌یابد. به‌منظور بررسی تأثیر مصرف آب‌های شور بر خاک و گیاه یک سری مطالعات با استفاده از تیمارهای مختلف مدیریتی بر روی درختان پسته رقم فندق در کشت و صنعت فتح کرمان وابسته به مجتمع اقتصادی کمپنه امداد خمینی (ره) واقع در بخش مرکزی شهرستان کرمان به اجرا درآمد. نتایج نشان می‌دهد که مصرف آب چاه‌های با شوری کم به‌طور میانگین در دو سال حدود ۴۵ درصد افزایش عملکرد تولید محصول داشته است.

۲- شوری و خرما

خرما یکی از محصولات مهم و استراتژیک کشور است، به‌طوری که بر اساس آمار سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (FAO، ۲۰۱۳) ایران با سطح زیر کشت بارور ۱۶۳ هزار هکتار و تولید حدود ۱٫۱ میلیون تن خرما در سال، به ترتیب رتبه سوم و دوم را در دنیا به خود اختصاص داده

شوری خاک، خشکسالی و سیل بر تولید و کشت محصولات کشاورزی تأثیر گذاشته است. در این میان شوری خاک یکی از مخرب‌ترین استرس‌های زیست‌محیطی است که باعث کاهش عمده در سطح زمین‌های زیر کشت، بهره‌وری و کیفیت محصول می‌شود (Yamaguchi و بلوموالد، ۲۰۰۵؛ شهباز و اشرف، ۲۰۱۳). شوری یکی از وحشیانه‌ترین عوامل محیطی است که باعث کاهش بهره‌وری گیاهان زراعی و باغی می‌شود زیرا بیشتر گیاهان به شوری ناشی از غلظت زیاد نمک در خاک حساس هستند و سطح زمین‌های تحت‌تأثیر آن روزبه‌روز در حال افزایش است. شوری آب‌و‌خاک به‌طور روزافزون تهدید جدی برای کشاورزی در مناطق خشک و نیمه‌خشک مانند ایران محسوب می‌شود. تنش شوری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش تولیدات کشاورزی بیش از حدود ۱۰۰ سال است که موضوع بسیاری از تحقیقات جهانی بوده است.

تنش‌های محیطی به‌طور کلی حدود ۷۱ درصد از عملکرد گیاهان زراعی را کاهش می‌دهند که در این میان تنش گرمایی ۱۵ درصد، تنش سرمایی ۴۰ درصد، تنش خشکی ۱۷ درصد و تنش شوری ۲۰ درصد برآورد شده است (Ashraf and Harris; ۲۰۰۵). در حال حاضر حجم قابل توجهی از منابع آبی جهان متأثر از شوری می‌باشد. از طرفی یکی از عوامل مهم در شور شدن خاک نیز استفاده از منابع آبی شور می‌باشد. نتایج قریب به اتفاق مطالعات شوری نشان می‌دهد بالا بودن مقدار نمک در خاک عملکرد گیاهان باغی و زراعی را به شدت کاهش می‌دهد.

چالش شوری در ایران

کشور ایران پس از هند و پاکستان با دارا بودن حدود ۶٫۸ میلیون هکتار اراضی شور در صدر کشورهای در معرض تهدید از نظر تنش شوری محسوب می‌گردد (Vashev; ۲۰۱۰). در این ارتباط، فاموری و همکاران (۱۹۶۴) گزارش کردند که اراضی شور در ایران حدود ۱۲/۵ درصد از کل مساحت کشور را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر سطح کل اراضی زیر کشت ایران حدود ۷/۳ میلیون هکتار و سطح کل اراضی مبتلا به درجات مختلف شوری خاک، آب و یا هر دو حدود ۳/۵ میلیون هکتار برآورد شده است (Banaei و همکاران، ۲۰۰۴). از طرفی حجم آب‌های شور در کشور قابل توجه می‌باشد. در این ارتباط (شیععی و همکاران، ۱۹۹۸) گزارش کردند که از مجموع ۱۰۰ میلیارد مترمکعب منابع آبی کشور، حدود ۱۱ میلیارد مترمکعب دارای شوری قابل توجه می‌باشد. در این گزارش با استناد به مقالات منتشر شده در مهم‌ترین مجلات علوم کشاورزی داخلی و خارجی ضمن اشاره به

تنش‌های محیطی

به‌طور کلی حدود

۷۱ درصد از

عملکرد گیاهان

زراعی را کاهش

می‌دهند که در

این میان تنش

گرمایی ۱۵ درصد،

تنش سرمایی

۴۰ درصد، تنش

خشکی ۱۷ درصد

و تنش شوری ۲۰

درصد برآورد شده

است. در حال

حاضر حجم قابل

توجهی از منابع

آبی جهان متأثر از

شوری می‌باشد.

از طرفی یکی از

عوامل مهم در

شور شدن خاک

نیز استفاده از

منابع آبی شور

می‌باشد. نتایج

قریب به اتفاق

مطالعات شوری

نشان می‌دهد

بالا بودن مقدار

نمک در خاک

عملکرد گیاهان

باغی و زراعی را

به شدت کاهش

می‌دهد.

است. در این ارتباط (Al-Rokibah و همکاران، ۱۹۹۸) با مقایسه وضعیت رشد ده رقم نهال شش ماهه خرما پس از آبیاری با آب دارای شوری ۱۲٫۹ دسی زیمنس بر متر به مدت سه ماه، دریافته‌اند که ارتفاع و وزن تر در اکثر نهال‌ها نسبت به آب آبیاری ۱٫۴ دسی زیمنس بر متر کاهش داشته است.

۳- شوری و مرکبات

مرکبات جزو گیاهان حساس به شوری هستند. درختان مرکبات در اثر شوری دچار کاهش رشد رویشی، نوک سوزی برگ‌ها، کاهش شدید عملکرد، ریزی میوه و گاهی ترکیب‌های چند قسمتی (اسپلیتینگ) در انتهای میوه می‌شوند (Gomes و همکاران، ۲۰۰۳) این در حالی است که مناسب‌ترین آب از نظر شوری برای آبیاری مرکبات آبی است که شوری آن کمتر از ۱۳۰۰ میکروزیمنس بر متر باشد. تنش شوری یکی از عوامل محدودکننده رشد در محصولات کشاورزی است که خسارات فراوانی به کشت و کار و عملکرد این محصولات وارد می‌سازد. راهکارهای متعددی به منظور استفاده از آب‌های شوری در کشاورزی و کاهش خسارت شوری توصیه شده است که از جمله می‌توان به ایجاد زهکش مناسب، استفاده از ارقام مقاوم اشاره نمود.

طرح مسئله

توسعه، فرآیندی پیچیده و چندبعدی و مستلزم اعمال تغییرات در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر است که این ویژگی‌ها در زمینه توسعه کشاورزی مناطق روستایی هم صادق می‌باشد. طی چند دهه گذشته درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت بخش عمده‌ای از درآمد ارزی کشور را شامل می‌شود و اقتصاد کشور نیز تقریباً به طور کامل از روند صادرات نفت تبعیت نموده و با نوسانات آن دچار بحران می‌شود. از آنجا که نفت عمده‌تاً یک کالای سیاسی محسوب می‌شود تا یک کالای اقتصادی، پیش‌بینی درآمدهای ایجاد شده ناشی از صادرات این محصول همواره با درآمدهای حاصل از فروش آن تفاوت فاحشی داشته و دارد؛ به این علت راهکارهایی که بتواند این وابستگی را کاهش دهند بسیار مهم می‌باشند. تنها راه گریز از وابستگی به درآمدهای نفتی، خروج از شرایط اقتصاد تک‌محصولی می‌باشد که کاهش مداوم درآمدهای نفتی و پیش‌بینی کاهش صادرات نفت ملی در سال‌های آینده به علت افزایش تقاضای داخلی، توسعه صادرات غیرنفتی را بسیار ضروری کرده است.

در بین کالاهای صادراتی، صادرات محصولات کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در حال حاضر نیز بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی را شامل می‌شود. بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است. از طرفی بر اساس تمامی مطالب ذکر شده، شوری آب‌و خاک به همراه خشک‌سالی یکی از تهدیدات جدی بخش کشاورزی و نیل به سمت اقتصاد غیرنفتی می‌باشد که در صورتی چاره‌ای برای رفع آن اندیشیده نشود می‌تواند عواقب سنگینی برای اقتصاد آسیب‌دیده کشور داشته باشد.

به‌طور کلی

پسته یک گیاه

متحمل به شوری

است، ولی میزان

عملکرد این گیاه

در شوری‌های

بالا شدیداً تحت

تأثیر قرار گرفته و

کاهش می‌یابد.

به‌منظور بررسی

تأثیر مصرف

آب‌های شور بر

خاک و گیاه یک

سری مطالعات

با استفاده از

تیمارهای مختلف

مدیریتی بر روی

درختان پسته رقم

فندقی در کشت و

صنعت فتح کرمان

وابسته به مجتمع

اقتصادی کمیته

امداد خمینی (ره)

واقع در بخش

مرکزی شهرستان

کرمان به اجرا

درآمد. نتایج

نشان می‌دهد

که مصرف آب

چاه‌های با شوری

کم به‌طور میانگین

در دو سال حدود

۴۵ درصد افزایش

عملکرد تولید

محصول داشته

است.

تهدیدات

همچنین کاهش عملکرد در واحد سطح و به طبع آن کاهش درآمد کشاورزان منجر به مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به شهرها، بیکاری فزاینده و خصوصاً بیکاری پنهان، تشدید فقر و درنهایت به مخاطره افتادن امنیت غذایی می‌شود. بخش کشاورزی به اعتبار شاخص‌های اقتصادی مهمی چون رشد مستمر تولید و بازدهی مطلوب سرمایه، ارزآوری، سهم بالا در اشتغال و نقش مهم آن در تأمین مواد غذایی، در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی کشور، قابلیت مشهور است که می‌توان آن را به درستی، محور توسعه اقتصادی کشور قلمداد کرد. در این ارتباط (ایزر و همکاران، ۲۰۰۳) نشان می‌دهند که ۱۰ درصد افزایش برداشت محصول به کاهش بین ۶ تا ۱۰ درصد از فقر مردمی منجر خواهد شد که کم‌تر از ۱ دلار در روز درآمد دارند.

چالش‌ها و راهکارها

به نظر می‌رسد که عدم برنامه راهدردی مشخص، کمبود اعتبارات، فقدان فعالیت‌های گروهی و اطلاعات ناکافی از مفاهیم شوری از مهم‌ترین چالش‌ها در تحقیقات شوری در ایران است.

بدون شک یکی از دلایل اصلی تأسیس مرکز ملی تحقیقات شوری در سال ۱۳۷۹ انسجام دادن به فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه بوده است. خوشبختانه این مرکز با تصویب برنامه راهدردی به طور خاص تحقیقات شوری در کشور را دنبال می‌کند. از مهم‌ترین راهکارهایی که در جهت کاهش اثرات سوء شوری آب‌و خاک می‌توان پیشنهاد داد شامل:

- ۱- توسعه انواع گیاهان مقاوم به تنش از طریق مهندسی ژنتیک و اصلاح نباتات ضروری است،
- ۲- انتخاب گیاهان مناسب برای شرایط شور و کارایی مصرف آن و تحقیق درباره مرحله سبز شدن و استقرار بوته به عنوان یک مرحله حساس شوری می‌تواند به عنوان

- محصولات استراتژیک خرما و پسته در استان کرمان، همایش ملی علوم مهندسی آب و فاضلاب، کرمان.
- 3- Al-Rokibah, A.A., Abdalla, M.Y. and Fakharani, Y.M. 1998. Effect of water salinity on Thielaviopsis paradoxa of growth of date palm seedling. Journal of King Saud University, 10(1): 55-63
- 4- Ashraf, M. and P. J. C. Harris. 2005. Abiotic Stresses: Plant Resistance through Breeding and Molecular Approaches. Haworth Press, New York, USA
- 5- Banaei, M. H., A. Moameni, M. Baybordi and M. J. Malakouti. 2004. Iran Soils: New transformations in the identification, management and operation. Soil (and Water Research Institute, Tehran. (In Persian
- 6- FAO, 2012. FAO Statistical Year Book 2012, World Food and Agriculture. Food and Agriculture Organization of the United Nation, Rome, p. 366
- 7- Gomez C.A., Arbona V., Jacas J., Primo-Millo E., and Talon M. 2003. Abscisic acid reduces leaf abscission and increases salt tolerance in citrus plants. Journal of Plant Growth Regulator, 21:234-24
- 8- Jacobsen, T. and R. M. Adams. 1958. Salt and silt in ancient Mesopotamian agriculture. Sci. 128: 1251-1258
- 9- Vashev, B., T. Gaiser, T. Ghawana, A. de Vries and K. Stahr. 2010. Biosafor Project Deliv- erable 9: Cropping Potentials for Saline Areas in India, Pakistan and Bangladesh. University of Hohenheim, Hohenheim, Germany

راهکارهای کاربردی برای بهبود عملکرد گیاهان زراعی در شرایط شور مورد استفاده قرار گیرد.

۳- اجرای تحقیقات شوری در مزرعه به جای آزمایش‌ها در محیط کنترل شده و گلخانه،

۴- اعطای وام و تسهیلات کم‌بهره به کشاورزان آسیب‌دیده از شوری آب‌وخاک،

۵- برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کشاورزان و توجیه آن‌ها برای نحوه استفاده از منابع آبی و خاکی در شرایط شور،

۶- وجود تعاونی‌ها و حمایت‌های آنان از بخش‌های آسیب‌دیده و سرمایه‌گذاری در زمینه فرآوری محصول،

۷- خرید تضمینی محصولات تولیدی در مناطقی که از آب‌وخاک شور و راندمان پایینی برخوردار هستند.

نتیجه‌گیری

با عنایت به موارد توضیح داده شده باید گفت «شوری آب‌وخاک درمان قطعی ندارد» لذا باید این نگرش در بخش کشاورزی کشور حاکم گردد که آب‌وخاک کالاهای یکبار مصرف نیستند و به منظور کشاورزی پایدار باید از منابع موجود برای تولید محصول با حداقل اثرات منفی محیط‌زیستی از جمله شوری بهره جست. ♦♦

منابع

- ۱- رجیبی، مرتضی، ۱۳۹۰، آبیاری با آب شور و مدیریت مصرف آب‌های شور در باغات پسته، یازدهمین سمینار سراسری آبیاری و کاهش تبخیر، کرمان.
- ۲- غلامحسین پور جعفری نژاد، ابوالفضل و علیزاده، امین و نشاط، علی، ۱۳۹۱، بررسی و تحلیل میزان آب مجازی





گفت‌وگو با «علی اسماعیلی» مدیرعامل شرکت پنگان الکترونیک، تولیدکننده تجهیزات ابزار دقیق

تمرکز بر تقویت داشته‌ها و نقاط قوت

بارزترین نقطه مشترک کارآفرینان، تمرکز بر نقاط قوت خود و پشتکار هوشمندانه و ردیابی مداوم ایرادات به منظور رفع آنهاست. توجه به اهداف همراه با چشم‌پوشی از سودهای کوتاه‌مدت خارج از مسیر تعریف شده، می‌تواند یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های هر سازمان باشد. اعتماد به سازنده داخلی و بهبود کیفیت محصول موجب فزونی حجم سفارشات، بر میزان تولیدمان گردیده و مشکلی که در حال حاضر وجود دارد، تأمین نقدینگی و تجهیزات تولید است. انتظارمان تداوم اعتماد مردم و حکومت به تولیدکنندگان داخلی است. متن کامل گفت‌وگوی ما با علی اسماعیلی، کارآفرین کرمانی را در ادامه می‌خوانید.

◆ مختصری از رزومه تحصیلی، کاری و تجربی خود را بیان نمایید.

بنده علی اسماعیلی متولد سال ۱۳۶۳ در کرمان هستم. تحصیلات من در رشته الکترونیک از مقطع فوق‌دیپلم در دانشکده فنی و حرفه‌ای شهید چمران کرمان آغاز و تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد تهران جنوب ادامه یافت. هرچند که همیشه در دوران تحصیلی خود چه در دانشگاه و چه در مقاطع تحصیلی قبل از آن از کوچک‌ترین فرصتی برای کسب تجربه‌های شغلی در شرکت‌ها و کسب‌وکارهای مرتبط با حوزه تحصیلی خود غافل نمی‌شدم، اما دوران شغلی حرفه‌ای من از سال ۸۶ از یکی از کارخانجات زیرمجموعه فولاد با مسئولیت سرپرستی در زمینه برق، کنترل و ابزار دقیق آغاز گردید. مسیر شغلی من از سال ۸۷ با تأسیس شرکت پنگان الکترونیک رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت. با توجه به فعالیت همزمان در دو موقعیت شغلی که متعهد بودن به هر دو مستلزم صرف زمان زیادی در طول روز بود، منجر به تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب مسیر شغلی اصلی خود در سال ۱۳۹۰ و استعفا از یک شغل دولتی و فعالیت جدی در شرکت تازه تأسیس خود در حوزه ابزار دقیق شد.

◆ در خصوص چگونگی شروع فعالیت اقتصادی که انجام می‌دهید توضیح دهید.

فعالیت در حوزه ابزار دقیق در یکی از کارخانجات صنعتی بزرگ کشور به‌ویژه آن‌که خوشبختانه تجربه‌های قبل، حین و بعد از بهره‌برداری از آن را به همراه داشت، باعث شد تا با چالش‌ها و خلأهای واقعی در حوزه ابزار دقیق که صنایع بزرگ با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بیشتر آشنا شده و با انگیزه‌ای مضاعف به سمت کارآفرینی در این حوزه سوق پیدا کنم. تجهیزات ابزار دقیق همان‌طور که از نام آن پیداست تجهیزاتی هستند که جهت اندازه‌گیری دقیق و مطمئن پارامترهای فیزیکی مانند فشار، دما، جریان و ... و نمایش آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند که نتیجه آن کنترل فرایند اجرایی در یک پروسه می‌باشد. با توجه به این‌که عملکرد نامناسب و غیردقیق این تجهیزات می‌تواند تبعات مالی و جانی بزرگی به همراه داشته باشد، اهمیت آن‌ها را در صنایع مختلف بسیار زیاد کرده است؛ بنابراین اولین مشکلی که در شروع فعالیت در این حوزه با آن مواجه شدیم، ترغیب صنایع و کارخانجات جهت استفاده از محصولات ما در پروسه‌های خود و در کل اعتماد برای اولین بار به یک محصول کاملاً ایرانی و بومی شده در حوزه ابزار دقیق بود. هرچند که ما با مشکلات دیگری مانند تأمین سرمایه اولیه طراحی، نمونه‌سازی و تولید هر محصول مواجه بودیم، اما ورود به بازار جدی‌ترین چالش ما بود که با سناریوهای مختلف برای هر مشتری مانند نصب پایلوت، در معرض قیاس قرار دادن با نمونه‌های خارجی و نصب در فرایندهای کمتر حساس، سعی بر مرتفع کردن آن‌ها داشتیم.

کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت متناسب با شرایط صنعت خود تعریف کند. این اتفاق زمانی به‌صورت عملی برای یک بنگاه اقتصادی رقم می‌خورد که تمرکز آن همیشه بر به‌روز نگه‌داشتن محصولات و خدمات خود جهت تطبیق‌پذیری هر چه بیشتر با نیازهای مشتری و استقلال در انتخاب مسیر دلخواه می‌باشد؛ بنابراین توجه به اهداف همراه با چشم‌پوشی از سودهای کوتاه‌مدت خارج از مسیر تعریف شده، می‌تواند یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های هر سازمانی باشد.

◆ چه اهداف بزرگی را برگزیده‌اید؟

ایجاد اشتغال پایدار، رفع گوشه‌ای از نیاز صنایع داخل کشور در کوتاه‌مدت و ورود به بازارهای جهانی در بلندمدت از جمله اهدافی است که برای سازمان خود تعریف کرده‌ایم.

◆ تاکنون چه میزان به هدف‌هایتان رسیده‌اید؟

خوشبختانه در حال حاضر با اعتماد صورت گرفته به محصولات ما، موفق به رفع برخی نیازهای بحرانی از صنایع داخلی شده‌ایم که خود حاصل ایجاد دانشی بنیادی در محصولات شرکت در سال‌های گذشته و ایجاد اشتغالی پایدار بوده است و باور داریم که در آینده‌ای نه‌چندان دور نام کشور عزیزمان در سایر کشورها در این حوزه به خوش‌نامی خواهد درخشید.

◆ چه می‌شود که به هدف‌هایمان نمی‌رسیم؟

فرایند هدف‌گذاری از مرحله انتخاب هدف تا محقق شدن آن نیازمند به‌کارگیری اصول علمی و استاندارد است که معمولاً با ساده‌نگری از روی آن‌ها عبور می‌کنیم. خیلی وقت‌ها توجه به چند پارامتر ساده مانند مشخص کردن وضعیت فعلی و تعیین منابع موردنیاز اجرایی شدن هدف، ما را به‌سادگی به اهدافمان نزدیک می‌کند، اما بیشتر

◆ در مورد چگونگی وضعیت صنعت مورد عمل شما در کشور و استان توضیح دهید.

اهمیت تجهیزات ابزار دقیق برای صنایع مختلف مانند صنایع آب و فاضلاب، صنایع فولاد و معدنی، پتروشیمی و در کل کارخانجات در حدی است که عملاً ادامه حیات و رقابت‌پذیری آن‌ها را شدیداً تحت تأثیر قرار خواهد داد. همچنین با توجه به این‌که معمولاً این تجهیزات از جمله اقلام وارداتی و حتی تحریمی کشور هستند، دارای قیمت تمام شده و خدمات پس از فروش بسیار بالایی می‌باشند؛ بنابراین تأمین آن‌ها یکی از دغدغه‌های اصلی صنایع در استان و کشور می‌باشد. البته استان کرمان به‌رغم بهره‌گیری از معادن غنی خود و ایجاد کارخانه‌های بزرگ مرتبط، یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌های این تجهیزات در کشور می‌باشد.

◆ شما چه تعداد شغل ایجاد کرده‌اید؟ در مورد پیش‌بینی آینده برای توسعه تولید و اشتغال در بنگاه مربوطه توضیح دهید.

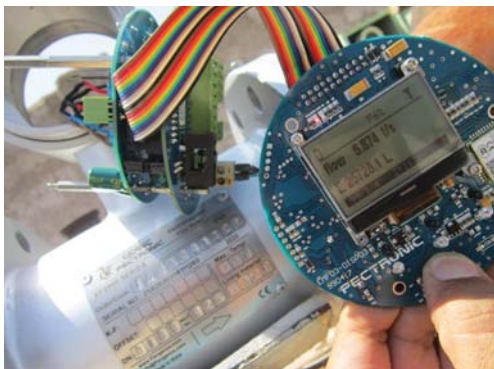
فعالیت ما توسط ۳ نفر از دوستان آغاز شد و در حال حاضر با ایجاد اشتغال برای ۵۰ نفر به‌صورت مستقیم و ۲۰۰ نفر غیرمستقیم در حال انجام می‌باشد. خوشبختانه روند توسعه شرکت با این تیم و برنامه‌ریزی‌های منطبق با نیازسنجی‌های صورت گرفته در داخل و خارج از کشور به نحوی است که دو برابر شدن حجم فعالیت‌های شرکت در سال آتی دور از دسترس نخواهد بود.

◆ رمز موفقیت کارآفرینان از نظر شما چیست؟

با نگاه انداختن به عملکرد کارآفرینان بزرگ دنیا می‌توان به تأثیر گذاشتن عوامل مختلفی در موفقیت آن‌ها پی برد و حتی موارد بسیار زیادی رو می‌توان پیدا کرد که باوجود همان عوامل شکست‌های بزرگی خورده‌اند، اما قطعاً بارزترین نقطه مشترک همه آن‌ها که شاید بتوان به‌عنوان رمز موفقیت از آن نام برد، تمرکز بر نقاط قوت خود و پشتکار هوشمندانه و ردیابی مداوم ایرادات جهت رفع آن‌ها می‌باشد.

◆ به نظر شما برای این‌که یک بنگاه اقتصادی بتواند در طولانی‌مدت سودآوری خوبی داشته باشد، بر چه استراتژی باید متمرکز شود؟

هر کسب‌وکار و بنگاه اقتصادی می‌بایست جهت افزایش تاب‌آوری خود در بازار، توسعه فعالیت‌های خود و درنهایت سودآوری چشم‌گیر در طولانی‌مدت اهدافی





شرکت‌های داخلی توانمند جهت به‌کارگیری محصولاتشان و رفع ایرادات احتمالی آن‌ها قرار داده شود. در هر صورت اگر اکنون شرایط تأمین محصولات خارجی دشوار است، تأمین مواد اولیه تولیدکننده‌های داخلی نیز با دشواری‌های زیادی همراه است و محدودیت‌های خاص خود را دارند و باید این موضوع به‌ویژه برای دولتی‌ها و مراجع حکومتی کاملاً قابل‌درک باشد. از طرفی در صورتی که در آینده شرایط کشور و سیاست‌های تعاملی ایران با دنیا متفاوت گردد، انتظار داریم همین اعتمادهای صورت گرفته به شرکت‌های داخلی تداوم یابد تا روز به روز شاهد شکوفایی اقتصادی هر چه بیشتر در کشورمان باشیم.

◆ چه مسئولیتی در قبال جامعه و در برابر حکومت برای خود قائل هستید؟

همان‌طور که در شرایط فعلی تولیدکنندگان داخلی انتظار حمایت همه‌جانبه را از جامعه و حکومت دارند، ما هم به‌عنوان یک تولیدکننده داخلی می‌بایست با تمام وجود محصولات و خدمات خود را با نیازها تطبیق دهیم و تا حد امکان با دریافت بازخوردها، سطح کیفی آن‌ها را افزایش دهیم. به نظر من این بزرگ‌ترین مسئولیت کنونی سازندگان داخلی است که در صورت عمل به آن به‌زودی همگی از دستاوردهای آن بهره خواهند برد.

◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان نمایید.

در پایان ضمن تشکر از مسئولین محترم اتاق بازرگانی به‌واسطه تلاش در جهت هموارسازی مسیر خودکفایی اقتصادی امیدوارم به نکاتی که در این گزارش به آن‌ها اشاره کردم توجه جدی‌تری شود تا شاید تجربیات بنده حقیر برای برخی بسیار کارگشا بوده و در طرف مقابل، مشکلات و چالش‌های ما نیز قبلاً درجایی دیگر تجربه و حل‌وفصل شده باشد. ◆◆

وقت‌ها ما تنها در مرحله هدف‌گذاری باقی می‌مانیم بدون آنکه برنامه‌ای برای چگونگی اجرا و پیش‌بینی سناریوهای مختلف تغییر شرایط داشته باشیم.

◆ در طرح و عمل با چه چالش‌هایی روبه‌رو بوده و هستید؟

با سختی‌ها چه کرده‌اید و چه پیش‌بینی نموده‌اید؟ ترغیب مشتریان به استفاده از یک محصول کاملاً ایرانی، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی بود که در اوایل آغاز فعالیت شرکت با آن مواجه شدیم. البته با بهبود کیفیت و ارتقاء تکنولوژی محصولاتمان که قطعاً مسیری است که هر سازمانی برای موفقیتی می‌بایست از آن عبور کند، به تدریج اعتماد بیشتری به محصولات ما شد و از آن‌ها در مکان‌های بیشتر و حساس‌تری استفاده شد.

این حلقه سازنده یعنی اعتماد به سازنده داخلی، بهبود کیفیت محصول داخلی و اعتماد بیشتر باعث شده است که در حال حاضر حجم سفارش‌های ما بیشتر از توان تولیدمان گردد و مشکلی که در حال حاضر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم تأمین سرمایه مربوط به نقدینگی گردش تولید و تأمین تجهیزات تولید آن‌هاست.

◆ چقدر از مشکلات می‌ترسید و عمدتاً از چه مشکلاتی؟

از نظر من کار آفرینی با مشکلات عجین شده و کسی که قصد دارد وارد چنین حیطه‌ای شود می‌بایست از لحاظ ذهنی آمادگی مواجهه با هر چالشی را داشته باشد. هر چند که برای من مشکلاتی که هیچ‌کنترلی روی آن‌ها ندارم نگران‌کننده است، اما در این مواقع سعی می‌کنم بیشتر بر تقویت داشته‌ها و نقاط قوت خود و سازمانم تمرکز کنم.

◆ ارزیابی شما از چگونگی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی

در کشور چیست؟

متأسفانه در چند سال اخیر سیاست‌های دولت در عمل در جهت فرهنگ‌سازی مردم به استفاده از محصولات داخلی نبوده و تغییر و تحول‌های رخ داده در این فرهنگ ناشی از عوامل جبری مانند تحریم‌ها و افزایش قیمت ارز بوده است. همچنین نه تنها هیچ روش اجرایی جهت جذب سرمایه‌های سرگردان به سمت تولید و ارزش‌آفرینی اتخاذ نشده بلکه بیشتر تشویق به خروج سرمایه‌های خود از چنین حیطه‌هایی شده‌اند.

◆ شما چه انتظاراتی از حکومت و مردم دارید؟

کمترین انتظاری که می‌توان از مردم و حکومت داشت این است که در حال حاضر فرصت‌های کافی و منطقی به

بازرگانی و خدمات



تجارت بین‌المللی؛ چالش‌ها و راهکارها/ گفت‌وگو با «محسن جلالپور» فعال و تحلیلگر مسائل اقتصادی؛ کرمان، یکی از استان‌های موفق تاریخ تجارت کشور/ مدیریت زنجیره تأمین محصولات کشاورزی جنوب استان کرمان/ پسماند؛ منبعی جدید در خلق ثروت/ گفت‌وگو با «یوسف جعفری» رئیس اتاق اصناف استان کرمان؛ دور تسلسل افزایش هزینه‌ها و گرانی/ اقتصاد فرهنگ و هنر در کرمان/ نقش مؤثر دارایی‌های فکری در اقتصاد



تجارت بین‌المللی؛ چالش‌ها و راهکارها



♦ عبدالرضا تحسینی

فعال اقتصادی و رییس مرکز آموزش مدیریت صنعتی استان کرمان

پیش از ورود به بحث چالش‌ها، به دلایل حضور در بازارهای بین‌المللی از سوی صاحبان کسب‌وکار پرداخته می‌شود. با صرفه نظر از دلایل و مقاصد خاص، نظیر تفاخر یا خارج کردن ارز از کشور، دلایل اصلی ورود به بازارهای بین‌المللی این موارد است:

- افزایش سود

افزایش سود می‌تواند در قالب تفاوت قیمت بین بازار داخلی و بازار خارجی همچون تفاوت قیمت پسته در داخل و خارج یا به‌منظور دستیابی به جواز صادراتی همانند آنچه در چین و ترکیه اتفاق می‌افتد، باشد که در واقع بخش قابل‌توجهی از سود صادرکنندگان ناشی از حمایت‌های دولت از آنان است و علت دیگر مرتبط با میزان تولید است که تولیدکنندگان مازاد تولید خود را صادر می‌کنند و به عبارتی با تولید بیشتر سهم هزینه‌های سربر خود در بهای تمام

شده را کاهش داده و سود هر واحد محصول را افزایش می‌دهند؛ همچون تویوتا و گاهی سرریز بازار داخلی را به صادرات اختصاص می‌دهند.

- کاهش وابستگی به بازار داخلی

تولیدکنندگان دوراندیش ریسک وابستگی به یک بازار (چه داخلی و چه خارجی) را با تنوع‌بخشی به بازارهای هدف، کنترل یا مدیریت می‌کنند؛ مانند اغلب شرکت‌های نامدار

چینی که حتی بعد از جنگ تعرفه‌های بین آمریکا و چین کماکان پابرجا ماندند، اما بسیاری شرکت‌های آمریکایی دچار تلاطم‌ها و نقصان در درآمد شدند؛ مانند شرکت پارامونت در اثر تعرفه‌های اتحادیه اروپا.

پس از برشماری دلایل اصلی ورود به بازارهای خارجی به اجمال به استراتژی‌های حضور در بازارهای بین‌المللی پرداخته می‌شود، اما قبل از آن فاکتورهای اصلی در انتخاب استراتژی یادآوری می‌گردد.

اساساً استراتژی حضور در فضای بین‌المللی تحت تأثیر ویژگی‌ها و پتانسیل بازار هدف، توانایی‌های بنگاه، میزان علاقه‌مندی مدیران بنگاه به فعالیت بین‌المللی، قوانین کشور میزبان و محاسبه نسبت درآمد به هزینه آن فعالیت قرار دارد و با توجه به این عوامل اصلی، استراتژی انتخاب می‌گردد. پس از تبیین همه موارد فوق، یکی از الگوهای زیر برای حضور بین‌المللی انتخاب شده و به اجرا گذاشته می‌شود:

● Exporting

منظور از این الگو همان روشی است که در حال حاضر اکثر قریب به اتفاق صادرکنندگان ایرانی انجام می‌دهند. کالا عموماً به صورت فله و FOB یا CIF صادر می‌شود و بعد از گمرک یا تحویل کالا در مقصد هیچ کنترلی بر سرنوشت کالا ندارند و این‌که کالا به چه قیمتی و تحت چه برندی و برای کدام بخش از بازار عرضه می‌شود را خارج از حوزه خود می‌دانند. قسمت اعظم محصولات تولید ایران نظیر محصولات غذایی از جمله زعفران و پسته، محصولات معدنی و پتروشیمیایی مانند سنگ‌های تزئینی و سنگ‌آهن به این شکل به بازار عرضه می‌شوند و حداقل بازاریابی و حداقل سود را در بر دارد و هیچ رد پایی از صادرکننده در بازار هدف دیده نمی‌شود و چنانچه خریدار اصلی به هر دلیلی از خرید منصرف شود یا اگر تنگنا و مزیای از سمت کشور مقصد بر واردات آن کالا یا ایران وضع گردد، تاجر ایرانی باید مجدداً بازاریابی برای یافتن فرد جدید یا کشور جدید را آغاز کند. روز از نو روزی از نو؛ به‌عنوان مثال آنچه بر سر بازار خارجی و داخلی پسته در اثر سختگیری‌های اتحادیه اروپا بر واردات پسته ایران به دلیل میزان افلاتوکسین آمد و چندین سال طول کشید تا راه چاره‌ای برای افلاتوکسین یافت شود، یا این‌که بازارهای چین و روسیه و هند بخشی از بازار اروپا را جبران کنند، یا مانند نوسانات مبادله با عراق که صادرکنندگان مواد غذایی و کالاهای فسادپذیر را از اوج به خاک مذلت می‌نشانند.

● Licensing

Licensing در بازرگانی به پرداخت حق الامتیاز و دریافت

اجازه تولید یا استفاده از برند گفته می‌شود. به‌طور روشن‌تر در تعریف چنین گفته شده است که «پروانه دهی یا اعطای امتیاز، توافقی است که طبق آن دریافت‌کننده امتیاز (یا پروانه گیر) حق استفاده بخشی از دارایی فکری را که به‌صورت قانونی پشتیبانی می‌شود و متعلق به پروانه ده (یا اعطاکننده) است در قالب یک محصول یا خدمت اجازه می‌کند.»

این الگو درباره تولید کوکاکولا در ایران (مشهد) به کار برده شده است که به ازای هر واحد تولید رقمی به کمپانی مادر پرداخت می‌شود. به دلیل سیاست‌های کوتاه‌مدت و تغییرات پیاپی کمتر شرکت ایرانی توانسته است از این الگو بهره بگیرد؛ اگرچه برندهایی مانند اکبر مشتی و حاتم بدون پرداخت حق الامتیاز در خارج از کشور مورد استفاده هستند. (درمورد برندسازی و صیانت برند در ادامه بحث خواهد شد.)

● اعطای نمایندگی با کمک مدیریتی Franchising

تفکر فرانچایزینگ بر مبنای پرداخت به دیگری برای استراتژی کسب‌وکارش، استراتژی بازاریابی او و استفاده از نام وی است. مشهورترین و شناخته شده‌ترین مثال برای این عنوان مک‌دونالد است که نمایندگان با پرداخت ۴۷۰۰۰ دلار به‌عنوان پیش پرداخت در یکی از اماکن مک‌دونالد تحت نظارت و الگوی شرکت مستقر شده و تحت آموزش قرار می‌گیرند تا استانداردها را تماماً اجرا نمایند و بابت الگوها و بازاریابی از قبل انجام شده سالانه ۴ درصد از فروش را به شرکت می‌پردازند.

از پیچیدگی‌های این الگو می‌توان نتیجه گرفت که بنگاه‌های اقتصادی ایرانی توان ورود به این مدل حضور بین‌المللی را ندارند و نگارنده هیچ مثال داخلی در این مورد سراغ ندارد، اما علاوه بر مک‌دونالد می‌توان از Burger King، Subway، KFC نام برد.

● Management Contract پیمان مدیریتی

به نظر می‌رسد این الگوی حضور بین‌المللی عمدتاً برای صدور خدمات فنی و مهندسی به کار می‌رود در حالی که در حوزه بازرگانی و خدمات نیز مورد استفاده است و خود انواع مختلفی دارد و در این مختصر فقط به پرکاربردترین آن پرداخته می‌شود:

* Joint Venture

برای این عبارت مترادف دقیق فارسی گفته نشده در عین این‌که این عبارت و این نوع قرارداد تعریف و جایگاه حقوقی ندارد، اما بسیار پرکاربرد است و معمولاً طرفین منظور یکدیگر از این عنوان را درک می‌کنند. در حوزه پیمانکاری و مقاطعه‌کاری هر یک از طرف‌های جوینت نقش و مسئولیتی

استراتژی حضور

در فضای

بین‌المللی تحت

تأثیر ویژگی‌ها

و پتانسیل

بازار هدف،

توانایی‌های

بنگاه، میزان

علاقه‌مندی

مدیران بنگاه

به فعالیت

بین‌المللی،

قوانین کشور

میزبان و محاسبه

نسبت درآمد

به هزینه آن

فعالیت قرار دارد

و با توجه به این

عوامل اصلی،

استراتژی انتخاب

می‌گردد.

به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد و عرضه‌کننده خارجی قادر خواهد بود در هر زمان نسبت به جایگزینی شرکت یا کالای ایرانی اقدام کند و هیچ حقی برای صادرکننده ایجاد نمی‌شود. این الگو یکی از چالش‌های مهم تاجران ایرانی در فضای بین‌المللی است.

اکنون با توجه به آنچه گذشت می‌توان به چالش‌های پیش روی فعالان ایرانی حاضر در بازارهای بین‌المللی به شرح زیر پرداخت:

۱- فقدان استراتژی

بی‌شک اولین مسئله، فقدان استراتژی ورود و حضور در بازار است. با اولین درخواست از سوی مشتری از بازاری جدید ارسال نمونه، چانه‌زنی بر سر قیمت و نهایتاً پایان ناموفق مذاکرات و یا عقد قرارداد و ارسال بار صورت می‌پذیرد؛ و هیچ اطلاعاتی از بازار مقصد در شرکت صادرکننده برجای نمی‌ماند و برنامه‌ای برای آینده طراحی نمی‌شود و حداکثر این ذهنیت شکل می‌گیرد که بعد از چند نوبت ارسال رأساً وارد بازار شود، اما چطور و چگونه؟ مشخص نیست. این عذر پذیرفته است که قوانین و به‌ویژه آیین‌نامه‌ها روزانه تغییر می‌کنند و به همین جهت برنامه‌ریزی دقیق میسر و مقدور نیست، اما بخش عمده فعالان در عرصه بین‌المللی در همین شرایط آغاز به کار کرده‌اند و با قبول ضمنی این شرایط کارت بازرگانی دریافت کرده‌اند. البته با پذیرش این‌که بازرگانی و به‌ویژه بازرگانی بین‌المللی علم محسوب می‌شود و تنها تجربه یا شم کافی نیست، با مطالعه و رویکرد علمی احتمالاً می‌توان بر مشکلات فائق آمد؛ و با انتخاب الگوی مناسب حضور برای هر کالا و هر بازار ریسک‌ها و چالش‌ها را کاهش داده و منافع را به حداکثر رساند. سال‌ها داشتن انبار در هامبورگ برای صادرکنندگان پسته مزیت محسوب می‌شد، اما آیا اکنون هم‌چنین است؟ آیا داشتن انبار در دبی یا بمبئی هم مزیت محسوب می‌شود؟ آیا اعطای نمایندگی که بخش بزرگی از هزینه‌ها و ریسک‌ها را متوجه نماینده می‌کند، الگوی بهتری برای جبران کمبود سرمایه و همین‌طور کاهش هزینه‌های مشهود و نامشهود در بازار گرانی همچون اروپا نیست؟ قطعاً الگوی مناسب برای کشور ویتنام در حال توسعه و مؤثر در جنوب آسیا با بازار عراق و هند متفاوت است. پس انتخاب درست الگو مبتنی بر شناخت همه‌جانبه بازار هدف به کمک تجار خواهد آمد.

۲- عدم هماهنگی تجار

به دلیل فقدان یا عدم حضور تشکلهای صنفی صادراتی، هر فعال تجاری ایرانی در فضای بین‌المللی راه خود را در پیش می‌گیرد که این راه انتخابی، اغلب اوقات با

را برعهده می‌گیرد. به‌عنوان مثال در آخرین توافق برای توسعه یکی از فازهای پارس جنوبی شرکت‌های توتال فرانسه، سینوپک چین و پتروناس مالزی JV تشکیل دادند که تکنولوژی، سرمایه و قدرت مقاطعه‌کاری بین این اعضا تقسیم شده بود. (این توافق به دلیل تحریم‌ها هیچ‌گاه اجرایی نشد) و یا نحوه تعامل شرکت هتل‌های هیلتون با سرمایه‌گذاران در صنعت هتلداری و در حوزه بازرگانی گاهی بنگاه اقتصادی صادرکننده با بنگاهی که فی‌المثل بازار یا امکان پخش و توزیع و یا امکان ارائه خدمات بعد از فروش در بازاری را دارد جوینت می‌شود و طرفین از مشارکت با هم منتفع می‌شوند. جزییات مسئولیت، وظیفه و انتفاع هر یک از طرفین باید به‌دقت و روشنی تعریف شود تا به ادامه همکاری امیدوار بود.

* Foreign Direct Investment

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از بهترین الگوها برای کشور میزبان محسوب می‌شود و امروزه یکی از شاخص‌های سنجش موفقیت دولت‌هاست. این مدل نیز انواع مختلفی دارد که بنا بر اقتضائات طرفین تعریف می‌شود. کشورهای آمریکا و چین از مهم‌ترین بازارهای هدف سرمایه‌گذاری هستند. آمریکا به‌عنوان قطب حوزه‌های فن‌آوری اطلاعات و بیوتکنولوژی بیشترین سرمایه در این حوزه‌ها را جذب می‌کند و چین به‌عنوان قطب تولید جهان مکان جذابی برای سرمایه‌گذاران تولیدکننده است؛ به‌عنوان مثال سرمایه‌گذاری چهار میلیارد دلاری BMW در تولید باتری‌های پردوام برای خودروهای برقی در یک شرکت چینی، نمونه‌ای از سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شود؛ و یا می‌توان به احداث کارخانه بد عاقبت لبنیات «کاله» در عراق اشاره کرد. اکنون پس از معرفی الگوهای حضور در فضای بین‌المللی زمان بحث درباره چالش‌های تجارت بین‌المللی در آن فضاست.

آن‌گونه که الگوها توضیح داده شدند می‌توان مشاهده کرد که اغلب صاحبان کسب‌وکار بین‌المللی ایرانی با مدل اول که صادرات است مشغول و سرگرم هستند. در این حالت صادرکننده از طریق نمایشگاه یا ارتباط شخصی، واردکننده‌ای را می‌یابد و کالا را به او سپرده و بر اساس توافق مبلغ آن را دریافت می‌کند و هیچ نقش یا کنترلی بر کالا ندارد. حتی اگر برندی برای محصول تدارک دیده شده باشد واردکننده با نگرانی از این‌که واردکننده دیگری با فروشنده تماس بگیرد از او می‌خواهد که کالا بدون نام و آدرس ارسال شود که در این حالت صادرکننده باید راهی برای عبور از گمرک بیابد که برای درج عبارت «ساخت ایران» سخت‌گیری می‌کند. در نتیجه بدون هیچ ردپایی از شرکت و کالای ایرانی محصول

اغلب صاحبان

کسب‌وکار

بین‌المللی

ایرانی با مدل

اول که صادرات

است مشغول و

سرگرم هستند.

در این حالت

صادرکننده از

طریق نمایشگاه یا

ارتباط شخصی،

واردکننده‌ای را

می‌یابد و کالا

را به او سپرده و

بر اساس توافق

مبلغ آن را دریافت

می‌کند و هیچ

نقش یا کنترلی

بر کالا ندارد.

حتی اگر برندی

برای محصول

تدارک دیده شده

باشد واردکننده

با نگرانی از این‌که

واردکننده دیگری

با فروشنده

تماس بگیرد از

او می‌خواهد که

کالا بدون نام و

آدرس ارسال شود

که در این حالت

صادرکننده باید

راهی برای عبور

از گمرک بیابد که

برای درج عبارت

«ساخت ایران»

سخت‌گیری

می‌کند.

سرمایه در گردش آنان می‌گردد که بازرگانان را تحت فشار قرار داده و او در مقابل مشتری و رقبا دست پایین را خواهد داشت؛ چرا که باید هرچه زودتر بهای کالا را دریافت کند تا حساب‌های بدهکاری خود را تسویه نماید.

۶- عدم عضویت کشور در پیمان‌ها

اغلب کشورها با عضویت در پیمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تسهیلات ویژه و بسیار تأثیرگذاری برای بازرگانان خود فراهم می‌آورند. مثلاً با عضویت در سازمان تجارت جهانی تعرفه‌های صادرات و واردات به نحو چشمگیری کاهش می‌یابد و اعضا ملزم به باز کردن بازار خود به روی دیگر اعضا هستند که تجار ایرانی از این امکان محرومند و همواره ناچار به پرداخت تعرفه‌های تا ۳۵ درصدی هستند که تمامی سود آنان را می‌بلعد. اعضای شورای همکاری حاشیه خلیج فارس حقوق گمرکی فی‌مابین خود را به صفر رسانده‌اند و این مزیتی بزرگ در بازار کشورهای ثروتمند این حوزه محسوب می‌شود. دولت ترکیه از جمله فعال‌ترین دولت‌ها در این زمینه است.

۷- حمایت‌های دولتی

اغلب دولت‌ها از بازرگانان و به‌ویژه صادرکنندگان خود با در اختیار گذاشتن اطلاعات بازارها، راهنمایی و معاضدت قضایی و کمک به برگزاری نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و برقراری ارتباط و یا توافق برای بهره‌گیری از تعرفه‌های ترجیحی با یک یا چند کشور حمایت می‌کنند که این حمایت برای تجار ایرانی بسیار کم‌رنگ است.

در پایان ضمن یادآوری نکات بخش اول که الگوهای متفاوت فعالیت بین‌المللی را در برداشت و با بهره‌گیری آگاهانه از آن‌ها باید راه‌های مناسب برای عبور از چالش‌های ذکر شده در بخش دوم را یافت و به کار بست. ♦♦

مسیرهای دیگر بازرگانان در تعارض است. رقیب دانستن هم‌صنفان به‌جای شریک تجاری دانستن، تلاش در جذب مشتری دیگری از طریق ارائه پیشنهاد جذاب‌تر از حیث قیمت یا شرایط پرداخت بهتر از اولین شگردها محسوب می‌شود و اغلب به‌جای تأثیر مثبت بر طرف مقابل موجب سردرگمی و حتی انصراف وی از معامله با تجار ایرانی می‌شود؛ به‌عنوان مثال می‌توان از انجمن صادرکنندگان کائوچوی مالزی یاد کرد این کالای استراتژیک در سید صادرات مالزی را به‌خوبی از حیث قیمت و شرایط تحویل مدیریت می‌کند و موجب ثبات و پایداری بازار آن شده است.

۳- فقدان یا کمبود دانش تجاری

متأسفانه عملکرد اغلب تجار ایرانی مبتنی بر تجربه شخصی یا تجربه دیگران است و بیشتر آنان از اصول مذاکرات تجاری، قراردادهای تجاری و مسائل حقوقی و مسؤلیت‌های طرفین ناشی از قرارداد، پیمان‌های جهانی و منطقه‌ای و مقررات و قوانین بین‌المللی و کشور مقصد مطلع نیستند و باید انتظار داشت در دعاوی بین‌المللی مغلوب و یا مجبور به پذیرفتن شروط طرف مقابل شوند.

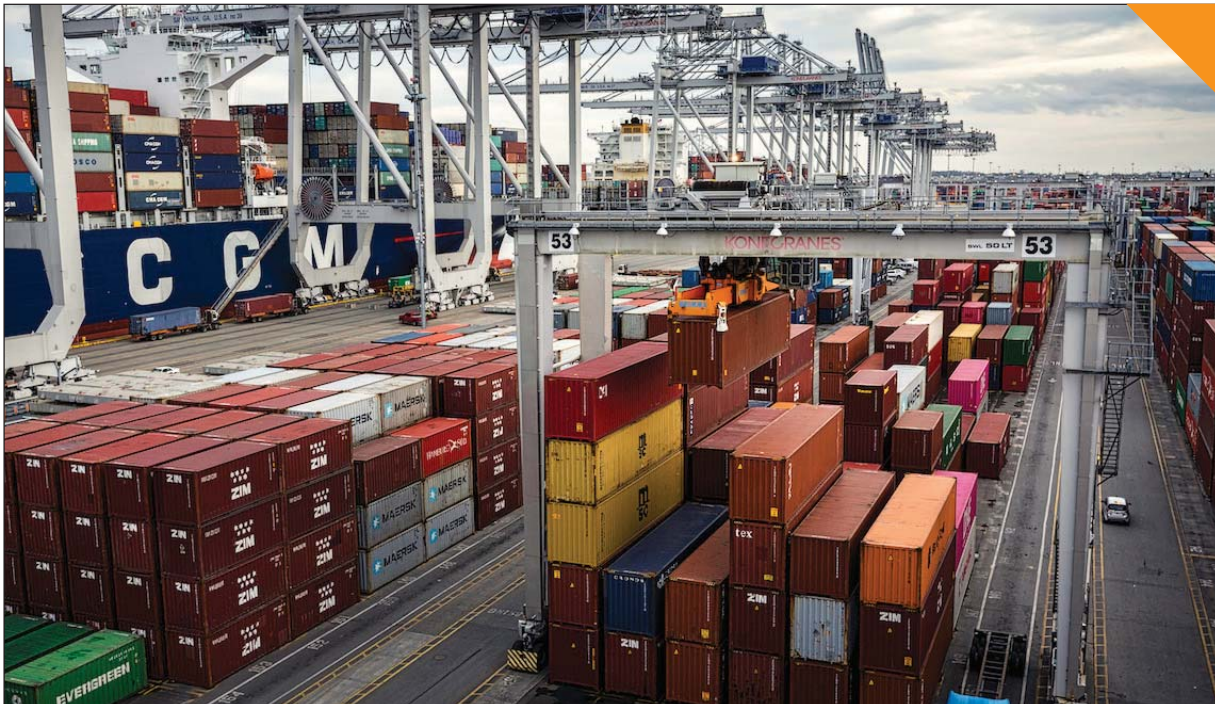
۴- ایجاد و توسعه برند

«برند، تجربه زیسته مشتری است» به‌گونه‌ای که تجربه دلپذیر او از یک خدمت یا کالا او را می‌داند علاوه بر توصیه به دیگران خود نیز به تکرار این تجربه مایل باشد. خلق یک برند و توسعه آن (برندینگ) اکنون یک تخصص است و در میان صدها برند رقیب، باید جامعه هدف را به‌سوی برند خود جلب کرد. مهم‌ترین نکته در برندینگ تداوم است که متأسفانه کمتر در کسب‌وکارهای ایرانی قابل مشاهده است. کارآفرینان عموماً در آغاز کار بهترین کیفیت، بهترین خدمت و بهترین قیمت را ارائه می‌کنند، اما پس از دست یافتن به سهم بازار مورد انتظار یک‌باره یا به‌تدریج تعهد به مشتری و برند را فراموش می‌کنند. از همین روست که اغلب تجار با سابقه بین‌المللی در همکاری با برندهای ایرانی به‌شدت محافظه‌کار بوده و به مراحل اولیه تجارت که معمولاً از کیفیت مناسب برخوردار است اعتماد نمی‌کنند. از جمله برندهای با ثبات در خشکبار می‌توان از خشکبار تواضع نام برد.

۵- سرمایه مگفی

به دلیل مشکلات ساختاری اقتصاد کشور که از این بحث خارج است و همه فعالان اقتصادی از آن به‌خوبی مطلع‌اند، تجار ایرانی در تبدیل ریال به هر پول خارجی دست پایین را دارند. اگرچه این نوع برابری در صادرات موهبتی محسوب می‌شود، اما موجب نقصان سرمایه بازرگانان و به‌ویژه





گفت‌وگو با «محسن جلالپور» فعال و تحلیلگر مسائل اقتصادی

کرمان، یکی از استان‌های موفق تاریخ تجارت کشور

برای آگاهی از شرایط تجارت استان در سال گذشته و بررسی موانع و مشکلات این حوزه سراغ محسن جلالپور رفتیم. وی تجارت خارجی را یک الزام برای اقتصاد ایران می‌داند، نیازهای آن را برمی‌شمارد و می‌گوید: تجارت در پیشبرد اهداف کشور، توسعه و برون‌رفت از شرایط فعلی بسیار مؤثر و لازم است. ارزیابی جلالپور از تجارت استان مثبت است و تصریح می‌کند: کرمان در همیشه تاریخ یکی از استان‌های موفق تجارت خارجه بوده و در همین سال‌های اخیر نیز جزو پیشروان صادرات و استان‌های موفق صادراتی بوده است.

به این استان دارد. پس از همان قدیم‌الایام تجارت برای کرمان اهمیت داشته که چنین ساخت‌وسازهایی برای اقامت تجار در نظر گرفته بودند. از جمله این کاروانسراها، کاروانسرای هندوها است که به معبد نیز مجهز شده و نشان می‌دهد وقتی در یک کشور مسلمان دارای مذهب شیعه برای تجار سایر ادیان شرایط زندگی طولانی با محل عبادت فراهم می‌کنند، تجارت چقدر مهم و دارای ارزش است. بنابراین زمینه اصلی یعنی نیروی علاقمنده و با انگیزه و دارای شم تجاری وجود دارد، نیاز دوم، مسیر است که

♦♦ در مورد عملکرد تجارت خارجی استان کرمان در سال گذشته با نگاه به جایگاه استان در کشور چه تحلیلی دارید؟

بنده معتقدم تجارت خارجی می‌تواند یک لوکوموتیو محرک و بسیار پر قدرت برای اقتصاد ایران باشد و اگر به تجارت خارجی اهمیت دهیم حتماً می‌توانیم سایر بخش‌ها را نیز قوت ببخشیم. تجارت اما نیازها و زیربنایی دارد، یکی از مهم‌ترین نیازهای تجارت، حضور تجار و افرادی با حس و شم بالای تجارت در این عرصه است که خوشبختانه در کشور و استان از این نظر کمبودی نداریم و اگر مسیر و فضا فراهم باشد، ایرانی‌ها استعداد و پیشه قابل‌انکایی در تجارت دارند؛ به‌عنوان مثال کرمان در گذشته مسیر ادویه بوده است و کاروانسراهای موجود نشان از رفت‌وآمد بسیار زیاد تجار



در پیشبرد اهداف کشور، توسعه و برون‌رفت از شرایط فعلی بسیار مؤثر و لازم است. از طرفی وقتی با سایر کشورها ارتباط و تجارت دارید، همیشه به‌روز می‌مانید و همگام با تکنولوژی جدید و روند رو به جلوی دنیا حرکت می‌کنید و آن را در مسیر پیشرفت فعالیت‌تان قرار می‌دهید؛ بنابراین مهم‌ترین اصلی که باعث می‌شود فرآیند تجارت و همه‌کسانی که در این زمینه فعالیت دارند به‌روز باشند، همین ارتباطات بین‌المللی است، زیرا تجار خود را مقید می‌دانند که برای حضور در یک رقابت سخت، فضا و شرایط لازم را برای خود و کشور فراهم آورند.

پس از این موضوع نتیجه می‌گیریم که اگر دستی در تجارت داشته باشیم حتماً در تکنولوژی، صنعت و بخش‌های مختلف تولید هم می‌توانیم از ظرفیت‌های بزرگ دنیا استفاده کنیم؛ دنیایی که هر لحظه و هر ساعت پیشرفت‌های عظیمی دارد و قابل مقایسه با قبل نیست و در صورت داشتن ارتباط مطلوب، این پیشرفت‌ها می‌تواند خیلی سریع به مجموعه‌ها، فعالیت و بنیه اقتصادی کشور افزوده شود.

حتی در زمینه رفع و عبور از تحریم‌ها نیز تجارت می‌تواند مؤثر باشد. یکی از مهم‌ترین مشکلات ما در زمان تحریم، عدم ارتباط مطلوب با تجار خارجی است، چرا که طرف حساب‌های خارجی ما آن‌قدر نفوذ دارند که روی دولت‌هایشان اثر بگذارند و اجازه ندهد این وضعیت پیش بیاید؛ مثلاً اگر یک سرمایه‌گذاری مشترک، یا کار تجاری مشترک بزرگ در کشور اتفاق افتاده بود و وابستگی ما به‌شدت کنونی نبود، به این اندازه از تحریم صدمه نمی‌دیدم و حتی اگر تحریم هم می‌شدیم طرفین تحریم‌کننده و تحریم‌شونده ضرر می‌کردند، نه مانند اکنون که تنها ما یعنی تحریم

خوشبختانه ایران در شاهراه شرق، غرب و شمال دنیا قرار دارد. اگر نگاهی به نقشه ایران در حالت مسطح بیندازید، تمرکز را به‌خوبی می‌بینید؛ از شرق، غرب، شمال و جنوب همه مسیرها از ایران می‌گذرد و این یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های اساسی کشور است که می‌تواند شاهراه تجارت بین‌الملل باشد. کشور ما از نظر راه‌های زمینی، دریایی و هوایی در نعمت است، ۱۵ کشور همسایه با مرزهای زیاد آبی و خشکی از قاره‌های اروپا و آسیا داریم که می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای برقراری ارتباطات باشد.

نیاز سوم، جمعیت است که از این نظر هم مشکلی نداریم. جمعیت کشورهای همسایه ایران به حدود ۴۰۰ میلیون می‌رسد که می‌توانیم همین کشورها را پایه تجارت قرار دهیم. این جمعیت ظرفیت بسیار خوبی برای پایه‌گذاری یک تجارت آزاد است.

اما در زمینه نیازهای بین‌المللی کمبودهایی داریم که مهم‌ترین آن ارتباطات است، زیرا یکی از اصلی‌ترین نیازها در تجارت، ارتباطات بین‌المللی است که ایران طی ۴۰ سال گذشته در این زمینه راهبرد مشخصی نداشته و ندارد و متأسفانه شرایط کشور اصلاً مناسب نیست. اگر در این زمینه همت کنیم و تغییر رویکرد داشته باشیم، می‌تواند مؤثر باشد و این نیاز را برطرف کند.

اما اینکه چرا تجارت می‌تواند لوکوموتیو باشد را توضیح می‌دهم؛ در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ یک دوره موفق صنعتی در ایران شکل می‌گیرد و حتی رشد اقتصادی بالای ۱۲ درصد را ثبت می‌کند که این رشد بر پایه تجارت بوده است. در تاریخ روایت شده که آقای علینقی عالیخانی، وزیر اقتصاد وقت، تجار را جمع کرده و برخی امتیازها و امکانات لازم به‌منظور برقراری ارتباط و تجارت با دنیا را در اختیارشان قرار داده است که همین اقدام و در واقع امکانات و امتیازهای واگذاری به تجار با آن نگاه تجاری که افراد داشتند باعث ساخت مجموعه‌های بزرگ صنعتی در ایران شد؛ یعنی وقتی کسی که به تجارت مشغول است به‌تبع آن دنبال تولید، بهبود بخشیدن این فرایند و پشتیبانی از تجارت خود به بخش‌های مختلف صنعتی، معدنی، کشاورزی و... هم ورود می‌کند.

بنده نیز در دهه ۶۰ ابتدا تجارت را آغاز کردم و کم‌کم به بخش‌های کشاورزی، صنعت، معدن و ساخت‌وساز هم وارد شدم؛ یعنی لوکوموتیو حرکت من در این زمینه‌ها، تجارت بود؛ بنابراین با این نگاه معتقدم که تجارت

- ▼
- یکی از مهم‌ترین مشکلات ما در زمان تحریم، عدم ارتباط مطلوب با تجار خارجی است، چرا که طرف حساب‌های خارجی ما آن‌قدر نفوذ دارند که روی دولت‌هایشان اثر بگذارند و اجازه ندهد این وضعیت پیش بیاید؛ مثلاً اگر یک سرمایه‌گذاری مشترک، یا کار تجاری مشترک بزرگ در کشور اتفاق افتاده بود و وابستگی ما به‌شدت کنونی نبود، به این اندازه از تحریم صدمه نمی‌دیدم.**

شونده ضرر کند.

پس از هر دریچه‌ای که نگاه کنیم تجارت امر مهم و پیشران بسیار خوبی برای ایران است. البته ممکن است تجارت برای بعضی از کشورها به این اندازه مهم نباشد، چون شرایط، امکانات، ظرفیت‌ها، نیروی انسانی، ظرفیت‌های خدادادی و نیازهای اصلی کشورها با یکدیگر متفاوت است، اما در کشور ما اصل اساسی این است که اگر به تجارت بپردازیم مصداق جمله مشهور «چون صد آید نود هم پیش ماست» مانند لوکوموتیو بقیه امور را نیز با خود می‌کشد، به آن ارتقا می‌دهد و جلو می‌برد.

استان کرمان هم از قدیم‌الایام در زمینه تجارت خارجی فعال بوده است. از زمانی که پنبه تولید می‌شد تا تولید کشفاب‌ها و شال‌های مشهور سپس در سال‌های بعد فرش و پسته و امروز هم صنایع معدنی و محصولات کشاورزی در استان کرمان تولید و صادر می‌شود. کرمان در همیشه تاریخ یکی از استان‌های موفق تجارت خارجه بوده است و در همین سال‌های اخیر نیز جزو پیشروان صادرات و استان‌های موفق صادراتی بوده است. کرمانی‌ها دنیا را خوب می‌شناسند و ارتباطات مطلوبی در خارج از مرزها دارند. به‌ویژه سال‌های اخیر که در زمینه‌های معدنی هم به‌صورت جدی فعال شدند و کارهای خوبی دارد اتفاق می‌افتد و فکر می‌کنم شرایط کرمان نسبت به استان‌های دیگر بهتر است.

◆ از موانع خارجی که بگذریم، موانع خودساخته و دست و پاگیر حوزه تجارت خارجی کدامند؟ چه باید کرد؟

اصلی‌ترین موانع همان مشکلات بین‌المللی است، به‌طور مسلم اصلی‌ترین نیاز ما در ارتباطات بین‌المللی همین روابط با دیگر کشورهاست و وقتی ارتباط برقرار نباشد امکان تجارت وجود ندارد و در زمان تحریم در یک بن‌بست قرار داریم و نمی‌توانیم از ظرفیت‌های موجود استفاده کنیم. در زمینه موانع داخلی تجارت، عدم وجود فضای کسب‌وکار مناسب یک مشکل جدی است که در همه زمینه‌ها از جمله بازرگانی، موانع زیادی دارد. شما ببینید در سال ۹۷ که ناخواسته فنر فشرده دلار از کنترل خارج شد تنها مزیت این افزایش قیمت ارز می‌توانست در زمینه صادرات باشد، اما قوانین دست‌وپا گیری که برای دلار ۴۲۰۰ تومانی تصویب شد و همچنین اعمال محدودیت‌های صادراتی اجازه نداد از این تنها آورده افزایش قیمت دلار، استفاده کنیم.

علاوه بر عدم وجود روابط مطلوب بین‌المللی، وجود قوانین دست‌وپا گیر و مزاحم، اتخاذ تصمیمات خلق‌الساعه، نداشتن برنامه مشخص و منظم برای صادرات و تجارت خارجی، نبود قراردادهای تجاری مشترک با کشورها، عدم وجود قرارداد مشترک آزاد با کشورهای همسایه و ... از جمله مشکلاتی هستند که بر سر راه تجارت خارجی قرار دارند. البته ریشه اصلی همه این موارد به همان مشکل اول یعنی عدم وجود روابط بین‌المللی برمی‌گردد. متأسفانه ما هیچ‌وقت در روابط بین‌المللی پایدار نبودیم و شرایط ثابتی نداشتیم و همین موضوع باعث شده آن‌طور که باید نتوانیم به قراردادهای روابط تجارت آزاد و قراردادهای مشترک با کشورهای دیگر بپردازیم. البته این اواخر بحث پیوستن به اتحادیه اوراسیا مطرح شد، اما آن‌هم خیلی جدی نیست و تاکنون پیشرفتی نداشته است. حتی در یک مقطع زمانی قرارداد تجارت آزاد با ترکیه منعقد کردیم، اما آن‌هم به‌جایی نرسید. کشور ما در این زمینه ابتدای راه است و مسیر دشواری در پیش دارد. فکر می‌کنم برای حل این مشکلات ابتدا باید بنیان و اساس موانع که همان ارتباطات بین‌المللی، تحریم‌ها و مشکلات ناشی از این جریانات بین‌المللی است، برطرف شود و بعد کم‌کم به سمت‌وسوی این قراردادهای و ارتباطات رده پایین‌تر برویم و در واقع در شرایط پایدار حرکت کنیم.

◆ در توسعه تجارت بین‌المللی، دیپلماسی اقتصادی یک نقطه عطف است. شما دیپلماسی اقتصادی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با توجه به تجربه جهانی برای تقویت دیپلماسی اقتصادی چه تصمیماتی باید اتخاذ کرد و به انجام رساند؟

من معتقدم تمام سفارتخانه‌های ما سیاسی هستند و ۹۹ درصد برنامه و وقت آن‌ها به امور سیاسی اختصاص دارد و آن یک درصد هم فقط به وجود یک نام وابسته اقتصادی و یا نماینده بازرگانی ختم شده که هیچ وقت موفق نبوده است. سفارتخانه‌های کشور ما اقتصادی نیستند و وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است. حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه عملکرد قابل قبولی در حوزه اقتصادی نداشت؛ زیرا ابتدا باید پایه و ساختار این وزارتخانه و سفارتخانه‌ها تغییر کند.

زمان حضور در اتاق ایران با سفرای بسیاری دیدار کردم که جمله مشترک بسیاری از آن‌ها «ما اول سفیر اقتصادی

من معتقدم تمام سفارتخانه‌های ما سیاسی هستند و ۹۹ درصد برنامه و وقت آن‌ها به امور سیاسی اختصاص دارد و آن یک درصد هم فقط به وجود یک نام وابسته اقتصادی و یا نماینده بازرگانی ختم شده که هیچ وقت موفق نبوده است.

سفارتخانه‌های ما سیاسی هستند و ۹۹ درصد برنامه و وقت آن‌ها به امور سیاسی اختصاص دارد و آن یک درصد هم فقط به وجود یک نام وابسته اقتصادی و یا نماینده بازرگانی ختم شده که هیچ وقت موفق نبوده است.

سفارتخانه‌های ما اقتصادی نیستند و وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه عملکرد قابل قبولی در حوزه اقتصادی نداشت؛ زیرا ابتدا باید پایه و ساختار این وزارتخانه و سفارتخانه‌ها تغییر کند.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

حتی در دولت یازدهم و دوازدهم که آقای ظریف دو مشاور اقتصادی منصوب کرد، بازم وزارت امور خارجه در بخش اقتصادی هیچ حرکتی نکرده است.

کویت پیگیری کرد تا مشکل این تاجر حل شود، اما من سال‌های ۷۸،۷۹ که اوایل کارم بود در کویت یک معامله داشتم و کلی متضرر شدم، وقتی به سفارتخانه ایران در کویت مراجعه کردم حتی اجازه ورود ندادند و من نتوانستم مشکلم را بگویم. کاری که سفارتخانه‌های سایر کشورها انجام می‌دهند، سفارت ما اصلاً انجام نمی‌دهد و برایشان مفهومی ندارد. حتی در این زمینه پاسخگو هم نیستند چون این وظایف برایشان تعریف نشده و ساختار سیاسی دارند نه اقتصادی.

◆ در مورد کارآمدی و کارسازی مشوق‌های صادراتی در کشور چه تحلیلی دارید؟

این موضوع در سال‌هایی که از نیم تا ۲ درصد صادرات را بر اساس ارز صادراتی به‌عنوان مشوق به صادرکننده پرداخت می‌کردند، خوب بود، اما بعدها باب شد که صادرکنندگان همین میزان را از قیمت محصول کم می‌کردند و این‌گونه در عمل چیزی عاید کشور نمی‌شد. آن زمان پیشنهاد هدفمندی این جایزه را مطرح کردیم که ۳ آیتم داشت: اول اینکه ابتدای سال میزان مشوق را اعلام نکنند که صادرکننده بر اساس آن قیمت بدهد و دوم اینکه این تشویق پایان هر سال و بر اساس عملکرد گذشته صورت گیرد و موضوع سوم اینکه این جایزه به برخی هزینه‌های فرآیند صادرات از جمله بازاریابی، شرکت در نمایشگاه و کاهش سود بانکی تعلق گیرد که به توسعه صادرات بینجامد. با اختصاص این‌گونه مشوق‌ها و پرداخت یارانه‌های هدفمند موافق هستیم که در بسیاری از کشورها نیز رواج دارد و می‌تواند به صادرات کمک کند؛ چون در یافتن بازار مؤثر است، توان رقابت را بالا می‌برد و در شرایط اقتصادی سخت، وجود تحریم‌ها و اتخاذ تصمیمات نادرست، می‌تواند کمک‌حال صادرکنندگان باشد.

اما به نظر من مهم‌تر از پرداخت مشوق صادراتی، پرداخت هزینه‌هایی است که به‌واسطه تصمیمات اشتباه دولت و حاکمیت به صادرکننده تحمیل شده است. وقتی دولت تصمیمی می‌گیرد و هزینه آن را بخش خصوصی می‌پردازد، باید این مبلغ را به‌عنوان هزینه کرد به صادرکننده بپردازد؛ به‌عنوان مثال نگاهی به جریان‌های سیاسی اخیر بیندازید، این شرایط چقدر روی صادرات و قیمت کالا تأثیر منفی گذاشت؟ ایجاد مشکلاتی مانند تعهد ارزی، برگشت ارز، قوانین خلق‌الساعه، تغییر قوانین و... چه میزان ضرر و زیان متوجه صادرکنندگان کرد؟ اما هیچ‌کس به این موضوع

هستیم بعد سفیر سیاسی» بود، حتی می‌گفتند بعد از اینکه استوارنامه را تسلیم آقای رییس‌جمهور کردیم و کارمان شروع شد، اولین ملاقات را با مدیران اتاق بازرگانی گذاشتیم و نه مسئولین سیاسی کشور. اکثر هیئت‌های اقتصادی که به ایران می‌آمدند به‌طور معمول وزارت امور خارجه کشورشان سرپرستی آن‌ها را به عهده داشت و با اتاق قرار می‌گذاشتند و می‌گفتند ما بیشتر باید مسائل اقتصادی را دنبال کنیم. ما نیز وقتی به‌عنوان نماینده اتاق ایران به سایر کشورها می‌رفتیم، سفارتخانه‌هایشان بسیار پیگیر مسائل اقتصادی بودند. همه این‌ها نشان از این دارد که دنیا چقدر به روابط بین‌المللی در تجارت اهمیت می‌دهد و ما در این زمینه بسیار عقب هستیم.

◆ به نظر شما در تولید و تجارت کشور چه اندازه به کشف نیاز مشتریان اهمیت داده شده است. اگر ممکن است با ارائه موارد عینی و مشخص در این مورد توضیح دهید.

شاید یک مثال که مصداق عینی هست، مسئله را در این زمینه کاملاً روشن کند. سال‌ها پیش استرالیایی‌ها می‌خواستند کاشت پسته را آغاز کنند. آن‌ها همانند آمریکایی‌ها موقعیت را ارزیابی کرده بودند و شرایط را مطلوب می‌دیدند. نامه نوشتند، پیگیری کردند و خواستند که چند نفر از تجار پسته و فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان پسته کرمان را به آن‌ها معرفی کنیم. شخص سفیر استرالیا در ایران به کرمان آمد و لیستی از این افراد را تهیه کرد. سپس با اعضای این لیست در محل سفارتخانه جلسه‌ای گذاشتند. برخی از تجار دعوت شده قبول کردند که برای همکاری سفری به استرالیا داشته باشند، برایشان ویزا و برنامه سفر را چیدند. این تجار پس از بازگشت از استرالیا نقل کردند که مسئولان این برنامه از همین کرمان یا محلی که اعلام کردیم ما را همراهی کردند، تمام مسیر تا فرودگاه، استقبال، هتل و... همه موارد برنامه‌ریزی شده بود و همه امکانات را برای ما فراهم آوردند تا اطلاعات لازم را به آن‌ها منتقل کنیم. حتی حاضر بودند برای کسانی که علاقمند به همکاری بیشتر هستند، شرایط حضور در استرالیا را فراهم کنند و زمین را مجانی در اختیارشان قرار دهند. این یک نمونه از سفارتخانه فعال در دیپلماسی اقتصادی است.

یا مثلاً آن زمان که من در اتاق کرمان مسئولیت داشتم برای یک تاجر کویتی در ایران مشکلی پیش آمد، سفارت

مهم‌تر از پرداخت

مشوق صادراتی،

پرداخت

هزینه‌هایی است

که به‌واسطه

تصمیمات اشتباه

دولت و حاکمیت

به صادرکننده

تحمیل شده

است. وقتی دولت

تصمیمی می‌گیرد

و هزینه آن را

بخش خصوصی

می‌پردازد، باید

این مبلغ را

به‌عنوان هزینه

کرد به صادرکننده

بپردازد؛ به‌عنوان

مثال نگاهی به

جریان‌های سیاسی

اخیر بیندازید،

این شرایط چقدر

روی صادرات و

قیمت کالا تأثیر

منفی گذاشت؟

ایجاد مشکلاتی

مانند تعهد ارزی،

برگشت ارز، قوانین

خلق‌الساعه،

تغییر قوانین و...

چه میزان ضرر

وزیان متوجه

صادرکنندگان کرد؟

اما هیچ‌کس به این

موضوع فکر نکرد

که تصمیم در جای

دیگر گرفته شده

و هزینه را شخص

دیگری پردازد.

بخواهیم به‌صورت واقعی کالاهای داخلی و خارجی را با هم مقایسه کنیم، اقتصاد ما باید به دنیا وصل شده باشد و از فضای گلخانه‌ای بیرون آمده باشیم.

◆ افق فکری برنامه‌ریزان کشور در حوزه تجارت بین‌المللی با چه چشم‌اندازی باید متحول شده و گسترش یابد تا به جایگاه قابل قبول در تجارت جهانی دست پیدا کنیم؟

همین که خودتان می‌گویید، تجارت جهانی؛ یعنی باید خودمان را تیکه‌ای از پازل دنیا بدانیم. باید هر آنچه که در کشور تولید و سرمایه‌گذاری می‌شود با کل دنیا مقایسه کنیم. یک مثال برایتان بیاورم؛ سال‌ها پیش پاکستانی‌ها تصمیم به تولید سیمان در کشورشان گرفتند، اما آمایش سرزمین انجام ندادند و به این نکته توجه نکردند که شرایط تولید سیمان در کشورهای همسایه چگونه است و در نتیجه همه کارخانه‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام داده بودند بعد از مدتی تعطیل شدند. به این دلیل که در ایران یارانه‌هایی مانند سوخت ارزان و معادن در اختیار تولیدکنندگان صنعت سیمان قرار می‌گیرد و در نتیجه سیمان ایران حتی با وجود پرداخت عوارض، هزینه مسیر قاچاق و هر شیوه دیگری که به پاکستان می‌رسید، ارزان‌تر از سیمان تولیدی این کشور می‌شد. این موضوع در کشور ما هم بارها اتفاق افتاده است و مثلاً کالایی که مشابه خارجی ارزان‌تر داشته، تولید کردیم و حتی اگر دولت واردات آن را ممنوع کرده باز به شکل قاچاق به مصرف‌کننده رسیده و تولید ما شکست خورده است. پس امروزه در تجارت خارجی باید همه دنیا را دید و بر اساس آن برآورد و برنامه‌ریزی کرد، زیرا اگر اکنون کالایی که ۲۰ سال پیش در دنیا مرسوم بوده را تولید کنیم یا به همان شیوه تولید گذشته بخواهیم ادامه دهیم به‌جایی نمی‌رسیم؛ به‌عنوان مثال تولیدکنندگان دوربین‌های عکاسی قدیمی امروز کجا هستند؟ یا تولیدکنندگان موبایل‌های اولیه مانند نوکیا که آن زمان دنیا را گرفته بودند، اکنون کجا هستند؟ خوب همه این‌ها درس‌هایی است که باید متوجه باشیم. تجارت خارجی ما باید به‌روز باشد، باید بدانیم چه کالایی را می‌توانیم تولید کنیم و به چه کشوری می‌توانیم بفروشیم. اینکه مرزهایمان را ببندیم امکان‌پذیر نیست، دنیا با همه بزرگی‌اش یک دهکده جهانی است و ما هم باید رویکردمان جهانی و با نگاه به منافع و امنیت ملی کشور باشد. ◆◆

فکر نکرد که تصمیم در جای دیگر گرفته شده و هزینه را شخص دیگر می‌پردازد. تشویق‌ها به‌جای خود، این تصمیمات تنبیهی را کنار بگذارند.

یک مسئله اساسی دیگر در این زمینه، بحث تصویب و اجرای قوانین است، اینکه قوانین باید کارشناسی، قابل اجرا و مطابق با واقعیت‌ها تصویب شود، یک مطالبه جدی است، اما از آن مهم‌تر بحث اجرای قوانین است؛ زیرا در اجرای همین قوانین موجود هم مشکلاتی وجود دارد، مثلاً عده‌ای که قانونمند هستند و می‌خواهند اسم و برندشان خوب باشد و به‌عنوان شرکت متعهد معرفی شوند، قوانین را رعایت می‌کنند، اما بعد از مدتی خود دولت این قوانین را تغییر می‌دهد و آن‌هایی که بر طبق قوانین عمل نکرده و رعایت نمودند، برنده این دوئل هستند.

در این ۴۰-۵۰ سال اخیر، همواره کسانی که قانون را دور زدند در نهایت بخشیده و تشویق شدند، توجیه بخشش هم این بوده که بالاخره مشکل دارند و نتیجه این شده که بسیاری از کسانی که طبق قانون فعالیت می‌کردند، اکنون یا دیگر کار نمی‌کنند یا مجبور شدند تن به دور زدن قانون بدهند و این بزرگ‌ترین اشکال در کشور است که همه قانون را دور بزنند، حتی کسانی که قانون را باور دارند؛ بنابراین اجرای قانون پس از تصویب شدن یک الزام است، خواه این قانون درست باشد یا غلط و این موضوع یکی از نیازهای اصلی در این زمینه است که شاید از هر تشویقی بهتر باشد.

◆ به نظر و تجربه شما تولیدات کشور ما تا چه اندازه متاعی با ارزش برای متقاضی خارجی است تا او را متقاعد به تقاضای محصولات ما بنماید؟

اقتصاد کشور ما در یک فضای گلخانه‌ای و تحریمی قرار دارد و تا وقتی که در این فضا باشد رقابت و بهره‌وری چندان معنی نمی‌دهد. در اقتصاد ما مواردی مانند یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم از جمله قیمت برق، انرژی و سوخت و همچنین محدودیت‌هایی که از نظر قوانین داخلی و تحریم برای صادرات و واردات داریم اجازه سنجش شرایط و تولید کالای داخلی با محصولات خارج کشور را نمی‌دهد. همین میزان صادراتی هم که انجام می‌شود یا به دلیل منحصربه‌فرد بودن کالا است یا به دلیل همان یارانه‌هایی که پرداخت می‌شود. مثلاً صادرات محصولات انرژی که به دلیل یارانه است و در واقع صادرات یارانه داریم، یا صادرات پسته، چون چنین پسته‌ای در هیچ کجای دنیا وجود ندارد. اگر

اقتصاد کشور ما در یک فضای گلخانه‌ای و تحریمی قرار دارد و تا وقتی که در این فضا باشد رقابت و بهره‌وری چندان معنی نمی‌دهد. در اقتصاد ما مواردی مانند یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم از جمله قیمت برق، انرژی و سوخت و همچنین محدودیت‌هایی که از نظر قوانین داخلی و تحریم برای صادرات و واردات داریم اجازه سنجش شرایط و تولید کالای داخلی با محصولات خارج کشور را نمی‌دهد. همین میزان صادراتی هم که انجام می‌شود یا به دلیل منحصربه‌فرد بودن کالا است یا به دلیل همان یارانه‌هایی که پرداخت می‌شود.

مدیریت زنجیره تأمین محصولات کشاورزی جنوب استان کرمان



♦ دکتر سمیه نقوی

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه جیرفت

مدیریت زنجیره تأمین، یکپارچه‌سازی فرایندهای کلیدی کسب‌وکار کاربر نهایی از طریق تأمین‌کنندگان اصلی است که محصولات، خدمات و اطلاعاتی را که ارزش‌افزوده برای مشتریان و سایر ذینفعان ایجاد می‌کنند، فراهم می‌کند. مدیریت زنجیره تأمین مجموعه اقدام‌هایی است که در فرآیند آن سعی می‌شود که عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، تولیدکنندگان، انبارها و فروشندگان به‌طوری ادغام شوند که کالا به میزان بهینه تولید شده و در زمان مناسب به مکان‌های مناسب ارسال شود و با انجام این مجموعه عملیات در حالی که رضایت خریداران حاصل می‌شود، کم‌ترین هزینه‌ها نیز حاصل شود. در واقع تأمین فرآیندی است که توسط شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد تا اطمینان حاصل شود که زنجیره تأمین آن‌ها کارآمد و مقرون‌به‌صرفه است.

مدیریت زنجیره تأمین محصولات کشاورزی

کووید ۱۹، به‌شدت بر تمام کشورهای جهان تأثیر گذاشته است و اختلال‌هایی در زنجیره تأمین در سطح جهان ایجاد کرده است. از آنجا که اکثر کشورهای جهان سوم و در حال توسعه به‌شدت به کشاورزی و واردات محصولات کشاورزی وابسته هستند، زنجیره‌های تأمین کشاورزی (ASC) در همه این کشورها به دنبال COVID-19 در معرض خطرات بی‌سابقه‌ای قرار دارند.

برای کاهش قیمت محصولات و افزایش توان رقابت‌پذیری آن‌ها نه تنها باید کارایی و بهره‌وری تولید را در سطح مزرعه افزایش داد، بلکه باید انتقال محصولات از تولیدکننده تا مصرف‌کننده را با کم‌ترین هزینه به ازای هر واحد تولید عملی ساخت. این مهم با مدیریت صحیح کل زنجیره تأمین ممکن است. لذا، لازم است سیاست‌های متناسب برای صنایع جانبی، فرآوری کننده، عرضه‌کنندگان نهاده‌ها و واسطه‌ها و همین‌طور سیاست‌های متناسب برای واردات و صادرات طراحی و اعمال گردد تا بتوان امکان کاهش قیمت‌ها و رقابت‌پذیری را برای محصولات کشاورزی فراهم نمود.

مدیریت زنجیره تأمین مؤثر، عامل کلیدی برای ایجاد و تداوم مزیت رقابتی محصولات تولید شده کشاورزان در بازار می‌باشد. چالش‌ها و مشکلاتی مانند رقیبانی با تولیدات کم‌هزینه، نوسان قیمت محصولات کشاورزی، افزایش انتظار مصرف‌کنندگان، اوضاع نابسامان اقتصادی تولیدکنندگان و وجود واسطه‌ها به‌عنوان گره‌های اتصال یک کشاورز با بخش شهر، سبب می‌گردد تا به زنجیره تأمین برای محصولات کشاورزی توجه ویژه لحاظ گردد. در واقع زنجیره تأمین کشاورزی،

شبکه‌ای پیچیده و پویا از عرضه و تقاضا است. تمام عوامل دخیل در زنجیره، به دنبال کسب سود هستند و بروز تعارض منافع در زنجیره، می‌تواند منجر به اختلال در سیستم شود. دو ابزار عمده برای بهبود رقابت‌پذیری یک زنجیره تأمین، یکپارچه‌سازی سازمان‌های دیگر و هماهنگ‌سازی بهتر جریان مواد، اطلاعات و مالی می‌باشد.

زنجیره تأمین کشاورزی، مجموعه‌ای از عاملان و فعالان مختلف شامل تأمین‌کنندگان، کشاورزان، عمده‌فروشان و خرده‌فروشان است که هدف آن‌ها تأمین رضایت مصرف‌کنندگان می‌باشد. در زنجیره تأمین کشاورزی، وجود عاملان مختلف، ارتباط منسجم و هماهنگ بین این عاملان و رضایت مصرف‌کننده باید مورد توجه قرار گیرد.

اهمیت زنجیره تأمین محصولات کشاورزی

- کاهش ضایعات محصولات در مراحل مختلف حمل‌ونقل، انبارداری و ذخیره‌سازی،
- افزایش فروش،
- انتشار و رواج تکنولوژی، تکنیک، سرمایه و دانش مابین عاملان زنجیره،
- اطلاعات کامل در مورد جریان محصولات و بازارها،
- شفافیت عملکرد زنجیره تأمین،
- ایجاد ارزش در زنجیره،
- اطمینان از اینکه محصول با خصوصیات مصرف‌کنندگان تناسب دارد.

مدیریت زنجیره تأمین محصولات کشاورزی جنوب کرمان

بخش کشاورزی جنوب کرمان، نیازمند مدیریت زنجیره تأمین یکپارچه و منسجم

کشاورزی یکی از مهم‌ترین بخش‌های تأثیرگذار در اقتصاد هر کشور که نقش مهمی در استقلال سیاسی و اقتصادی آن ایفا می‌کند. جنوب استان کرمان، سالیانه حدود ۴ میلیون تن انواع محصولات زراعی (سبزی و صیفی) خارج از فصل و باغی تولید می‌کند. این منطقه، از نظر پتانسیل‌های بالفعل و بالقوه کشاورزی در سطح ایران بی‌نظیر و در سطح جهان از لحاظ تولید محصولات کشاورزی سالم و با کیفیت کم‌نظیر است. در این منطقه، بیش از ۸۰ نوع محصول زراعی و باغی با بهترین کیفیت و در سطح تجاری تولید می‌شود. محصولات صادراتی این منطقه عبارتند از: پرتقال، گریپ، لیمو، خرما، خیار سبز، پیاز، سیب‌زمینی، هندوانه، بادمجان گلخانه‌ای، فلفل دلمه‌ای، گوجه‌فرنگی گلخانه‌ای، حنا و تباکو می‌باشد. جنوب استان کرمان از پتانسیل بالای کشاورزی برخوردار است و این استعداد عظیم در جنوب کرمان در صورت برنامه‌ریزی و هماهنگی صحیح می‌تواند موجب توسعه این مناطق شود. همچنین طبق آمارنامه کشاورزی سال ۱۳۹۸، سطح زیر کشت محصولات باغی در منطقه جنوب کرمان، یک میلیون و ۳۰۰ تن می‌باشد.

متأسفانه، ضعف مدیریتی در سیستم توزیع و فروش محصولات کشاورزی و به عبارتی بهتر، مدیریت عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی تولید شده در جنوب کرمان، موجب دلسردی کشاورزان منطقه را فراهم کرده است. کشاورزان این منطقه با مشکلات متعددی در خصوص پسا تولید محصولات خود مواجه هستند. الگوی اشتباه کشت محصولات در این منطقه، موجب اشباع بازار و بروز مشکلات در زمینه تقاضا برای محصولات کشاورزان شده است. عدم وجود زنجیره تأمین منسجم، هماهنگ و متمرکز در جنوب کرمان، باعث شده است ارزش افزوده محصولات کشاورزی در خارج از استان تولید شود و از سوی

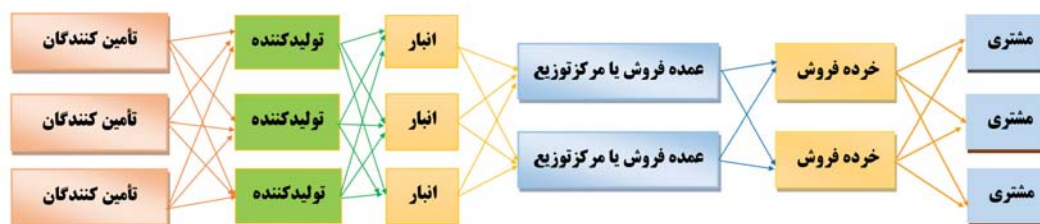
دیگر کشاورزان نیز متضرر شوند.

زنجیره ارزش، بخشی از زنجیره تأمین است که ایجاد ارزش افزوده در محصول انجام می‌شود. یکی از مشکلات کشاورزان جنوب کرمان، وجود واسطه‌ها در انتقال محصول از مزرعه به شهر در منطقه می‌باشد. معمولاً واسطه‌ها هیچ ارزشی به محصول اضافه نمی‌کنند، ولی باعث افزایش قیمت محصول می‌شوند. ناکارآمدی نظام زنجیره تأمین باعث کوچک‌تر شدن زنجیره ارزش می‌شود؛ یعنی عاملانی که فاقد فرآیند ایجاد ارزش در زنجیره هستند بیشتر از عواملان ارزش افزا می‌شوند. نتیجه‌ی این ناکارآمدی، کاهش سود عوامل مهم زنجیره و کشاورزان به‌عنوان تولیدکنندگان محصول و تجمع سود در بخش واسطه‌گری است که به نوبه‌ی خود گرایش به سمت واسطه‌گری به‌جای تولید را افزایش می‌دهد.

انباشت محصولات، نبود بازار و حمل‌ونقل نامناسب، عدم وجود تعداد مناسب و کافی صنایع تبدیلی و تکمیلی در منطقه، ضررهای بسیاری را به کشاورزان منطقه تحمیل کرده که باید برای رونق بازار محصولات جنوب در زمینه‌های ساماندهی سیستم حمل‌ونقل، فرآوری محصولات و توسعه صادرات تمهیدات لازم در زمان مشخص اندیشیده شود. افزایش سطح زیرکشت و هزینه‌های تولید، نبود بازار مناسب و در نهایت پایین بودن قیمت برخی از محصولات کشاورزی جنوب کرمان، باعث دلسردی و خسارات زیادی به کشاورزان منطقه شده است. در سال مانع زدايي و پشتیبانی توجه به توسعه صادرات این محصولات از جهت رفع موانع و تعرفه‌های صادراتی و مهیا کردن زیرساخت‌های لازم در منطقه، می‌تواند باعث کاهش مشکل فروش محصول کشاورزان شود. در واقع، ناهماهنگی‌هایی که در بخش‌های تولید و تجارت محصولات کشاورزی (تعرفه صادرات) وجود دارد، لزوم اجرای کامل قانون تمرکز و نیل به مدیریت واحد زنجیره تولید تا عرضه محصولات کشاورزی را نمایان می‌کند.

منطقه جنوب کرمان، نیازمند مدیریت زنجیره تأمین

ضعف مدیریتی در سیستم توزیع و فروش محصولات کشاورزی و به عبارتی بهتر، مدیریت عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی تولید شده در جنوب کرمان، موجب دلسردی کشاورزان منطقه را فراهم کرده است. کشاورزان این منطقه با مشکلات متعددی در خصوص پسا تولید محصولات خود مواجه هستند. الگوی اشتباه کشت محصولات در این منطقه، موجب اشباع بازار و بروز مشکلات در زمینه تقاضا برای محصولات کشاورزان شده است.



شکل ۱. فرآیند مدیریت زنجیره تأمین

تجویز، باید آن را دقیق‌تر شناخت تا آسیب‌های جانبی آن، ساختار کشاورزی موجود را از بین نبرد.

تعریف سازمان جهانی غذا و کشاورزی، فائو: کشاورزی قراردادی، سیستم تولید در کشاورزی است که مطابق توافقی بین خریدار و کشاورز انجام شود و در قرارداد شرایط تولید و بازاریابی محصول ذکر شود.

کشاورزی قراردادی به‌عنوان یک نهاد ممکن می‌تواند برای کشاورزان سودآور باشد و آن‌ها را به بازارهای جدید پیوند دهد. با وجود آن‌که همه ساله مازاد یا کاهش تولید محصولات کشاورزی، مشکلات متعددی را برای کشاورزان و تنظیم بازار ایجاد می‌کند، اما اجرای کشت قراردادی و تولید بر مبنای ثبت سفارش بازار داخل و خارج راهگشای این امر خواهد بود.

مزایای کشاورزی قراردادی از دید کشاورز:

- فراهم شدن قیمت و بازار تضمینی برای محصولات تولیدی،

- معرفی فناوری جدید،

- نظارت بر محصولات و استفاده از مشاوره رایگان فنی در مزرعه،

- تأمین نهاده‌هایی مانند: بذر و کود و سم و خدمات آموزشی رایگان، امکان دسترسی به اعتبارات به اشکال مختلف، استفاده از کشاورزی قراردادی به‌عنوان وثیقه، تسهیم ریسک و محافظت در برابر تغییرات قیمت بازار، دسترسی به بازار قابل اتکا، توسعه تجاری شدن کشاورزان کوچک مقیاس، کاهش هزینه‌های مبادله برای کشاورز، ثبات درآمدی کشاورزان و افزایش مهارت‌های مدیریتی و فنی کشاورزان از جمله مزایای این طرح برای کشاورزان است،

- عرضه نهاده‌ها و خدمات تولید توسط سرمایه‌گذار،

- عرضه اعتبارات توسط طرف قرارداد به کشاورزان،

- عرضه فناوری‌های جدید به کشاورزان،

- گشودن بازارهای جدید به روی کشاورزان،

- قابل اعتمادتر نسبت به خرید از بازار آزاد.

در پایان گزارش بر این نکته تأکید می‌شود که متأسفانه پراکندگی مدیریت زنجیره تأمین کشاورزی، سبب بروز مشکلات زیادی شده است. نگاه مدیریتی در حوزه کشاورزی باید اصلاح و یکپارچه شود. برای حل مشکلات کشاورزان، نیاز به تقویت تعاونی‌های بازاریابی، شناسایی حلقه‌های مفقوده بازار و سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی و تکمیلی جهت کاهش ضایعات محصولات کشاورزی، وجود دارد. ♦♦

در بخش کشاورزی برای اتصال عاملان مؤثر در تولید و فرآوری محصولات کشاورزی است که در صورت تحقق آن، کشاورزان مجبور به تولید متناسب با تقاضای بازار می‌شوند که برای خود آنان نیز همراه با درآمدافزایی است. ضعف مدیریتی در سیستم توزیع و فروش محصولات کشاورزی تولید شده از مزرعه تا سبد مصرف‌کننده؛ به یک سیستم اطلاعاتی گسترده و یکپارچه نیازمند است. اجرا، مدیریت و سیاست‌گذاری زنجیره تولید تا عرضه محصولات کشاورزی تماماً باید تحت یک سازمان و مدیریت قرار داده شود.

متأسفانه مدیریت زنجیره تأمین کشاورزی در کشور ما علیرغم اهمیت بالای آن به‌عنوان روش استراتژیک مورد توجه قرار نگرفته است. تجربه جهانی نشان می‌دهد که کشورهای پیشرو در زمینه کشاورزی مثل ایالات متحده، برزیل، کانادا، هند، چین، روسیه که کشورهای بزرگی در فضای تجارت محصولات کشاورزی به‌حساب می‌آیند، این مدیریت واحد زنجیره ارزش بخش کشاورزی را به کار می‌گیرند.

نکته قابل توجه در زنجیره تأمین، پدیده اثر شلاقی (Bullwhip Effect) می‌باشد. اثر شلاقی اشاره به این دارد که نوسانات تقاضای آخرین سطح مشتری در زنجیره تأمین با حرکت در طول مراحل زنجیره تأمین افزایش می‌یابد. به تقویت تغییرپذیری تقاضا از پایین زنجیره به سمت بالای زنجیره تأمین اثر شلاقی گفته می‌شود؛ بنابراین، یکی از عوامل مهم در افزایش هزینه‌های زنجیره تأمین، شکل‌گیری موجودی‌های پرهزینه، ضایعات زیاد محصول، خدمات‌رسانی ضعیف و بی‌کیفیت به مصرف‌کنندگان، هزینه‌های زیاد حمل‌ونقل می‌باشد؛ بنابراین زنجیره تأمین محصولات کشاورزی نیاز به همکاری و هماهنگی بین فعالان این عرصه دارد.

کشاورزی قراردادی، امیدی برای بهبود وضعیت کشاورزان

عدم آگاهی کشاورزان نسبت به کاشت متعادل محصولات کشاورزی بر اساس میزان تقاضا، از مهم‌ترین مشکلات کشاورزی منطقه جنوب کرمان می‌باشد. برهم خوردن این تعادل از یک‌سو باعث وفور یک محصول و کاهش چشمگیر قیمت آن در یک سال و از طرفی با کاهش سایر محصولات، باعث افزایش قیمت و نارضایتی مصرف‌کننده می‌گردد. یکی از راه‌کارهای مؤثر جهت افزایش سود کشاورزان و کاهش واسطه‌ها در زنجیره تأمین کشاورزی جنوب کرمان، کشاورزی قراردادی می‌باشد.

تجربه کشورهای توسعه‌یافته، کشاورزی قراردادی را به‌عنوان راهبردی جهت پیشرفت کشاورزی معرفی می‌کند، اما برای

کشاورزی

قراردادی به‌عنوان

یک نهاد ممکن

می‌تواند برای

کشاورزان سودآور

باشد و آن‌ها

را به بازارهای

جدید پیوند

دهد. با وجود

آن‌که همه ساله

مازاد یا کاهش

تولید محصولات

کشاورزی،

مشکلات

متعددی را برای

کشاورزان و

تنظیم بازار ایجاد

می‌کند، اما اجرای

کشت قراردادی

و تولید بر مبنای

ثبت سفارش بازار

داخل و خارج

راهگشای این امر

خواهد بود.



پسماند؛ منبعی جدید در خلق ثروت



♦ دکتر حسین وحیدی

عضو هیئت‌علمی پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فن‌آوری‌های پیشرفته

مقدمه

با افزایش روزافزون جمعیت، شهرنشینی و گسترش صنایع مختلف، ما ناگزیر با افزایش تولید و تنوع پسماندهای گوناگون مواجه هستیم. افزایش تولید پسماند همواره با آلودگی‌های محیط زیستی مختلف و خساراتی برای سلامت انسان، محیط‌زیست گیاهی و جانوری همراه است. از طرف دیگر، در صورت عدم مدیریت مناسب پسماندها با هدر رفت قابل‌توجه سرمایه و منابع اقتصادی مواجه هستیم. امروزه وضعیت وخیم و گسترده آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها بر کسی پوشیده نیست و به‌طورکلی با حساسیت زیادی این موضوع در مرکز توجه دولت‌ها و ملت‌ها قرار گرفته است، اما هدر رفت ثروت و سرمایه‌ای که از مدیریت نامناسب پسماندها ایجاد می‌شود، اکثراً در مرحله بعدی به چشم می‌آید. امروزه فراخوان توسعه پایدار از نظر زیست‌محیطی و اقتصادی با صدای بلند و واضح بیان می‌شود. از این‌رو

نسل‌های فعلی و آینده باید اطمینان حاصل کنند که تمام منابع تا حد امکان حفظ، به‌طور کامل استفاده و به‌خوبی مدیریت می‌شوند. اصلی‌ترین سازوکار حفظ منابع در توسعه پایدار اکولوژی صنعتی است. مفهوم اکولوژی صنعتی بر تبدیل زنجیره خطی (تولید، مصرف و دفن مواد) به زنجیره‌های حلقوی و کارآمدتر (تولید، مصرف، بازیافت) تأکید دارند. اکولوژی صنعتی را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین پایه اجرایی توسعه پایدار دانست که با اهمیت زیادی در بسیاری از کشورهای دنیا با جدیت دنبال می‌شود که متأسفانه تاکنون در کشور ما توجهی به آن نشده است.



شکل ۱- چرخه باز جریان مواد و پسماند



شکل ۲- چرخه حلقوی و بسته جریان مواد و پسماند

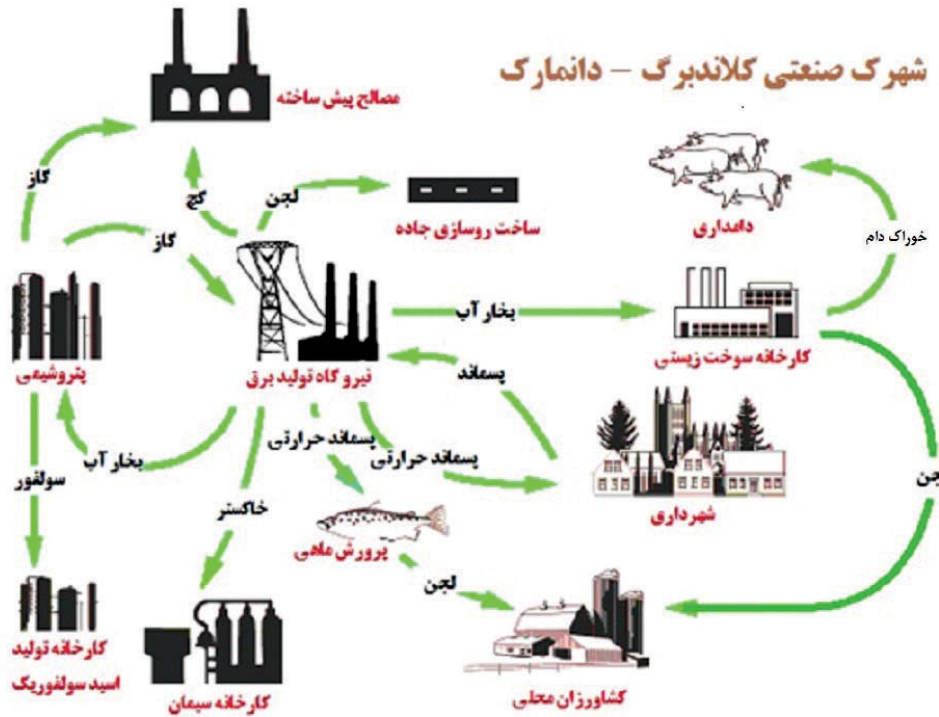
این سیستم، مجموع درآمد حاصله از چرخه پسماند در این سیستم از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۱۲۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود. نحوه ارتباط پسماند و ضایعات انرژی بین صنایع در این شهرک در شکل زیر نشان داده شده است که البته امروزه این شبکه بسیار بزرگ‌تر و پیچیده‌تر شده

به این ترتیب در اکولوژی صنعتی علاوه بر این که تولید مواد زائد کاهش می‌یابد، یک شبکه پایدارتر از جریان مواد و منابع تشکیل خواهد شد که طی آن جریان خطی مواد به یک جریان چرخه‌ای کارآمدتر (جریان باز به بسته) تبدیل خواهد شد. این موضوع در حوزه صنعتی و خصوصاً شهرک‌های صنعتی بسیار پرکاربرد و مفید است. در این ساختار، واحدهای مختلف مستقر در شهرک‌های صنعتی از حالت عملکرد جزیره‌ای به ساختاری تعاملی و گسترده تبدیل می‌شوند که جریان گردش ایجاد شده مازاد مواد، پسماندها و انرژی‌های هدررفته را در خود سیستم استفاده کرده و باعث صرفه‌جویی‌های بسیاری می‌شود.

اگر بخواهیم یک مثال موفق از تبدیل یک شهرک صنعتی ساده را به یک اکو پارک صنعتی ذکر کنیم می‌توان به اکو پارک صنعتی کلاندرگ در دانمارک اشاره کرد. اکو پارک صنعتی کلاندرگ در ۷۵ مایلی شهر کپنهاگ در کشور دانمارک واقع شده است. این شهرک از سال ۱۹۶۰ فعال است. چهار صنعت اصلی در این شهرک، شامل نیروگاه تولید برق با سوخت زغال‌سنگ، پتروشیمی، کارخانه تولید مواد دارویی و آنزیم و همچنین کارخانه گچ سازی مشغول است. در این شهرک از سال ۱۹۶۱ مفاهیم اکولوژی صنعتی پیاده شد و ارتباط بین این صنایع و سایر صنایع جدیدالتأسیس در سال‌های بعد برقرار گردید. علاوه بر مزایای محیط زیستی



شکل ۳- تبدیل شهرک صنعتی به اکو پارک صنعتی



شکل ۴- شماتیک مدل ارتباطی اکولوژی صنعتی در شهرک صنعتی کلاندربرگ در سال ۱۹۹۳

میزان مواد و کالای مصرفی در یک شهر متوسط را به صورت روزانه در نظر بگیرید؛ مطمئناً مقدار قابل توجهی از نظر حجم، تعداد و ارزش اقتصادی است. به طور معمول در صنایع تولیدی مختلف ارزش بسته بندی کالا بین ۱ الی ۵ درصد قیمت تمام شده کالا است. بسته بندی مورد نظر به محض استفاده جدا و به عنوان پسماند تلقی می شود. پس می توان این گونه در نظر گرفت که مقدار ۱ الی ۵ درصد ارزش کالای مصرف شده در شهر به صورت روزانه به عنوان پسماند در نظر گرفته شده و قابلیت باز یافت و یا استفاده مجدد را دارد.

باز یافت در پسماندهای شهری هستند. برای درک بهتر، میزان مواد و کالای مصرفی در یک شهر متوسط را به صورت روزانه در نظر بگیرید؛ مطمئناً مقدار قابل توجهی از نظر حجم، تعداد و ارزش اقتصادی است. به طور معمول در صنایع تولیدی مختلف ارزش بسته بندی کالا بین ۱ الی ۵ درصد قیمت تمام شده کالا است. بسته بندی مورد نظر به محض استفاده جدا و به عنوان پسماند تلقی می شود. پس می توان این گونه در نظر گرفت که مقدار ۱ الی ۵ درصد ارزش کالای مصرف شده در شهر به صورت روزانه به عنوان پسماند در نظر گرفته شده و قابلیت باز یافت و یا استفاده مجدد را دارد. تنوع بالای مواد تشکیل دهنده پسماندهای شهری و حجم روزانه قابل توجه آن ها نقطه قوت مهمی در توجیه سرمایه گذاری در طرح های صنایع باز یافتی و تکمیل کننده حلقه تبدیل پسماند به ثروت است. تنوع صنایع تبدیلی، تکنولوژی و دانش در دسترس، تجربه اجرایی مناسب در کشور و تقاضای رو به افزایش بازار مصرف نسبت به این مواد همگی فرصت های غیر قابل انکاری در صنعت باز یافت هستند. بخش غیر رسمی مدیریت پسماندها در کشور شامل زنجیره های سیستماتیک به ترتیب شامل زباله گردها، کارگاه های خرید و فروش پسماندهای خشک، سایت های پردازش

است. همچنین، به دلیل استفاده مجدد از پسماندها و گردش پسماند به عنوان مواد اولیه در صنایع تکمیلی چند صد هزار تن مواد اولیه کمتری نسبت به حالت عادی مصرف شده است. همه این مقادیر با توجه به تعداد و مقیاس منطقه بسیار قابل توجه است. برای درک درست از چرخه اقتصادی در مدیریت پسماند در کشور ابتدا بایستی شناخت مناسبی از انواع پسماند و پتانسیل های اقتصادی و تولید ارزش افزوده از کدام پسماندها را دانست. به طور خلاصه دو منبع مهم تولید پسماندها را می توان شهرها و صنایع دانست که هر کدام فرصت های بی شماری را در حوزه اقتصادی می توانند برای جامعه به دنبال داشته باشند.

مدیریت پسماند شهری

از آنجا که شهرها عمده ترین مصرف کننده اجناس و کالا هستند، همواره تولید پسماند با نرخ رو به افزایشی در حال انجام است. کالاها و مواد مصرفی دو جزء پسماندی ارزشمند دارند:

۱. پسماندهای ناشی از بسته بندی کالا
۲. پسماند ناشی از اضافات مواد و کالاهای مستعمل

این اجزا عمده ترین درصد تشکیل دهنده با ارزش و قابل

فرآیندهای بازیابی و بازیافت پسماند

به‌طور کلی چندین روش برای بازیابی و بازیافت انواع مختلف پسماندها وجود دارد که می‌تواند به تولید ارزش افزوده از یک یا ترکیبی از آن‌ها بر اساس نوع و ماهیت مواد و پسماندها استفاده کرد. چهار فرآیند اصلی شامل فرآیندهای مکانیکی، بیولوژیکی، شیمیایی و استحصال انرژی عموماً استفاده می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین نکات کلیدی در حوزه بازیافت و بازیابی پسماندها دقت به ماهیت و تنوع مواد آن‌ها است که نهایتاً موجب می‌شود یک رویکرد ثابت بازیافتی جواگو نباشد که نیاز به استفاده از ترکیبی بهینه از روش‌ها و تکنولوژی‌های مختلف در کنار یکدیگر با هدف افزایش توجیه اقتصادی سیستم است. این موضوع در کشور ایران بسیار مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و از مهم‌ترین دلایل شکست بسیاری از پروژه‌های مدیریت پسماند در کشور است.

جمع‌بندی

هیچ شکی نیست اکولوژی صنعتی، بازیافت، بازیابی و استفاده مجدد از پسماندها تنها راهکار کنونی و آتی در دنیا برای کنترل آلودگی‌های محیط زیستی و کاهش هدررفت سرمایه و مواد اولیه با ارزش است. کشور ایران با این حوزه ناآشنا نیست، ولی کارآمدی و نتایج مطلوب زمانی به دست می‌آید که جریان مواد و پسماند در کشور ساختارمند و بر اساس دیدگاه‌های علمی و اصولی باشد. نبود زیرساخت‌های اطلاعاتی، قوانین پشتیبان، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی و حمایت‌های دولتی از این حوزه مشکلات اصلی غیر کارآمدی و عدم هم‌گیری این اقدامات در کشور است. با توسعه جریان کارآمد حلقوی مواد و پسماند می‌توان تحرک قابل توجه در اقتصاد کشور ایجاد کرد. برخی از محققین پیش‌بینی می‌کنند که اقتصاد پسماند می‌تواند تا ۲ الی ۵ درصد GDP را به خود اختصاص داده و فرصت‌های شغلی زیادی را ایجاد کند.

بنابراین، بخش دولتی و خصوصی ایران بایستی اقدامات مؤثر و جدی درباره در نظر گرفتن پسماندها به‌عنوان یک منبع درآمد پایدار و همراه با مزایای محیط زیستی و بهداشتی بسیاری در نظر بگیرند. همان‌طور که گفته شد، اکولوژی صنعتی اساسی‌ترین مسیر حرکت روبه‌جلو در توسعه صنایع بازیافتی، بازیابی و استفاده مجدد از پسماندهای مختلف شهری و صنعتی است. امید است تا در سال‌های آینده نتایج مؤثری از دستاوردهای مدیریت مناسب و اصولی پسماندها برای شهر و کشورمان حاصل شود. ♦♦

اولیه (جداسازی، خردایش و بسته‌بندی) و صنایع تبدیلی و در نهایت مصرف‌کننده مواد بازیافتی است. نگاه اجمالی به وسعت این سازوکار تأیید‌کننده وسعت و بزرگی قابل توجه صنعت بازیافت در کشور است که بخش دولتی و رسمی درصد بسیار اندکی از این زنجیره را به خود اختصاص داده است. مشکلاتی مانند عدم نظارت‌های محیط زیستی و بهداشتی، عدم شفافیت مالی و فرار مالیاتی از مهم‌ترین مشکلات چرخه غیررسمی مدیریت پسماند در کشور است. متأسفانه دیدگاه‌های مدیریتی شهرداری‌ها نسبت به مدیریت پسماند و عدم ریسک‌پذیری آن‌ها در قبال پروژه‌های پسماند بخش دولتی را از سرمایه‌گذاری‌های مناسب و هوشمند در بخش مدیریت پسماند و تولید ثروت از آن را دور کرده است که مطمئناً با ورود بخش خصوصی به این حوزه و مشارکت آگاهانه و با برنامه شهرداری‌ها، بخش رسمی (دولتی یا خصوصی) می‌تواند حجم بیشتری از بازار اقتصاد پسماند را به خود اختصاص دهد.

مدیریت پسماند در صنایع

پسماند قابل توجهی از نظر ماهیت (عادی یا ویژه) و حجم تولید در صنایع تولید می‌شود. بسیاری از این پسماندها قابلیت استفاده مجدد به‌عنوان مواد اولیه در صنایع دیگر بر اساس مفاهیم اکولوژی صنعتی را دارند. از موفق‌ترین برنامه‌های اجرایی در دنیا می‌توان به برنامه اکواستار در آمریکا اشاره داشت که در سال‌های ۲۰۰۳ به بعد در ده‌ها شهرک صنعتی آمریکا اجرا شد. نتایج بسیار قابل توجهی در کاهش مصرف مواد اولیه، دفع پسماند، هدررفت انرژی و آب مصرفی در این شهرک‌ها حاصل شد. به‌عنوان مثال، اجرای این طرح که بر پایه مفاهیم اکولوژی صنعتی بود توانست با تغییر رویکرد مدیریتی و استفاده مجدد از آب و پساب در این شهرک‌ها بیش از ۲۵ درصد کاهش مصرف آب را نتیجه دهد.

همچنین، برخی از پسماندهای صنعتی می‌توانند بازیافت یا بازیابی شوند که بسته به نوع و فرآیندی که جهت آماده‌سازی پسماند جهت تبدیل به مواد قابل استفاده مجدد متفاوت است. معمولاً بازیابی شامل فرآیندهای پیچیده‌تر و پرهزینه‌تری نسبت به فرآیندهای بازیافتی است. رویکرد بازیافت و بازیابی در کشور ایران وجود دارد ولی کارآمد و ساختارمند نیست. می‌توان با هوشمند سازی، برنامه‌ریزی بهتر و توسعه شبکه جریان مواد در کشور مقدار بیشتری از انواع پسماندهای صنعتی را در چرخه بازیافت و بازیابی و یا استفاده مجدد قرار داد. این موضوع ارزش اقتصادی این چرخه را افزایش می‌دهد.

- ▶ پسماند قابل توجهی از نظر ماهیت عادی یا ویژه و حجم تولید در صنایع تولید می‌شود.
- ▶ بسیاری از این پسماندها قابلیت استفاده مجدد به‌عنوان مواد اولیه در صنایع دیگر بر اساس مفاهیم اکولوژی صنعتی را دارند.
- ▶ از موفق‌ترین برنامه‌های اجرایی در دنیا می‌توان به برنامه اکواستار در آمریکا اشاره داشت که در سال‌های ۲۰۰۳ به بعد در ده‌ها شهرک صنعتی آمریکا اجرا شد.



گفت‌وگو با «یوسف جعفری» رئیس اتاق اصناف استان کرمان

دور تسلسل افزایش هزینه‌ها و گرانی

یوسف جعفری، رییس اتاق اصناف مرکز استان کرمان در گفت‌وگو با ما می‌گوید: مشکلات اقتصادی و عدم مدیریت صحیح در تأمین حتی نیازهای اولیه افراد جامعه و وجود افرادی که همیشه با پول‌های سرگردان خود در فضای کمبودها به دنبال سودجویی هستند، موجب ایجاد بازار سیاه شده است. تورم لجام‌گسیخته بیشترین تأثیر خود را در افزایش قیمت کالاهای اساسی و نیازهای اولیه مردم از جمله گوشت، مرغ و میوه یا مسکن و خودرو به نمایش گذاشته است و تا زمانی که به شکل‌گیری بازار و تجارت آزاد و رقابتی بی‌توجهی شود، افزایش و تداوم تورم را شاهد خواهیم بود. گران‌فروشی هیچ‌وقت با دستور و کنترل دستگاه‌های دولتی و نظارتی برطرف نمی‌شود؛ ضمن این‌که ما امروز با گرانی فزاینده روبه‌رو هستیم، نه گران‌فروشی. تصمیمات و برنامه‌های اشتباه دولت‌مردان و متولیان بعضی از نهادها و دستگاه‌های اقتصادی، مسئول مستقیم گرانی‌ها هستند. مشروح کامل این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

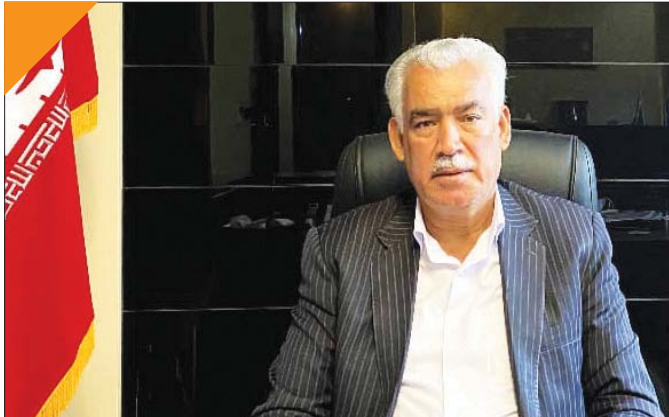
به اهدافی همچون افزایش حجم فروش و سهم بازار و رسیدن به سود و درآمد بیشتر، با رقیبان خود، رقابت می‌کند که این رقابت در نهایت به نفع مصرف‌کننده یا خریدار تمام می‌شود.

در این بازار، تولیدکننده کالا و عرضه‌کننده خدمات برای جلب مشتری تلاش می‌کنند و مشتریان هم آزادانه حق و اختیار دارند تا کدام کالا یا خدمت را انتخاب کنند. این رقابت و حق انتخاب، خود به خود باعث کاهش قیمت و

◆ شما چه تعریفی از بازار آزاد دارید؟

در علم اقتصاد، بازار آزاد دارای تعاریف متعددی است که برخلاف آنچه در کشور ما جا افتاده، ویژگی‌های مثبتی دارد.

در کشورهای پیشرفته، بازار آزاد یا تجارت آزاد، بازاری است که در آن رقابت از طریق عرضه و تقاضا حرف اول را می‌زند؛ یعنی قیمت یک کالا یا خدمت، از طریق میزان عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، نه از طریق نرخ‌گذاری دستوری و دولتی، به عبارت دیگر، در بازار آزاد واقعی که مورد تأیید همه استادان و صاحب‌نظران علم اقتصاد قرار دارد، تولیدکننده یا کارآفرین برای دستیابی



تصمیمات و برنامه‌های اقتصادی دولت به همین شکل کنترل و نظارت بر بازار ادامه داشته باشد و به شکل‌گیری بازار و تجارت آزاد و رقابتی بی‌توجهی کنند. باز هم افزایش و تداوم تورم را شاهد خواهیم بود.

تصمیمات و برنامه‌های اشتباه دولتمردان و متولیان بعضی از نهادها و دستگاه‌های اقتصادی، مسئول مستقیم گرانی‌ها هستند. آخر مگر می‌شود هزینه‌های جاری یک واحد تولیدی بزرگ از هزینه انواع حامل‌های انرژی گرفته تا حقوق و بیمه کارگران آن‌ها را افزایش بدهیم و بعد هم از آن واحد تولیدی توقع و انتظار داشته باشیم که قیمت محصولات خود را افزایش ندهد!

منجر به شکل‌گیری یک بازار آزاد و رقابتی سالم می‌شود. ولی متأسفانه در کشور ما، بازار آزاد معانی دیگری یافته است و به دلیل کمبود منابع ارزی و عدم اطمینان از واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی، عمده فعالیت‌های اقتصادی در اختیار دولت قرار دارد.

مشکلات اقتصادی، کاهش درآمد ارزی و عدم مدیریت صحیح در تأمین حتی نیازهای اولیه افراد جامعه و ناتوانی دولت در انجام یا واگذاری فعالیت‌های اقتصادی، موجب عدم شکل‌گیری یک بازار رقابتی سالم شده است، طوری که در بسیاری از اقلام و کالاهای مورد نیاز مردم از خودرو گرفته تا سیمان، مرغ و روغن نباتی و دارو که در آن‌ها تقاضا بیشتر از عرضه است، کمبود شدید موجب تشکیل بازار آزاد آن‌ها شده و همیشه هم افرادی وجود دارند که با پول‌های سرگردان خود از این کمبودها به دنبال سودجویی هستند که البته بهتر است نام فعالیت آن‌ها را بازار سیاه بگذاریم!

◆ به نظر شما ریشه بروز و دوام تورم در اقتصاد کشور در همه این سال‌ها چیست؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مواضع سیاسی دولتمردان، جنگ تحمیلی و پس از آن تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که موجب ایجاد تنش و چالش در اقتصاد کشور شدند، اما مهم‌تر از همه این‌ها عدم مدیریت صحیح مشکلات اقتصادی و وابستگی شدید درآمدهای ارزی به فروش نفت و همچنین کاهش ارزش پول ملی، همگی باعث شدند که صاحبان سرمایه که در بخش خصوصی فعال هستند برای حفظ ارزش سرمایه خود، بازارهای هدف برای سرمایه‌گذاری خود را مرتباً تغییر بدهند.

از طرف دیگر، اجرای سیاست‌های غلط در حوزه اقتصاد و بانکداری از جمله کاهش سود سپرده‌های مردم، باعث شد در مراحل مختلف، صاحبان سرمایه پس از خروج نقدینگی خود از بانک‌ها، ابتدا به طرف خرید طلا و ارز و در دهه گذشته نیز به دلیل نوسانات شدید نرخ طلا و ارز، سرمایه‌های خود را به سمت خرید ملک و خودرو سوق بدهند که همه این وقایع در نهایت منجر به رساندن آسیب اقتصادی فراوان به اقشار ضعیف و دهک‌های پایین جامعه شده است. طوری که تورم لجام‌گسیخته، بیشترین تأثیر خود را بر روی افزایش قیمت کالاهای اساسی و نیازهای اولیه مردم، از جمله قیمت گوشت، مرغ و میوه یا مسکن و خودرو به نمایش گذاشته و همه ما شاهد افزایش مجدد بهای آن‌ها هستیم و تا زمانی که

در پرداخت مالی به دلیل تحریم بانک‌ها، کشتی حامل کنجاله یا ذرت که برای دامداری‌ها و مرغداری‌های کشور خریداری شده، در بین راه متوقف بماند و کمبود این اقلام منجر به گرانی گوشت قرمز و نایاب شدن مرغ شود؟ طبق نظریه‌های ثابت شده در همه جای دنیا، دولت فقط نقش نظارتی دارد و باید کارهای اجرایی را به دست فعالان مرتبط با هر فعالیت اقتصادی بسپارد؛ چرا که آن‌ها بهتر و بیشتر از دولت، می‌توانند مشکلات خود را برطرف کنند.

◆ بسیار گفته می‌شود که بازار آزاد ایران در اختیار عده‌ای خاص است، نظر شما درباره دخالت دولت در اقتصاد و بازار در چنین شرایطی چیست؟

در شرایطی که کشورمان با تحریم‌های اقتصادی مواجه است و فروش نفت هم تحت تحریم‌ها کاهش شدیدی پیدا کرده و باز هم به دلیل وابستگی شدید درآمدهای کشور به منابع حاصل از فروش نفت، ذخایر ارزی ما هم کاهش یافته و منجر به تعیین دو نوع نرخ برای ارز شده است که برای مصارف خاصی مانند خرید کالاهای اساسی از جمله شکر، روغن، دارو و مانند این‌ها از ارزی که دارای قیمت پایین‌تری است استفاده می‌شود، همین محدودیت باعث شده که دولت این واردات را در اختیار افرادی قرار دهد که مطمئن‌تر و قابل اعتمادتر هستند؛ یعنی اطمینان وجود داشته باشد که این افراد، ارز دریافتی را در جای دیگر هزینه یا خرید نکنند. شاید علت اصلی این انتخاب همین باشد؛ هر چند طی سال‌های گذشته ثابت شد که همین افراد قابل اعتماد هم کار خود را درست و کامل انجام نداده‌اند.

◆ مقصر اصلی گرانی و گران‌فروشی‌ها کیست؟ چه چاره‌ای باید اندیشید؟

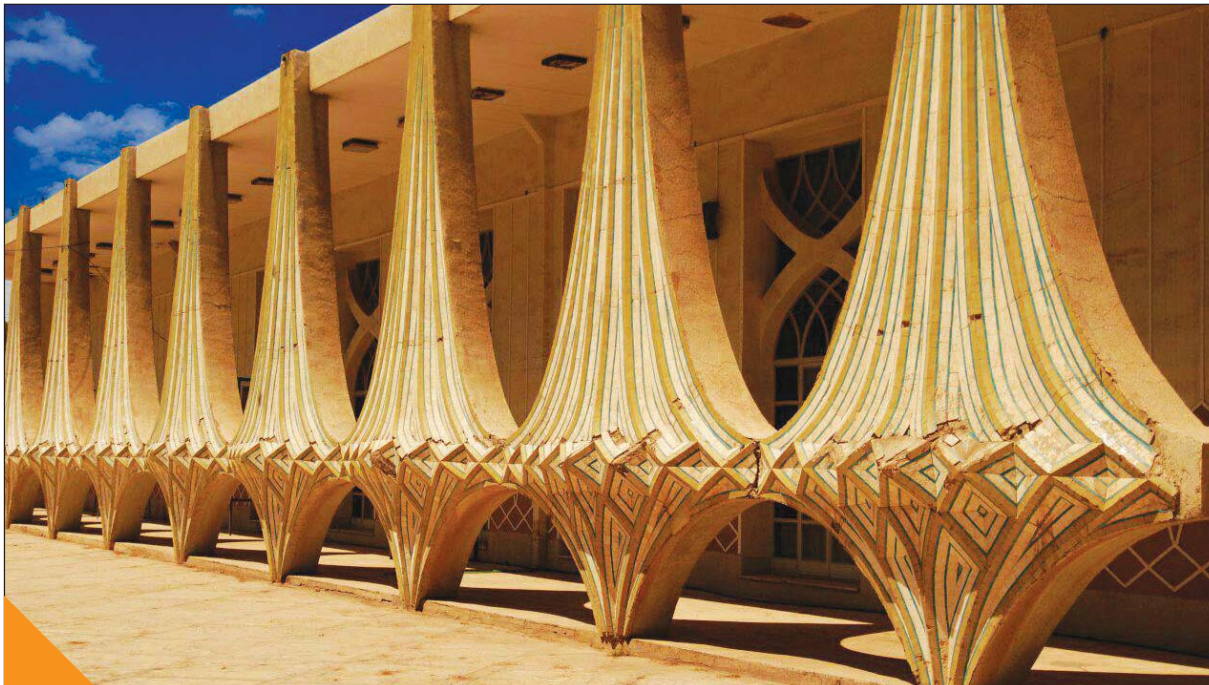
همان‌طور که در پاسخ سؤال‌های قبلی گفتیم، تصمیمات و برنامه‌های اشتباه دولتمردان و متولیان بعضی از نهادها و دستگاه‌های اقتصادی، مسئول مستقیم گرانی‌ها هستند. آخر مگر می‌شود هزینه‌های جاری یک واحد تولیدی بزرگ از هزینه انواع حامل‌های انرژی گرفته تا حقوق و بیمه کارگران آن‌ها را افزایش بدهیم و بعد هم از آن واحد تولیدی توقع و انتظار داشته باشیم که قیمت محصولات خود را افزایش ندهد! ریشه و سرچشمه تمام گرانی‌ها از همین افزایش هزینه‌هایی است که به کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدی تحمیل می‌شود. امیدوارم روزی برسد که با مدیریت صحیح بتوانیم همه مشکلات کشور را، سروسامان بدهیم. والسلام. ◆◆

به ناچار تولیدکنندگان هم مجبور به افزایش قیمت کالای تولیدی خود می‌شوند. وقتی دولت مجبور می‌شود برای حفظ قدرت خرید کارگران بخش خصوصی و کارکنان دولتی، حقوق آن‌ها را به نسبت تورم موجود افزایش دهد، طبیعی است که تأمین این افزایش حقوق مستقیماً بر قیمت محصولات و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم هم تأثیر دارد و این دور تسلسل ادامه‌دار، باز هم منجر به افزایش تورم و گرانی خواهد شد.

◆ حدود دخالت دولت در تعیین قیمت‌ها کجاست؟

عرض کردم در کشور ما به دلیل مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های موجود در زمینه تأمین ارز، دولت ناچار است بسیاری از فعالیت‌های اجرایی مانند واردات نهاده‌های دام و طیور یا برخی مواد غذایی پرمصرف را خودش انجام دهد. وگرنه مثل سایر کشورها همه این امور باید در اختیار تشکلهای صنفی یا تعاونی فعالان این مشاغل قرار داشته باشد، چرا اتحادیه دامداران یا مرغداری‌های کشور خودشان نمی‌توانند نهاده‌های مورد نیاز دام و طیور را وارد کنند؟ چرا دولت می‌خواهد خودش این کار را انجام دهد که در نهایت به دلیل عدم موفقیت





● خانه شهر کرمان ●

اقتصاد فرهنگ و هنر در کرمان



◆ عبدالرضا قراری

مدیرعامل خانه هنرمندان استان کرمان

روندها و گرایش‌های حاکم بر اقتصاد هنر مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نظریه‌های اقتصاد هنر شکل می‌گیرد. در سنت‌های فرهنگی ما نظرها‌های خاصی وجود دارد که وجه اقتصادی هنر را به‌سادگی نمی‌پذیرند و در مقابل مفهوم (هنر کالا) که محصول تفکر سرمایه‌داری در نظام مالی جهانی است رویکرد انتقادی می‌گیرد. این تقابل انتقادی یک وجه دگرگونی است که در نظام اجتماعی با توجه به

از دهه ۱۹۸۰ میلادی نگاه به اقتصاد هنر تغییر کرده و مبادلات مالی بین‌المللی در این زمینه موجب شده است که اقتصاد هنر به‌عنوان یک دانش میان رشته‌ای در دنیا مورد توجه نظریه‌پردازان و محققان قرار گیرد و همچنین اقتصاد هنر در اقتصاد کشورها و برنامه‌های توسعه پایدار آن‌ها و سهم خواهی در اقتصاد جهانی، نظام پیچیده و تخصصی ایجاد کرده است. در نظام استاندارد بین‌المللی صنایع (ISIC) فعالیت‌های هنری طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی را پوشش می‌دهند که از فعالیت‌های هنری موسیقی، تئاتر، سینما، هنرهای تجسمی و تبلیغات، انتشارات، مجموعه‌داری، موزه، نمایشگاه، کتابخانه تا تألیف و بازی‌های رایانه‌ای و غیره را در برمی‌گیرد. امروزه با روش‌های آماری و اقتصادسنجی، بر اساس آمار میدانی و رسمی

از سوی حاکمیت در اتخاذ شیوه‌های حمایتی و هدایتی مناسب، به‌منظور تشویق و ترغیب مشارکت بخش غیردولتی در فعالیتهای هنری و فرهنگی و افزایش سهم سرمایه‌گذاری افراد و بنگاه‌های هنری در تولید و ارائه خدمات و آثار هنری موفق نبوده است.

۲) پدیدآورندگان آثار هنری و هنرمندان

نظام‌های حرفه‌ای و همه حرفه‌ها کم یا بیش و به شیوه‌های گوناگون تعداد اعضایشان را به‌صورت رسمی کنترل می‌کنند. سازمان نظام پزشکی نهادی است که گروه حرفه‌ای پزشکان و تخصص‌های مربوط به آن را تعریف کرده و به فعالیت حرفه‌ای آن‌ها رسمیت می‌بخشد و سازمان نظام‌مهندسی هم در خصوص مهندسیین همین هدف را دنبال می‌کند. می‌دانیم که در هر یک از گرایش‌های حرفه‌ای مورد نظر با داشتن مدرک رسمی دانشگاهی فعالیت حرفه‌ای فرد رسمیت نمی‌یابد و دریافت پروانه فعالیت از سازمان‌های مورد نظر است که به فعالیت حرفه‌ای افراد در این مشاغل رسمیت می‌بخشد و در نظام بازار این اتاق بازرگانی است که به همراهی نهادهای صنفی مجوز فعالیت مشاغل مختلف را صادر می‌نماید. حال آنکه در زمینه هنر هر کس می‌تواند هنرمند باشد. شکل نگرفتن فضای حرفه‌ای بر امنیت شغلی هنرمندان اثر گذاشته، اما چرا مشاغل هنری در نظام اجتماعی ما به رسمیت شناخته نمی‌شوند؟ عدم شکل‌گیری نظام حرفه‌ای دلایل متعددی دارد اما اصلی‌ترین دلایل آن عبارتند از: الف) پیشینه مشاغل هنری در سنت فرهنگی ما به دربار پادشاهان و دولتها وابسته بود و عموم هنرمندان در استان با این پیش‌فرض به هنر می‌پردازند که دولت موظف است تمام کمال از تحقق ایده آن‌ها در زمینه تولید اثرشان حمایت کند، به روایتی دیگر گروه کثیری از هنرمندان دولت را خریدار آثارشان می‌دانند نه مخاطب. ب) سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی پس از انقلاب با پرداخت اندک و عمل نکردن به تعهدات مالی خود به هنرمندان، عملاً از آن‌ها سوءاستفاده کردند. از سویی هنرمندانی که در ازای خدمات‌شان پرداخت آبرومندان‌های را مطالبه می‌کردند با هنرمندان مبتدی که به پرداخت اندک رضایت می‌دادند جایگزین می‌شدند. در این عملکرد نادرست، نظام حرفه‌ای هنر مداوم فرو می‌پاشید و موجب می‌گردید بسیاری ناامید شوند و شغل هنری‌شان را رها کنند. پ) در سرفصل سرمایه‌گذاری اشاره کردیم که در استان عموم هنرمندان خود تأمین‌کننده مالی فعالیت هنری خود هستند. شاعران و نویسندگانی که کتاب خود را با هزینه شخصی خود چاپ کرده‌اند، گروه‌های موسیقی که آلبوم

پیشینه تاریخی شکل گرفته و خواه ناخواه نوعی ایستادگی در مقابل فرآیندهای مالی امروزی و نظام مبادلات هنری به وجود می‌آورد؛ اما در هر صورت از دهه ۹۰ شمسی توجه به مفاهیم علمی اقتصاد هنر به‌صورت خودجوش و بر اساس گرایش‌ها و علاقه شخصی برخی از دانشجویان سطوح مختلف دانشگاهی در گرایش‌ها و رشته‌های مرتبط با فعالیت‌های هنر، از جمله دانشجویان پژوهش هنر مطرح و به آن پرداخته شده است. از سوی دیگر انتشار ارقام فروش حراجی‌های آثار هنری، جداول فروش فیلم‌های سینمایی، آلبوم‌های موسیقی و ارقام مربوط به اقتصاد سرگرمی‌ها توجه گروهی از هنرمندان را برای حضور در این مبادلات اقتصادی جلب کرده و با توجه تنگناهای معیشتی هنرمندان انگیزه لازم برای مداخله نظام مالی جهانی را فراهم آورد. ذکر مطالب بالا در مقدمه به این دلیل بود که توجه داشته باشیم دانش اقتصاد هنر، دانش نوین‌یادی است و زیست اندیشگانی ما در این پهنه علمی نیز طول عمر چندانی ندارد، لذا تحلیل اقتصاد هنر استان کرمان به دلیل کمبود منابع رسمی و مطالعات پیش‌نیاز و از آنجا که امکان محاسبه گردش مالی بخش موردنظر وجود ندارد، در حد یک تحلیل نظری باقی می‌ماند و این تحلیل تنها بر اساس مشاهدات تجربی صورت می‌گیرد و بیشتر به شرح فضای عمومی فعالیت‌های اقتصادی هنر اشاره خواهد داشت.

این نوشته به این نکته اشاره دارد که هر چند در زمینه اقتصاد هنر استان گردش مالی وجود دارد، اما این گردش مالی حاصل یک نظام اقتصادی حرفه‌ای در بخش فرهنگ و هنر نیست و هنر استان درگیر یک نظام مبتدی (آمانور) است. در اقتصاد هنر استان کرمان ارکان شکل‌دهنده این نظام اقتصادی به‌صورت حرفه‌ای و تخصصی عمل نمی‌کنند. این ارکان عبارتند از سرمایه‌گذار بخش هنری، تولیدکننده آثار هنری (هنرمندان)، عرضه‌کننده آثار هنری و در آخر این زنجیره مصرف‌کننده آثار هنری یا مخاطبان هستند.

۱) سرمایه‌گذاری

امروز در کشورهای توسعه‌یافته منابع مالی لازم برای آغاز چرخه اقتصاد هنر توسط بخش خصوصی فراهم می‌گردد و دولتها تنها حامی و پشتیبان هستند، اما در هنر کرمان در عمل بنگاه و افراد سرمایه‌گذار در بخش اقتصاد هنر وجود ندارند و آثار هنری و فعالیت‌های هنری عموماً با سرمایه شخصی هنرمندان تولید می‌شوند و بخش اندکی از فعالیت‌های هنری نیز با منابع دولتی یا بنگاه‌های صنعتی صاحب تمکن مالی انجام می‌گیرد که هر یک از این فرایندهای مالی مصداق سرمایه‌گذاری نیست.

هر چند در زمینه اقتصاد هنر استان گردش مالی وجود دارد، اما این گردش مالی حاصل یک نظام اقتصادی حرفه‌ای در بخش فرهنگ و هنر نیست و هنر استان درگیر یک نظام مبتدی (آمانور) است. در اقتصاد هنر استان کرمان ارکان شکل‌دهنده این نظام اقتصادی به‌صورت حرفه‌ای و تخصصی عمل نمی‌کنند. این ارکان عبارتند از سرمایه‌گذار بخش هنری، تولیدکننده آثار هنری (هنرمندان)، عرضه‌کننده آثار هنری و در آخر این زنجیره مصرف‌کننده آثار هنری یا مخاطبان هستند.

خود را با هزینه شخصی ضبط می‌کنند، فیلم‌سازی که فیلم خود را با هزینه شخصی تولید می‌کنند و هنرمندان نتائری که با هزینه شخصی خود نمایش به صحنه می‌برند و نقاشانی که هزینه اجاره و برپایی نمایشگاه خود را می‌دهند، همه و همه نشانگر فقدان حلقه نظام حرفه‌ای در اقتصاد هنر استان است؛ چرا که سرمایه‌گذار حرفه‌ای به مخاطب و راه‌های عرضه پدیده هنری تولید شده می‌اندیشد، اما هنرمند تنها به شکل‌گیری اثرش می‌اندیشد، این رویکرد در عمل نیاز مخاطب را از این فرایند کنار می‌زند و در عمل بازگشت سرمایه انجام نمی‌گیرد.

۳) عرضه و توزیع

نظام عرضه و توزیع آثار، پدیده‌ها و خدمات فرهنگی و هنری نیز یک نظام تخصصی است که اگرچه بنگاه‌هایی در این زمینه وجود دارد اما فراگرد عرضه این نظام نیز حرفه‌ای نیست. در کشورهای توسعه یافته نظام توزیع آثار و پدیده‌ها و خدمات هنری یک ساختار اولیه و یک ساختار ثانویه دارد. جایی که برای اولین بار عرضه آثار و پدیده‌ها و خدمات هنری صورت می‌گیرد (بازار اولیه) و نظام عرضه‌ای که طرف معامله با خریدار نهایی است (بازار ثانویه) می‌باشد. اجزا این دو بازار بسیار پیچیده بوده و شاخص‌های آماری و شاخص‌های فرهنگی و زیبایی‌شناسی در نوسانات آن دخیل و تأثیرگذار هستند.

نظام توزیع آثار و پدیده‌های هنری دارای مجموعه خدمات درونی و خدمات بیرونی است که نهادها (شخصیت‌های حقوقی) و افراد (شخصیت‌های حقیقی) در آن کارگزار هستند. یکی از تفاوت‌های قابل بررسی نقش این کارگزاران در بازار هنر جهانی و نحوه عملکردشان با بازار هنر ایران و استان کرمان است و اصلی‌ترین تفاوت این دو جایگاه چرخه مشاغل و همچنین نیروی انسانی و افراد فعال در بازار اولیه و ثانویه هنر است. خدمات درونی عموماً از خدماتی است که احتیاج به دانش تخصصی هنری دارد و رابطه‌اش با بخش تولید (هنرمندان) بیشتر و محکم‌تر است، اما خدمات بیرونی در بخش توزیع بازار ثانویه مواردی چون ۱ - صندوق سرمایه‌گذاری ۲ - بانکداری هنر ۳ - مشاوره هنری ۴ - رسانه‌های هنری ۵ - بورس هنر ۶ - حفاظت ۷ - حمل‌ونقل ۸ - بیمه را شامل می‌شود که در رابطه با بازار آثار هنری شکل خاص و تخصصی از خدمات را ارائه می‌دهند. این نوع از خدمات در ایران کمتر شناخته شده و توسعه چندانی نیافته است، اگرچه در برخی از رشته‌های هنری مانند سینما و اجراهای صحنه‌ای موسیقی و کنسرت‌ها تا حدودی و به شکل نسبی به‌صورت متمرکز

در تهران شکل گرفته است اما هنوز با ظرفیت‌های ایجاد شده در برخی کشورهای در حال توسعه فاصله بسیار دارد. این رده از خدمات و مشاغل در استان ما عملاً آن‌قدر محدود و کم تعداد هستند که اقتصاد آن‌ها عملاً از یک فروشگاه مواد غذایی متوسط نیز کوچک‌تر است.

محور دیگر نظام عرضه و توزیع پدیده‌ها و آثار و خدمات هنری فراگرد قیمت‌گذاری آثار هنری. واقعیت این است که شاخص «قیمت» نمایشگر محدودی در ارزیابی پدیده‌ها و آثار هنری است؛ زیرا خرید و فروش آثار هنری اغلب مبتنی بر «نظریه انتخاب عقلانی» (به‌عنوان نظریه‌های اقتصادی) نیست. این واقعیت ناشی از آن است که پدیده‌ها و آثار هنری و فرهنگی، علاوه بر خصوصیتی که یک کالای اقتصادی دارد (دارای وزن و مشاهده‌پذیر است)، از یک نماد و الگوی ارزش هنری و فرهنگی نیز برخوردار است. آنچه پدیده‌ها و آثار هنری و فرهنگی را از کالای اقتصادی متمایز می‌کند این است که کالای اقتصادی فقط با ارزش‌های مادی (درآمد، قیمت، سود) سنجیده می‌شود، اما پدیده‌ها و آثار و خدمات فرهنگی و هنری با ارزش زیبایی‌شناختی، معنوی، اجتماعی، تاریخی، نمادین و اصالت سنجیده می‌شوند که ارزیابی مالی آن‌ها بسیار دشوار است.

۴) مخاطب (مصرف‌کننده)

رکن نهایی چرخه، پدیدآوری و خلق آثار هنری و خدمات هنری و فرهنگی مخاطب یا همان مصرف‌کننده است. در این بخش هم فقدان آمار و داده‌های اطلاعاتی مبنا موجب می‌شود که ما یک ارزیابی تجربی غیرعلمی و فنی از وضعیت موجود داشته باشیم و بر اساس برداشت شخصی از فضای عمومی رسانه‌ها و گفتگوهای فعالان عرصه هنر و فرهنگ به این نتیجه برسیم که در بسیاری از زمینه‌های هنری و فرهنگی ما با بحران مخاطب و مصرف‌کننده مواجه هستیم؛ مثلاً بیان می‌شود که سرانه مطالعه در کشور ما بسیار پائین‌تر از شاخص‌های کشورهای توسعه‌یافته است یا آنکه مخاطبان تئاتر، سینما و اجراهای موسیقی سنتی و خریداران آثار تجسمی بسیار اندک هستند. تحلیل اینکه بازار پدیده‌ها و آثار هنری و خدمات هنری و فرهنگی با بحران مواجه است در این یادداشت امکان‌پذیر نیست، اما می‌توان گفت دانش دست‌اندرکاران این حوزه تخصصی به‌روز نیست و چه نهادهای بخش خصوصی و چه نهادهای حاکمیتی در شرایط موجود به دلایل مختلف توان ساماندهی و مدیریت این حوزه را ندارند. از سوی دیگر نیز عدم انطباق آرمان‌های ذهنی هنرمندان با شرایط واقعی حاکم بر نظام تعاملات اقتصادی جامعه موجب می‌گردد که در عمل نظام

در کشورهای

توسعه یافته

منابع مالی لازم

برای آغاز چرخه

اقتصاد هنر توسط

بخش خصوصی

فراهم می‌گردد

و دولت‌ها تنها

حامی و پشتیبان

هستند، اما در

هنر کرمان در

عمل بنگاه و افراد

سرمایه‌گذار در

بخش اقتصاد

هنر وجود ندارند

و آثار هنری و

فعالیت‌های

هنری عموماً با

سرمایه شخصی

هنرمندان تولید

می‌شوند و

بخش اندکی

از فعالیت‌های

هنری نیز با

منابع دولتی یا

بنگاه‌های صنعتی

صاحب تمکن

مالی انجام

می‌گیرد که هر یک

از این فرایندهای

مالی مصداق

سرمایه‌گذاری

نیست.

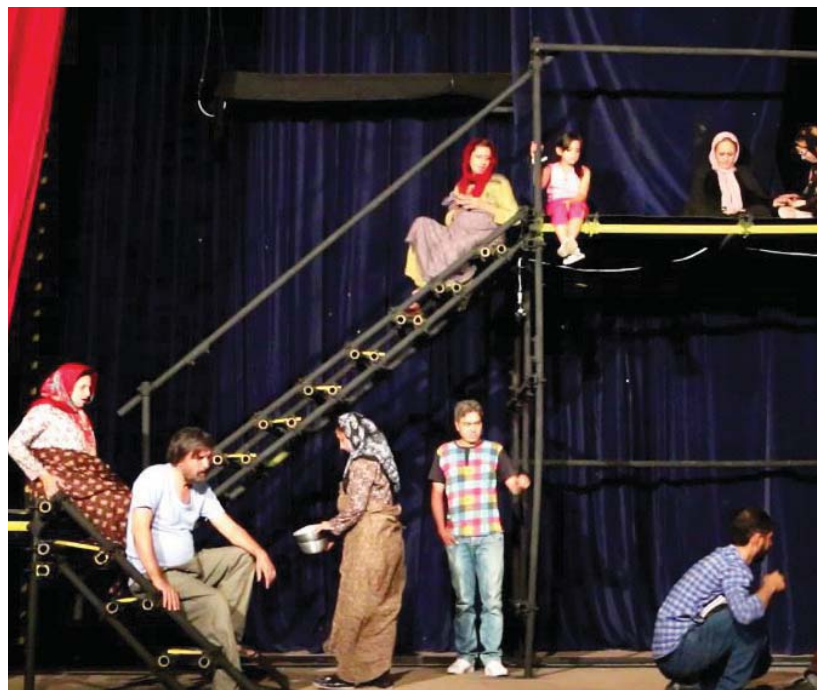
تولید و نظام مصرف آثار هنری و فرهنگی با هم همخوانی نداشته باشد و از سوی سوداگری در برخی از زمینه‌های هنری چون موسیقی موجب شده است که سرمایه‌های فرهنگی و تاریخی موسیقی سنتی ما در معرض تحدید قرار گیرند. در اقتصاد جهانی، گردش مالی بخش هنر و فرهنگ که اقتصاد رسانه‌ها و بازی‌های رایانه‌ای را نیز در برمی‌گیرد در رتبه‌بندی اول تا پنجم قرار دارد. این حجم از مبادلات کلان اقتصادی مبتنی بر هزینه‌ای است که مصرف‌کنندگان می‌پردازند. امروزه دانش مدیریت و بازاریابی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری تا آنجا پیش رفته که نیاز غیر واقعی برای افراد جامعه ایجاد می‌کند. توانایی نظام‌های بازاریابی و فروش جایگاه‌هایی چون کمپانی‌های فیلم‌سازی و تولید آلبوم‌های موسیقی و حراجی‌های آثار هنری، بنگاه‌های رسانه‌ای چنان شکل گرفته که در بیشتر موارد شاخص‌های اقتصادی مورد نظر خود را به‌خوبی مدیریت کرده و رو به رشد نگاه می‌دارند. امروزه قدرت این مدیریت بازار در تعیین تمایل و گرایش نوجوانان و جوانان کشور ما نیز کاملاً مؤثر عمل می‌کند؛ چنانکه در سینما و سریال، آلبوم‌های موسیقی غیر ایرانی و کتاب می‌توان تأثیرات این مدیریت را به‌خوبی مشاهده و ارزیابی کرد.

ما به نظریه‌های مصرف هنری ورود نکردیم، اما باید اشاره کنیم که برجسته‌ترین متفکران حوزه علوم انسانی در این زمینه دیدگاه دارند؛ چرا که این نظام مصرف با توسعه‌یافتگی

جوامع ارتباط مستقیم دارد. امروز این تفکر که زیربنای توسعه اقتصاد است تغییر یافته و این مبحث مطرح است که زیربنای توسعه فرهنگ است. توجه به توسعه فرهنگی به‌عنوان زیربنای توسعه، شکلی از پیشرفت جوامعی را پیشنهاد می‌دهند که توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی نیز به‌صورت متوازن شکل خواهد گرفت و کارآفرینی و کمک به تولید و اقتصاد ملی اتفاق خواهد افتاد. در پایان مجدداً متذکر می‌شوم که نظام اقتصاد هنر استان کرمان حرفه‌ای نیست. چرا که ساختارهای لازم برای شکل‌گیری تعاملات حرفه‌ای در زمینه تولیدات هنری ایجاد نشده است، اما فعالیت‌های هنری در ماهیت خود مزیت‌هایی دارند که با برنامه‌ریزی و مدیریت می‌تواند برای عبور از بن‌بست‌های توسعه‌یافتگی به کمک آن‌ها اقدامات مؤثری انجام داد. با بررسی تطبیقی راهبردهای موفق چند نظام برنامه‌ریزی در زمینه اقتصاد هنر می‌توان به روشی دست یافت که ضمن حفظ اصول و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به رشد و توسعه استان کمک کنند. برای تحقق این آرمان در سه محور اساسی باید اقدامات مشخص انجام گیرد: ۱- قوانین و مقررات لازم تصویب گردد، ۲- برنامه راهبردی تدوین شود، ۳- آموزش مستمر و متوالی برای نیروی انسانی این بخش برنامه‌ریزی و اجرا گردد. ♦♦

منابع

- پیکاک، آلن ۱۳۷۶، اقتصاد فرهنگ و سیاست‌های فرهنگی، ترجمه علی محمد بیگی. تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- تراسبی، دیوید ۱۳۸۷، اقتصاد فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی. تهران نشر نی.
- گینزرگ، ویکتور و دیوید تراسبی ۱۳۹۲، اقتصاد هنر، ترجمه محمدرضا مریدی، مریم لاری، معصومه تقی زادگان، زهرا تقی زادگان. تهران انتشارات بدخشان و حوزه هنری
- واریان. هال ۱۳۹۳، تحلیل اقتصاد خرد. ترجمه رضا حسینی. تهران نشر نی
- مارکس، کارل ۱۳۵۲، سرمایه، ترجمه ایرج اسکندری. تهران نشر نور
- مک کوایل، دنیس ۱۳۸۵، مخاطب شناسی ترجمه مهدی منتظر قائم. تهران انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- ایبنگ، هانس ۱۳۹۱، چرا هنرمندان فقیرند؟ ترجمه حمیدرضا شش جوانی و لیلا میرصفیان. اصفهان. انتشارات دانشگاه اصفهان
- احمدی. بابک ۱۳۸۳، حقیقت و زیبایی. تهران نشر مرکز





● سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)

نقش مؤثر دارایی‌های فکری در اقتصاد



◆ امیر نقدی نسب

کارشناس امور فناوری، مالکیت فکری و کار آفرینی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مالکیت فکری یا (Intellectual property IP) مجموعه قوانین ثبت اختراع، رازهای تجاری، کپی‌رایت، علائم تجاری و... را دربرمی‌گیرد. به‌طور کلی انواع دارایی‌های فکری شامل موارد زیر است:

۱. کپی‌رایت (Copy right)

۲. اسرار تجاری (trade secret)

۳. اختراعات:

• پتنت (Patent)

• اختراعات کوچک (Utility model)

• پتنت گیاهان (plant Patent)

• اختراعات طرح صنعتی (Design patent)

۴. علائم تجاری (Trade Marks)

۵. طراحی صنعتی (industrial Design)

۶. نشان جغرافیایی (geographical indications)

در تمام دنیا دولت‌ها به دنبال شیوه‌هایی جدید برای بهبود اقتصاد و ایجاد توانمندی‌های ملی در زمینه‌های مختلف از جمله فناوری می‌باشند. از سوی دیگر، صنایع و شرکت‌های بخش خصوصی نیز به شکلی مشابه به دنبال روش‌های رقابتی‌تر برای کسب سود و موفقیت در بازار بوده و برای حصول این امر، نوآوری‌های مفید و خلاقانه‌ای را در محصولات و خدمات خود بکار می‌گیرند. در مجموع، این تلاش‌ها کیفیت زندگی بشر را ارتقاء داده و حتی در

(نامشهود) را در ۵۰۰ شرکت برتر در آمریکا طی ۴۰ سال گذشته نشان می‌دهد.

برای رقابت در اقتصاد جهانی و موفقیت در آن، کشورها می‌بایست چهارچوب‌های سازمانی و قانونی لازم برای ایجاد و تجاری‌سازی دانش را حفظ و نگهداری نمایند. در این مسیر، حقوق مالکیت فکری نقش مهمی دارد. کشورهایی که از اقتصادی در حال گذار برخوردارند با مسائل بیشتری در شبکه‌های تولید جهانی روبرو هستند و از همین رو می‌بایست توسعه قابلیت‌های فناورانه و نیز توانایی در جذب و تطبیق نوآوری‌های فناورانه از خارج از مرزهای خود را در اولویت قرار دهند.

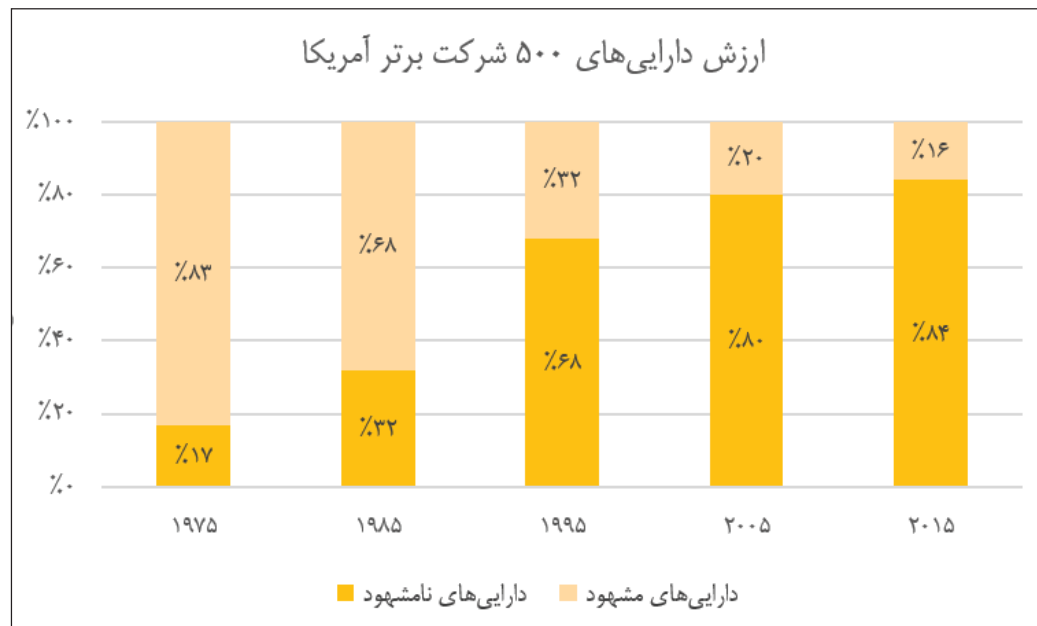
نکته دیگر این‌که مالکیت فکری می‌تواند نقش بسیار مؤثری در توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش ایفاء نماید که این امر تنها زمانی محقق می‌شود که ذینفعان کلیدی فرآیند نوآوری، قادر به استفاده مطلوب از سیستم مالکیت فکری باشند. برای این‌که موضوع بیشتر قابل درک شود در ادامه مروری بر منافع و مضرات مالکیت فکری و اهمیت آن در دنیا خواهیم داشت.

اثر مثبت مالکیت فکری برای اقتصاد

کشورهای برتر ثبت اختراعات دنیا به ترتیب عبارت‌اند از آمریکا، ژاپن، آلمان، کره جنوبی، تایوان، کانادا، بریتانیا،

برخی موارد، عادات و رویه‌های جدیدی را رایج می‌سازد. همان‌طور که می‌دانیم امروزه فناوری به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی بشر مبدل شده است و به همین دلیل، نوآوری‌های فناورانه به‌عنوان محرک اصلی و کلیدی رشد اقتصادی و توسعه در میان‌مدت و بلندمدت محسوب می‌شود. نوآوری را می‌توان فرآیند معرفی محصولات و خدمات جدید و نیز فرآیندهای تولیدی به بازار مصرف دانست که به ایجاد شرکت‌های سودآور و شغل‌های با درآمد بالا منجر می‌شود. نکته مهم این است که یک سیستم متعادل و قابل‌اعتماد از حقوق مالکیت فکری، نقشی محوری در فرآیند یادشده ایفاء نموده که می‌تواند با محافظت از سرمایه‌گذاری‌های نوآورانه، در مقابل مهاجمین بالقوه (که اغلب بزرگ و بسیار مخاطره‌آمیز هستند)، انگیزه لازم برای انجام چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را فراهم نماید.

امروزه پایه‌های اقتصاد کشورهای پیشرفته بر اقتصاد دانش‌بنیان بنا شده است و گاهی اوقات تا ۸۰ درصد از دارایی‌های شرکت‌های بزرگ و جهانی را دارایی‌های فکری یا دارایی‌های نامشهود تشکیل می‌دهند. به‌عنوان نمونه ۹۷ درصد از دارایی‌های شرکت مایکروسافت را دارایی‌های نامشهود تشکیل می‌دهند. نمودار زیر روند تغییر دارایی‌ها از دارایی‌های فیزیکی (مشهود) به دارایی‌های فکری



نمودار تغییر دارایی‌های ۵۰۰ شرکت برتر در آمریکا از دارایی‌های (مشهود) به دارایی‌های (نامشهود)

امروزه پایه‌های اقتصاد کشورهای پیشرفته بر اقتصاد دانش‌بنیان بنا شده است و گاهی اوقات تا ۸۰ درصد از دارایی‌های شرکت‌های بزرگ و جهانی را دارایی‌های فکری یا دارایی‌های نامشهود تشکیل می‌دهند. به‌عنوان نمونه ۹۷ درصد از دارایی‌های شرکت مایکروسافت را دارایی‌های نامشهود تشکیل می‌دهند.

ردیف	نام شرکت	پتنت‌های گزین شده در سال ۲۰۱۸	پتنت‌های گزین شده در سال ۲۰۱۷	درصد تغییرات	رتبه سال ۲۰۱۷
۱	IBM	۹۱۰۰	۹۰۴۳	۱	۱
۲	سامسونگ الکترونیک	۵۸۵۰	۵۸۳۷	۰	۲
۳	Canon	۳۰۵۶	۳۲۸۵	-۷	۳
۴	اینتل	۲۷۲۵	۳۰۲۳	-۱۰	۴
۵	LG	۲۴۷۴	۲۷۰۱	-۸	۵
۶	TSMC	۲۴۶۵	۲۵۲۵	۲	۹
۷	مایکروسافت	۲۳۵۳	۲۴۴۱	-۴	۸
۸	کوالکام	۲۳۰۰	۲۴۲۸	-۱۲	۶
۹	اپل	۲۱۶۰	۲۲۲۹	-۳	۱۱
۱۰	فورد	۲۱۲۳	۱۸۶۸	۱۴	۱۵
۱۱	گوگل	۲۰۷۰	۲۴۵۷	-۱۶	۷
۱۲	آمازون	۲۰۳۵	۱۹۶۳	۴	۱۳
۱۳	تویوتا	۱۹۵۹	۱۹۳۲	۱	۱۴
۱۴	Samsung Display	۱۹۴۸	۲۲۷۳	-۱۴	۱۰
۱۵	سونی	۱۶۸۸	۲۱۳۵	-۲۱	۱۲
۱۶	هواوی	۱۶۸۰	۱۴۷۴	۱۴	۲۰
۱۷	BOE	۱۶۳۴	۱۴۱۳	۱۶	۲۱
۱۸	جنرال الکترونیک	۱۵۹۷	۱۵۷۷	۱	۱۶
۱۹	هیوندای	۱۳۶۹	۱۳۰۴	۵	۲۴
۲۰	Telefonaktiebolaget LM Ericsson AB	۱۳۵۳	۱۵۵۲	-۱۳	۱۸

افزایش انتقال فناوری و تحقیق و توسعه، محرک توسعه و رشد اقتصادی است. جدول بالا وضعیت شرکت‌های فناوری جهان را در زمینه تعداد پتنت نشان می‌دهد.

اثر حقوق مالکیت فکری ضعیف بر اقتصاد

به‌طور کلی ابداع یک محصول و ورود آن به بازار شامل مراحل تولید و خلق محصول، حمایت قانونی و حقوقی از محصول و تجاری‌سازی محصول می‌باشد. اگر این سه حلقه وجود داشته باشد یک تولیدکننده می‌تواند چه در عرصه اختراعات چه در عرصه طراحی صنعتی و سایر حوزه‌ها در بازار موفق شود؛ یعنی ابتدا چیزی باید تولید شود سپس یک چتر حمایت قانونی دور آن کشیده و سپس وارد بازار شود. اگر بدون این چتر محصول وارد عرصه بازار شود، حمایت کافی و لازم از آن به عمل نمی‌آید و ممکن است از محصول یا طرح تقلید شود و ثمره یک عمر تلاش مخترع و تولیدکننده و آفریننده اثر ادبی و هنری بر باد رود. حقوق مالکیت فکری عهده‌دار این حمایت است. در اصل می‌توان اینگونه بیان کرد که یکی از عوامل تعیین‌کننده سلامت اقتصادی هر جامعه،

فرانسه، چین و ایتالیا و هشت کشور صنعتی جهان موسوم به کشورهای «GA»، یا گروه هشت (فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا، روسیه و کانادا) می‌باشند. ۷ کشور از ۸ کشور «GA» در ثبت اختراعات جهانی در بین ۱۰ کشور اول هستند و فقط کشور روسیه در بین این کشورها نیست و این نشان‌دهنده اهمیت مالکیت فکری در کشورهای صنعتی دنیا می‌باشد.

سازمان جهانی مالکیت فکری، اتحادیه اروپا و کشورهای مختلف مطالعات متعددی در زمینه نقش صنایع مبتنی بر مالکیت فکری، در اقتصادهای ملی و منطقه‌ای داشته‌اند که از نتایج آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در کشورهای «GA»، صنایع و بخش‌های مبتنی بر کپی‌رایت، به‌تنهایی در حدود ۴ تا ۱۱ درصد از سود ناخالص داخلی را شامل می‌شوند. همچنین این بخش‌ها، تعداد قابل توجهی شغل ایجاد نموده که در حدود ۳ تا ۸ درصد از کل اشتغال در کشورهای فوق است.

۲. بخش‌های وابسته به ثبت اختراع، نقش مهم مشابهی را در اقتصاد ایفاء می‌کنند؛ در این زمینه تحقیقات کمتری صورت گرفته است. با این حال، تحقیقات مقدماتی انجام‌گرفته در انگلیس، شواهدی برای این فرضیه منطقی ارائه نموده که این بخش‌ها، مشارکت قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی، اشتغال و موارد مرتبط دیگر دارند. ۳. در بسیاری از کشورها، صنعت کالاهای برند و وابسته به نشان تجاری نیز نقش قابل توجهی در بخش‌های تولیدی ایفاء می‌کنند؛ به‌طور مثال، بررسی‌ها در آلمان نشان می‌دهد که این بخش، در حدود ۲۲ درصد از صنعت تولید داخلی، ۲۰ درصد از صادرات این کشور و ۷ درصد از اقتصاد آن را در بر گرفته است.

۴. در حوزه نشان‌های تجاری نیز همین روند را می‌توان مشاهده نمود. شرکت‌های داخلی در کشورهای درحال توسعه برای محافظت از برند خود در داخل و خارج از کشور به ثبت نشان‌های تجاری روی آورده‌اند و حتی در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته نرخ استفاده از سیستم نشان تجاری به نسبت تولید ناخالص داخلی بالاتر است. استفاده از نشان‌های تجاری در کشورهای درحال توسعه، با توجه به میزان تولید ناخالص داخلی این کشورها، نسبت به میانگین جهانی بیشتر است. بسیاری از اقتصادهای نوظهور مانند چین، برزیل و هند در بین ۲۰ کشور برتر درخواست برای نشان تجاری داخلی برحسب تولید ناخالص داخلی قرار دارند.

لازم به ذکر است که حقوق مالکیت فکری در کشورهای درحال توسعه، سرمایه مستقیم خارجی را جذب نموده و با

۵. شرکت‌های چندملیتی در واکنش به حقوق مالکیت فکری قوی‌تر با احتمال بیشتری به سمت صادرات و افزایش سهم تولید در مناطق خارجی درحال توسعه روی آورده و با افزایش سرمایه‌گذاری، فناوری را مستقیماً به این کشورها انتقال می‌دهند.

به‌طور خلاصه، حمایت کارآمد از مالکیت فکری به‌صورت مستقیم با نوع فعالیت‌های انتشار دانش سازمانی مبتنی بر فناوری همبستگی داشته و کسب‌وکارها و شرکت‌های تجاری در کشورهای درحال توسعه یا در حال گذار بیشتر آن را طلب می‌کنند.

باید توجه داشت که سیستم‌های مالکیت فکری دامنه گسترده‌ای از ابزارهای مختلف را برای کشورها در سطوح مختلف توسعه اقتصادی و بافت‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت، ارائه می‌کنند؛ برای مثال، برخی از کشورها مانند پرو و تایلند که جوامع روستایی بزرگی دارند در پی استفاده از گواهی یا نشان‌های تجاری گروهی برای صنایع دستی محلی خود و محصولات دیگر هستند. اتیوپی به‌منظور به دست آوردن ارزش بیشتر از فروش‌های بین‌المللی قهوه خود در مقایسه با قهوه‌های بدون هیچ نشان خاص تجاری بر روی برندسازی قهوه اتیوپیایی خود، کار می‌کند. نیجریه بر مزایای کی‌رایت موسیقی و فیلم، برای تهیه‌کننده‌ها و هنرپیشه‌های محلی تمرکز کرده است. در مقابل، برخی از کشورهای آمریکای لاتین بر ثبت اختراع به‌عنوان شیوه‌ای برای تقویت بخش رو به رشد بیوتکنولوژی خود، تمرکز نموده‌اند. بسته به شرایط و ویژگی‌های خاص هر منطقه، کشورهای مختلف می‌توانند برای تقویت فرآیند رشد و توسعه، بر جنبه‌های مختلف سیستم حقوق مالکیت فکری تکیه نمایند.

حقوق مالکیت فکری، یک مؤلفه اصلی از سلامت عمومی یک اقتصاد است. ♦♦

منابع:

- روزنامه دنیای اقتصاد
- فصلنامه دانش حقوق اقتصادی
- فصلنامه شناسایی سیاست‌گذاری اقتصادی دانشگاه الزهرا
- مقاله نظام مالکیت فکری با هدف توسعه نوآوری (میترا امین لو و مرضیه یعقوبی) - فصلنامه علمی - پژوهشی
- سایت کانون پتنت ایران و سایت‌های:

<https://patentoffice.ir>

<https://www.tandfonline.com>

<https://civilica.com>

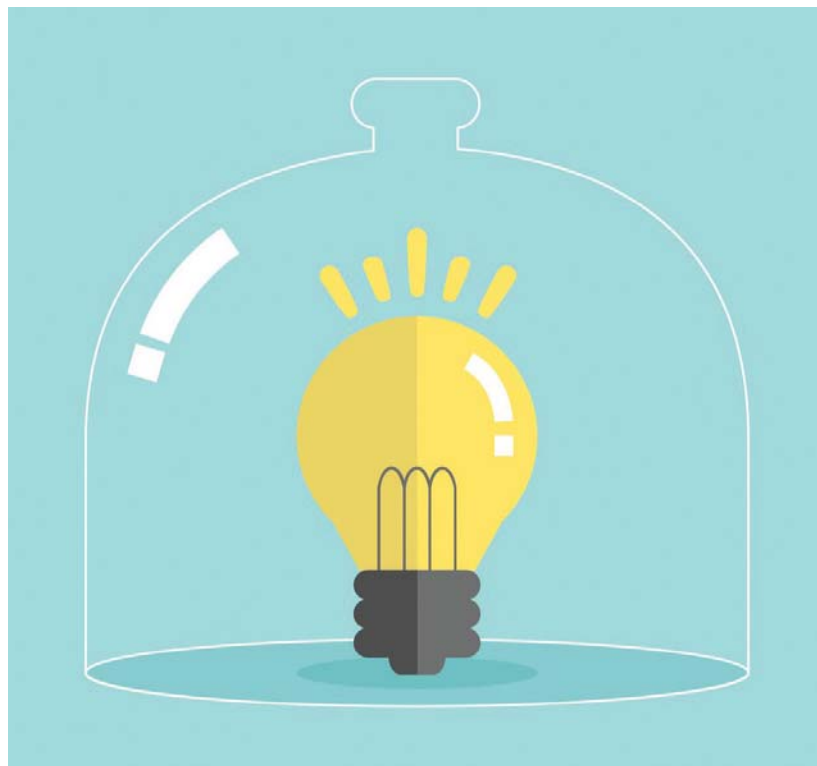
حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌باشد. در حقیقت منافع حاصل از حقوق مالکیت فکری را می‌توان متضمن دیگر محرک‌های بهبود اقتصادی دانست. یک چارچوب قوی حقوق مالکیت فکری می‌تواند نوآوری را تشویق نموده و منجر به رشد و توسعه تجارت و افزایش فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر مالکیت فکری شود. بنابراین اگر حقوق مالکیت فکری ضعیف باشد نمی‌توان توقع داشت که نتایج مطلوبی به دست آید در ادامه خلاصه‌ای از تحقیقات صورت گرفته که نشان می‌دهد که عدم حمایت از مالکیت فکری چه معایبی دارد، آورده شده است.

۱. حقوق مالکیت فکری ضعیف از موانع اصلی بر سر راه اعطای مجوز فناوری در سطح بین‌المللی است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی)،

۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش نرم‌افزارهای کامپیوتری را کاهش می‌دهد (UNCTC)،

۳. باعث کاهش سرمایه‌گذاری در بخش دارو می‌شود (UNCTC)،

۴. حداقل ۲۵ درصد از شرکت‌های آمریکایی، آلمانی و ژاپنی از سرمایه‌گذاری مستقیم یا مشترک در کشورهای در حال توسعه با حقوق مالکیت فکری ضعیف، سر باز زده‌اند (لی و منسفیلد)،



جامعه

نگاهی بر روند تغییرات بارش، دما و خشکسالی در استان کرمان / گفت‌وگو با «نجمه نظری»؛ معاون فنی اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان؛ در ذات، تقابلی بین رفع موانع تولید و حفظ محیط‌زیست وجود ندارد / سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی / حاشیه‌نشینی در کرمان؛ دلایل، پیامدها و استراتژی‌های خروج از بحران / جستاری در بازده نظام آموزشی ایران؛ مزایا، معایب و راهکارهای برون‌رفت از تنگناها

نگاهی بر روند تغییرات بارش، دما و خشکسالی در استان کرمان

دکتر مریم سلاجقه
کارشناس هواشناسی کشاورزی



ارزیابی شدت خشکسالی به کار برده می‌شود. سادگی و پیچیدگی روش‌ها تابعی از متغیرهایی است که در این روابط ریاضی تعریف می‌شوند. شاخص‌های خشکسالی به‌منظور استفاده بیشتر از داده‌های خام جهت قابل فهم بودن آن‌ها و همچنین ایجاد قدرت تصمیم‌گیری برای طراحان و برنامه‌ریزان معمولاً تنها به‌صورت یک عدد بیان می‌شوند. اگرچه هیچ شاخص عمده‌ای از نظر کم و کیف بالاتر از بقیه شاخص‌ها نیست، اما بعضی از شاخص‌ها ممکن است برای بعضی کاربران مناسب‌تر باشند.

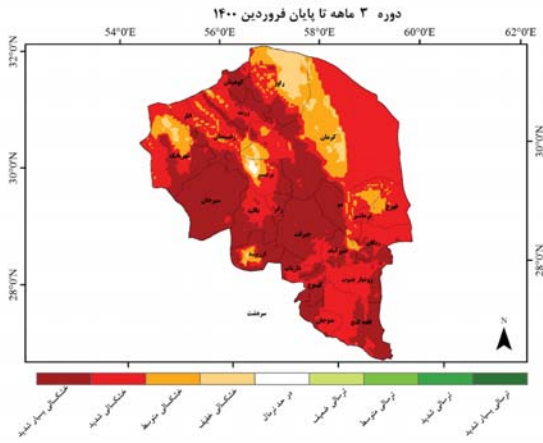
شاخص استاندارد بارش تبخیر و تعرق SPEI بر اساس میزان بارندگی و درجه حرارت و محاسبه تبخیر و تعرق و بیلان آب به نام شاخص بارندگی تبخیر و تعرق استاندارد شده تعریف می‌گردد. این شاخص توانایی محاسبه شاخص خشکسالی در مقیاس‌های زمانی مختلف را دارد و همچنین می‌تواند اثرات تغییرات درجه حرارت را در ارزیابی خشکسالی لحاظ نماید. در اقلیم‌های مختلف کشور به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک که میزان تبخیر و تعرق پتانسیل بسیار زیاد است، متغیر دما و تأثیر آن بر بیلان آب دارای اهمیت ویژه‌ای است. در بررسی خشکسالی هواشناسی با استفاده از شاخص SPEI افزایش مدت دوره بررسی (۳۶-۴۸... تا ۱۲۰ ماهه) بیانگر خشکسالی‌های اندوخته و تجمیع یافته‌ای است که در بستر طبیعت باقی مانده است. در نقشه‌های زیر تغییرات پهنه‌بندی خشکسالی استان کرمان در دوره‌های مختلف نشان داده شده است.

در بسیاری از سال‌ها، رخداد خشکسالی برای مدتی مشخص نیست از این رو شناسایی خشکسالی خود یافته‌ای ارزشمند برای مدیریت منابع آبی مناطق چون ایران که بخش اعظم آن را مناطق خشک و نیمه‌خشک تشکیل می‌دهد محسوب خواهد شد. خشکسالی معلول یک دوره شرایط خشک غیرعادی است که به‌اندازه کافی دوام داشته باشد. خشکسالی حالتی نرمال و مستمر از اقلیم است. گرچه بسیاری به اشتباه آن را واقعه‌ای تصادفی و نادر می‌پندارند. این پدیده تقریباً در تمامی مناطق اقلیمی رخ می‌دهد و بایستی در مقایسه با شرایط اقلیمی و هیدرولوژیکی متوسط در درازمدت مورد ارزیابی قرار گیرد. بعلاوه زمان و تأثیر بارش نیز مهم است. پدیده‌های اقلیمی دیگر مانند درجه حرارت زیاد، رطوبت نسبی کم نیز در اغلب موارد با خشکسالی در بسیاری از مناطق جهان توأم است و می‌توانند به نحو قابل ملاحظه‌ای شدت آن را افزایش دهند.

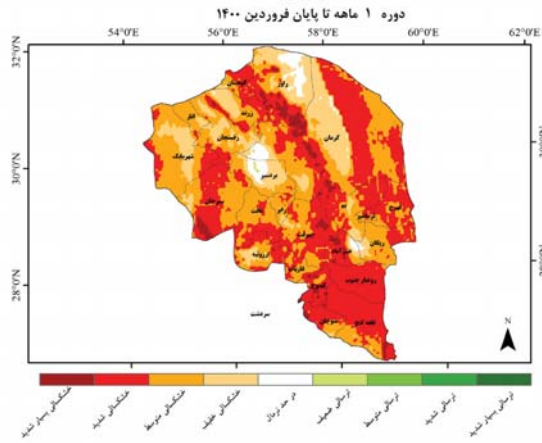
از نظر هواشناسان خشکسالی بارش کمتر از حد معمول که منجر به تغییر الگوی آب‌وهوایی می‌گردد، تعریف می‌شود؛ بنابراین خشکسالی از نظر هواشناسی اساساً به حالتی از خشکی ناشی از کمبود بارندگی اطلاق می‌شود. اقلیم‌شناسان خشکسالی را یک پدیده طبیعی دانسته‌اند که در اثر تغییرات الگوهای آب‌وهوایی ناشی از کاهش نزولات جوی کمتر از حد معمول خود به‌وجود می‌آید و ادامه آن نیز موجب عدم تعادل اکولوژیکی و هیدرولوژیکی می‌شود. امروز شاخص‌های کلاسیک متعددی برای

دوام داشته باشد.

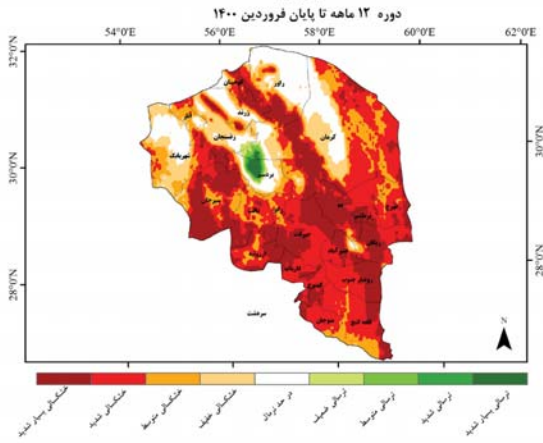
پهنه بندی خشکسالی هواشناسی در سطح استان کرمان شاخص SPEI



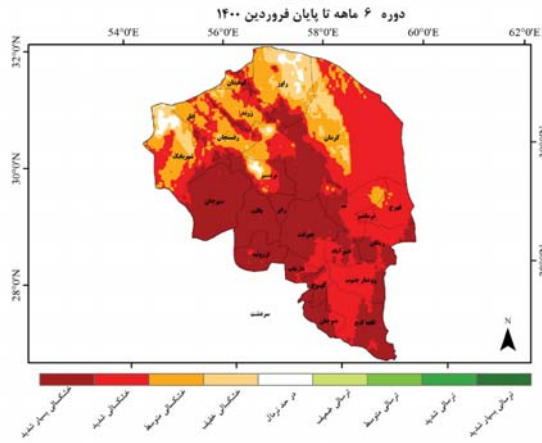
پهنه بندی خشکسالی هواشناسی در سطح استان کرمان شاخص SPEI



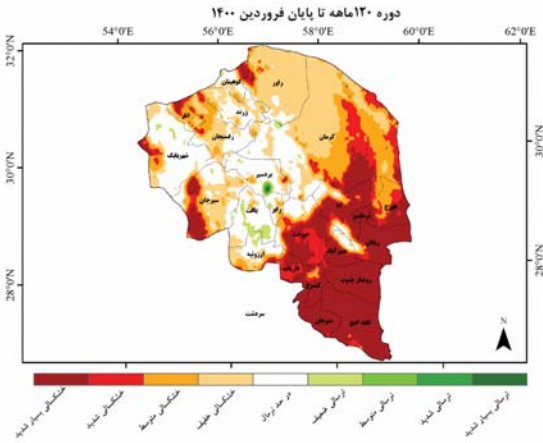
پهنه بندی خشکسالی هواشناسی در سطح استان کرمان شاخص SPEI



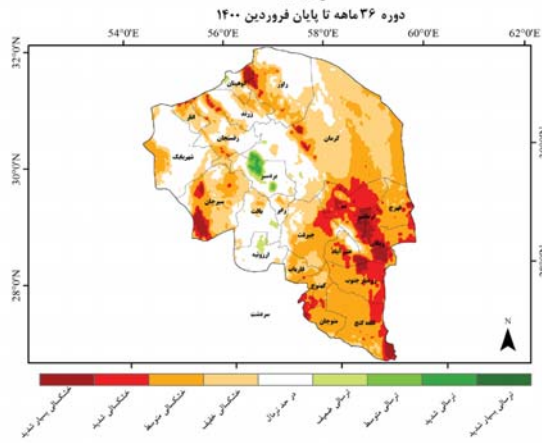
پهنه بندی خشکسالی هواشناسی در سطح استان کرمان شاخص SPEI



پهنه بندی خشکسالی هواشناسی در سطح استان کرمان شاخص SPEI



پهنه بندی خشکسالی هواشناسی در سطح استان کرمان شاخص SPEI



سازمان هواشناسی کشور _ مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران										
درصد مساحت تحت تأثیر خشکسالی SPEI دوره ده ساله تا پایان فروردین ماه ۱۴۰۰										
ردیف	نام شهرستان	ترسالی شدید	ترسالی متوسط	ترسالی ضعیف	درحد نرمال	خشکسالی خفیف	خشکسالی متوسط	خشکسالی شدید	خشکسالی بسیار شدید	مجموع درصدهای خشکسالی
۱	ارزوئیه	۰/۰	۰/۰	۹/۴	۳۳/۹	۳۱/۱	۱۷/۸	۶/۱	۱/۷	۵۶/۷
۲	انار	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۷/۳	۲۴/۴	۴۱/۵	۱۵/۹	۱۱/۰	۹۲/۷
۳	بافت	۰/۰	۰/۰	۲۱/۳	۶۶/۷	۱۰/۴	۱۱/۷	-/۰	-/۰	۱۲/۱
۴	بردسیر	۱/۳	۰/۹	۴/۷	۷۲/۰	۱۲/۱	۵/۲	-/۴	-/۴	۱۸/۱
۵	یم	۰/۰	۰/۰	۰/۳	۱۱/۰	۹/۴	۱۳/۰	۱۳/۰	۵۳/۲	۸۸/۶
۶	جیرفت	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۸/۴	۵/۹	۱۰/۳	۲۵/۱	۴۰/۲	۸۱/۶
۷	رابر	۰/۰	۰/۰	۱۱/۷	۳/۳	۳۰/۰	۱۰/۰	-/۰	-/۰	۴۰/۰
۸	راور	۰/۰	۰/۰	۰/۲	۷/۶	۸۲/۴	۵/۵	۳/۳	-/۸	۹۲/۰
۹	رفسنجان	۰/۰	۰/۰	۰/۳	۳۰/۲	۴۱/۵	۲۱/۶	۵/۳	۱/۰	۶۹/۴
۱۰	رودبار جنوب	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	-/۹	۹۹/۱	۱۰۰/۰
۱۱	ریگان	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۰	۲/۴	۲/۴	۶/۳	۸۶/۸	ح
۱۲	زرنند	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۳۶/۷	۵۵/۷	۶/۷	۱/۰	-/۰	۶۳/۳
۱۳	سیرجان	۰/۰	۰/۰	۰/۶	۲۸/۱	۳۴/۰	۱۴/۲	۶/۱	۱۶/۹	۷۱/۲
۱۴	شهربابک	۰/۰	۰/۰	۲/۳	۶۷/۲	۱۷/۲	۷/۶	۲/۵	۳/۱	۳۰/۵
۱۵	عنبرآباد	۰/۰	۰/۰	۱/۶	۱۱/۲	۵/۶	۴/۸	۱۷/۶	۵۹/۲	۸۷/۲
۱۶	فاریاب	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۵/۷	۴۳/۷	۵۰/۶	۱۰۰/۰
۱۷	فهرج	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۵	۳۲/۸	۲۱/۳	۴۵/۴	۱۰۰/۰
۱۸	قلعه گنج	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	-/۵	۲/۲	۹۷/۳	۱۰۰/۰
۱۹	کرمان	۰/۰	۰/۰	۰/۴	۱۵/۳	۳۸/۸	۲۳/۶	۱۴/۷	۷/۲	۸۴/۳
۲۰	کوهینان	۰/۰	۰/۰	۲/۰	۳۴/۰	۳۶/۰	۹/۰	۵/۰	۱۴/۰	۶۴/۰
۲۱	کهنوج	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۲	۴/۵	۱۰/۱	۸۳/۱	۱۰۰/۰
۲۲	منوجان	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	-/۰	-/۸	۹۹/۲	۱۰۰/۰
۲۳	نرماشیر	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	-/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
	کل استان کرمان	۰/۰	۰/۰	۱/۶	۲۲/۷	۲۷/۲	۱۳/۰	۹/۲	۲۶/۲	۷۵/۵

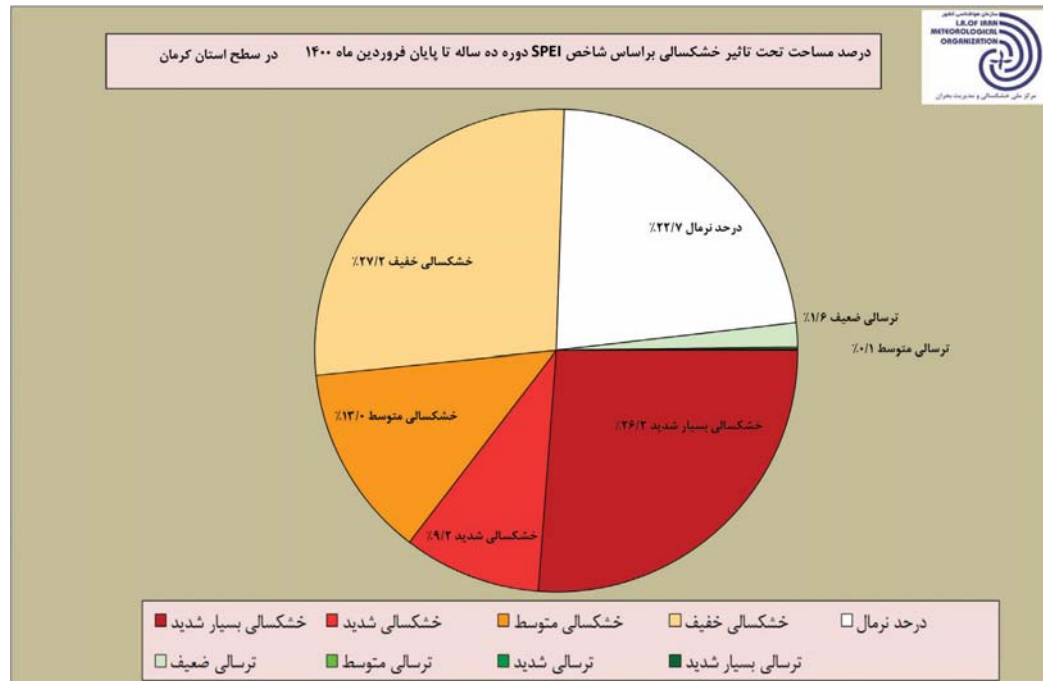
درصد مساحت تحت تأثیر خشکسالی، با استفاده از شاخص SPEI تا پایان فروردین ۱۴۰۰ در سطح استان کرمان با توجه به جدول فوق هفتادوپنج و نیم (۷۵/۵) درصد مساحت استان کرمان تحت تأثیر خشکسالی قرار دارد.

بارش را نشان می‌دهد. میانگین بارش سال زراعی جاری ۱۴۰۰-۹۹ تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ به میزان ۳۵/۳ میلی‌متر به ثبت رسیده است. که این میزان در مدت مشابه سال گذشته و بلندمدت به ترتیب ۱۴۵ و ۱۱۳ میلی‌متر است.

استان کرمان نسبت به دوره مشابه سال قبل ۷۶ درصد کاهش و نسبت به آمار بلندمدت مشابه به میزان ۶۹ درصد کاهش در بارندگی دارد. در بین ایستگاه‌های استان، بیشترین بارش طی این مدت در شهرستان کوهینان به میزان ۸۸ میلی‌متر و کمترین مقدار آن در شهرستان ریگان به میزان ۴/۵ میلی‌متر به ثبت رسیده است. شهر

با توجه به تحلیل آمار در دوره سی‌ساله در استان کرمان در دوره آماری مورد مطالعه، ۱۲ سال خشکسالی و ۳ سال شرایط به‌صورت نرمال بوده است، سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ سال‌های ترسالی یا شرایط نرمال داشته‌اند و نزدیک به ۳ دوره ۴ ساله مداوم شرایط خشکسالی بر استان حاکم بوده است. زمستان سال ۱۳۹۹ کم بارش‌ترین زمستان استان کرمان در ۵۰ سال اخیر بوده است. تغییرات بارش در استان کرمان از سال ۱۳۸۰ به‌جز در لاله‌زار و کهنوج، بارش در سایر شهرها روند کاهشی دارد. هم‌چنین در تمام ایستگاه‌ها چندین تغییر ناگهانی در متوسط بارش سالانه مشاهده شده که بیانگر نوسان اقلیم منطقه است. این نتایج متفاوت، تغییر نامنظم مکانی

با توجه به تحلیل آمار در دوره سی‌ساله در استان کرمان در دوره آماری مورد مطالعه، ۱۲ سال خشکسالی و ۳ سال شرایط به‌صورت نرمال بوده است، سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ سال‌های ترسالی یا شرایط نرمال داشته‌اند و نزدیک به ۳ دوره ۴ ساله مداوم شرایط خشکسالی بر استان حاکم بوده است.



با توجه به

مدل‌سازی‌های

اقليمی و تغيير

شرایط آب و

هوایی در آینده

و تغيير نوع

بارش‌ها از جامد

به مایع و رگباری

شدن بارش‌ها

و همچنین به

علت خزنده

بودن خشکسالی

و عملکرد

نامحسوس

آن، شناسایی

سال‌های

خشکسالی

و مناطق

تحت سیطره

خشکسالی،

یافته مهمی

محسوب

می‌شود که نیاز به

تحلیل‌های زیادی

دارد.

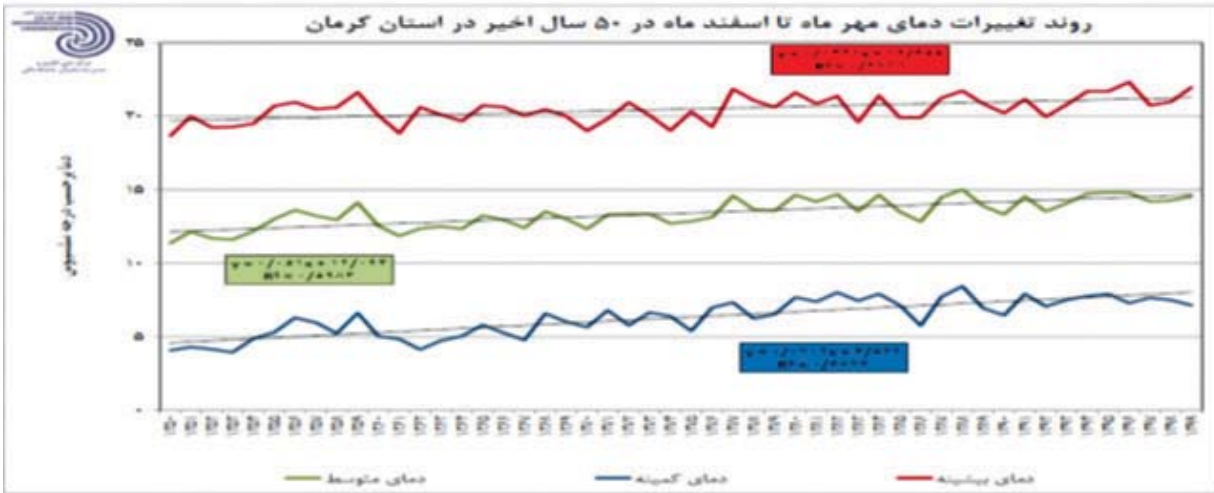
خشکسالی هواشناسی اولین نوع خشکسالی است که اتفاق می‌افتد و در صورت تداوم منجر به وقوع خشکسالی‌های دیگر می‌شود؛ لذا لازم است تصمیم‌گیری‌ها در سطوح بالای مدیریتی که به مدیریت ریسک خشکسالی توجه بیشتری نسبت به مدیریت بحران شود.

پارامترهای اقلیمی در مقیاس زمان و مکان به دلایل زیادی تغییر می‌کنند که باید نحوه تغییرات آن‌ها بر اساس مشاهدات و با بهره‌گیری از روش‌های آماری تعیین شود. تحلیل روند از جمله مهم‌ترین روش‌های آماری است که به‌طور گسترده برای ارزیابی اثرات بالقوه تغییر اقلیم بر روی سری‌های زمانی هیدرولوژیکی مانند سری‌های مشاهداتی دما، بارش و جریان رودخانه در نقاط مختلف

کرمان تاکنون ۳۶/۵ میلی‌متر بارش داشته که این میزان در بازه زمانی مشابه سال گذشته و بلندمدت به ترتیب ۱۰۷ و ۸۲ میلی‌متر می‌باشد؛ بنابراین بارش در شهرستان کرمان نسبت به دوره مشابه سال قبل ۷۰ درصد کاهش و نسبت به مدت مشابه بلندمدت، ۴۶ درصد کاهش نشان می‌دهد.

بنابراین با توجه به مدل‌سازی‌های اقلیمی و تغییر شرایط آب و هوایی در آینده و تغییر نوع بارش‌ها از جامد به مایع و رگباری شدن بارش‌ها و همچنین به علت خزنده بودن خشکسالی و عملکرد نامحسوس آن، شناسایی سال‌های خشکسالی و مناطق تحت سیطره خشکسالی، یافته مهمی محسوب می‌شود که نیاز به تحلیل‌های زیادی دارد.





بیشینه دما قبل از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۹ روند مثبتی را داشته است و از سال ۱۳۷۱ دما بدون جهش و تغییر معناداری، روند طبیعی دمای بیشینه را تجربه کرده است. در سال ۱۳۸۹ بیشینه دما دارای یک جهش منفی است. در طول دوره آماری ۳۰ ساله کمینه دما روند افزایشی را داشته است. ♦♦

جهان استفاده شده است. بررسی سی ساله دما نشان می‌دهد که کمینه مطلق دما تغییرات ناگهانی و معنی‌داری مشاهده نشده و روند طبیعی را دنبال می‌کند. در حالی که حداکثر مطلق دما و روزهای با دمای ۳۰ و بیشتر با حاکمیت روند مثبت و روزهای برفی و یخبندان دارای روند کاهشی می‌باشد.





گفت‌وگو با «نجمه نظری»؛ معاون فنی اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان

در ذات، تقابلی بین رفع موانع تولید و حفظ محیط‌زیست وجود ندارد

برای تحقق توسعه پایدار در کشور؛ بهره‌برداری مناسب از امکانات و منابع از جمله آب، خاک، منابع طبیعی و ظرفیت‌های موجود انسانی با تأکید بر حفظ محیط‌زیست آن‌هم در عمل و نه صرفاً در شعار، الزامی است. نجمه نظری معاون فنی اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان همچنین با برشماری چالش‌های زیست‌محیطی استان کرمان از فقدان امکانات و اعتبارات لازم جهت اجرای برنامه‌های حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان یک چالش داخلی یاد می‌کند. وی می‌گوید در مجموع، دید زیست‌محیطی مدیران اجرایی مرتبط از سطح مطلوبی برخوردار نبوده و اجرای قوانین محیط‌زیست گاه با چالش‌های زیادی روبرو است. او برون‌سپاری کارها و خدمات دولت به سمن‌ها، اعتمادسازی و مشارکت بیشتر بخش دولتی با سمن‌ها، آموزش غیررسمی دولت به تشکل‌ها و درک متقابل شرایط را از موجبات افزایش مشارکت‌های اجتماعی در حفاظت از محیط‌زیست می‌داند. همچنین بر این باور است که نگاه هزینه‌ای به محیط‌زیست و اولویت داشتن مسائل اقتصادی و تولیدی موجب شده تا سعی شود قوانین زیست‌محیطی دور زده شود. او ایجاد حوزه‌های قضایی ویژه محیط‌زیست با استفاده از متخصصان امر در جهت بازدارندگی متخلفان را ضروری می‌داند. نظری یادآور می‌شود که بر اساس نتایج مطالعات مرکز پژوهش‌های مرکز شورای اسلامی تنها ۴۷ درصد اهداف سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری توسط دستگاه‌های اجرایی در بخش محیط‌زیست تحقق یافته و ۵۳ درصد فاقد عملکرد هستند و یا تحقق نیافته‌اند و طی چهار سال گذشته دستگاه‌های اجرایی آن‌طور که باید پیگیر تمام ابعاد سیاست‌های ابلاغی درباره محیط‌زیست نبوده و برنامه‌ریزی عملیاتی در این حوزه صورت نگرفته است. او یادآوری می‌کند که ایجاد رونق در تولید از راه حذف موانع مدنظر است نه از راه حذف ضوابط، به‌ویژه ضوابط زیست‌محیطی که ارتباط تنگاتنگ با امر توسعه پایدار دارد؛ لذا در ذات تقابلی بین رفع موانع تولید و حفظ محیط‌زیست وجود ندارد. مشروح این گفت‌وگو را در زیر بخوانید.

♦♦ مهم‌ترین چالش‌ها و تهدیدهای زیست‌محیطی استان کرمان چه هستند؟

امروزه در رویکرد جهانی نوین به موضوع امنیت؛ هرگونه تهدیدی که موجب تخریب، ناپایداری، توزیع نامتناسب و محدودیت در برخی منابع زیست‌محیطی شود، به‌مثابه تهدیدات امنیتی غیر سنتی در حوزه امنیت ملی کشورها از جایگاه و اولویتی ویژه برخوردار است. از این‌رو با توجه به پیامدهای گسترده و بعضاً غیرقابل‌جبران چالش‌های زیست‌محیطی و با عنایت به این مسئله که پیشگیری بر درمان اولویت دارد، لذا جهت جلوگیری از بروز بحران، شناخت این چالش‌ها و تأثیراتی که بر امنیت ملی کشورها دارند ضروری می‌باشد. در کشور ما نیز قبول معنای وسیع‌تری از امنیت به‌گونه‌ای که

تهدیدات زیست‌محیطی را هم شامل گردد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. استان کرمان نیز به‌عنوان جزئی از کل کشور و البته جهان، درگیر چالش‌های زیست‌محیطی زیر است که با توجه به جمعیت، پهناوری، معیار صنعتی شدن و اقلیم خاص خود، صرفاً شدت و ضعفی در بروز این چالش‌ها دیده می‌شود:

- اولین و مهم‌ترین چالش، چالش آب و افت کمی و کیفی و بحران منابع آب استان،
- آلودگی منابع آب موجود به فلزات سنگین،
- بحران تأمین آب علی‌الخصوص آب شرب و چالش‌های اجتماعی ناشی از آن،
- بحران خشک‌سالی‌های ادواری و آسیب‌پذیر شدن محیط‌زیست،
- استقرار و گسترش صنایع آب‌بر در استان بدون در نظر گرفتن طرح آمایش سرزمین،

نگاه معطوف به امنیت زیست‌محیطی موجب شده تا اکنون به‌جای کنترل و مهار پدیده‌های فوق، مجبور به اطلاق واژه بحران شویم. چنانچه در اسناد بالادستی بارها به آن اشاره شده است، جهت تحقق توسعه پایدار در کشور و در استان به‌عنوان جزئی از کل، بهره‌برداری مناسب از امکانات و منابع از جمله آب، خاک، منابع طبیعی و ظرفیت‌های موجود انسانی و به عبارتی نیل به اهداف توسعه پایدار با تأکید بر حفظ محیط‌زیست (در عمل و نه در شعار) الزامی است. در شرایطی می‌توان بر جایگاه قدرت اول منطقه تکیه زد که ذهن سیاست‌گذاران و مجریان با دغدغه‌های جدیدی در ابعاد امنیتی که موجب اختلال در زندگی روزمره و سلامت آحاد ملت است درگیر نباشد، در غیر این صورت از مسیر تحقق این امر بسیار دور خواهیم شد.

◆ شهرنشینی یقیناً با آینده‌ای پیچیده‌تر از امروز روبه‌روست، به نظر شما مهم‌ترین ابعاد چالشی زیست‌محیطی شهری امروز و فردا به‌ویژه در استان کرمان چیست؟

امروزه شهرها با رشد سرسام‌آور به‌سرعت محیط طبیعی پیرامون خود را در بر گرفته و چالش‌های زیست‌محیطی سکونتگاه‌های شهری در کنار چالش‌های اجتماعی و فرهنگی، از چالش‌های پیش روی سیاستمداران و شهر سازان در دوران کنونی است. مسائل زیست‌محیطی از اساسی‌ترین مسائل شهرهای امروزی است زیرا با تسلط ساختمان‌ها، حمل‌ونقل و فعالیت‌های اقتصادی بر فضاهای طبیعی به‌مرور زمان، زمینه‌ساز آلودگی‌های گسترده شهری می‌گردد. در کنار آن تلاش برای رفاه بیشتر و فرهنگ مصرف‌گرایی، تعادل و توازن محیط طبیعی را بر هم زده‌اند تا بدان جا که اینک زندگی خود بشر نیز به مخاطره افتاده است. از جمله چالش‌های موجود و پیش روی استان کرمان در بحث شهرنشینی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- عدم کفایت آب آشامیدنی و چالش تأمین آب سالم،
- پسماندهای شهری و معضلات ناشی از آن / عدم مدیریت صحیح پسماند / مکان‌یابی‌های غیراصولی محل‌های دفع پسماند / عدم توجه به تفکیک از مبدأ و ایجاد سازوکارهای اصولی در این بخش / وجود زباله‌گردها و بازیافت پسماندها از طریق مبادی فاقد صلاحیت / عدم دفع اصولی پسماندها در محل‌های دفع پسماند و سوزاندن زباله‌ها در بسیاری از آن‌ها / عدم

- بروز پدیده گردوغبار،
- بیابان‌زایی و فرسایش خاک،
- خشک شدن تالاب‌ها،
- فرونشست زمین در اثر افت کمی در منابع آب زیرزمینی،
- افزایش قابل توجه تولید ضایعات و پسماندهای شهری و صنعتی،
- افزایش آلودگی هوا، آب‌و‌خاک با توجه به توسعه صنعت، معدن، کشاورزی و ...، علی‌الخصوص با توسعه فعالیت‌های معدنی و صنایع معدنی در استان،
- مصرف بی‌رویه منابع، توسعه استفاده از منابع غیر تجدید پذیر و عدم سرمایه‌گذاری لازم در استفاده از منابع تجدید پذیر،
- مصرف بی‌رویه انرژی و انتشار آلاینده‌ها و گازهای گلخانه‌ای،
- خسارات وارده از نظر تنوع زیستی و از بین رفتن بخشی از گونه‌های گیاهی و جانوری،
- وجود تعداد زیاد اسلحه‌های بدون مجوز در استان،
- جای بی‌رویه دام بیش از توان اکولوژیک مناطق،
- پایین بودن سطح فرهنگ زیست‌محیطی،
- بحران آب‌شیرین‌کن‌ها؛ متأسفانه با افت کیفیت منابع آب کشاورزی و شور شدن منابع مذکور استفاده آن‌ها در بخش کشاورزی غیرممکن شده و با تأسف بیشتر به‌جای تبیین برنامه‌های لازم جهت احیاء مجدد منابع آبی مذکور اخیراً تمایل جهت بهره‌گیری از آب‌شیرین‌کن‌ها به روش اسمز معکوس بر روی چاه‌های آب کشاورزی افزایش یافته که علاوه بر افزایش فشار بر منابع آبی و تشدید بحران، پساب یا شورابه این آب‌شیرین‌کن‌ها نیز تهدیدی برای محیط‌زیست طبیعی و انسانی منطقه و همچنین موجب افزایش آلودگی منابع آب‌و‌خاک منطقه خواهد بود.
- در یک سال اخیر چالش‌های پیامد بحران جهانی شیوع بیماری کرونا از جمله افزایش مصرف آب، افزایش تولید پسماندهای بیمارستانی و پسماندهای خانگی، افزایش استفاده از ظروف یک‌بارمصرف (PET) و ...

تداوم چالش‌های زیست‌محیطی و عدم توجه به آن در چند سال آینده، استان را با چالش‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پرهزینه روبرو خواهد ساخت. از این‌رو لزوم بازنگری در تعریف امنیت در نزد سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان استان بیش از گذشته ضرورت یافته است. چنانچه در دهه‌های گذشته فقدان



تداوم چالش‌های زیست‌محیطی و عدم توجه به آن در چند سال آینده، استان را با چالش‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پرهزینه روبرو خواهد ساخت. از این‌رو لزوم بازنگری در تعریف امنیت در نزد سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان استان بیش از گذشته ضرورت یافته است. چنانچه در دهه‌های گذشته فقدان نگاه معطوف به امنیت زیست‌محیطی موجب شده تا اکنون به‌جای کنترل و مهار پدیده‌های فوق، مجبور به اطلاق واژه بحران شویم.

جهت اجرای برنامه‌های عمل‌گرا و اجرایی در راستای حفاظت محیط‌زیست از جمله مشکلات و چالش‌های داخلی پیش روی حوزه محیط‌زیست استان است.

◆ در استان کرمان همکاری دستگاه‌های مختلف اعم از اجرایی و قضایی با اداره کل محیط‌زیست در جهت حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن چگونه است؟

سازمان محیط‌زیست بخشی از بدنه دولت است و به عبارتی متولی توسعه و اقتصاد و متولی حفاظت از محیط‌زیست در یک حوزه قرار گرفته‌اند. پرواضح است که در تقابل بین توسعه، تولید و اقتصاد و از سوی دیگر بحث حفاظت از محیط‌زیست، در یک کشور در حال توسعه، کفه ترازوی حفاظت محیط‌زیست نمی‌چرید.

در استان کرمان متأسفانه من حیث المجموع دید زیست‌محیطی مدیران اجرایی مرتبط، از سطح مطلوبی برخوردار نبوده و اجرای قوانین مصوب کشوری در استان، گاهی با چالش‌های زیادی مواجه است؛ به‌عنوان نمونه، عدم ارائه طرح ارزیابی برای پروژه‌های مشمول در حوزه صنعتی، کشاورزی، خدماتی و ... از جمله این موارد است. تفکر توسعه پایدار در بحث مسائل زیست‌محیطی در حد یک شعار باقیمانده و در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات، مسائل زیست‌محیطی در رتبه آخر است و در سال‌های اخیر با مطرح شدن بحث رفع موانع تولید معمولاً سعی در حذف قوانین زیست‌محیطی در مرحله اجرا شده است در صورتی که برای نیل به اهداف توسعه پایدار می‌توان هم تولید و اقتصاد پروتقی داشت و هم محیط‌زیست سالم و قطعاً هزینه‌های پیشگیری بسیار کمتر از درمان خواهد بود. محیط‌زیست در نگاه اول از بعد اقتصادی هزینه‌ساز است، اما با نگاه کلان و مقایسه هزینه‌های اولیه جهت جلوگیری از وقوع معضلات، با هزینه‌های لازم جهت رفع معضلات ناشی از عدم توجه به مسائل زیست‌محیطی، قطعاً هر هزینه‌ای در ابتدای امر سود خالص خواهد بود.

در حوزه قضایی در بحث تخلفات شکار و صید آراء صادره مطلوب است، اما در بخش آلاینده‌ها و برخورد با آلوده‌کنندگان نتایج قابل قبولی نداریم. اکثریت موارد تیره شده یا احکام ضعیفی صادر می‌شود. به این بخش البته عدم بازدارندگی جرایم تعیین شده در قوانین موضوعه را نیز اضافه کنیم.

مدیریت پسماندهای ویژه شهری از جمله لامپ‌های کم‌مصرف، باتری‌ها، پسماندهای دارویی، شیمیایی و ... / عدم طراحی اصولی و مهندسی محل‌های دفع پسماند شهری در استان،

- نبود برنامه مدون جهت کاهش تولید پسماند،
- جای خالی اقتصاد چرخشی،
- معضل فاضلاب و آب‌های زیرسطحی / عدم توسعه شبکه‌های جمع‌آوری فاضلاب و تصفیه‌خانه‌های فاضلاب شهری در استان،
- ترافیک ناشی از عدم تناسب بین محورهای ترافیکی با حجم خودروی موجود و آلودگی هوا و صوتی فرارو،
- سیستم ضعیف حمل‌ونقل عمومی،
- عدم توسعه زیرساخت‌های شهر الکترونیک،
- دفع آب‌های سطحی در زمان بارندگی و بحث کنترل سیلاب در محیط‌های شهری،
- توزیع نامتناسب فضای سبز شهری علیرغم سرانه مناسب،
- مکان‌یابی سکونتگاه‌های جدید بدون ارائه مطالعات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و نیازسنجی لازم،
- فرسودگی زیرساخت‌ها / افزایش مصرف و هدرروی منابع،
- تخریب زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی در اثر گسترش بی‌رویه شهرها و حاشیه‌نشینی،
- نظارت ضعیف بر اصناف آلاینده،
- معماری نامناسب شهری از دیدگاه زیست‌محیطی و عدم توجه به اصول محیط‌زیستی در طراحی ساختمان‌ها و معابر شهری.

◆ ساختار سازمان حفاظت محیط‌زیست و به‌تبع آن اداره کل استان تا چه اندازه با مأموریت‌های مربوطه متناسب است؟

به هیچ عنوان تناسبی وجود نداشته و بسیار ضعیف است. در سال ۹۹ میزان اعتبارات هزینه‌ای محیط‌زیست استان از کل اعتبارات سازمان محیط‌زیست کمتر از ۴ درصد و اعتبارات تملک محیط‌زیست از اعتبارات تملک استانی ۰/۲۲۵ درصد بوده است.

متعاقب اعتبارات ناکافی و بحث کوچک‌سازی دولت، عدم امکان جذب نیروی متخصص و اجرایی کافی، عدم امکان جذب محیط‌بان متناسب با عرصه‌های حفاظتی، عدم امکان فراهم آوردن تجهیزات پیشی و آزمایشگاهی لازم از جمله ایستگاه‌های پیشی هوا علی‌الخصوص با افزایش نرخ دلار در سال‌های اخیر، فقدان اعتبار لازم

- در درجه اول
- مشکلات و
- ناهنجاری‌های
- زیست‌محیطی
- ناشی از
- تصمیمات
- غلط و یا عدم
- تصمیم‌سازی
- به‌موقع مسئولین
- و همچنین عدم
- نظارت کافی از
- سوی آن‌هاست
- و در درجه دوم
- مردم نقش دارند.
- نقش مردم
- در بحث‌های
- حفاظت
- محیط‌زیست
- و برون‌رفت از
- چالش‌های
- زیست‌محیطی
- بیشتر است تا در
- ایجاد چالش‌های
- زیست‌محیطی.

◆ به نظر شما مردم در ناهنجاری‌ها و مشکلات زیست‌محیطی چه نقشی دارند؟

اشاره کنم به جمله «الناس علی دین ملوکهم»، مردم بر اساس منش حاکمان جامعه بر می‌دارند و در قرآن کریم هم پیروی مردم از حاکمان‌شان مطرح شده است. در درجه اول مشکلات و ناهنجاری‌های زیست‌محیطی ناشی از تصمیمات غلط و یا عدم تصمیم‌سازی به‌موقع مسئولین و همچنین عدم نظارت کافی از سوی آن‌هاست و در درجه دوم مردم نقش دارند. نقش مردم در بحث‌های حفاظت محیط‌زیست و برون‌رفت از چالش‌های زیست‌محیطی بیشتر است تا در ایجاد چالش‌های زیست‌محیطی. سازمان حفاظت محیط‌زیست و به‌تبع آن اداره کل استان کرمان این باور را دارد که در حوزه محیط‌زیست هیچ توفیقی حاصل نخواهد شد جز با همکاری و ایفای نقش آحاد مردم؛ اما برای این ایفای نقش، حاکمان بایستی بستر و زیرساخت‌های لازم را فراهم آورند و چارچوب‌های کار مشخص شود و آن زمان است که می‌توان از این ظرفیت بالقوه نهایت استفاده را برد و بالفعل نمود.

◆ به نظر شما موجبات افزایش مشارکت‌های اجتماعی در حفاظت از محیط‌زیست چیست؟

برون‌سپاری کارها و خدمات دولت به سمن‌ها، اعتمادسازی و مشارکت بیشتر بخش دولتی با سمن‌ها، آموزش غیررسمی دولت به تشکل‌ها و بالعکس و درک متقابل شرایط و محدودیت‌های هر دو گروه.

◆ به نظر می‌رسد مقررات و قوانین زیست‌محیطی به میزان قابل‌توجهی دور زده می‌شود، اگر این موضوع مورد تأیید است، چه کسانی مسئول است؟ چه مراجعی متولی یا متولیان زیست‌محیطی هستند؟ چرا امکان دور زدن مقررات مربوطه وجود دارد؟

همان‌طور که در مباحث قبلی بیان شد نگاه هزینه‌ای به محیط‌زیست و اولویت داشتن مسائل اقتصادی و تولیدی در نگاه اول موجب شده تا سعی شود قوانین زیست‌محیطی دور زده شود. مسئول مستقیم این موضوع ارگان‌های متولی صدور مجوزهای فعالیت اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و ... و همچنین ارگان‌های متولی تخصیص اراضی هستند که صدور مجوز یا تخصیص زمین را بدون اخذ نظر محیط‌زیست یا برخلاف آن انجام می‌دهند. پروژه‌های بزرگی در استان که اکثریت مشمول ارائه طرح ارزیابی اثرات

زیست‌محیطی بوده بدون اخذ مجوز از محیط‌زیست شکل گرفته‌اند که در این خصوص متولیان امر بایستی پاسخ دهند که علت عدم رعایت ضوابط و مقررات وضع شده در این زمینه چه بوده است؟ چنانچه در مرحله صدور مجوز استعلام لازم از محیط‌زیست اخذ و بر اساس ضوابط و معیارهای زیست‌محیطی عمل شود و یکپارچگی لازم بین دستگاه‌های متولی امر در اجرای بی‌چون و چرای قوانین باشد قطعاً نمی‌توان قوانین را دور زد.

امکان استفاده از رانته‌های مختلف جهت دور زدن قانون، عدم برخورد بازدارنده با متخلفین و جرم انگاری متناسب در حوزه محیط‌زیست، اولویت اقتصاد بر محیط‌زیست، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و بعضاً جناحی، عدم تمایل به هزینه‌کردهای زیست‌محیطی، ضعف قوانین و عدم قدرت بازدارندگی، سوءبرداشت از تسهیل و رفع موانع تولید، عدم نگاه کلان به حوزه محیط‌زیست و عدم دوراندیشی، اظهار نظر افراد غیرمتخصص، انتخاب تقابل با محیط‌زیست به‌جای همکاری موازی در پیشبرد اهداف توسعه‌ای استان از دلایل این قانون‌گریزی است.

◆ اصولاً قوانین و مقررات مربوط به محیط‌زیست تا چه اندازه به‌روز و کارآمد است؟

در سال‌های اخیر قوانین متعددی مصوب و به‌روزرسانی شده، اما در عمل متناسب با وضعیت فعلی کشور نبوده و با سیاست‌های کلی نظام و فرمایشات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) و همچنین با توان اجرایی سازمان حفاظت محیط‌زیست همخوانی لازم را ندارد. در صورت تخلف از اجرای قوانین، در مرحله نهایی موضوع به مرجع قضایی ارجاع داده می‌شود که همان‌گونه قبلاً نیز بیان شد آراء صادره اکثریت رضایت‌بخش نبوده و موجب گستاخی متخلفین در انجام تخلف می‌گردد. ایجاد حوزه‌های قضایی ویژه محیط‌زیست و استفاده از متخصصین امر در این خصوص ضروری است.

◆ سیاست‌گذاری حوزه زیست‌محیطی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اجازه دهید در این خصوص اشاره‌ای داشته باشم به گزارش دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «بررسی عملکرد سیاست‌های کلی در خصوص بخش محیط‌زیست» در سال ۱۳۹۸ که آورده است: سیاست‌های ۱۵ گانه نظام

نگاه هزینه‌ای به محیط‌زیست و اولویت داشتن مسائل اقتصادی

و تولیدی در نگاه اول موجب

شده تا سعی

شود قوانین

زیست‌محیطی

دور زده شود.

مسئول مستقیم

این موضوع

ارگان‌های متولی

صدور مجوزهای

فعالیت اعم از

صنعتی، معدنی،

کشاورزی و ...

و همچنین

ارگان‌های متولی

تخصیص اراضی

هستند که صدور

مجوز یا تخصیص

زمین را بدون اخذ

نظر محیط‌زیست

یا برخلاف آن

انجام می‌دهند.



و بر اساس این شاخص‌ها عملکرد قوای سه‌گانه و نهادهای حکومتی در مسیر اجرای این سیاست‌ها بررسی می‌شود. مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تصریح می‌کند که تنها ۴۷ درصد اهداف سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری توسط دستگاه‌های اجرایی در بخش محیط‌زیست تحقق یافته و ۵۳ درصد فاقد عملکرد یا تحقق نیافته است. این گزارش می‌افزاید وضعیت فوق نشان از آن دارد که طی چهار سال گذشته دستگاه‌های اجرایی در تعیین نحوه حرکت و نقشه راه، آن‌گونه که انتظار می‌رود به صورت جدی و فعال پیگیر تمام ابعاد سیاست‌های

در حوزه محیط‌زیست، بر اساس بند «۱» اصل یکصد و دهم قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۴ به قوای کشور ابلاغ شد. در سیاست‌های کلی نظام، بر مبنای اصول و اهداف جمهوری اسلامی ایران چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های کشور در همه عرصه‌های حکومتی مشخص شده و اجرای مفاد آن الزام‌آور است؛ به این معنا که بر اساس مفاد این سیاست‌ها، قوای سه‌گانه و نهادهای حکومتی موظف به گام برداشتن در جهت تحقق آن‌ها هستند. بر اساس این گزارش، شاخص‌هایی در جهت ارزیابی پیشرفت سیاست‌های کلی نظام در حوزه محیط‌زیست مشخص شده است

کرد. لیکن اقدامات مغایر با قوانین زیست‌محیطی از سوی برخی از ارگان‌های مربوطه و سعی در دور زدن محیط‌زیست دغدغه‌ای است که همواره پیش روی مجموعه محیط‌زیست استان قرار داشته است.

◆ راه‌حل مشکلات زیست‌محیطی در استان کرمان را چه می‌دانید؟

اول: نگاه جامع محیط‌زیستی از سوی کلیه مسئولین و ارگان‌های ذی‌ربط و فرهنگ‌سازی لازم در این زمینه که محیط‌زیست متعلق به همه است و وظیفه حفاظت از آن به عهده همه. اینکه اداره کل حفاظت محیط‌زیست نقش حفاظتی داشته باشد و سایرین صرفاً نگاه و نقش بهره‌بردارانه، نه تنها حفاظت از محیط‌زیست تحقق نخواهد یافت بلکه توسعه نیز در بلندمدت دچار چالش خواهد شد.

دوم: همت و تلاش همگانی در اجرای ضوابط و قوانین زیست‌محیطی به‌عنوان لازمه توسعه پایدار.

سوم: تخصیص اعتبارات لازم جهت حل مسائل و معضلات زیست‌محیطی و هزینه‌کرد اعتبارات مذکور در محل تعیین شده، از جمله مدیریت پسماندهای شهری، تصفیه‌خانه‌های فاضلاب شهری، افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع (انرژی، آب و ...). توسعه فضاهای سبز، استفاده از پساب‌های تصفیه شده و ...

چهارم: فرهنگ‌سازی، آموزش همگانی و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد.

پنجم: برخورد بازدارنده با متخلفین از طریق صدور آراء قضائی متناسب با جرائم.

ششم: افزایش نقش دستگاه‌های نظارتی در رصد تخلفات زیست‌محیطی صورت گرفته و برخورد با متخلفین.

هفتم: افزایش اعتبارات محیط‌زیست متناسب با وظایف و مسئولیت خطیری که به‌عنوان یک‌نهاد حاکمیتی بر عهده دارد.

هشتم: پرهیز و کنترل منفعت‌طلبی لحظه‌ای رایج شده در کل کشور و رونق اقتصادی از مسیرهایی که مبتنی بر استفاده بی‌رویه از منابع خداداد استان نباشد.

◆ چنانچه توضیحات اضافی لازم می‌دانید، عنوان نمایید.

جا دارد از توجه و نگاه دقیق نشریه محترم «سپهر اقتصاد کرمان» به مسائل روز حوزه محیط‌زیست استان قدردانی نمایم. توفیق همراه همیشگی‌تان. ◆◆

ابلاغی در خصوص محیط‌زیست نبوده‌اند و برنامه‌ریزی عملیاتی از سوی مجریان در این حوزه صورت نگرفته و سمت‌وسوی برنامه مشخص نشده و لذا جهت تحقق اهداف سیاست‌های کلی ابلاغی در حوزه محیط‌زیست نیاز به برنامه‌ریزی‌های دقیق از سوی قوای سه‌گانه نظام و سازمان‌های وابسته به آن‌هاست.

مشخص است که تا زمانی نظام سیاسی کشور تکلیف خود را با مسائل زیست‌محیطی مشخص نکند و جایی را برای محیط‌زیست و مسائل آن فراهم نیاورد، فعالیت‌ها و سیاست‌ها به‌جای اقدامی معقولانه، در بهترین حالت ژستی روشنفکرانه است. بدون خطمشی‌گذاری به‌جای سیاست‌گذاری و ایجاد ساختار و نظام تعریف شده و برنامه مشخص همراه با تعریف نظام‌مند گروه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر و مجریان امر، حفاظت محیط‌زیست صرفاً به‌صورت یک آرمان باقی خواهد ماند.

◆ چطور می‌توان مطمئن شد که محیط‌زیست نه قربانی مانع‌زدایی از تولید شود و نه خودش مانع تولید باشد؟ این مسئله مهم را چگونه حل کرده‌اید؟

اهمیت محیط‌زیست بر کسی پوشیده نیست، این مهم را می‌توان از ابلاغ سیاست‌های کلی محیط‌زیست از سوی مقام معظم رهبری و بر اساس دیدگاه‌های کارشناسان مختلف درک کرد که اگر کوتاهی و عملکرد ضعیفی در اجرای آن‌ها صورت بگیرد باعث به وجود آمدن مشکلات و معضلات زیادی در حوزه محیط‌زیست می‌شود. رفع موانع تولید به مفهوم ایجاد رونق در تولید از طریق حذف موانع است نه از طریق حذف ضوابط، به‌ویژه ضوابط زیست‌محیطی که ارتباطی تنگاتنگ با بحث توسعه پایدار دارد، لذا در ذات، تقابلی بین رفع موانع تولید و حفظ محیط‌زیست وجود ندارد.

از سوی دیگر می‌توان با تجدیدنظر و بازبینی برخی از ضوابط زیست‌محیطی، به‌ویژه با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی هر منطقه، حتی‌الامکان شرایطی را فراهم آورد تا بتوان نقش مثبتی در رفع موانع تولید ایفاء نمود، البته هرگونه بازنگری بایستی در سطح ملی انجام و به ادارات کل استانی ابلاغ گردد و در این بین ادارات کل محیط‌زیست می‌توانند با پیگیری و ارائه نقطه نظرات کارشناسی در این خصوص گامی در جهت تحقق شعار سال بردارند. رویه اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان ارائه راهکارهای کارشناسی جهت تسهیل در بحث سرمایه‌گذاری استان بوده و در آینده نیز با تلاش مضاعف در این خصوص دریغ نخواهد

مشخص است
که تا زمانی نظام
سیاسی کشور
تکلیف خود
را با مسائل
زیست‌محیطی
مشخص نکند
و جایی را برای
محیط‌زیست و
مسائل آن فراهم
نیاورد، فعالیت‌ها و
سیاست‌ها به‌جای
اقدامی معقولانه،
در بهترین
حالت ژستی
روشنفکرانه است.
بدون خطمشی
گذاری به‌جای
سیاست‌گذاری و
ایجاد ساختار و
نظام تعریف شده
و برنامه مشخص
همراه با تعریف
نظام‌مند گروه‌های
تصمیم‌ساز
و تصمیم‌گیر
و مجریان
امر، حفاظت
محیط‌زیست صرفاً
به‌صورت یک
آرمان باقی خواهد
ماند.

سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی



♦ دکتر سوده مقصودی

عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تعریف سرمایه اجتماعی

منظور از سرمایه اجتماعی املاک، دارایی‌های شخصی یا پول نیست. بلکه منظور آن چیزی است که باعث می‌شود این اشیاء محسوس در زندگی روزمره مردم، بیشتر به حساب آیند؛ یعنی حسن نیت، دوستی، حس همدردی و مراودات اجتماعی بین گروهی از افراد یا خانواده‌ها که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اگر شخصی با همسایه‌اش ارتباط برقرار کند و آن‌ها نیز با دیگر همسایگان ارتباط برقرار کنند انباشتی از سرمایه اجتماعی به وجود خواهد آمد که نیازهای شخصی آن‌ها را برآورده نموده و حتی می‌تواند باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در کل آن اجتماع گردد، در حالی که کل اجتماع از همکاری اجزای خود منتفع می‌شود و افراد نیز از مزایایی همچون مساعدت، همدردی و دوستی با همسایگان بهره‌مند خواهند شد.

در یک نگاه کلی، سرمایه اجتماعی عبارت است از ظرفیتی اجتماعی که هماهنگی و همکاری را در گروه و جامعه تسهیل می‌کند. در ضمن می‌توان سرمایه اجتماعی را مفهومی مرکب که دارای ساختار، محتوا، و کارکرد است، تلقی نمود. در این راستا، ساختار سرمایه اجتماعی همان شبکه ارتباطات اجتماعی، محتوای آن اعتماد و هنجارهای اجتماعی، کارکرد آن عمل متقابل اجتماعی و نتیجه آن در جامعه و اقتصاد همکاری و هماهنگی است.

ابعاد سرمایه اجتماعی

در یک دسته‌بندی کلی سرمایه اجتماعی به سه بعد ساختاری، شناختی، و ارتباطی تقسیم می‌شود:

بعد ساختاری: این بعد از سرمایه اجتماعی بیشتر ناظر بر روابط موجود و میزان و شکل این روابط است که، در واقع، نمود عینی سرمایه اجتماعی در جامعه است. باید توجه داشت در سنجش سرمایه اجتماعی معمولاً این بعد در مرکز توجه قرار دارد. این بعد از سرمایه اجتماعی شامل متغیرهای زیر است:

۱- پیوندهای موجود در شبکه، شامل وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه،

سرمایه اجتماعی

عبارت است از

ظرفیتی اجتماعی

که هماهنگی و

همکاری را در

گروه و جامعه

تسهیل می‌کند.

در ضمن می‌توان

سرمایه اجتماعی

را مفهومی

مرکب که دارای

ساختار، محتوا،

و کارکرد است،

تلقی نمود.

در این راستا،

ساختار سرمایه

اجتماعی همان

شبکه ارتباطات

اجتماعی،

محتوای آن

اعتماد و

هنجارهای

اجتماعی، کارکرد

آن عمل متقابل

اجتماعی و نتیجه

آن در جامعه و

اقتصاد همکاری و

هماهنگی است.

۲- شکل و ترکیب شبکه، شامل سلسله مراتب شبکه، میزان ارتباط پذیری و تراکم شبکه،

۳- تناسب سازمانی، تا چه اندازه شبکه ایجاد شده برای هدفی خاص ممکن است برای اهداف دیگر استفاده شود.

بعد شناختی: این بعد بیشتر متناظر با اشتراکاتی است که کنشگران اجتماعی از طریق آن‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. این بعد را می‌توان زبان مشترک ناشی از شناخت متقابل نیز نام نهاد که شامل ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، و پنداشته‌های اجتماعی است؛ پنداشته‌ای که زمینه را برای تعاون و همکاری اجتماعی فراهم می‌سازند و شامل دو دسته کلی اند:

۱- زبان و علائم مشترک؛ شامل اشتراکاتی که به سبب موقعیت مکانی، قومی، نژادی و از این قبیل حاصل می‌شوند،

۲- روایت‌های مشترک؛ مانند اشتراکات فرهنگی، عرف‌های جاری در جامعه و ...

بعد ارتباطی: این بعد ناظر بر متغیرهایی است که بدون وجود آن‌ها کنشگران اجتماعی با یکدیگر ارتباط متقابل برقرار نمی‌کنند. در واقع، این متغیرها شرط لازمی برای برقراری کنش اجتماعی و در نتیجه کسب سرمایه اجتماعی برای کنشگر است. این بعد شامل این متغیرها است: اعتماد، هنجار، تعهدات و روابط متقابل، تعیین هویت مشترک.

شاخص‌های سرمایه اجتماعی

اعتماد اجتماعی: اعتماد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی به‌تنهایی یا در کنار سایر ابعاد نشان‌دهنده سطح بهره‌مندی گروه‌ها و جوامع از سرمایه اجتماعی است. اعتماد بر یک سلسله عادات اخلاقی و تعهدات رفتاری دوطرفه استوار

است که به‌وسیله اعضای جوامع نهادینه می‌شود. اعتماد اجتماعی عبارت است از تعهدات، ارزیابی‌ها سود و زیان و انتظارات افراد نسبت به یکدیگر که با ایجاد اطمینان و اتکا بر ماهیت تعامل فی‌مابین در جریان روابط اجتماعی باعث شکل‌گیری اعتماد مبتنی بر وفاداری، صداقت، صمیمیت و ... در بین افراد می‌شود.

اخلاقیات: صاحب‌نظران معتقدند که در زمان حاضر، اکثر جوامع دچار بحران اخلاقی و مشکلات ناشی از بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی و معنویات شده‌اند. این وضعیت در همه کشورهای جهان کم‌وبیش وجود دارد، اما در جوامعی که غالب مردم از ثبات نسبی اقتصادی یا حداقل امکانات زندگی بی‌بهره‌اند، نادیده گرفتن ارزش‌ها و اصول اخلاقی بیشتر به چشم می‌خورد. در این جوامع به منافع و صلاح جامعه چندان اهمیت داده نمی‌شود.

اطلاعات: اطلاعات مؤثرترین و کارآمدترین ثروت و سرمایه هر ملت است. ثروتی که برخلاف ثروت‌های دیگر از بین نمی‌رود و هرچه مصرف شود قوی‌تر و کامل‌تر می‌شود. اطلاعات میزان دانشی است که اعضای شبکه اجتماعی از یکدیگر دارند.

مشارکت و شبکه‌های اجتماعی: مشارکت در امور اجتماعی و عضویت در شبکه‌های مبتنی بر ارزش‌های مشترک ابعادی دیگر از سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. بدین ترتیب با بررسی میزان عضویت افراد در جامعه در تشکلهای جامعه مدنی (انجمن‌ها، کانون‌ها و گروه‌هایی که روابط افراد در آن‌ها با یکدیگر افقی بوده و رابطه عمودی رئیس و مرئوس در آن وجود ندارد. میزان مشارکت در فعالیت‌های مدنی نظیر انتخابات، حضور در گردمایی‌ها، مناظره‌های سیاسی، نامه نوشتن به روزنامه‌ها و نمایندگان مجلس و... به‌عنوان دیگر شاخص‌های سرمایه اجتماعی‌اند.

وضعیت سرمایه اجتماعی در کشورهای جهان

براساس مطالعات صورت گرفته میزان سرمایه اجتماعی در بین کشورهای مختلف متفاوت است. میزان این تفاوت وابسته به میزان اعتماد به دولت و مردم، اخلاقیات، مشارکت اجتماعی و شبکه وسیع ارتباطات و اطلاعات ارزیابی می‌شود؛ به‌طور مثال در پژوهشی، اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ۷ کشور دنیا بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ مورد مقایسه قرار گرفت و نتایج نشان داد که افراد اعتماد‌کننده در کشور کره (۶۰ درصد) بسیار بالا و بالاتر از شش کشور اروپایی مورد بررسی یعنی سوئیس (۴۳ درصد)، آلمان شرقی (۳۵ درصد)، آلمان غربی (۳۲ درصد)، اسپانیا (۲۸ درصد)، مجارستان (۱۸ درصد) و اسلوانی (۱۴ درصد) هستند.

در پژوهشی دیگر که سرمایه اجتماعی بین کشورها در سال‌های

۲۰۱۴-۱۹۹۹ بررسی شد شاخص‌های سرمایه اجتماعی حکمرانی خوب، شاخص فساد، دسترسی به اینترنت و مشارکت زنان در بازار کار در نظر گرفته شد که

نتایج نشان‌دهنده این بود که در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا، شاخص‌های حکمرانی خوب، دسترسی به اینترنت، میزان ثبت‌نام در آموزش عالی و نرخ مشارکت زنان اثر مستقیم و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارند و شاخص فساد اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. در کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین شاخص فساد، اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد. شاخص‌های حکمرانی خوب و نرخ مشارکت زنان برای کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین، بی‌معنی بوده و اثر دسترسی به اینترنت بر رشد اقتصادی کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین، منفی و معنی‌دار و اثر میزان ثبت‌نام ناخالص در آموزش عالی مثبت و معنی‌دار می‌باشد (مکیان، کرلایی و بهرامی، ۱۴۰۰).

طبق آماری که در طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ به‌وسیله دفتر طرح‌های ملی به دست آمده ۸۸٫۴ درصد مردم به اعضای خانواده خود بسیار زیاد اعتماد داشتند. این رقم در مورد اقوام ۴۹ درصد و در مورد دوستان نیز ۴۹ درصد بوده است.

همچنین مطابق نظرسنجی ارزش‌ها (۲۰۰۵) تنها ۱۰٫۵ درصد پرسش‌شوندگان ایرانی با این گزاره که «بیشتر افراد جامعه قابل اعتماد هستند» موافق بوده‌اند و در مقابل ۸۸٫۷ درصد معتقدند که «باید در برخورد با مردم بسیار مراقب و محتاط باشند». قطعاً این آمار با توجه به بحران‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی فعلی فزونی گرفته است.

سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران

نتایج مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۱ برای برآورد روند سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران دوره ده‌ساله (۱۳۸۸-۱۳۷۹) انجام شد، نشان داد که بالاترین میانگین سرمایه اجتماعی برای کل کشور در سال ۱۳۸۷ و کمترین مقدار میانگین سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۸۱ بوده است. مطالعه میانگین سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که در دوره ۱۰ ساله موردنظر، تهران دارای کمترین و خراسان جنوبی دارای بالاترین مقدار میانگین سرمایه اجتماعی می‌باشند. در این بین در سال ۱۳۸۴ استان تهران با افت شدید در سرمایه اجتماعی و مقدار ۵٫۲۹ در رده انتهایی استان‌های ایران و استان خراسان جنوبی با شاخص ۴۸٫۵۴ و کرمان با ۴۴٫۳۱ در بالاترین رتبه سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران قرار گرفتند. مطالعه دیگری که در سال ۱۳۹۷ برای برآورد روند سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران دوره سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۸۵) انجام شد، نشان داد که در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ استان کهگیلویه

حلقه اتصال
سرمایه اجتماعی
به اقتصاد، مبادله
است. سرمایه
اجتماعی شرایطی
را به وجود
می‌آورد که فرد در
مبادله، از ربودن
فرصت‌ها به
دلیل خسارتی که
متوجه طرف مورد
مبادله می‌شود،
خودداری کند
و این مسئله
او را در مبادله
قابل اعتماد
می‌سازد
به نحوی که هزینه
کنترل رفتار و
نظارت بر طرف
مبادله (هزینه
مبادله) را کاهش
می‌دهد.

و بویراحمند در صدر استان‌های کشور از دیدگاه میزان سرمایه اجتماعی قرار دارد. در سال ۱۳۸۹ استان یزد و در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نیز استان زنجان بیشترین سطح سرمایه اجتماعی کشور را به خود اختصاص داده است. از سویی، در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ استان ایلام، در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۲ استان تهران، در سال ۱۳۸۷ استان کرمان و در سال ۱۳۹۰ استان همدان کمترین میزان سرمایه اجتماعی را داشته‌اند.

سرمایه اجتماعی زمینه‌ساز توسعه اقتصادی

رشد اقتصادی از جمله اهدافی است که هر اقتصادی آن را دنبال می‌کند و دلیل این امر نیز دستیابی به منافع و مزایای فراوانی است که در روند رشد تحقق می‌یابد. اما دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار نیازمند پاسخ به این سؤال است که چه عواملی نرخ رشد اقتصادی را تأمین می‌کند؟ یا نرخ رشد اقتصادی چگونه و از طریق چه عوامل و سیاست‌هایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟ از نظر تاریخی، نخستین مفهوم و عامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در الگوهای رشد، عامل سرمایه بود و تغییرات تولید یا رشد اقتصادی با تغییرات انباشت سرمایه فیزیکی تبیین می‌شد، به‌گونه‌ای که هر چه تراکم سرمایه فیزیکی در کشوری بیشتر بود، انتظار می‌رفت رشد اقتصادی آن‌هم افزایش یابد. اما تجربه کشورهای پیشرفته و مطالعات مختلف در زمینه رشد اقتصادی کشورها در طول زمان یا در میان کشورها نشان می‌دهد که توضیح نرخ رشد اقتصادی فقط از طریق عوامل مرسوم مانند سرمایه و نیروی کار، نتایج دقیق به دست نمی‌دهد و سرمایه انسانی و اجتماعی به‌عنوان یک متغیر اصلی باید وارد مدل‌های رشد شود، (آقایی، رضا قلی‌زاده و باقری، ۱۳۹۲) به نقل از Jahngard (۲۰۰۵) تا نتیجه توسعه اقتصادی باشد.

اما سرمایه اجتماعی چگونه موجب رشد اقتصادی می‌شود؟

حلقه اتصال سرمایه اجتماعی به اقتصاد، مبادله است. سرمایه اجتماعی شرایطی را به وجود می‌آورد که فرد در مبادله، از ربودن فرصت‌ها به دلیل خسارتی که متوجه طرف مورد مبادله می‌شود، خودداری کند و این مسئله او را در مبادله قابل اعتماد می‌سازد به‌حی‌که هزینه کنترل رفتار و نظارت بر طرف مبادله (هزینه مبادله) را کاهش می‌دهد.

بانک جهانی از این نوع سرمایه، به‌عنوان «ثروت نامرئی» یاد می‌کند. اگر روابط متقابل اجتماعی (که فرهنگ، آداب و رسوم، هنجارها، نهادها، شبکه‌های اجتماعی و غیره در چگونگی تشکیل آن نقش دارند) در جهت مثبت، رشد و تکامل یافته باشد، می‌تواند در تعاملات و مبادلات اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های مبادلاتی و تأثیر بر سایر انواع سرمایه شود و در نهایت

بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی و بهره‌وری عوامل، از مهم‌ترین اثرات این سرمایه می‌باشد. در دنیای کنونی، قرارداد کاملی که بتواند تمام جوانب و هزینه‌های یک پیمان را در برداشته باشد، غیرممکن یا بسیار مشکل و پرهزینه است. در این حالت است که اعتماد و سرمایه اجتماعی به کمک افراد و گروه‌ها آمده و با کاهش فرصت‌طلبی، ضعف‌های موجود در قراردادهای ناقص را جبران کرده و از یک سو ضمن ایجاد رونق اقتصادی، بازدهی قراردادها را افزایش داده و باعث افزایش کارایی و بهره‌وری عوامل تولید می‌شود و از سوی دیگر، با افزایش تعهد نیروی کار، هزینه‌های کنترل و نظارت را کاهش می‌دهد.

جهت دیگری که سرمایه اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد، تأثیرگذاری بر سرمایه‌گذاری می‌باشد. در واقع سرمایه‌گذاری، مکانیسم انتقال سرمایه اجتماعی به رشد اقتصادی است. سرمایه اجتماعی به‌وسیله افزایش اعتماد و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه، باعث پشتیبانی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده می‌شود که می‌تواند باعث تخصیص مناسب و کارآمدتر دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها گردد؛ همچنین پروسه تولید را تسهیل کرده و باعث افزایش تولیدات و در نتیجه رشد اقتصادی نیز گردد.

سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در استان کرمان

سرمایه‌های متعددی مانند سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی، انسانی و... بر رشد اقتصادی یک کشور مؤثرند. یکی از انواع این سرمایه‌ها، سرمایه اجتماعی است که اخیراً صاحب‌نظران و اقتصاددانان آن را به‌عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد در سال ۱۳۸۴ استان کرمان با ۴۴،۳۱ در بالاترین رتبه سرمایه اجتماعی قرار داشت. که در سال ۱۳۸۷ این رقم تغییر قابل توجهی پیدا کرد و باعث شد استان کرمان از کمترین میزان سرمایه اجتماعی برخوردار شود. همچنین مطالعات در این زمینه نشان دادند که میزان مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در شهر کرمان در سطح پایینی قرار داشت (گروسی و نقوی، ۱۳۸۷). نتایج مطالعه‌ای دیگر نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی ساکنان محلات محروم از مناطق غیر محروم در شهر کرمان کمتر است (امیرکافی، ۱۳۹۹). بنابراین می‌توان گفت میزان سرمایه اجتماعی در شهر کرمان روند نزولی دارد و این روند می‌تواند تأثیر منفی بر رشد و پیشرفت اقتصادی استان داشته باشد. استان کرمان ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های زیادی برای تولید و پیشرفت اقتصادی داراست. مطابق گزارش معاونت برنامه‌ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۳۸۹) استان کرمان جزء استان‌های توسعه‌یافته صنعتی در کشور محسوب می‌شود

در استان کرمان علاوه بر سرمایه مادی به سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی نیاز است. در حقیقت احساس

دید شده و مورد توجه قرار گرفتن مردم می‌تواند نقش مهمی در افزایش اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی تأثیرگذار در استان داشته باشد

به‌طوری‌که مردم این منطقه بتوانند بدون احساس ایجاد مزاحمت و با امنیت روانی در بخش‌های سود آفرین سرمایه‌گذاری نمایند و موجبات کارآفرینی و رشد و توسعه اقتصادی را فراهم نمایند.

پیشنهادات برای بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی

اگر خواهان رشد اقتصادی یک منطقه هستید بایستی علاوه بر سرمایه مادی، موارد زیر را نیز مهیا سازید تا رفاه آن جامعه را تأمین نمایید.

- بهبود سطح معیشت و درآمد سرانه مردم آن جامعه،
- توزیع عادلانه ثروت و دارایی‌ها در جامعه،
- شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی مؤثر،
- وجود صداهای اعتراضی و نقاد حاکمیت جهت بهبود عملکرد مسئولان،
- به رسمیت شناختن حقوق مدنی و شهروندی،
- ثبات سیاسی و نبود خشونت،
- پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مسئولان،
- اثربخشی و کارآمدی حکومت،
- نظام اداری قوی و سالم و ...

همگی این موارد می‌توانند اعتماد از دست رفته مردم یک منطقه را بار دیگر افزایش داده و زمینه سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و توسعه اقتصادی را فراهم سازند. در غیر این صورت همواره باید شاهد فرار سرمایه‌های مادی و فرار نخبگان از منطقه‌ای باشیم که درگیر فقر است و به شدت به توسعه اقتصادی نیازمند است. ♦♦

منابع

• مکیان سید نظام‌الدین، کرلایی‌بادی فریبا و بهرامی فرشته (۱۴۰۰)، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی، مطالعه مقایسه‌ای بین کشورهایی با سرمایه اجتماعی بالا و کشورهایی با سرمایه اجتماعی پایین، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳۳، صص ۱۸۴-۲۰۹

• امیرکافی مهدی (۱۳۹۹)، بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در محلات محروم (مطالعه موردی: شهر کرمان)، نشریه جغرافیای اجتماعی شهری، ۱۶ (۷): صص ۱۵۰-۱۲۵

• گروسی سعید، نقوی علی (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، ۳۰ (۳۱): صص ۶۱-۸۲

• آقایی مجید، رضا قلی‌زاده مهدیه و باقری فریده (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۶۷، صص ۴۴-۲۱

• Jahangard, E. (2005), Forecast Iran's economic growth and compare with fourth development program. The Journal of Planning and Budgeting, 9(6), 5-46 (in Persian)

که در رتبه نهم (از میان یازده استان) قرار گرفته است. این رتبه در مقایسه با استان‌های هم‌گروه خود پایین است و در صورت عدم توجه به عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی به‌ویژه سرمایه اجتماعی ممکن است جایگاه خود را از دست داده و در ردیف استان‌های کمتر توسعه‌یافته صنعتی قرار بگیرد.

به نظر می‌رسد که در استان کرمان علاوه بر سرمایه مادی به سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی نیاز است. در حقیقت احساس دیده شدن و موردتوجه قرار گرفتن مردم می‌تواند نقش مهمی در افزایش اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی تأثیرگذار در استان داشته باشد به طوری که مردم این منطقه بتوانند بدون احساس ایجاد مزاحمت و با امنیت روانی در بخش‌های سود آفرین سرمایه‌گذاری نمایند و موجبات کارآفرینی و رشد و توسعه اقتصادی را فراهم نمایند. اما اگر اکثریت جامعه احساس کنند به حال خود رها شده‌اند و نمی‌توانند به مسئولان جهت ترندهای پیشرفت اعتماد کنند رشد آن جامعه در هاله‌ای از ابهام فرو خواهد رفت.



حاشیه‌نشینی در کرمان؛ دلایل، پیامدها و استراتژی‌های خروج از بحران

♦ دکتر عبدالحسین دانشوری نسب

عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

صاحب‌نظران علوم اجتماعی تعاریف متعددی از حاشیه‌نشینی ارائه کرده‌اند. برخی آن را تصرف نواحی شهری به‌قصد تهیه مسکن دانسته‌اند و عده‌ای نیز حاشیه‌نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، اما جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به‌سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند. اکثر این افراد، مهاجرینی روستایی هستند که به‌منظور گذران بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. حاشیه‌نشینان عموماً در سکونت‌گاه‌های غیرمعارف زندگی می‌کنند. از آنجا که اکثریت ساکنان این مناطق کم‌سواد و کم‌مهارت‌اند، توانایی یا فرصت لازم را برای جذب در بازار کار ندارند که این نیز به نوبه خود باعث می‌شود آن‌ها به حاشیه کشیده شوند. در مجموع می‌توان گفت حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اجتماعی-اقتصادی شهر نشده‌اند.

درخصوص علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی مکاتب نظری گوناگون، تبیین متفاوتی ارائه کرده‌اند. لیبرال‌ها معتقدند مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی عامل جمعیتی و مهاجرت است. از دیدگاه این نظریه‌پردازان، مهاجرت از روستاها به شهرها، عمدتاً طبیعی و به دلیل مازاد نیروی کار و تولید در روستاهاست. موج مهاجران به شهرها به دلیل عدم پاسخ‌گویی شهرها در زمینه اشتغال و مسکن، به‌ناچار در سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه شهرها سکنی می‌گزینند. از آنجا که این دیدگاه، دلیل اصلی شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی را عامل رشد جمعیت می‌داند، بنابراین راه‌حل آن را نیز در کنترل جمعیت می‌بیند. برخلاف لیبرال‌ها، بنیادگراها، دلیل ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی را عوامل خارجی می‌دانند. آن‌ها معتقدند وابستگی کشورهای در حال توسعه



مهاجرت بی‌رویه

و غیرقابل کنترل

روستاییان به

شهر کرمان

خصوصاً پس از

انقلاب، منجر به

توسعه فیزیکی

مدیریت نشده

شهر کرمان

شده که عمدتاً

در مناطق

حاشیه‌نشین

سکنی گزیده‌اند،

به‌گونه‌ای که

چندین منطقه

حاشیه‌نشین

همچون شهرک

صنعتی، شهرک

پدر، شهرک

سیدی، شهرک

چهارده معصوم

و... در طی

چندین دهه

گذشته ایجاد

و گسترش یافته

است.

به کشورهای پیشرفته باعث می‌شود این کشورها تبدیل به واردکننده کالاها و خدمات آن کشورها شوند که این امر باعث شکاف بین شهر و روستا و آغاز مهاجرت‌های روستا-شهری می‌شود. تکنولوژی سرمایه‌بر واردات نیز فرصت اشتغال را صرفاً برای تعداد معدودی از افراد فراهم می‌کند و در نتیجه بقیه مهاجران وارد حاشیه‌نشینی و مشاغل غیررسمی می‌شوند. در نهایت نظریه‌پردازان دیدگاه جامعه‌گرا معتقدند حاشیه‌نشینی در جوامع شهری کشورهای در حال توسعه، عمدتاً ناشی از توسعه نامتوازن است و بنابراین در جریان تحولات ناهم‌آنگ جامعه، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه‌نشینی امری اجتناب‌ناپذیر است.

شهر کرمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای کشور به دلیل قرار گرفتن در مسیر ترانزیت، طی ۵۰ سال گذشته از رشد فزاینده‌ای برخوردار بوده است. مهاجرت بی‌رویه و غیرقابل کنترل روستاییان به شهر کرمان خصوصاً پس از انقلاب، منجر به توسعه فیزیکی مدیریت نشده شهر کرمان شده که عمدتاً در مناطق حاشیه‌نشین سکنی گزیده‌اند، به‌گونه‌ای که چندین منطقه حاشیه‌نشین همچون شهرک صنعتی، شهرک پدر، شهرک سیدی، شهرک چهارده معصوم و... در طی چندین دهه گذشته ایجاد و گسترش یافته است. این مناطق از لحاظ زیرساخت‌های شهری، بهداشت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی نسبت به سایر مناطق و محلات شهر کرمان در سطح بسیار پایین‌تری قرار دارند. حاشیه‌نشینی در کرمان تا حدود زیادی از الگوی رایج حاشیه‌نشینی در کل کشور تبعیت می‌کند. اغلب

جولوگیری از احداث واحدهای مسکونی غیرقانونی و بدون پروانه ساختمان، موجب شده است که نفتها سازندگان آنها اصول و قوانین احداث بنا را رعایت نکنند، بلکه از مصالح زائد و غیر مستحکم و نخاله‌های ساختمانی در ساخت واحدهای مسکونی استفاده کنند؛ در نتیجه ساختمان‌ها از کوچک‌ترین استحکام و مقاومتی برخوردار نبوده و با وقوع کوچک‌ترین حادثه‌ای طبیعی از قبیل زلزله ویران می‌شوند. از سوی دیگر برخی از این ساخت‌وسازهای غیرقانونی بر روی زمین‌های دولتی که در طرح تفصیلی شهر کرمان جزء حریم خدماتی این شهر و به کاربری‌های دیگر از جمله کاربری شبکه‌ای ارتباطی و غیره اختصاص داده شده، احداث شده‌اند.

در بحث از حاشیه‌نشینی آنچه که در وهله اول به ذهن متبادر می‌شود، بحث آسیب‌های اجتماعی است. حاشیه‌نشینیان اغلب مهاجرانی هستند که خصلت‌های اجتماعی آن‌ها با خصایص جامعه شهری سنخیت ندارد؛ بنابراین به دلیل عدم تطابق هنجاری و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه، نوعی انحراف نهادینه شده در رفتار بسیاری از آن‌ها به چشم می‌خورد. در نتیجه آسیب‌های اجتماعی و سهم بالایی از وقوع جرم در یک کشور به حاشیه‌نشینیان اختصاص می‌یابد. حاشیه‌نشینی‌ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند. فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بی‌کار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق باعث می‌شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند. آنچه به فضای بی‌دفاع شهری موسوم است و ظرفیت تولید انواع جرم را دارد. تا زمانی که این عوامل زمینه‌ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند؛ بنابراین تضمین امنیت در حاشیه شهرها دغدغه و عاملی مهم در سلامت اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی شهرها و به تبع آن کشور است. توسعه و پیشرفت حاشیه شهر و همسان‌سازی معیشتی و رفاهی آنان با شهر کرمان از جمله اقداماتی است که می‌تواند موجب کاهش جرم و جنایت شود و امنیت آورد. بدیهی است بروز و گسترش جرم در شهر علاوه بر ایجاد ناامنی، هرج‌ومرج و آشفتگی در زندگی شهروندان، سبب صرف هزینه‌های کلان، نیرو و زمان برای کشف جرایم، دستگیری مجرمین، رسیدگی‌های قضایی و... می‌شود.

حاشیه‌نشینی و فرهنگ فقر

واژه فرهنگ فقر واژه شناخته‌شده‌ای در ادبیات علوم اجتماعی است و به انسان‌شناسی آمریکایی به نام اسکار لوییس بازمی‌گردد. لوییس کلیشه بسیار قابل دسترسی از فقر را ارائه می‌دهد که کار مسئولان را ساده کرد. این کلیشه بسیار موردحمله قرار می‌گیرد، به این دلیل که در علوم اجتماعی

مهاجرین داخلی و خارجی شهر کرمان به علت مشکلات مالی، حاشیه شهر را به‌عنوان مأمن اختیار کرده و با تجاوز به حریم شهر و استفاده از غفلت‌های مدیریت شهری، اقدام به ایجاد محلات حاشیه‌نشین نموده و به تدریج حضور خود را به‌عنوان یک معضل در شهر نمایانگر ساخته‌اند. در مورد ویژگی‌های اجتماعی حاشیه‌نشینیان کرمان باید گفت که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها جوانی خانوارهاست، این خانوارها غالباً با خانواده مهاجرت کرده و بعد خانوار آن‌ها بیشتر از متوسط بعد خانوارهای شهر کرمان است، در عوض سطح سواد والدین این خانوارها کمتر از سطح سواد سایر خانوارهای شهر کرمان است. منشأ مهاجرتی اغلب این خانوارها روستایی است و بسیاری از آن‌ها هنوز ارتباطشان با محل تولدشان را قطع نکرده و در اعیاد و مراسم خاص به کانون‌های محل تولد خود می‌روند. مهم‌ترین عامل مهاجرت روستاییان به شهر کرمان و اسکان آن‌ها در مناطق حاشیه‌نشین این شهر، خشک‌سالی است. از جمله عوامل مهم دیگر می‌توان به عدم امکان یافتن کار و نیز کمبود درآمد و امکانات در روستاها اشاره کرد. در عین حال پایین بودن قیمت زمین و مسکن و اجاره‌بها در مناطق حاشیه‌نشین، نسبت به سایر محلات شهر نیز عاملی مهم در جذب مهاجرین روستایی به این مناطق است. در مناطق حاشیه‌نشین، فاصله سطح انتظارات و سطح زندگی واقعی، فوق‌العاده بالاست و این شکاف، به سرخوردگی، یأس و اضطراب ساکنان دامن زده است، سطح توقعات اغلب آن‌ها از حکومت مرکزی زیاد است و حکومت را مسئول ارائه تمامی خدمات شهری و رفع بسیاری دیگر از نیازهای خود می‌دانند. پیوندها و ارتباطات اجتماعی بین ساکنان نیز عمدتاً پیوندهای خانوادگی، خویشاوندی و همسایگی بوده و به‌ندرت از این سطح فراتر می‌رود، چنان‌که اصولاً در مناطق حاشیه‌نشین دایره گسترده‌ای از خویشان وجود دارد که آشنایی با محل از طریق آنان صورت می‌گیرد. در عین حال از یک‌سو فقر فرهنگی و مشکلات مالی و از سوی دیگر دیدن زندگی دیگر شهرنشینیان که از امکانات زندگی امروزی بهره‌مند هستند، سبب ایجاد نارضایتی عمیق در این مناطق شده است. این امر گاه می‌تواند همچون بشکه‌ای باروت برای ایجاد آشوب‌های اجتماعی عمل کند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، ناهنجاری‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و نسبت به سایر بخش‌های شهر بیشتر است. مطالعات انجام شده بر روی مناطق حاشیه‌نشین حکایت از ناهنجاری‌های شدید اقتصادی و اجتماعی در این ناحیه دارد، به‌طوری که درصد بسیار کمی در بخش تولیدی و عمدتاً در بخش خدمات و آن‌هم نه خدمات رسمی، بلکه در بخش اقتصاد غیررسمی به کار اشتغال دارند. عدم نظارت شهرداری در امر ساخت‌وساز واحدهای مسکونی و عدم

افراد به این دلیل
در ایران فقرا
احساس می‌کنند،
زیرا خود را با
کشورهای ثروتمند
که همچون ایران
درآمد نفتی دارند،
مقایسه کرده
و البته هیچ‌گاه
نمی‌توانند خود
را با کشورهای
فقیر بدون درآمد
مقایسه کنند.
به همین جهت
درجه تحمل فقر
در ایران بسیار
پایین است. کما
این‌که می‌بینیم
اقداماتی که جهت
قطع یارانه‌ها اتفاق
افتاد بر روی مصرف
تأثیر زیادی نداشته
است.

به مفهوم چرخه فقر متصل شده است، به این معنی که فقر چیزی نیست که صرفاً در یک گروه و در یک زمان دیده شود، بلکه این مفهوم از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و به‌خصوص اینکه فقر نه حاصل عوامل بیرونی و ساختاری بلکه حاصل نوعی نگرش و فرهنگ در زندگی است، یعنی به‌نوعی محکوم کردن خود قربانی. چیزی که در ادبیات جامعه‌شناسی به‌عنوان تحرک اجتماعی منفی از آن یاد می‌شود، به‌جای آنکه افراد به‌مراتب بالا بروند، دچار سقوط شده و فقر باقی‌مانده و از نسلی به نسل بعد ارث می‌رسد و نسلی شرایط فقر نسل آینده را به وجود بیاورد. اعتراضی که از طرف خیلی از جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان مطرح می‌شود انتقاد بر مفهوم محتوای این واژه و استفاده دیگری است که از این واژه می‌شود. در مورد محتوا باید گفت که فرهنگ فقر به این معناست که فقر صرفاً نتیجه ساختارها و داده‌های بیرونی نیست، بلکه نوعی از روابط، رفتارها و تعاملات است که باعث می‌شوند که گروه اجتماعی خصوصیتی پیدا کنند که به آن فقر می‌گویند. گروه فقیر، گروهی است که در مقابل بیرون از خودش موضع می‌گیرد، زیرا گروه مقابل هم همین حالت را در برابر آنان دارند. در اینجا تپسی از هویت حاصل می‌شود که گروه فقیر را از مابقی جامعه جدا کرده و روابطی را داخل گروهشان ایجاد می‌کند که این روابط باعث شده که این گروه فرهنگ خاص خودش را پیدا کند. به‌عنوان مثال افراد با زبان خاصی در گروه صحبت کنند که خارج از آن گروه صحبت نمی‌شود. پدیده‌های دیگر فرهنگی هم داخل این حوزه به وجود می‌آید و این‌چنین تلقی می‌شود که فرهنگ فقر

خودش را به رسمیت شناخته و درون خودش به‌نوعی استقلال رسیده است و قصد دارد خودش را حفظ کند. این اتفاق باعث می‌شود که این فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و عوامل بیرونی بر آن تأثیر نداشته باشند.

فقر زدایی: نوما لتوسیس یا لیبرالیسم

گاهی این تفکر مطرح می‌شود که افراد به این دلیل فقیر نیستند که امکانات اجتماعی و یا موقعیت اجتماعی آنان را به فقر کشانده است، بلکه به این دلیل فقیر هستند که خود می‌خواهند فقیر باشند. این تفکر، نوعی مقصر دانستن قربانی است و می‌تواند مورد استفاده فراوان سیستم‌های حکومتی قرار بگیرد. به‌عنوان مثال سیستم‌های حکومتی راست در آمریکا به‌شدت از این تفکر استفاده کرده و به دلیل بالا بودن انتظارات و مطالبات اجتماعی در سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ از این تفکر به‌شدت استفاده کرده‌اند؛ زیرا جنگ تمام‌شده و مردم انتظار این را داشتند که وضعیت مالی بهتری پیدا کنند و کمتر تحمل فقر را داشتند. این انتظارات باعث می‌شود که گروه حاکم مسئله فقر را به مسئله تأمین اجتماعی وصل کنند. نظریه‌پردازان از این مسئله نتیجه می‌گیرند که کمک‌های اجتماعی، خود از دلایل ایجاد فقر است. این تز، تزی نئو مالتوسی است. مالتوس، جمعیت‌شناس معروف اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ معتقد بود که به فقر نباید کمک کرد، سیستم تأمین اجتماعی، سیستمی مضر است و کمک به فقرا باعث زیاد شدن تعداد آن‌ها می‌شود. باید پول فقرا را قطع کرده و از تکثیر فقرا جلوگیری کرد. این ادبیات در آن

در بحث از
حاشیه‌نشینی
آنچه که در وهله
اول به ذهن
متبادر می‌شود،
بحث آسیب‌های
اجتماعی است.
حاشیه‌نشینیان
اغلب مهاجرانی
هستند که
خصیلت‌های
اجتماعی آن‌ها با
خصایب جامعه
شهری سخیت
ندارد؛ بنابراین
به دلیل عدم
تطابق هنجاری و
همچنین سطح
نازل معیشت
اقتصادی
این طبقه،
نوعی انحراف
نهادینه شده در
رفتار بسیاری از
آن‌ها به چشم
می‌خورد.
در نتیجه
آسیب‌های
اجتماعی و سهم
بالایی از وقوع
جرم در یک کشور
به حاشیه‌نشینیان
اختصاص
می‌یابد.



زمان تا حدی می‌توانست قابل اجرا باشد، اما با گسترش اندیشه و رویکردهای ضد لیبرالی در غرب، دیگر قابل دفاع نبود و ما امروز با نوعی نئومالتوسیسیم روبرو هستیم که به این تزه می‌پردازد و معتقد است که کمک به فقرا یعنی گسترش فقر و به سود خود آن‌ها است که به جای کمک به آن‌ها از آن‌ها بخواهیم وارد جامعه شوند و کار کنند. آنان معتقدند که کمک کردن باعث می‌شود که سیستم فقر درون خودش بتواند بدون نیاز به سیستم بیرونی به حیات خود ادامه دهد. تز به صورت ساده این چنین است که اگر ما به فقرا کمک نکنیم، فقرا ناچار هستند که حلقه‌ای را که دور خود شکل داده‌اند، بشکنند و وارد جامعه شده، کار کنند و در نتیجه دیگر فقیر نخواهند بود. اگر یک فرد فقیر وارد جامعه نمی‌شود و کار نمی‌کند، به این دلیل است که پولی می‌گیرد که به او کمک می‌کند و باعث شده دایره‌ای به دور خود کشیده و به همین شکل ادامه حیات دهد و به جای آن که فقر در جامعه حل شود، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در همین راستا حزب راست آمریکا و اروپا از این تز استفاده کرده‌اند تا به مفهوم دولت رفاه حمله کنند و آن را زیر سؤال ببرند. سیاست‌ها و بحث‌هایی نئو لیبرالی آغاز شده تا دولت رفاه را از بین ببرد. بر همین اساس سیاست‌هایی آغاز شده که صندوق بین‌المللی پول در رأس آن قرار دارد و نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی بسیاری از کشورهای را درگیر کرده تا سیاست‌های کمک به فقرا را قطع کنند و معتقدند که این حرکت باعث رونق اقتصادی می‌شود؛ اما نتیجه حاصله همان‌طور که جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و... پیش‌بینی کرده بودند به این صورت است که با آن که تصور می‌شد با بی‌ضابطه کردن سیستم بازار، فقر کاهش پیدا کند، فقر افزایش پیدا کرد و کشورهایی که در مقابل این سیاست مقاومت کردند و بازار را بی‌ضابطه نکردند، نتوانستند پدیده فقر را کنترل کنند. به‌طور مثال می‌توان به کشورهای آمریکا و انگلستان که به شدت فقر در آن‌ها گسترش پیدا کرده اشاره کرد که به ناچار وارد سیاست‌های بانک جهانی شده‌اند و در مقابل آن‌ها کشورهایی همچون اسکانداویا که قطع کمک به فقرا و بی‌ضابطه کردن بازار را نپذیرفتند و معتقد بودند که این قضیه باید به صورت منطقی و معتدل باشد و نباید به یک‌باره کمک‌ها را قطع کرد، زیرا قطع کمک باعث بیشتر و دائمی شدن جدال خواهد شد و منجر به پدیده‌ی گتویی^۳ شدن می‌شود. پدیده‌ای که فقرا را به سیستم انحرافات اجتماعی متصل کرده و چرخه فقر را به شدت قوی‌تر می‌کند؛ بنابراین این تز به شدت مورد حمله قرار گرفته است. در ایران این بحث در مورد یارانه‌ها مطرح شده است. موضعی که جامعه‌شناسان از ابتدا در مقابل این سیاست گرفتند، این بود که

سیستم قطع یارانه‌های غیرمستقیم به شکل شوک کاری غلط بوده و فاجعه به بار می‌آورد. حال که این اتفاق افتاده است، مسئله برگشت و قطع سیستم یارانه نیز به یک‌باره تکرار یک اشتباه است، بلکه در ابتدا باید یارانه‌های غیرمستقیم به یارانه‌های مستقیم تبدیل شده و برای گروه‌های کوچکی از مردم که واقعاً فقیر هستند، در نظر گرفته شود. در غیر این صورت همان‌گونه که می‌بینیم این عمل نقدینگی را در بازار افزایش داده و به گرایش تورمی تبدیل می‌شود. این ورود نقدینگی عظیم به بازار ایران است که امروز عامل اصلی تورم است. اما چرا تئوری فرهنگ فقر لااقل در نمونه لوییس، در ایران قابل پیاده شدن نیست؟ به این دلیل که فقری که از سال‌های ۱۳۳۰ به بعد و از زمان درآمد نفتی تا به امروز در ایران وجود دارد، فقری نسبی است نه مطلق. به این معنی که افراد، فقر را بیشتر در یک تفاوت طبقاتی و توزیع ثروت درک می‌کنند نه به شکل مطلق آن. افراد به این دلیل در ایران فقر را احساس می‌کنند، زیرا خود را با کشورهای ثروتمند که همچون ایران درآمد نفتی دارند، مقایسه کرده و البته هیچ‌گاه نمی‌توانند خود را با کشورهای فقیر بدون درآمد مقایسه کنند. به همین جهت درجه تحمل فقر در ایران بسیار پایین است. کما این‌که می‌بینیم اقداماتی که جهت قطع یارانه‌ها اتفاق افتاد بر روی مصرف تأثیر زیادی نداشته است. رابطه‌ی ذهنی و مادی با پدیده فقر بسیار به فرهنگ و محیط مورد بحث مرتبط است. به‌عنوان مثال گروه‌های بومی مختلف در ایران، نه فقر را به یک صورت فهمیده و زندگی می‌کنند و نه در توزیع سرمایه به یک صورت از آن استفاده می‌کنند. در تئوری‌های کلان فقر فرض بر این است که آدمی که A تومان پول دارد، بنا بر فرهنگی که در آن قرار دارد می‌تواند پولش را به انواع مختلفی توزیع و مصرف نماید؛ بنابراین شکل فقر بنا به گروهی که از آن صحبت می‌شود متفاوت است. تپ‌های فقر یکسان نیست. ممکن است که در ظاهر یکسان به نظر بیایند، اما هنگامی که وارد سیستم می‌شویم می‌بینیم که درآمدهای کم به یک شکل توزیع نمی‌شود. ابعاد فقر را هویت محلی تعیین می‌کند. باید با دیدی کلان‌نگر به مسئله فقر نگاه کرد. به همین دلیل است که طرح‌های ارزیابی اجتماعی توسعه یا «اتا» در شهرداری به مشکل برخورد و برای حل آن به ابعاد فرهنگی هم توجه کرده و نام آن به «اتاف» تغییر پیدا کرده است. به دلیل این که فرهنگ هم در نظر گرفته شود؛ زیرا فضا صرفاً در روابط اجتماعی فهمیده نمی‌شود، بلکه در روابط فرهنگی هم فهمیده می‌شود. در خیلی از محلات مردمی را داریم که امکانات اولیه ندارند، اما پولشان را می‌دهند برای ساخت مسجد یا حسینیه. گروه‌های اجتماعی دارای این حق هستند که فرهنگ خود را داشته باشند، اما چیزی به

در خیلی از محلات مردمی را داریم که امکانات اولیه ندارند، اما پولشان را می‌دهند برای ساخت مسجد یا حسینیه. گروه‌های اجتماعی دارای این حق هستند که فرهنگ خود را داشته باشند، اما چیزی به

اگر کشوری فاقد این سیاست باشد، نمی‌تواند با فقر مبارزه کند. این مبارزه در ایران مبارزای پول درمانی بوده که با مالیات فرق می‌کند. در هر جایی که مسئله فقر وجود داشته و تزریق مالی کرده‌اند، مشکلاتی به وجود آمده است. خطر نولیبرالیسم، بزرگ‌ترین خطری است که جهان و ما را تهدید می‌کند و به معنای آزاد شدن ضوابط بازار و سپردن بازار به بخش اقتصاد مالی است که به هیچ عنوان در مقابل هیچ‌کس مسئولیتی جز سوددهی ندارد. سود به کسی پرداخت می‌شود که بالاترین پول را دارد. در نتیجه شغل ایجاد نشده و جامعه به چرخه‌ی عمومی فقر تبدیل می‌شود. نکته دیگر اینکه آیا می‌توان به جهت عدم آگاهی مردم در سرمایه‌گذاری و یا مصرف، برای آن‌ها اولویت تعیین نمود؟ دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد: نخست اینکه افراد خود اولویت‌های زندگی‌شان را می‌دانند و ما نمی‌توانیم به مردم بگوییم که با چه شرایطی زندگی کنند. برای یک فرد، محل زندگی‌اش دارای اولویت بوده و برای فرد دیگری متراژ خانه. این نوع تفکر، تفکر بسیار حساسی است که ما را به سمت استانداردسازی بیش از اندازه‌ی سوق دهد. با فقیر دانستن یک عده ما نباید فکر کنیم که آگاهی و درک آن‌ها از زندگی با ما فرق دارد، در نتیجه ما وظیفه داریم چیزهایی به آنان آموزش دهیم. این روش‌ها را آن افراد بیشتر از ما می‌دانند. شیوه‌های انطباق با درآمد اندکی که دارند، برای بالا بردن کیفیت زندگی‌شان خیلی هنرمندانه‌تر از ماست. دیدگاه دوم برعکس معتقد است که واقعیتی نیز در سطح بین‌المللی وجود دارد و آن، آموزش به فقراست که دارای اهمیت است. بسیاری از افراد به این دلیل فقیر هستند، چون نمی‌دانند چگونه پول خود را خرج کنند. شیوه خرید و چگونگی تأمین بودجه خانوار و تجمیع خرید که می‌تواند هزینه خرید را کاهش دهد و یا شیوه پس‌انداز، مدیریت روابط اجتماعی، مدیریت زباله، مدیریت مصرف خانگی و ... از مواردی است که باید به فقرا آموزش داده شود. یکی دیگر از حوزه‌هایی که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند پیش‌قدم باشند، حوزه آموزش به فقراست؛ اما همچنان این سؤال مطرح است که آیا دولت در شکستن چرخه فقر نقش دارد و تأثیر آن به چه میزان است؟ در پاسخ باید گفت که نقش دولت، نقشی اساسی است. نقش دولت در واقع نقش ستادی است که باید ساختارها را حفظ کند. ما مدلی جز در کشورهای در حال توسعه نداریم که دولت نقش خود را کاهش داده باشد و اثراتش در فقر کشور دیده نشده باشد. به نظر می‌رسد دولت در بسیاری از بخش‌ها مانند مطبوعات، رسانه‌ها و ... جایگاهی نداشته و باید از آن‌ها خارج شده و در جاهایی دیگر و نه به‌منظور درآمد، حضور داشته باشد.

نام فرهنگ فقر وجود ندارد. بلکه فرهنگ مردم شهرک پدر یا صنعتی و یا دیگر محله‌ها و مناطق وجود دارد. وقتی نام فرهنگ فقر را می‌بریم، ابتدا به سمت تبعیض و گتویی کردن هویت و پس از آن به حذف و طرد اجتماعی می‌رویم. از جمله اقدامات جهت برطرف کردن این معضل، حذف این لکه از روی نقشه است که معمولاً اتفاق نیفتاده، بلکه با افزایش پیامدهای آسیب‌زا، از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌شود. آسیب از جایی از بین می‌رود و در جای دیگر آغاز می‌شود. پروژه مشابه محله خاک سفید که در شرق تهران اجرا شد، اما کمتر کسی امروزه از خود می‌پرسد که مردمانی که در گذشته در خاک سفید زندگی می‌کردند امروز کجا هستند؟ نمی‌توان توقع داشت که افرادی را از نقطه‌ای به نقطه دیگری منتقل کرد و آسیبی به فرهنگ آنان وارد نکرد. این منطقی است که حذف فیزیکی فقر و تئوری فرهنگ فقر به آن دامن می‌زند، اما لزوماً ربطی به نظریات لوییس ندارد و بسیاری از این نظریات مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند.

هنگامی که از فقر و حاشیه‌نشینی صحبت می‌شود، در کنار آن از واژه فقرزدایی استفاده می‌شود؛ اما در پاسخ به این نکته که چطور می‌توان فقر و حاشیه‌نشینی گروهی را رها کنید و وضعیت‌شان را بهبود بخشید؟ باید اشاره نمود که عمده‌ترین راه‌حل، از موضع علوم اجتماعی است و نوساختارگراها آن را مطرح می‌کنند. این دیدگاه راه‌حل را به این شکل مطرح می‌کند که دولت در مقابل مسئولیت‌های خودش قرار گرفته و بخش‌های اقتصادی غیر سود ده باید از طریق برداشت مالی از جامعه به‌وسیله دولت تأمین شود. چیزی که در قانون اساسی ایران هم پیش‌بینی شده است. این بخش‌ها عبارتند از آموزش تا سطح دیپلم، بهداشت، حمل‌ونقل عمومی که سود ده نیستند و حتی مسکن که باید آن را از فرایند سوددهی خارج کرد. سایر بخش‌ها باید به سیستم اجتماعی و به‌ویژه به سازمان‌های مردم‌نهاد، جایی که بالاترین نتایج را در مبارزه با فقر داشته است، واگذار شود. این سازمان‌ها باید بالاترین اختیارات را در این زمینه‌ها داشته باشند تا بتوانند دخالت اجتماعی بکنند. نگاه سنتی به فقر که شامل صدقه دادن و ... است، باید به نگاهی مدرن‌تر تبدیل شود. مثلاً سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به از بین بردن فقر کمک کنند، اما نه با مکانیسم سیستم‌های سنتی. اگر این انجمن‌ها تقویت شوند و دولت مسئولیت‌های خودش را بپذیرد و وارد حوزه مالی نشود، می‌توان با فقر مبارزه کرد. گرایش بسیار منفی‌ای که در کشور ما آغاز شده، مسئله پولی شدن روابط و گسترش بخش مالی و بانکی در برابر بخش اقتصاد واقعی است. برای مبارزه با فقر به سیاست مالیاتی قدرتمند نیاز است و

گرایش بسیار

منفی‌ای که در

کشور ما آغاز شده،

مسئله پولی

شدن روابط و

گسترش بخش

مالی و بانکی

در برابر بخش

اقتصاد واقعی

است. برای مبارزه

با فقر به سیاست

مالیاتی قدرتمند

نیاز است و اگر

کشوری فاقد این

سیاست باشد،

نمی‌تواند با فقر

مبارزه کند. این

مبارزه در ایران

مبارزای پول

درمانی بوده

که با مالیات

فرق می‌کند.

در هر جایی که

مسئله فقر وجود

داشته و تزریق

مالی کرده‌اند،

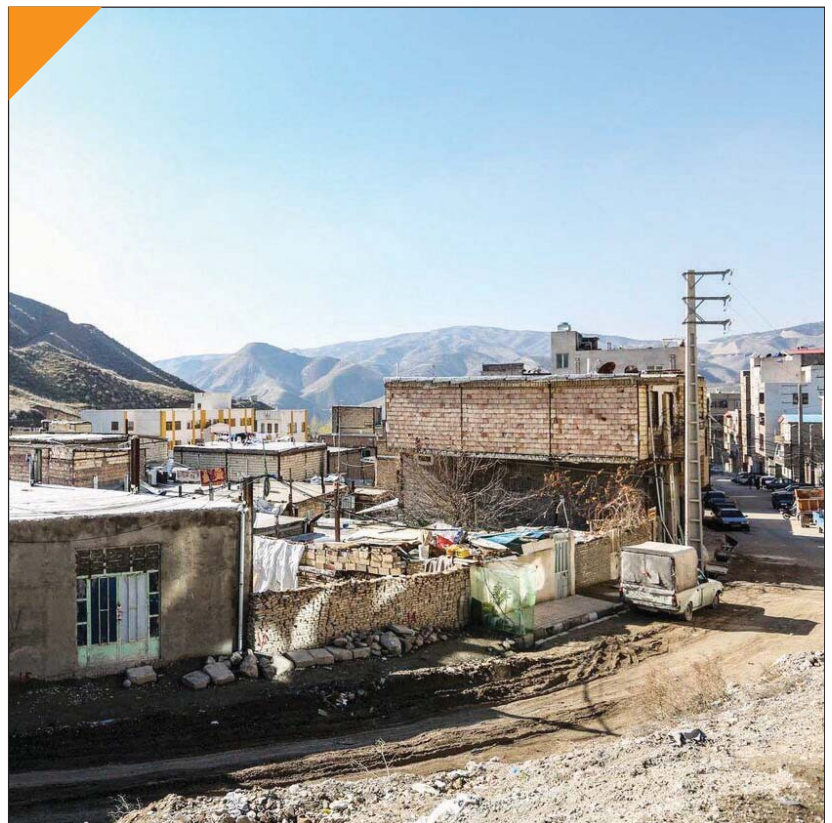
مشکلاتی به

وجود آمده است.

استراتژی‌های خروج از بحران

از آنجا یکی از مهم‌ترین علل پیدایش و گسترش حاشیه‌نشینی، مهاجرت بی‌رویه‌ی روستاییان به شهرها است، بنابراین باید مسیر مهاجرت از روستا به شهر روند طبیعی به خود بگیرد؛ به عبارت دیگر باید ریشه فقر را از درون خشکاند. این امر از طریق جلوگیری از نوسان شدید قیمت محصولات کشاورزی در مدت زمانی کوتاه همچنین برنامه‌ریزی جهت کم کردن هر چه بیشتر فاصله تولیدکننده و مصرف‌کننده و حذف دلالان و واسطه‌ها تا حد امکان می‌باشد، به‌طوری که در حال حاضر، عمده سود حاصل از تولید محصولات کشاورزی، عاید واسطه‌ها می‌شود. این عامل می‌تواند نقش مهمی در کاهش مهاجرت‌های روستایی ایفا نماید. درعین حال اعطای اعتبارات و تسهیلات بانکی در جهت تولید هر چه بیشتر محصولات کشاورزی و دامی و در حد نیاز کشاورزان، در تثبیت کارکردهای روستایی و جلوگیری از مهاجرت مؤثر خواهد بود. راهکار دوم، تقویت شهرهای میانی و کوچک استان و تخصیص بودجه‌های عمرانی بیشتر به آنهاست، زیرا این امر موجب جذب تعداد زیادی از مهاجرین روستایی به آنها خواهد شد. به این ترتیب از تشدید مشکل حاشیه‌نشینی در شهر کرمان به میزان

زیادی خواهد کاست. به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و تأمین اعتبار مالی و پرداخت تسهیلات و وام برای بهسازی و نوسازی واحدهای مسکونی‌شان و به رسمیت شناختن اولویت‌های گروه‌های فقیر و کم‌درآمد در نظام برنامه‌ریزی کشور، ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای حاشیه‌نشینان به‌خصوص در بخش‌های تولیدی کشور به‌منظور کاهش بیکاری و اشتغال در اقتصاد غیررسمی و شغل‌های کاذب و انگلی از یک‌سو و افزایش درآمد و کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی آنها و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی برای تمامی گروه‌های اجتماعی از سوی دیگر می‌تواند از جمله راهکارهای دیگر در این بخش باشد. راهکار سوم، مدیریت شهری بخردانه برای ساماندهی و آمادگی پذیرش اسکان کم‌درآمدها در شهر است. این مدیریت بایستی به‌صورت بین بخشی و همراه با مشارکت اهالی اعمال گردد و همچنین ایجاد امنیت برای فقرای شهری و تلاش برای برهم زدن حاشیه‌آمنیتی فرصت‌طلبان، مفسدان و باندهای جنایتکار در این سکونتگاه‌ها با مسئولیت دخالت نهادهای مسئول به‌منظور مقابله با مسائل و انحرافات اجتماعی باشد. درنهایت بهترین راه‌حل برای ایجاد فرآیند جدید توسعه در اجتماعات حاشیه‌نشین، ساماندهی و بهسازی کالبدی به همراه توانمندی سازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. عامل اصلی و مهم برای ساماندهی و توانمندی سازی حاشیه‌نشینی، ایجاد مدیریت یکپارچه در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی است، این امر نه تنها باعث پیش‌بینی نحوه حرکت مهاجران و کنترل عوامل تأثیرگذار بر آنها شود، بلکه با ایجاد دیدی گسترده و همه سو نگر کمک زیادی به ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های ناپهنجار موجود در شهرها خواهد کرد. در پایان باید خاطر نشان کرد که نظارت بیشتر شهرداری بر امر ساخت‌وسازهای مسکونی مناطق حاشیه‌نشین و جلوگیری از ساخت‌وسازهای بدون پروانه و همچنین ساخت‌وسازهایی که قوانین و ضوابط ساختمان‌سازی و شهرسازی در آنها رعایت نمی‌شود، نیز می‌تواند در جلوگیری از ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی مؤثر واقع شود. از طرف دیگر شهرداری باید به امر نظافت و جمع‌آوری به‌موقع زباله‌ها در مناطق حاشیه‌نشین بیشتر توجه نماید. سازمان‌های مردم‌نهاد نیز وظیفه دارند با بالا بردن تخصص و مهارت نیروی کار موجود در نواحی حاشیه‌ی شهر، از طریق آموزش‌های رسمی و فنی و حرفه‌ای و بالا بردن سطح تحصیلات و مهارت جوانان از راه تشویق آنان به فراگیری علم و دانش، تخصص و مهارت، به‌منظور جذب در اقتصاد بخش رسمی و کاهش اشتغال در بخش غیررسمی در آینده این سکونتگاه‌ها، بهسازی و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی زاغه‌ها و مناطق حاشیه‌نشین آنها را یاری نمایند. ♦♦



جستاری در بازده نظام آموزشی ایران؛ مزایا، معایب و راهکارهای برون رفت از تنگناها



♦ دکتر مرتضی دزه‌پور تالی

عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه آزاد اسلامی کرمان

تجربه و آگاهی انسان از محیط پیرامونی نیازمند وسایل و ابزاری است که او را در جهت گسترش دایره اطلاعات و آگاهی‌ها یاری می‌رسانند. نهاد خانواده - به‌عنوان کانون اولیه آموزش غیررسمی - به همراه دوستان و همسالان، رسانه‌های جمعی، دین و سیاست، اقتصاد و فرهنگ و نظام آموزشی، همه ابزارهایی در جهت تعمیق باورها و رشد آگاهی آدمی در فرآیند «اجتماعی شدن» هستند. در این میان، نقش «آموزش» که از آن، تحت عنوان «فرآیند آموزشی از مدرسه تا دانشگاه» یاد می‌شود، به‌عنوان عنصری نیرومند و ساختاری، در فراگرد الگودهی به افراد جامعه، اهمیتی بسزا می‌یابد.^۱

اصولاً، پیدایش آموزش و پرورش مدرن که شامل تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در محوطه و ساختمان مدرسی است که به همین منظور ساخته شده‌اند (و از آن به سیستم متمرکز تعبیر می‌شود) زمان درازی به طول انجامیده است. تا قرن‌های زیادی، آموزش رسمی، فقط در دسترس اندک کسانی بود که پول و وقت کافی برای دنبال کردن آن در اختیار داشتند. پیش از اختراع چاپ در سال ۱۴۵۴ م کتاب‌ها با زحمت و مشقت بسیار، به‌صورت دستی نسخه‌برداری می‌شدند و به همین دلیل کمیاب و گران بودند. خواندن و نوشتن در زندگی روزانه بسیاری از مردم ضروری یا حتی سودمند نبود! برای اکثر مردم، بزرگ شدن به معنی آموختن عادات اجتماعی و مهارت‌های عملی بزرگسالان، از طریق «تقلید» بود.^۲

اوضاع و احوال روزگار پیشامدرن دچار تغییر شگرفی شده است. امروزه در کشورهای صنعتی سطح سواد بسیار بالاست. تقریباً همه اعضاء جامعه، از تعلق خود به جامعه اطلاع دارند. همه ما وارد فرآیند آموزش رسمی می‌شویم. واژه‌های چاپی، ارتباطات الکترونیکی و آموزش رسمی که از سوی مدارس و دانشگاه‌ها ارائه می‌شوند، پایه و اساس روش زندگی مدرن شده‌اند. فرآیند صنعتی شدن و گسترش شهرها، تأثیر فاحشی بر توسعه نظام آموزشی داشته است. تا چند دهه نخست سده نوزدهم میلادی،

اغلب

نظریه پردازان

مکتب «توسعه

آموزشی»،

آسیب‌های

موجود در سیستم

آموزش و پرورش و

نظام دانشگاهی

تحقیقاتی ایران

را منبع از

حاکمیت آموزش

سنتی با رویکرد

«پوزیتیویستی»

اثبات‌گرایانه، با

غلبه کمیّت بر

کیفیت می‌داند

که مناسب با

مختصات سده

بیستم میلادی

بوده و اثرگذاری

کیفی خود را

در عصر حاضر

و نظام تربیتی

مدرن، از دست

داده است!

«اکثریت» جمعیت، هرگز در مدرسه درس نخوانده بودند. گسترش اقتصاد صنعتی و بالا رفتن تقاضا برای تأسیس مدارس تخصصی و نیاز به نیروی کار باسواد و ماهر، موجب افزایش تمایز مشاغل و تفکیک آموزش از نهاد خانواده و انتقال آن به «آموزش رسمی تخصصی» گردید.^۳

تقریباً، مقارن با همین ایام، در ایران، اشکال اولیه آموزش تخصصی در عهد قاجار، در قالب تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ هجری نمود یافت. هرچند، در زمان «عباس میرزا» و «محمدشاه» به علم و صنعت جدید توجهی پیدا شد و خبرگان نظامی و مهندسان و «نقشه‌کشان» فرنگی به ایران آمدند و چند دسته شاگرد به فرنگستان روانه گردیدند، لکن، تأسیس مراکز آموزشی رسمی - تخصصی مستقر و با دامنه فعالیت گسترده و مؤثر در تحوّل اجتماعی عمیق در جامعه، توسط میرزا تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) صورت گرفت که حاصل آموخته‌های او در سفر به روسیه، عثمانی و اروپا بود.^۴

«رابرت واتسون» - کنسول وزارت خارجه انگلستان در ایران در عهد ناصرالدین‌شاه - آن‌چنان تحت تأثیر «اقدامات اصلاحی» شگرف امیرکبیر قرار گرفته بود که نوشت: «در میان همه رجال اخیر مشرق زمین و زمامداران ایران که نامشان ثبت تاریخ جدید است، میرزا تقی‌خان امیر نظام بی‌همتاست! دیو جانوس روز روشن با چراغ در پی او می‌گشت. به حقیقت سزاوار است که به‌عنوان اشرف مخلوقات به شمار آید! بزرگوار مردی بود.»^۵ از اقدامات اصلاحی - آموزشی امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ هجری تا عصر مشروطیت و نهضت مدرنیزاسیون در دوران پهلوی اول و دوم

معناگرایی عمقی) ناظر بر بُعد «روش‌شناختی» و آسیب‌شناسی متدولوژیک نظام آموزشی ایران است.^۸

اغلب نظریه‌پردازان مکتب «توسعه آموزشی»، آسیب‌های موجود در سیستم آموزش و پرورش و نظام دانشگاهی - تحقیقاتی ایران را منبعت از حاکمیت آموزش سنتی با رویکرد «پوزیتیویستی» - اثبات‌گرایانه - با غلبه کمیّت بر کیفیت می‌دانند که مناسب با مختصات سده بیستم میلادی بوده و اثرگذاری کیفی خود را در عصر حاضر و نظام تربیتی مدرن، از دست داده است! از این‌رو، راهکار برون‌رفت از تنگنای نظام آموزشی موجود و اُفت بازدهی آموزشی، تکیه بر رویکرد نوین علمی است که از آن، تحت عنوان، نظام آموزش تفهیمی مبتنی بر «نقد» یا نظریه «انتقادی - دیالکتیکی» یاد می‌شود.

نقد «راهبرد» و «روش‌شناسی» نظام آموزشی متمرکز ایران، می‌تواند کیفی‌گرایی را با کمیّت ترکیب کند، مفهوم‌گرایی را در کنار صورت‌گرایی بگنجانند، تفکر دینامیک یا پویایی‌گرایی را بر تفکر ثابت و ایستا رجحان دهد، دیدگاه چند بُعدی و چند سوبه‌نگری آموزشی را جایگزین یک سوبه‌نگری و دیدگاه تک‌بعدی (متکلم وحده محور بودن معلم) کند، اثرات ملموس و کاربردی کسب دانش علمی توسط محصلان را، جایگزین تکیه صرف بر محفوظات و خواندن‌ها نماید و نهایتاً، گسترش قلمرو ذهنی و جهان‌بینی فرد را مقدّم بر ایدئولوژی‌گرایی تقلیدی کورکورانه نماید.

این «دیالکتیک» ذهن و عین، یا علم و عمل است که منجر به خود روشنایی و شکوفایی فرد می‌شود، عالم خارج را به بهترین کیفیت نقد می‌کند، فاصله بین «دانش و ارزش» از بین می‌رود، مرز بین «علم و عمل» برداشته می‌شود و دادوستد بین علم و عمل صورت می‌گیرد.^۹

نگاهی به داده‌های بولتن «بازده نظام آموزشی ایران» که سالانه، با همکاری مشترک وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر می‌شود، دلالت بر رشد آموزشی، چه در عرصه مدارس و چه در بُعد آموزش آکادمیک در ایران، طی چهار دهه گذشته از انقلاب اسلامی دارد که اغلب نشانگر رشد شاخص‌های «کمی» آموزشی است؛ در بُعد موفقیت‌های نظام آموزش و پرورش ایران، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کاهش نرخ بی‌سوادی کل به کمتر از «هشت» درصد در فاصله سنین پنج تا ۶۵ ساله،
- افزایش تعداد معلم و کاردار پرسنلی به میزان سه برابر در مقایسه با چهل سال قبل،
- افزایش تعداد دانش‌آموزان اعم از حضوری و غیرحضوری در مدارس به میزان شش برابر،
- افزایش تعداد مدارس ساخته شده و فعال در سطح کل کشور (مدارس استاندارد) به هشت برابر،

که عمدتاً حول محور الگوگیری از آموزش مدرن کشورهای غربی توسعه یافته می‌چرخید تا دوره اخیر پس از انقلاب اسلامی، ایران، همواره با تلاش‌های «اصلاحی آموزشی»، روبرو بوده است. در این راستا، جامعه ایرانی - تقریباً - یک و نیم‌قرن است که در تکاپوی اصلاحات به سر می‌برد. هر فرد، هر سیستم اجتماعی و هر کشوری که علاقمند به رشد و پیشرفت و تکامل باشد، به‌طور طبیعی با مفهوم «رُرم» - اصلاحات - و تعدّد و بهبود روبرو است.^۶

با این وجود، علی‌رغم پیشرفت‌های «کمی» چشمگیر در عرصه نظام آموزشی در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی که نمودهای عینی آن، در تلاش‌های ارتقاء «سطح سواد» توسط «نهضت سوادآموزی» از رقم ۵۵ درصد در سال ۱۳۶۰ به قریب ۹۲ درصد در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ با افزایش کمیّ تعداد دانشجویان فارغ‌التحصیل، از رقم ۷۲۸۵۰۰ نفر تا قبل از انقلاب اسلامی، به رقم ۲۱/۲ میلیون نفر در سال ۹۸-۱۳۹۹ و سایر شاخص‌های آماری مثبت آموزشی منعکس است، از آنجا که هیچ اقدام اصلاحی آموزشی، بی‌نقص نیست، نظام آموزشی کنونی ایران، از خلاءها و کمبودهای مهمی نیز رنج می‌برد.^۷

در پژوهش‌های متعدّدی که حول خلاءهای موجود در نظام آموزش رسمی و متمرکز ایران انجام شده، می‌توان به ریشه‌های بنیادین مشترکی دست یافت که عموماً، ناظر بر «راهبرد نظام آموزشی» و «متدولوژی» یا روش‌شناسی حاکم بر آن است که به اختصار، عبارتند از: آسیب‌شناسی راهبردی - آسیب‌شناسی متدولوژیک. بر این اساس: «کمی‌گرایی به‌جای کیفی‌گرایی - صوری‌گرایی به‌جای مفهوم‌گرایی - ایستایی‌گرایی به‌جای پویایی‌گرایی - تک بُعدی‌گرایی به‌جای چند بُعدی‌گرایی - حافظه‌گرایی به‌جای کاربردگرایی - ایدئولوژی‌گرایی به‌جای جهان‌بینی‌گرایی» شش فاکتور کلیدی کلّی در آسیب‌شناسی نظام آموزشی است.

در این میان، سه فاکتور ایستایی‌گرایی (نظام آموزشی ایستا که نتوانسته خود را با تغییرات روزافزون انقلاب ارتباطات و مدرنیته حاکم بر بشر سده بیست و یکم میلادی تطبیق دهد) و ایدئولوژی‌گرایی (تقدّم معناگرایی ایدئولوژیک، بر گسترش تفکر جهان‌بینی علمی) و صوری‌گرایی (تقدّم صورت و ظاهر بر محتوی آموزشی)، ناظر بر بُعد «راهبردی» نظام آموزشی بوده و سه فاکتور کمی‌گرایی (تقدّم اعداد و ارقام در محاسبات رشد شاخص‌های آموزشی و بازده تحصیلی، به‌جای تأکید بر کیفیت آموزش پایه در مدارس و آموزش آکادمیک - دانشگاهی)، تک بُعدی‌گرایی (حاکمیت دیدگاه یک بُعدی نسبت به مقوله آموزش و پرورش، درحالی‌که آموزش و پرورش، فرآیندی چند سوبه و نیازمند مشارکت متقابل دانش‌آموز - معلم - خانواده است) و حافظه‌گرایی (به معنی تقدّم محفوظات بر مفاهیم و

افزایش رتبه‌های برتر المپیادهای دانش‌آموزی دانشجویی در عرصه‌های بین‌المللی به میزان «ده برابر»، هنگامی‌که در مقایسه با شاخص «رضایت‌مندی نخبگان» و «مهاجرت مغزها» قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود که طی چهار دهه گذشته بیش از ۹۸ درصد از نخبگان و برندگان جوایز المپیادی به دانشگاه‌های معتبر خارج از کشور مهاجرت کرده و پس از دریافت اقامت تحصیلی در مقصد مقیم شده و تنها حدود دو درصد از این مغزها به کشور بازگشته‌اند.



به منظور
برون رفت از
تنگناهای آموزشی
موجود در ایران

در راستای
ارتقای سطح
کیفی و بازده
نظام آموزشی
از مدرسه تا
دانشگاه)،
جایگزینی راهبرد
نوین «آموزش
تفهیمی مبتنی بر
نقد» و متدولوژی
متناسب با آن
است که می تواند
ظرفیت های
بالقوه و عظیم
موجود در
دانش آموزان،
دانشجویان،
معلمان، اساتید
و پژوهشگران
مستعد در کشور
را به فعل تبدیل
کرده و با توازن
بخشیدن به دو
بُعد «کمیت و
کیفیت» آموزشی،
ظرفیت های
گسترده موجود
در کشور را اعتلاء
بخشد.

مدرسه تا دانشگاه)، ناظر بر «بُعد کمی» و «روساختی» رشد آموزشی بوده است و مقایسه این شاخص های آماری کمی با معیارهای «کیفی»، فاصله معنی دار بین دو سطح عملکرد را نشان می دهد.

به عنوان مثال، افزایش تعداد معلّم و پرسنل آموزشی، به موازات افزایش شگرف تعداد دانش آموزان و متناسب با رشد بالای جمعیت در دهه های شصت تا هشتاد صورت نگرفته که این امر خود به تحمیل بار آموزشی بیشتر به معلمان منجر شده و منتج به کاهش ضریب رضایت مندی از حرفه، بویژه در دو دهه اخیر شده است.

از دیگر سو، افزایش رتبه های برتر المپیادهای دانش آموزی - دانشجویی در عرصه های بین المللی به میزان «ده برابر»، هنگامی که در مقایسه با شاخص «رضایت مندی نخبگان» و «مهاجرت مغزها» قرار می گیرد، مشخص می شود که طی چهار دهه گذشته بیش از ۹۸ درصد از نخبگان و برندگان جوایز المپیادی به دانشگاه های معتبر خارج از کشور مهاجرت کرده و پس از دریافت اقامت تحصیلی در مقصد مقیم شده و تنها حدود دو درصد از این مغزها به کشور بازگشته اند و از سوی دیگر، افزایش تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی به میزان «سی برابری»، لزوماً به معنای جذب نخبگان در بازار کار فعال جامعه نشده؛ چرا که آمار بیکاری بالای پنجاه درصدی فارغ التحصیلان مدارج عالی و تحصیلات تکمیلی دانشگاهی در ایران، بیانگر این حقیقت تلخ است که آموزش های اندوخته فارغ التحصیلان نظام آموزشی کشور، تکافوی جذب آنان در بازار کار را نداده و فاصله میان مهارت های آموخته شده با واقعیت جاری در کسب و کارها و تخصص ها شکافی بزرگ را نشان می دهد که انعکاس بیرونی آن در نرخ بیکاری بالای سطح متوسط فارغ التحصیلان دانشگاهی جلوه گر می شود.

حتی در خصوص شاخص های آماری کمی نیز مقایسه ای تطبیقی

- ارتقاء سطح مشارکت فعالان و خیرین مدرسه ساز در ساخت و تجهیز مدارس و آموزشگاه های تحصیلی، به بیش از ده برابر؛ به صورتی که ایران، به نسبت تمام کشورهای خاورمیانه بالاترین نرخ مشارکت مالی و کمک های داوطلبانه خیرین مدرسه ساز و خیرین نظام دانشگاهی را در سطح منطقه دارا می باشد.

- افزایش کسب رتبه های برتر المپیادهای منطقه ای و بین المللی توسط دانش آموزان نخبه ایرانی به میزان ده برابر و غیره. در بُعد توفیق های نظام آموزش دانشگاهی ایران می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- افزایش تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی (اعم از مؤسسات آموزش عالی - دانشگاه آزاد اسلامی - واحدهای پیام نور - دانشکده های پزشکی و پیراپزشکی و مؤسسات آموزش عالی انتفاعی و غیرانتفاعی) به بیش از سی برابر در مقایسه با چهل سال گذشته (۱۳۶۰-۱۳۹۹).

- ارتقاء ساختار آموزش آکادمیک به لحاظ احداث و توسعه فضاهای آموزش دانشگاهی از تعداد ۳۲ واحد دانشگاهی (مادر) در سال ۱۳۵۷ به ۲۴۸۲ واحد دانشگاهی در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰. - بالا رفتن مقدار بودجه تخصیص یافته به بخش «پژوهش و فناوری» از رقم هزینه «نیم درصد» نسبت به تولید ناخالص داخلی به یک و نیم درصد (افزایش سه برابری سهم بودجه)، - افزایش نسبت پژوهشگر به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت از ۸۷ نفر در سال ۱۳۷۲ به ۸۷۵۰ نفر در سال ۱۳۹۸ (افزایش حدود ده برابری)،

- ارتقاء سطح تخصیص هزینه «تحقیق و توسعه» (برحسب میلیارد دلار) و نسبت آن با تولید ناخالص ملی از رقم «دو دهم درصد» در سال ۱۳۷۳ به بیش از نیم درصد در سال ۱۳۹۸ (افزایش قریب به سه برابری) و... با نگاهی اجمالی به داده های فوق الذکر، به سادگی می توان دریافت که عمده توفیق های حاصل شده در زمینه بازده نظام آموزشی ایران (از

را بر افزایش بازده نظام آموزشی دارند، لذا با تقویت دیدگاه «شبکه‌ای» چندوجهی، توسعه اجتماعی می‌تواند از طریق تقویت سطح اعتماد عمومی و مشارکت فعال مردم و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت «سرمایه‌های اجتماعی» به‌عنوان محرک و نیروی پیشران در ارتقاء سطح بازده نظام آموزشی کشور عمل کرده تا زمینه و بستر لازم جهت نیل به توسعه موزون، همه‌جانبه و پایدار در جامعه فراهم گردد. ۱۳ ♦♦

منابع:

- ۱- مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای نهفت تولید علم: جنبش نرم‌افزاری و آزاداندیشی - دفتر دؤم کرمان - اسفندماه ۱۳۸۳ - صفحه ۷۹
- ۲- جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰، صفحه ۷۰۸
- ۳- همان منبع، صفحه ۷۰۹-۷۰۸
- ۴- امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت - تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۹۴، صفحه ۳۵۵-۳۵۳
- ۵- همان منبع، صفحه (الف) - پیشگفتار
- ۶- پژوهش‌سکده تعلیم و تربیت ایران: مجموعه مقالات پژوهشی دانش‌پژوهان جوان - پژوهش‌سکده تعلیم و تربیت استان کرمان، سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ (روش حل مسئله - خلاقیت - ایده‌پردازی) صفحه ۲۷۴-۲۷۳
- ۷- مرکز تحقیقات آموزش و راهبردی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران - دفتر تحقیقات اسنادی - انفورماتیک، سال ۱۳۹۹
- ۸- مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای نهفت تولید علم: جنبش نرم‌افزاری و آزاداندیشی، دفتر سوّم، کرمان ۱۳۹۳، صفحات ۲۹ تا ۳۱
- ۹- درس‌هایی در فلسفه علم‌الاجتماع: روش تفسیر در علوم اجتماعی، عبدالکریم سروش، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶، صفحات ۱۹۰-۱۸۸
- ۱۰- بولتن آموزشی جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم تحقیقات و فناوری، شماره‌های ۱ و ۱۰، سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۹۹
- ۱۱- مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای نهفت تولید علم: جنبش نرم‌افزاری و آزاداندیشی، دفتر اول، کرمان، آذرماه ۱۳۸۳، صفحات ۲۴ تا ۲۶
- ۱۲- مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای نهفت تولید علم: جنبش نرم‌افزاری و آزاداندیشی، دفتر سوم، کرمان ۱۳۹۳، صفحه ۳۲
- ۱۳- مجید فولادیان و زینب فاطمی امین، نظام آموزشی و بازدهی آموزشی: مطالعه تطبیقی ۷۰ کشور جهان، مجله تخصصی راهبرد فرهنگ، شماره هفتم، تهران، پاییز ۱۳۸۸

میان آمار منتشره ایران با برخی کشورهای هم‌تراز به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی و نیز مقایسه با وضعیت کشورهای همسایه و منطقه، نکات ظریفی را یادآوری می‌نماید.

با استناد به پایگاه‌های اطلاعاتی - ISI - که توسط یونسکو و از طریق رده‌بندی نرخ «تولیدات علمی کشورها» به‌صورت مقایسه‌ای، منطقه‌ای و جهانی ارائه می‌شود، در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی نرخ «تولید علم» در ایران پایین‌تر از کشورهای هم‌تراز به لحاظ توسعه، کشورهای همسایه و کشورهای منطقه، مانند مصر، ترکیه و عربستان سعودی بوده است. بویژه، نکته هشدارآمیزتر آنکه نرخ تولید علم ایران در زمینه «هنر و علوم انسانی» عددی نزدیک به «صفر» را نشان می‌دهد. حال آنکه در همین بازه زمانی، نرخ تولید علم در بُعد «هنر و علوم انسانی» در ترکیه سه درصد، مصر یک درصد، کویت و عربستان سه‌هزارم درصد و پاکستان دوهزارم درصد بوده است.^{۱۱} تعداد «دانشگاه‌های معتبر» ایران در سطح نظام آموزش بین‌المللی از دوازده در سال ۱۳۵۷، به دو (شامل دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران) در سال ۲۰۲۰ میلادی کاهش یافته و در حال حاضر هیچ مجموعه دانشگاهی در ایران در زمره پانصد دانشگاه معتبر جهان نمی‌گنجد و زمانی که این شاخص، با مسئله مهاجرت نخبگان در تطابق قرار می‌گیرد، وجود ربط منطقی و معنی‌دار میان این فاکتورهای حساس رخ می‌نماید.^{۱۲} به‌منظور برون‌رفت از تنگناهای آموزشی موجود در ایران و در راستای ارتقای سطح کیفی و بازده نظام آموزشی (از مدرسه تا دانشگاه)، جایگزینی راهبرد نوین «آموزش تفهیمی مبتنی بر نقد» و متدولوژی متناسب با آن است که می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه و عظیم موجود در دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان، اساتید و پژوهشگران مستعد در کشور را به فعل تبدیل کرده و با توازن بخشیدن به دو بُعد «کمیت و کیفیت» آموزشی، ظرفیت‌های گسترده موجود در کشور را اعتلاء بخشد.

از آنجا که در نتیجه انواع تحقیقات کیفی انجام شده در رابطه با تأثیر «نوع نظام‌های آموزشی» (متمرکز، نیمه‌متمرکز و غیرمتمرکز) بر «بازدهی آموزشی»، مشخص شده که: اولاً، نظام‌های آموزشی غیرمتمرکز در مقایسه با نظام‌های آموزشی متمرکز و نیمه‌متمرکز از بازدهی بالاتری - چه در سطح جهان و چه ایران - برخوردارند، لذا، مینا قرار دادن نظام غیرمتمرکز متناسب با هویت‌های بومی - منطقه‌ای - قومی در نقاط مختلف کشور می‌تواند به توسعه کیفی بازده نظام آموزشی منجر شود. ثانیاً، با عنایت به آنکه، مطابق نتایج تحقیقات صورت گرفته در خصوص وجود رابطه همبستگی بین سطوح سه‌گانه توسعه (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) با بازدهی آموزشی مشخص شده که فاکتورهای کلیدی «توسعه اجتماعی»، «توسعه سیاسی» و «توسعه اقتصادی»، به ترتیب، بالاترین تأثیر معنی‌دار

* مطابق آمار یونسکو در سال ۲۰۲۰ م تعداد ۲۷۵ مقاله ارائه‌شده از سوی ایران جهت چاپ در مجلات تخصصی - ISI - و ۷۵۰ مقاله از کشور چین و ۳۱۰ مقاله از روسیه که در زمره مقالات نامعتبر و کپی شده، از سوی یونسکو تشخیص داده شده و از لیست رتبه‌بندی مقالات حذف شده‌اند، از طریق مجلات غیرمعتبر، تحت عنوان «نشریات هیولا» - Predators Sources - منتشر شده، اما نهایتاً، پس از تشخیص عدم صحت علمی مقالات و پرداخت رشوه مالی جهت چاپ مقالات، از فهرست رده‌بندی حذف شده و جزو تولیدات علمی معتبر، به حساب نیامده‌اند.

رویدادها



رئیس اتاق کرمان: یک قانون نانوشته مانع تولید است

(۱۱ فروردین، ۱۴۰۰)

نانوشته در کشور وجود دارد که مانع تولید است، زیرا مگر می‌شود با وجود نام‌گذاری بیش از ۱۰ سال از سوی عالی‌ترین مقام کشور در راستای حمایت از تولید و تصویب قوانینی مانند بهبود محیط کسب‌وکار، رفع موانع تولید و... هنوز کاری برای تولید نشده باشد.

رئیس اتاق کرمان در نشست بررسی راهکارهای تحقق شعار سال (تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها) که با حضور فعالان اقتصادی استان و اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی برگزار شد، گفت: به اعتقاد بخش خصوصی یک قانون



معاون اتاق ایران: کارشناسی‌های دقیق را به اتاق کرمان واگذار می‌کنیم

(۱۴ فروردین، ۱۴۰۰)

معاون حقوقی و امور مجلس اتاق ایران در نشست با رئیس و دبیر هیئت‌رئیس‌ه اتاق، رئیس و کارشناسان مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان و واحد انتشارات با اشاره به توان بالای پژوهشی و تحقیقاتی اتاق کرمان، گفت: هر زمان که در اتاق ایران نیاز به کار کارشناسی دقیق داریم، فعالیت‌ها را به اتاق کرمان واگذار می‌کنیم.



«گروه کاری» توسعه تجارت با اوراسیا آغاز به کار کرد

(۲۲ فروردین، ۱۴۰۰)

«گروه کاری» بررسی راهکارهای توسعه تجارت با کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا در نشستی با حضور رئیس اتاق کرمان و نمایندگان سازمان‌های مرتبط از جمله سازمان صنعت، معدن و تجارت شمال و جنوب استان، سازمان جهاد کشاورزی شمال و جنوب استان، استانداری، اداره گمرک، استاندارد و راهداری و حمل‌ونقل شمال و جنوب استان آغاز به کار کرد.





رئیس اتاق کرمان: گردشگری یکی از حوزه‌های تغییر رویکرد سرمایه‌گذاری کرمان است

(۲۴ فروردین، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان در نشست کمیسیون گردشگری و صنایع دستی اتاق با تأکید بر این‌که رویکرد سرمایه‌گذاری کرمان باید از حوزه معدن به سایر حوزه‌ها تغییر کند، گفت: گردشگری در کنار کشاورزی، صنایع بازیافت و صنایع دانش‌بنیان از حوزه‌های پیشنهادی برای تغییر رویکرد سرمایه‌گذاری است.



اولویت‌های فعالیت کمیسیون بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان در سال ۱۴۰۰ پیشنهاد شد

(۲۵ فروردین، ۱۴۰۰)

در نشست کمیسیون بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان اولویت‌های پیشنهادی برای فعالیت این کمیسیون در سال جاری پیشنهاد داده شد و موارد مورد تأیید برای اعمال در برنامه کمیسیون به تصویب رسید.



یادداشت رئیس اتاق کرمان: دولت بستر را برای تمرکز بخش خصوصی بر تولید مهیا کند

(۲۵ فروردین، ۱۴۰۰)

سیدمهدی طبیب‌زاده، رئیس اتاق کرمان در یادداشتی برای پایگاه خبری اتاق ایران، فراهم کردن زمینه‌ای از سوی دولت برای تمرکز فعالان اقتصادی بر تولید و تجارت را مهم‌ترین جنبه حمایت از این بخش دانست.

رئیس اتاق کرمان:

توسعه متوازن استان از محور صادرات می‌گذرد

(۲۶ فروردین، ۱۴۰۰)

سیدمهدی طبیب زاده، در شصتیمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان گفت: مسیر توسعه متوازن

و پایدار استان کرمان در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... از صادرات به عنوان محور اقتصاد می‌گذرد. وی افزود: باید مدل مفهومی برای توسعه صادرات استان در نظر گرفت زیرا صادرات تنها راه نجات تولید و تولید تنها ناجی استان و کشور است.



ثبت ملی پنج شهر صنایع دستی استان پیگیری می‌شود

(۰۱ اردیبهشت، ۱۴۰۰)

در نشست مشترک جمعی از اعضای کمیته صنایع‌دستی کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان و انجمن صنایع‌دستی استان، پیگیری ثبت ملی پنج شهر صنایع‌دستی استان کرمان بررسی شد. در این نشست تصمیم گرفته شد اقدامات لازم برای ثبت ملی پنج شهر کرمان، راور، قلعه گنج، شهرابک و راین انجام و این فعالیت‌ها با همکاری کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان، انجمن صنایع‌دستی و پژوهشکده صنایع‌دستی استان صورت گیرد.



رئیس اتاق کرمان: «بینیم تهران چه می‌گوید؟» از ادبیات توسعه استان حذف شود

در دستگاه‌های مختلف باید جمله «بینیم تهران چه می‌گوید؟» از ادبیات توسعه و تولید استان حذف و جمله «در کرمان می‌توان پاسخگوی نیاز متقاضیان بود» جایگزین آن شود.

(۱۱ اردیبهشت، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان در نشست کارگروه تحقق شعار سال با حضور استاندار کرمان، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس و سایر مدیران استان گفت: در انجام امور و واگذاری مجوزها



سرکنسول ایران در میلان: بازار ایتالیا گزینه مناسبی برای توسعه صادرات خرماسست

توسعه صادرات خرمای کشور است، گفت: برای معرفی بیشتر این محصول در بازارهای شهرهای مختلف ایتالیا و دست‌یابی به بازار هدف مستمر و رو به رشد و حضور گسترده، باید نقشه راهی مشخص با در نظر گرفتن همه جنبه‌های تجاری و فرهنگی آن کشور تدوین کرد.

(۱۱ اردیبهشت، ۱۴۰۰)

سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در میلان در نشست مجازی رئیس اتاق کرمان و جمعی از فعالان اقتصادی استان با موضوع توسعه تجارت خرما در میلان، با اشاره به این‌که بازار ایتالیا گزینه مناسبی برای



رئیس اتاق کرمان: شعار سال با استقرار پنجره واحد سرمایه‌گذاری تحقق می‌یابد



(۱۰ اردیبهشت، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان در نشست بررسی اطللس سرمایه‌گذاری استان گفت: «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» به عنوان شعار سال ۱۴۰۰ با استقرار پنجره واحد سرمایه‌گذاری و صدور مجوزها و همچنین سیستم اطللس سرمایه‌گذاری‌ها در استان کرمان تحقق می‌یابد.

مشارکت اتاق کرمان در واکسیناسیون سالمندان

(۱۲ اردیبهشت، ۱۴۰۰)

اتاق کرمان در ادامه انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود، با دانشگاه علوم

پزشکی کرمان، آموزش و پرورش کرمان و جامعه پرستاران بازنشسته، در اجرای طرح واکسیناسیون افراد بالای ۸۰ سال همکاری و مشارکت دارد.



رئیس اتاق کرمان: اقتصاد دانش بنیان می‌تواند زمینه همکاری با مجارستان باشد

(۱۵ اردیبهشت، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان در نشست مجازی بررسی همکاری‌های مشترک کرمان و مجارستان گفت: کشاورزی، ذخیره آب، انرژی‌های تجدید

پذیر، صنایع بازیافت، صنایع خلاق، محصولات گلخانه‌ای که همه آن‌ها بر پایه اقتصاد دانش بنیان خواهد بود، می‌تواند زمینه همکاری استان با مجارستان باشد.



سفیر ایران در هند: امکان همکاری کرمان و هند در محصولات کشاورزی و سنگ‌های ساختمانی وجود دارد

(۳۰ اردیبهشت، ۱۴۰۰)

سفیر ایران در هند گفت: امکان همکاری کرمان و هند در حوزه‌های مختلف بویژه محصولات کشاورزی از جمله پیاز و سنگ‌های ساختمانی وجود دارد. علی‌چگینی در نشست بررسی همکاری‌های اقتصادی کرمان و هند افزود: بخش خصوصی باید در کنار دولت موانع صادرات را برطرف

و زمینه ارائه آموزش صحیح صادرات و واردات برای تجار را فراهم کند. وی یکی از زمینه‌های همکاری دو طرف را پیاز عنوان کرد و افزود: قطر محصول پیازی که به هند صادر می‌شود نباید بیش از ۵ سانتیمتر باشد و یا میزان سمومی که استفاده شده باید شامل استانداردهای مربوطه باشد که تجار ایرانی باید این مسائل را آموزش ببینند و رعایت کنند.



رئیس اتاق کرمان: برای تحقق شعار سال تعارف را کنار بگذاریم

(۳۰ اردیبهشت، ۱۴۰۰)

افزود: با وجود دعوت قبلی، هیچ نماینده‌ای از این مجموعه در نشست کارگروه شرکت نکرده است. وی از دستگاهها و سازمان‌های مختلف درخواست همراهی لازم در پاسخ به استعلامها را مطرح کرد و افزود: برخی دستگاهها پاسخ به خواسته‌ها را منوط به پاسخ گرفتن از تهران می‌دانند درحالی‌که این موضوع جز اتلاف هزینه و زمان و منصرف کردن سرمایه‌گذار چیز دیگری در پی نخواهد داشت.

رئیس اتاق کرمان گفت: برای تحقق شعار سال مبنی بر تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها، باید تعارف‌ها را کنار بگذاریم. سیدمهدی طبیب زاده در نشست کارگروه تحقق شعار سال، با بیان این‌که مقرر بود در این نشست شرکت شهرک‌های صنعتی به بیان مشکلات واحدهای تولیدی با شرکت‌های آب، برق، گاز و ... بپردازد،



رئیس اتاق کرمان: اضمحلال منابع کشور به قیمت خرید محبوبیت است

(۰۱ خرداد، ۱۴۰۰)

حضور رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران گفت: اضمحلال منابع و انرژی در کشور به قیمت خرید محبوبیت انجام می‌شود زیرا می‌خواهند همه راضی باشند.

رئیس اتاق کرمان در نشست بررسی مسائل حوزه سیاست‌گذاری انرژی با



ارائه مدل ۵+۵ برای توسعه تجارت با روسیه

(۰۲ خرداد، ۱۴۰۰)

در نشست مجازی بررسی بازار روسیه با تکیه بر ایجاد دفتر تجاری در این کشور، با حضور رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق کرمان و رئیس اداره کشورهای صنعتی و دبیر میز روسیه سازمان توسعه تجارت ایران و جمعی از فعالان اقتصادی استان، مدل ۵+۵ برای توسعه صادرات ایران و بویژه کرمان به روسیه ارائه شد.





روابط عمومی اتاق کرمان رتبه برتر جشنواره «چراغ روشن رابطه» را کسب کرد

(۰۳ خرداد، ۱۴۰۰)

همزمان با پایان هفته روابط عمومی و ارتباطات، برگزیدگان نخستین جشنواره «چراغ روشن رابطه» معرفی شدند که روابط عمومی اتاق کرمان در جمع رتبه‌های برتر قرار گرفت. «محمدعلی جمشیدی» مدیر روابط عمومی اتاق کرمان با ارسال یادداشتی با عنوان «بخش خصوصی حاکم میدان روابط عمومی» در جمع آثار برتر این جشنواره قرار گرفت.

رئیس اتاق کرمان: توسعه با ارزش افزوده ضرورت استان است

(۰۸ خرداد، ۱۴۰۰)

دانش‌بنیان با بیان این‌که اقتصاد استان باید از تکیه بر منابع به سمت تکیه بر دانش تغییر یابد، گفت: تغییر رویکرد توسعه استان از وضعیت فعلی به سمت توسعه با ارزش افزوده ضروری است.

رئیس اتاق کرمان در شصت و یکمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی توسعه شرکت‌های



برنامه‌ریزی برای ثبت ملی تمدن قناتی بم آغاز شد

(۰۹ خرداد، ۱۴۰۰)

همین زمینه نشست با فرماندار بم، نمایندگان اداره‌های مرتبط، «محمد برشان» کارشناس مؤثر در ثبت جهانی قنوات جویبار و قنوات قاسم‌آباد و اکبرآباد بروات و جمعی از فعالان این حوزه برگزار شد.

دفتر نمایندگی اتاق کرمان در شرق استان برای حفظ و صیانت از قنوات منطقه، برنامه‌ریزی برای ثبت ملی تمدن قناتی بم را با کمک دستگاه‌های مربوطه و انجمن احیا آغاز کرده که در





رئیس اتاق کرمان: اجرای پنجره واحد الکترونیکی می‌تواند زمینه همکاری مشترک کرمان و مالزی باشد

(۱۲ خرداد، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان در نشست مجازی توسعه همکاری‌های تجاری کرمان و مالزی، تهیه نقشه راه را پیش‌نیاز هر اقدام عالمانه برای توسعه همکاری‌های تجاری کرمان و مالزی دانست و گفت: مالزی در اجرای پنجره واحد الکترونیکی و توسعه صنعتی بسیار موفق عمل کرده که در این حوزه‌ها می‌توان زمینه همکاری مشترک را ایجاد کرد.

رئیس اتاق کرمان: گردشگری استان باید برای استقبال از گردشگران خارجی آماده شود

(۱۳ خرداد، ۱۴۰۰)

جهانی مردم، پس از پایان کرونا، حتماً استقبال خوبی از توریست‌های خارجی خواهیم داشت و استان باید خود را برای جذب این توریست‌ها و ارائه خدمات در سطح بین‌المللی آماده کند.

رئیس اتاق کرمان در نشست مدیران و فعالان صنعت گردشگری استان با نمایندگان صنعت گردشگری کشور مجارستان گفت: با واکسیناسیون



رئیس اتاق کرمان: ادامه قطعی برق صنایع بحران افزایش بیکاری را در پی دارد

(۱۷ خرداد، ۱۴۰۰)

در رابطه با قطعی برق صنایع بدون نظر و تعامل ذی‌نفعان و ذی‌ضرران اتخاذ شده که صحیح نیست زیرا این تصمیمات زیان‌آور و ادامه این روند، بحران‌های زیادی بویژه بحران ناشی از بیکاری را ایجاد می‌کند.

رئیس اتاق کرمان در سومین نشست کارگروه تحقق شعار سال با موضوع بررسی اثرات خاموشی برق در صنایع استان، گفت: تصمیمات



رئیس اتاق کرمان: پاشنه آشیل مشاغل خانگی توسعه بازار است

(۲۲ خرداد، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان در شصت و دومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی مسائل و مشکلات مشاغل خانگی با اشاره به این‌که در موضوع توسعه پایدار، شاخص پرداختن به مشاغل خانگی بسیار اهمیت دارد، گفت: پاشنه آشیل مشاغل خانگی توسعه بازار، برندینگ و بسته‌بندی است که باید به این بخش‌ها پرداخته شود.



مشکلات انتقال ارز صادرکنندگان از هند بررسی شد

(۲۴ خرداد، ۱۴۰۰)

کرمان، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری و همچنین نماینده یوکو بانک هند در ایران بررسی و پیشنهادهایی برای چگونگی تسهیل در انتقال پول مطرح شد.

مسائل و مشکلات انتقال ارز صادرکنندگان از هند در نشستی مجازی با حضور رئیس اتاق کرمان، رئیس کمیسیون بیمه، بانک و مالیات اتاق





اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی کرمان
بخش آموزش

ویژه تابستان

پکیج جامع

صادرات و واردات

ردیف	نام دوره	تاریخ برگزاری	مدرس
۱	آموزش گام به گام مراحل صادرات کالا	۲۴ تیر	آقای دکتر ناصری
۲	اینکوترمز 2020	۲۸ تیر	آقای دکتر رسولی
۳	رفع تعهد ارزی صادرات و تامین مالی صادرات	۶ مرداد	آقای دکتر محقق
۴	قوانین واردات کالا	۱۴ مرداد	آقای دکتر سعیدی
۵	سامانه جامع تجارت	۲۱ مرداد	آقای دکتر ناصری
۶	امور گمرکی و ترخیص کالای صادراتی	۲۵ مرداد	آقای دکتر گرزین
۷	حمل و نقل بین المللی و ترانزیت کالاهای صادرات	۴ شهریور	آقای دستمردی
۸	بیمه، حمل و نقل کالا	۱۱ شهریور	آقای ذوالفقاری
۹	قراردادهای تجاری بین المللی و موارد حقوقی صادرات	۱۸ شهریور	آقای دکتر خلیلی
۱۰	اصول و فنون مذاکرات تجاری	۲۳ شهریور	آقای دکتر طهرانی
۱۱	تحلیل بازارهای صادراتی	۳۱ شهریور	آقای دکتر استقلال

قیمت هر رویداد: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

قیمت کل پکیج: ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۲۴۳۵۱۴۷ یا واتساپ ۰۹۱۳۰۷۸۰۵۴۳

آموزش اتاق کرمان تماس حاصل فرمایید.



هدف

بهبود مستمر فضای کسب و کار

به معنای ایجاد سهولت، سرعت و شفافیت است که از طریق ایجاد دسترسی آسان به کل اجزای سیستم صدور مجوزها، ارتقای زیرساخت های تعاملی دستگاه ها، ایجاد امکان رصد و پایش یکپارچه کل سیستم فراهم می گردد.

تعریف

پنجره واحد درگاهی است که در آن، تمامی اسناد و مدارک موردنیاز برای سرمایه‌گذاری در یک نقطه که همان دستگاه اصلی است تحویل گرفته می‌شود، تمامی مجوزها و استعلام‌های موردنیاز از دستگاه‌های فرعی با مرکزیت این مجرا اخذ می‌شود و نهایتاً مجوز نهایی صادر و تحویل متقاضی می‌شود.